

بسم الله الرحمن الرحيم

راهبرد های عملیاتی
سند چشم انداز کلانشهر تهران



سید احمد نبوی

سرشناسه:	نبوی، سیداحمد، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور:	راهبردهای عملیاتی سند چشم‌انداز کلانشهر تهران / نویسنده سیداحمد نبوی.
مشخصات نشر:	تهران: سروش برتر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۲۵۴ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۱۶-۴-۱
وضعیت فهرست‌نویسی:	فبیا
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	شهرداری -- ایران -- تهران
موضوع:	Municipal Government -- Iran -- Tehran
موضوع:	شهرداری -- ایران -- تهران -- برنامه‌ریزی
موضوع:	Municipal Government -- Planning -- Iran -- Tehran
موضوع:	شوراهای اسلامی -- ایران -- تهران
موضوع:	Islamic Councils -- Iran -- Tehran
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۶ ن۲۹ت/ JS۷۴۶۹
رده‌بندی دیویی:	۳۵۲/۵۵۱۲۲



سروش برتر همت

راهبردهای عملیاتی سند چشم‌انداز کلانشهر تهران

پدیدآورنده: سید احمد نبوی

ناشر: سروش برتر

مدیر اجرایی: مهسا جمشیدی

مدیر هماهنگی: مهدی توحیدی

مدیر ویراستاری: نفیسه میرگلوی بیات

طراح جلد: محمد کاکاوند

گرافیک: علی آبشناس

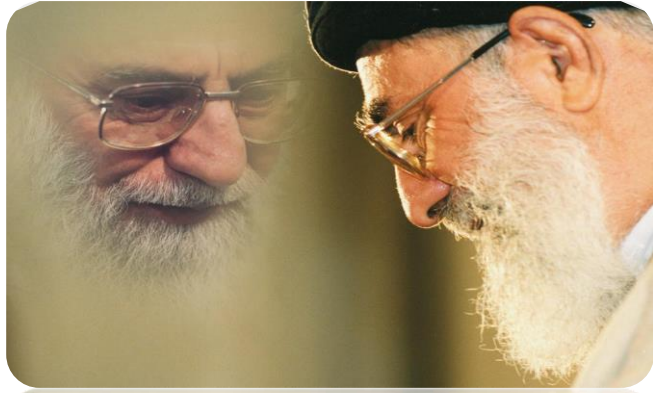
چاپ سوم: ۱۳۹۷

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

دفتر انتشارات: کرج، فردیس فلکه پنجم شهرک ناز نرسیده به میدان بیمارستان مجتمع اسمانی ۲، بلوک C، طبقه اول واحد ۱

شابک: ۱ - ۴ - ۹۷۲۱۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قیمت: ۲۱۰۰۰۰ ریال



مقام معظم رهبری:

"یکی از وظایف دانایان و خردمندان و نخبگان یک کشور، نگاه به آینده است. ما میخواهیم بیست سال بعد چه جور ایرانی داشته باشیم، این مهم است. اگر دربارهی اقتصاد بحث میکنیم، دربارهی علم بحث میکنیم، دربارهی فناوری بحث میکنیم، دربارهی اخلاق و معرفت بحث میکنیم، هدف این است که معلوم باشد ما برای مقطع بیست سال بعد چه جور ایرانی را میخواهیم. خوب حالا ما چشم انداز بیست ساله را ده یازده سال قبل از این مطرح کردیم که تا ۱۴۰۴ است؛ خیلی خوب، حالا البته ارزیابی ها مختلف است که در این ده سالی که گذشته، آیا به قدر ده سال پیش رفتیم یا به قدر پنج سال پیش رفتیم یا به قدر دوازده سال و پانزده سال پیش رفتیم؛ نظرات مختلف است. ما چه جور ایرانی را میخواهیم بیست سال بعد داشته باشیم. بیست سال بعد دانشجویان امروز در مسندهای مدیریتی قرار دارند، کشور را اداره میکنند؛ اهمیت کار شما استادان و مسئولان دانشگاه ها اینجا است؛ یعنی این کسانی که امروز دانشجوی شما هستند، بیست سال بعد اینها رئیس جمهورند، وزیرند، نمایندهی مجلسند، مدیر فلان دستگاهند، یعنی کشور دست اینها است؛ شما میخواهید بیست سال بعد چه داشته باشید؟ این نکتهی بسیار مهمی است، سؤال مهمی است، دغدغه و اشتغال ذهنی مهمی است که دانایان کشور و خردمندان کشور که شماها از آن جمله هستید، نمیتوانند نسبت به آن چشم پوشی کنند."

﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾

"و کسانی که دعوت پروردگارشان را پاسخ مثبت داده‌اند و نماز برپا
کرده‌اند و کارشان در میانشان به صورت مشورت است و از آنچه روزیشان
داده‌ایم انفاق می‌کنند". (سوره مبارکه شورا آیه ۳۸)

فهرست

مقدمه	۹
تهران را بهتر بشناسیم	۱۱
چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی	۱۷
سیاست‌های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری در بخش شهرسازی	۱۹
چرا سند چشم‌انداز؟	۲۱
شناختی از شورای شهر	۳۰
مدیریت شهری تهران در یک نگاه	۳۷
فصل اول: کمیته محیط زیست	۴۶
فصل دوم: کمیته حمل و نقل و ترافیک شهری	۷۸
فصل سوم: کمیته حوادث و بحران	۹۶
فصل چهارم: شهر هوشمند	۱۰۳
فصل پنجم: کمیته اقتصاد مدیریت شهری	۱۰۹
فصل ششم: نخبگان شهری	۱۲۰
فصل هفتم: بافت فرسوده	۱۲۷
فصل هشتم: روسازی‌های معابر و بزرگراه‌ها	۱۳۲
فصل نهم: فضای سبز	۱۳۷
فصل دهم: آسیب‌های اجتماعی	۱۴۴
فصل یازدهم: ایده‌های کلان مدیریت شهری	۱۶۶
گفتمان اول: انتخاب مستقیم شهردار توسط مردم	۱۶۷
گفتمان دوم: طرح انتقال پایتخت	۱۷۶
گفتمان سوم: رفراوندوم شهری	۱۸۵
گفتمان چهارم: حقوق شهروندی	۱۸۸

فصل دوازدهم: مقالاتی در حوزه مدیریت شهری	۲۰۰
اهداف سیستم مدیریت شهری	۲۰۱
مرامنامه ی حزب همدلی مردم تهران	۲۰۳
چگونه کارکرد شوراهای شهر و شهرداریها را ارتقا دهیم؟	۲۰۹
شهروند مؤثر کیست؟	۲۱۲
تفاوت "تفکر توسعه یافته" و "تفکر عقب مانده"!	۲۱۳
بررسی معضلات محیط زیستی	۲۱۶
منابع آب تهران	۲۱۶
ما می توانیم شهری سالم بسازیم	۲۲۰
شورای شهر در نظام سیاسی	۲۲۲
حاشیه نشینی یا اسکان غیر رسمی!	۲۲۴
فضای عمومی شهری	۲۲۶
آلودگی هوا	۲۲۹
یکی از راههای جلوگیری از شهرفروشی توسط شهرداری	۲۳۴
فصل سیزدهم: نگاهی بر مطبوعات و رسانه های خبری	۲۳۶
هر کوهنورد یک محیط بان	۲۳۷
مردم دیگر اشتباهات گذشته را تکرار نخواهند کرد	۲۳۹
حفظ محیط زیست در گرو استفاده از انرژی های نو	۲۴۳
عوامل طراحی، ساخت و آبگیری سد گتوند محاکمه شوند	۲۴۷
بحران آب، موضوعی ملی	۲۴۹
در ۱۴۰۰ باید به سمت نظام پارلمانی حرکت کنیم.....	۲۵۲

مقدمه^۱

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

ابره شهر تهران با رشد فزاینده ای که در سه دهه اخیر از نظر وسعت و جمعیت داشته به یکی از بزرگترین کلانشهرهای دنیا مبدل شده است، اما این رشد بی رویه، مشکلات و معضلات عدیده ای را به وجود آورده به گونه ای که امروز شهروندان تهرانی را با سختیها و ناملایمات بسیاری روبرو کرده است.

براساس گزارش پایگاه معتبر اینترنتی تحلیلی "اکنونیست" تهران از میان ۱۴۰ شهر بزرگ جهان در جایگاه ۱۲۶ از نظر شاخصهای کیفی زندگی شهری قرار دارد. مواردی نظیر آلودگی هوا، ترافیک، گرانی و نرخ بالای مسکن، مشکلات حمل و نقل و غیره مواردی هستند که در این تنزل رتبه دخالت مستقیم دارند. شایان ذکر است که اساس و تاکید نگارندگان و تدوین کننده این سند بر آرا و نظرات مردمی بوده و یکایک مواردی که در این کتاب بیان شده با دقت و ظرافت بی نظیر اساتید متخصص و مبتنی بر نیازهای روز شهروندان تهرانی تهیه و تدوین شده است.

سندی که پیش روی شماست حاصل تلاش نخبگان و متخصصین حوزه های مختلف مدیریت شهری می باشد، فارغ از هرگونه نگرش جناحی، سیاسی و حزبی و نیز از بطن خود مردم و شهروندان تهرانی که با هدف بهبود شرایط عمومی زندگی شهروندی طی ماهها

^۱ دکتر مهدی کریمی تفرشی: مدرس دانشگاه، تنها دارنده نشان شوالیه اروپای مرد سال صنعت غذای ایران سفیر غذای سالم در کشور، رئیس هیئت مدیره تعاونی تولیدکنندگان مواد غذایی هم صنف و صنایع غذایی گلها، نائب رئیس خانه صنعت و معدن جوانان تهران، مشاور بیش از ده تشکل سازمان و انجمن مختلف صنفی، مدیر برتر منطقه ای از طرف سازمان ملل در تهران، دارنده نشان جهادگر خود کفایی، انتخاب کارآفرین برتر از سوی سازمان ها و نهاد های مختلف طی چندین دوره متوالی مولف بیش از شش عنوان کتاب در زمینه های مختلف.

تحقیق و بررسی های مجدانه همراه با خرد جمعی تهیه و در اختیار شما هموطنان گرامی قرار گرفته است.

سند چشم انداز ابر شهر تهران در واقع یک راهکار عملیاتی برای برون رفت شهرمان از بحران های کنونی و نیل به سوی شهری آباد و سالم، به دور از مشکلات و معضلات متلاطمه کنونی است.

این سند به معنای واقعی کلمه، میثاق نامه کسانی است که دلسوزانه، خالصانه و با نگرشی ژرف اهداف و برنامه های اجرایی خود را ضمن شناخت کامل معضلات، جهت شناخت و آگاهی شما از اهدافشان تقدیم حضور پرمهرتان مینمایند و در نهایت صداقت و شرافت به اجرای آن متعهدند.

بنا بر دلایل متعدد در انتخاب سرفصلهای این سند تلاش کرده ایم که مهم ترین مشکلات شهرمان را با دقت و ظرافت بررسی و راهکارهای اجرایی آنها را بدون اغراق و بدور از هر گونه بزرگنمایی و با شفافیت هر چه تمام تر در تمامی حوزه ها عرضه کنیم. در تدوین این کتاب کوشیده ایم تا علاوه بر واکاوی تخصصی کاستی ها و کمبودهای شهرمان آنرا طوری طراحی کنیم که همگان با هر نوع سلیقه و نگرشی بتوانند از محتوای این سند بهره کافی و لازم را ببرند.

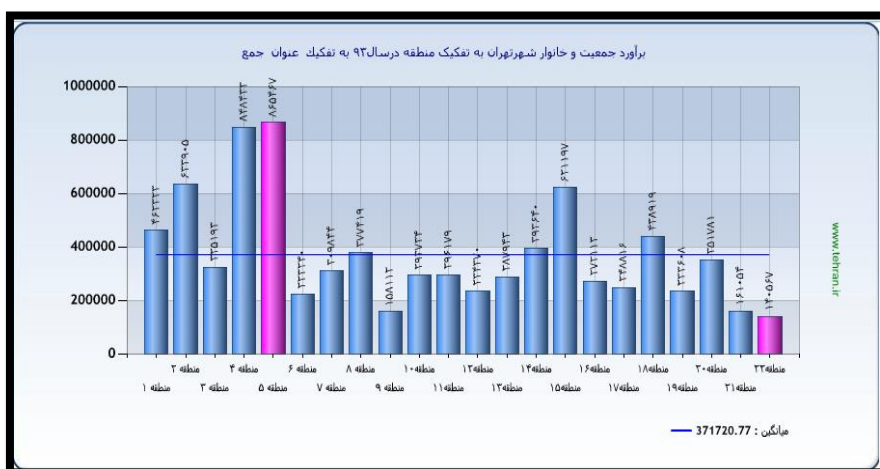
بدیهی است که شاید پس از مطالعه این کتاب، مواردی نیز از دیدگاه شما مخاطب فهیم قابل ارائه باشد اما تاکید تدوین کننده ی سند بر ارائه موارد اصلی و اهم معضلات شهر تهران می باشد.

امید است با استعانت از درگاه ایزد متعال و به پشتوانه شما مردم فکور و آگاه با مساعدت و همدلی آحاد شما گرامیان، خدمتگذاران شما بتوانند به عهدی که با شما بسته اند و آن را تقدیم حضورتان کرده اند به کمال اهتمام ورزند.

انشاء الله

تهران را بهتر بشناسیم

تهران پایتخت ایران، مرکز استان تهران با مساحت ۷۳۰ کیلومتر مربع پرجمعیت ترین شهر کشور می باشد، بیست و پنجمین شهر پرجمعیت و بیست و هفتمین شهر بزرگ جهان نیز به شمار می آید.



در شمال کشور و جنوب دامنه رشته کوه البرز در ۱۱۲ کیلومتری جنوب دریای خزر، در حدّ فاصل طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲ دقیقه شرقی تا ۵۱ درجه و ۳۶ دقیقه شرقی، به طول تقریبی ۵۰ کیلومتر و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه شمالی تا ۳۵ درجه و ۵۰ دقیقه شمالی به عرض تقریبی ۳۰ کیلومتر واقع شده است. ارتفاع شهر در بلندترین نقاط شمال به حدود ۲۰۰۰ متر و در جنوبی ترین نقاط به ۱۰۵۰ متر از سطح دریا می رسد. از شمال به شهرستان شمیرانات و استان البرز از شرق به شهرستان پردیس، از جنوب به شهرستان های پاکدشت، ورامین، ری و اسلامشهر و از غرب به شهرستان های قدس، شهریار و استان البرز محدود می شود.

سابقه زندگی در تهران به ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد بازمی گردد. لازم به ذکر است که تهران برای نخستین بار توسط ایل قاجار پایتخت ایران شد.

درباره ریشه شناسی نام تهران اختلاف نظر زیادی وجود دارد ولی در دیدگاه کلی باتوجه به توسعه تهران بعد از شهر ری و نزدیکی آن به ری و اینکه در «ته» یا آخر آن، ممکن است واژه تهران تغییر یافته ی عبارت «ته ری ان» باشد (یعنی محلی که در ته ری قرار دارد) و الف و نون مرسوم در نام بسیاری از شهرهای ایران کم کم به این نام هم چسبیده و به مرور اصلاح شده و به صورت «تهران» درآمده است .

سابقه زندگی در تهران به ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد بازمی گردد. در دی ماه ۱۳۹۳ اسکلت یک انسان در منطقه مولوی تهران متعلق به حدود ۷۰۰۰ سال پیش کشف گردید. پیش از این گمان می رفت سابقه زندگی در منطقه تهران امروزی به کشفیات قطریه که متعلق به ۳۰۰۰ سال پیش بود، برمی گردد.

تهران در آغاز روستایی نسبتاً بزرگ بود که میان شهر بزرگ و نام آور آن زمان، شهر ری و کوهپایه های البرز جای گرفته بود. نخستین بار نام آن در یادکرد زندگینامه ابو عبدالله حافظ تهرانی آمده است. پس از یورش مغولان به ری و ویرانی این شهر، تهران بیش از پیش رشد یافت و شماری از اهالی آواره ری را نیز در خود جای داد و مساحتش در این دوران به ۱۰۶ هکتار رسیده بود.

بیش از ۳۰ موزه در سطح شهر تهران به فعالیت مشغولند که همه روزه تعداد زیادی بازدید کننده به سوی خود جلب می کنند. از جمله: موزه مردم شناسی تهران، موزه ملی ایران، موزه فرش ایران، موزه هنرهای معاصر تهران، موزه پست و تلگراف، موزه صنایع دستی مجموعه سعدآباد، آبگینه و سفالینه، موزه جواهرات ملی موزه رضا عباسی کتابخانه و موزه ملک، ایران باستان، موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران و کاخ موزه های: سعدآباد، نیاوران، گلستان و بسیاری از موزه های دیگر تهران از جذابیت های آن به شمار می آیند.

وضعیت توپوگرافی منطقه تهران نشان می‌دهد محل استقرار شهر تهران به مانند چاله‌ای است که از اطراف خصوصاً شمال غرب، شمال و شمال شرق و شرق و تا حدودی جنوب شرق توسط ارتفاعاتی احاطه شده است. این ارتفاعات به مثابه دیواری بر روی جریانات اتمسفری و اقلیم محلی این شهر موثر واقع شده و عامل مهمی در آلودگی هوای این شهر محسوب می‌شوند.

با توجه به نقشه‌های توپوگرافی شهر تهران، پایین‌ترین نقطه در نواحی جنوبی شهر حدود ۱۱۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع داشته و در قسمت شمالی شهر در پایه دامنه توچال این ارتفاع به ۱۸۰۰ متر از سطح می‌رسد؛ بنابراین بین این دو نقطه که حدود ۲۵۰۰۰ متر از هم فاصله دارند حدود ۷۰۰ متر اختلاف ارتفاع وجود دارد و به عبارت دیگر شیب بین این دو نقطه حدود ۲/۸ درصد می‌باشد. این اختلاف ارتفاع بین شمال و جنوب شهر بر روی سطح قرارگیری هوای آلوده و نیز ضخامت آن بسیار موثر می‌باشد. اختلاف ارتفاع، اختلاف میزان شیب زمین، تنوع فرم زمین و وجود دره‌های متعدد در حاشیه شمالی و شمال شرق شهر تهران باعث ایجاد جریان‌های با جهات و سرعت‌های متفاوت شده است.

همچنین شهر تهران با توجه به قرار گرفتن در عرض‌های متوسط و مجاورت و نزدیکی به عرض‌های معتدله که تغییرات تابش و انرژی را در طی سال کنترل می‌کند و همچنین وجود ارتفاعات با جهت‌های مختلف در شمال و شرق آن، تضاد ارتفاعی و تأثیرات سیستم‌های جوی و توده‌های هوای مختلف از تغییرات دمایی زیادی در طی سال برخوردار است؛ اما مهمترین عاملی که امروزه پراکندگی و نوسانات دمایی را در نقاط مختلف شهر تهران و همچنین نواحی مجاورش باعث گردیده، گسترش شهرنشینی، افزایش جمعیت، تراکم ساختمان‌ها، تغییر جنس زمین و کاهش سطوح نفوذپذیر، افزایش وسایط نقلیه موتوری، وسایل گرمایشی و سرمایشی و صنایع و کارخانجات می‌باشد که روی هم رفته سبب افزایش دمای شهر تهران (بخصوص دماهای زمستانی و کمینه‌ها) با نواحی حاشیه‌ای نسبت به گذشته شده است که امروزه از آن به نام جزیره گرمایی نام برده می‌شود.

ویژگی های مدیریت شهری تهران

در شهر تهران به دلیل وجود ساختمان های بلند، سطوح آسفالت و سنگ فرش ها که قابلیت هدایت گرمایی قابل ملاحظه ای دارند، جریان سالانه انرژی خورشید که به زمین ارسال می شود و فقدان قابل ملاحظه رستنی ها، درخت ها، تولید انرژی های انسانی (سوخت و ساز انسانی)، صنایع واقع در شهر، ترافیک شهری و در نتیجه انتشار مقدار بسیار زیاد منابع آلاینده ذرات معلق و گرد و غبار که خروج انرژی حرارتی و موازنه و تبادل انرژی ورودی و خروجی را بر هم می زنند، باعث شده که میانگین دمای آن نسبت به نواحی مجاورش افزایش یابد که این افزایش در دماهای کمینه و کاهش اختلاف بین دمای حداکثر و حداقل روزانه نمود بیشتری دارد. همچنین باعث می گردد که در فصل زمستان تعداد روزهای گرم افزایش یابد و در مقابل از تعداد روزهای یخبندان و پدیده برف کاسته شود. باتوجه به مواردی که بیان گردید لازم است در اسرع وقت نسبت به ممنوعیت ساخت و ساز در ارتفاعات و همچنین بلند مرتبه سازی، ممنوعیت قطع درختان و کاهش فضای سبز، ممنوعیت استفاده بیش از حد از آسفالت و بتون در ایجاد راههای ارتباطی اقدام گردد. این در حالی است که تهران از نظر موقعیت جغرافیایی جزء معدود شهرهای بزرگ جهان است که در منطقه خشک و نیمه خشک واقع شده است و به جز دو رودخانه دائمی کرج و جاجرود که از حاشیه آن می گذرد، روخانه قابل توجه و دائمی از داخل آن عبور نمی کند. در زمان گذشته آب مصرفی این شهر از طریق قنوات و رودهای فصلی و موقتی منطقه تامین می شد، اما درسالهای اخیر با توجه به رشد جمعیت و گسترش بی رویه، آب مصرفی این شهر از طریق سدهای کرج، لتیان، لار و طالقان و ... تامین می گردد. از این رو یکی از مهمترین اقدامات لازم در خصوص تامین آب مورد نیاز این شهر استفاده بهینه از آب باران و برف در سطح شهر و ارتفاعات می باشد و از آنجا که هنوز برنامه مدیریت مناسبی درخصوص جمع آوری آبهای سطحی و استفاده صحیح از آنها موجود

نمی‌باشد و این امر باعث حذر رفتن منابع آب موجود و ایجاد فاضلاب در سطح شهر می‌گردد، لذا می‌بایست شرایط لازم جهت جذب آب در سطح زمین فراهم گردد تا منابع آب زیرزمینی جهت استفاده بهینه تامین گردد، ولیکن متأسفانه به دلیل افزایش ساخت و ساز در ارتفاعات، آسفالت در محدوده راه نفوذ آب به خاک و همچنین مصرف بیش از حد آب‌های زیرزمینی باعث نشست زمین و کاهش میزان آن گردیده است. از سوی دیگر افزایش کارخانجات و مراکز صنعتی و خدماتی و سر ریز فاضلاب و پسماند آنها به مسیر و حرائم رودخانه‌ها باعث آلودگی بیش از حد آب مصرفی ساکنین شهر گردیده است، و نیز ریختن نمک به همراه ماسه در شهر تهران و سایر استانها جهت آب نمودن برف معضلات غیر قابل جبرانی را به وجود آورده؛ زیرا که نمک و ماسه باعث شور شدن آب و از بین رفتن خاک منطقه می‌شوند و پس از مدتی نابودی کامل را به دنبال دارد. از این رو تدوین برنامه های مدیریتی جهت کاهش آلودگی و ارائه راهکارهای لازم به منظور جذب بیشتر آبهای زیر زمینی الزامی می باشد. از جمله موارد دیگری که باید بدان توجه نمود، عدم هرگونه عملیات بر روی خطوط گسل می‌باشد باتوجه به اینکه استان تهران دارای ۳ گسل اصلی و چندین گسل فرعی بوده و بیشترین تخریب و نابودی نیز در این مناطق خواهد بود، بنابراین تدوین یک برنامه جامع جهت کاهش هرگونه فعالیتی در این مناطق مورد نیاز بوده و با افزایش درختکاری در مسیر این گسل‌ها می‌توان از میزان تخریبات احتمالی جلوگیری نمود. از دیگر مسائلی که باید در کشور به دلیل اهمیت و ارزش آن مورد توجه قرار گیرد، مسئله بازیافت می‌باشد. گسترش زباله و تخریب و نابودی خاک و آلودگی آب و هوا باعث گردید کشورهای مختلف به فکر راه حل جدیدی جهت کاهش معضلات موجود برآیند. بازیافت عبارت است از فرایند پردازش مواد مصرف شده به محصولات و مواد تازه به منظور جلوگیری از هدر رفتن مواد سودمند بالقوه (ذخیره‌ای)، کاهش مصرف مواد

خام، کاهش مصرف انرژی، کاهش آلودگی هوا حاصل از سوختن مواد و آلودگی آب‌ها حاصل از تدفین زباله‌ها در خاک به وسیله کاهش مقدار معمول زباله‌ها و کم کردن نشر گازهای گلخانه‌ای در مقایسه با تولید خالص. این در حالی است که باتوجه به شرایط آب و هوایی ایران، منابع موجود و حجم بالای زباله در مراکز مسکونی، صنعتی و خدماتی تدوین برنامه‌های مدیریتی جهت تفکیک زباله از منبع آن همچون سایر کشورها لازم الاجرا می‌باشد.

چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمع و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله:

جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

- توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها، و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی.

- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی و تولید ملی.

- امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع متناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.

- فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

- دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش

نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی(ره).
- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

سیاست های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری در بخش شهرسازی

(مصوب ۱۳۸۱/۰۷/۲۷ - ابلاغی ۸۹/۱۱/۲۹)

- مکان یابی توسعه شهرها در چارچوب طرح آمایش سرزمینی و براساس استعدادهای اقتصادی و با رعایت معیارهای زیست محیطی و مراقبت از منابع آب و خاک کشاورزی، و ایمنی در مقابل سوانح طبیعی و امکان استفاده از زیرساخت ها و شبکه شهری.
- تعیین ابعاد کالبدی شهرها در گسترش افقی و عمودی با تاکید بر هویت ایرانی اسلامی و با رعایت ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، حقوق همسایگی و امکانات زیربنایی و الزامات زیست محیطی و اقلیمی.
- هماهنگ سازی مقررات و ایجاد هماهنگی در نظام مدیریت تهیه، تصویب و اجرای طرح های توسعه و عمران شهری و روستایی.
- تامین منابع پایدار برای توسعه و عمران و مدیریت شهری و روستایی با تاکید بر نظام درآمد هزینه ای و در چارچوب طرح های مصوب.
- حفظ هویت تاریخی در توسعه موزون شهر و روستا با احیاء بافت های تاریخی و بهسازی یا نوسازی دیگر بافت های قدیمی.
- جلوگیری از گسترش حاشیه نشینی در شهرها و ساماندهی بافت های حاشیه ای و نامناسب موجود.
- تقویت و کارآمد کردن نظام مهندسی.
- ایمن سازی و مقاوم سازی محیط شهری و روستایی.
- رعایت هویت تاریخی و معنوی شهرها در توسعه و بهسازی محیط شهری بویژه شهرهایی از قبیل قم و مشهد.

- سطح‌بندی شهرهای کشور و جلوگیری از افزایش و گسترش بی‌رویه کلان شهرها.
- رعایت نیاز و آسایش جانبازان و معلولان در طراحی فضای شهری و اماکن عمومی.

چرا سند چشم انداز؟^۱

چشم انداز، یک آینده واقع گرایانه، معتبر و جذاب برای یک سازمان است و به عبارتی چشم انداز، نمادی جذاب از تمامی مسائلی است که برای هر سازمانی امکان پذیر می باشد. به دیگر بیان سرنوشتی درخشان و راه مشخصی است که هیچ سازمان دیگری حتی سازمانی که دقیقاً در همان کار فعالیت دارد، نمی تواند دارای همان چشم انداز باشد؛ بنابراین چشم انداز، اعلامیه جهت گیری سازمان می باشد و بیانگر هویت، آرمان و چگونگی رسیدن به آن است. چشم انداز دور نمای آینده سازمان را به تصویر می کشد، حال آنکه منظور از ماموریت سازمان، همان شناسایی وضع آن سازمان، ذینفعان و وضعیت کسب و کار آن می باشد. یک سازمان در آغاز کار یا به منظور تجدید نظر در فعالیت های فعلی، هدف های اصلی، ویژگی ها و فلسفه ای که موضع استراتژیک موسسه را شکل می دهند باید معین و مشخص شوند. ماموریت سازمان، فعالیت های سازمان را از سایر سازمان های مشابه متمایز می سازد و دامنه عملیات آن را بر حسب خدمات و نوع بازار تعیین می کند. هدف بنیادی هدفی است که یک سازمان را از سازمان های مشابه جدا کرده، و حیطه عملیات آن را در بازار و خدمات تعریف می کند و بیانگر سازمان است.

یک چشم انداز اهداف متعددی می تواند داشته باشد که یکی از این اهداف ممکن است نوسازی یک سازمان، تقویت و جوان سازی آن باشد چرا که یک چشم انداز نوکننده می تواند کارکنان را توانمند ساخته و سرعت کار را برای سازمانی که اساساً از پیش در مسیر صحیح حرکت می کند، سرعت بخشد. دیگر هدفی که می شود برای چشم انداز متصور شد دگرگون سازی و تحول یک سازمان، یعنی تغییر ماهیت و ویژگی اساسی آن است.

^۱ مهسا جمشیدی: کارشناس ارشد مهندسی کشاورزی- آبیاری و زهکشی، کارشناس سازمان حفاظت محیط زیست
نقیسه میرگلوی بیات: کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، مدرس و مترجم، کارشناس حوزه ی کشورهای عربی

به طور کلی چشم انداز آرزوهای مدیریت برای کسب و کار را توصیف کرده، تصویری از مقصد آینده سازمان را ترسیم نموده و منطق چگونگی مناسب بودن این مطلب برای شرکت را شرح می‌دهد

این اعلامیه به سه سؤال اساسی زیر پاسخ می‌گوید:

- ما به چه کاری مشغول هستیم؟ مأموریت
 - ما می‌خواهیم به کجا برسیم؟ آرمان
 - ما به چه ارزش‌هایی متصف می‌باشیم؟ ارزشها
- مأموریت دلیل وجودی یک سازمان را مشخص می‌کند به طوری که اگر آن را از سازمان حذف کنیم، در این صورت سازمان باید بدنبال پاسخی برای اینکه "من برای چه بوجود آمده‌ام" باشد، و نیز جایگاه سازمان را از این جهت که به چه کاری اشتغال دارد نشان می‌دهد.

بنابراین مأموریت براساس یک نیاز تعریف می‌شود. مأموریت از جنس هدف است، هدفی بزرگ که سازمان می‌خواهد در یک بازه زمان طولانی مدت به آن برسد. سازمان‌های قبلی تاکید اصلی‌شان بر مأموریت است، اما امروزه سازمان‌ها به چشم انداز تاکید می‌کنند یا به عبارت دیگر چشم انداز محور هستند.

مقایسه چشم انداز و مأموریت	
چشم انداز	مأموریت
تمرکز بر مسیر آینده سازمان	تمرکز بر فعالیت‌های جاری
سازمانی که می‌توانیم بشویم	سازمانی که در حال حاضر هستیم
نیازهایی که در آینده می‌توانیم جواب دهیم و هنوز شناسایی نشده است.	نیازهای جاری که به پاسخگویی آنها مشغول هستیم

ضمانت اجرا، ایجاد تعهد نسبت به چشم انداز: به منظور تعیین میزان اثربخشی چشم انداز لازم است کنترل استراتژیک صورت پذیرد که به آن ممیزی چشم انداز می‌گویند. بطوری که با طراحی معیارهای کارآمد و ارزیابی مستمر فرآیندها، اقدامات و مقایسه آنها با چشم انداز سازمان، موقعیت سازمان با آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. اگر چهار مرحله فوق در سازمان مد نظر قرار گیرند در این صورت رهبری تحول آفرین در سازمان ایجاد می‌گردد.

پیامدهای چشم انداز

تدوین چشم‌انداز اثرات مهمی در سازمان به همراه خواهد داشت که اهم آنها به شرح زیر می‌باشد:

- در مواجهه با مسایل پیش آمده ارگان مورد نظر فعال خواهد بود
- بکارگیری ابتکار عمل و خلاقیت افزایش خواهد یافت
- با مشخص شدن هدف غایی تلاش های افراد و فعالیت های سازمانی جهت می یابند
- هدایت نیروهای بالقوه و بالفعل، اولویت بندی تخصیص منابع و بهره گیری از امکانات و فرصت ها، جلوگیری از بروز بحران های احتمالی و اتلاف منابع

چشم‌انداز سازمان و برنامه‌ریزی استراتژیک

در موقعیت های بحرانی، سازمان هایی که فاقد یک چشم انداز مشترک هستند در وضعیتی را کد قرار می گیرند؛ مدیران نمی توانند در مورد اولویت ها به توافق برسند، آنها گرایش چندانی به خطر پذیری نشان نمی‌دهند، ممکن است در برابر فشارهایی که برای حفظ وضع موجود وارد می‌شود مقاومتی صورت نگیرد، انگیزه و ابتکار و نوآوری به تدریج ضعیف می‌شود، کارکنان درباره وضعیت آینده خود نگران می‌شوند، حل تعارضات سخت می‌گردد و برنامه ها به تأخیر می‌افتند.

سرانجام، سازمان توانایی چندانی در خدمت به مشتریان و ارباب رجوع های خود نخواهند داشت، درآمدهای دولت کاهش می یابد. کارکنان ممکن است موقتاً از کار برکنار شوند، و این مسئله روحیه و توان خدمت به مشتریان را بیش از پیش تضعیف می کند. این سیر نزولی ممکن است به شکست کامل بیانجامد مگر آن که رهبری جدید پیدا شود که بتواند در سازمان یک حس جهت یابی جدید ایجاد کند.

چرا چشم انداز مهم است؟

"ماکس دی پرس" رئیس کمپانی موفق هرمان میلر می گوید: اولین مسئولیت رهبر، تعریف واقعیت است. واقعیت یک سازمان ابعاد فراوانی دارد:

- روند رشد سازمان تا اندازه فعلی آن، چالش هایی که سازمان با آنها روبرو بود و بر آنها غلبه کرد، تصمیماتی که درست بودن آنها و تصمیماتی که هزینه بر بودن آنها ثابت شد.
 - ماهیت و فرهنگ سازمان، سنت ها و تشریفات سازمان، نحوه پیشبرد امور توسط سازمان، ساختار سازمانی آن.
 - چالش ها و آینده ای که سازمان با آن روبروست. کهنگی محصولات، فرصت های جدید، فرآیندهای تولید جدید.
 - مزایا و محدودیت های رقابتی آن، توانایی مشخص آن، پایگاه منابع سازمان، تهدیدات رقابتی.
 - مهارت ها و دانش کارکنان و مدیران، ظرفیت سازمان برای آموزش و پرورش و توسعه.
 - گرایش هایی در جهان خارج که بر سازمان تأثیرگذار هستند. فن آوری های جدید، مقررات احتمالی دولت، تغییراتی در نیازها و خواسته های مصرف کنندگان.
- نتیجه بیش از ۳۵ سال مطالعه بر روی رهبری و سازمان نشان دهنده آن است که تمام سازمان ها در کلاس جهانی، ۳ عامل اصلی را در هدایت سازمان هایشان در نظر می گیرند

- ۱- تعیین چشم انداز روشن و مسیر توفیق طلبی توسط مدیران ارشد
- ۲- آموزش و تجهیز افراد به منظور تمرکز بر روی چشم انداز و مسیر مشترک مورد توافق
- ۳- ایجاد شناخت و سیستم های نتایج مثبت که رفتارها و عملکردها را در امتداد چشم انداز تجهیز نماید

نقش چشم انداز طی فرآیندی اجرایی می تواند بر تمامی تصمیمات، برنامه ریزی ها و فعالیت ها نقش مؤثری ایفا نماید. امروزه ملت ها و سازمان های فعال در زمینه توسعه ملی موفقیت بیشتر خویش را مدیون چشم انداز ملی و سازمانی می دانند، بطوری که هرگونه نقد و ارزیابی عملکرد و تشویق و تنبیه افراد در سطوح بالا و پایین نمی تواند بدون ارزیابی تحقق اهداف چشم انداز صورت پذیرد و در تداوم اهداف یک ملت و سازمان همیشه مورد توجه قرار می گیرد بنابراین مزایا و منافع تدوین چشم انداز برای یک سازمان را برحسب الویت عبارتند از:

- ایجاد درکی ضمنی و کلی از اینکه موفقیت برای شرکت به چه مفهومی است و چگونه قابل دستیابی است.
- روشن ساختن جهت و مقصود حرکت شرکت.
- ایجاد اتفاق نظر بر آینده مطلوب شرکت، آینده ای که شرکت و اعضایش خواهان دستیابی به آن هستند.

لازم به ذکر است وجود چشم انداز سازمانی در بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد چرا که در بخش های دولتی امکان دریافت بازخورد عینی وجود ندارد در حالی که در بخش خصوصی بواسطه میزان سود و زیان اکتسابی می توان میزان موفقیت سازمان را اندازه گیری نمود.

بطور کلی بدیهی است چنانچه تصویر سازی آینده ای که می خواهیم بدان دست یابیم بدرستی صورت گیرد، موانع تحقق آن روشن شده و سازمان به راحتی خواهد توانست بر موانع موجود غلبه نماید.

رهبران، برای تدوین چشم‌اندازی الهام بخش نیازمند در نظر گرفتن معیارهایی به شرح زیر هستند:

- تناسب با سازمان و زمان؛ چشم‌انداز در قالب تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های سازمان جای می‌گیرد و با وضعیت موجود سازمان سازگاری دارد و از آنچه که در آینده قابل حصول است، ارزیابی واقعی و آگاهانه را ارائه می‌دهد. البته در صورتی که چشم‌انداز درخور سازمان نباشد، زمان، هزینه و رنج تحول آفرینی ممکن است آنقدر عظیم باشد که عملی ساختن چشم‌انداز به تمامی غیرممکن شود. در چنین حالتی، یک سازمان کاملاً جدید ممکن است انتخاب بهتری باشد.
- تنظیم استانداردهای بهترین و انعکاس آرمان‌های والا چشم‌انداز، سازمان را به صورت اجتماعی مسئول و دارای احساس همبستگی تصویر می‌کند که این اجتماع، همه افراد شاغل در آن را تقویت می‌کند و بالا می‌برد.
- روشن نمودن هدف و جهت؛ چشم‌انداز کانون توجه می‌شود و امید را استمرار می‌بخشد و فردای بهتری را نوید می‌دهد. به عبارتی، چشم‌انداز اطلاعات لازم و کافی را درباره آنچه که سازمان می‌خواهد و در نظر دارد تا بدان دست یابد و نیز آرزوهای مشروع، متقاعد کننده و صادق افراد سازمان را در اختیار افراد ذینفع قرار می‌دهد.
- دمیدن روح اشتیاق ترغیب تعهد؛ چشم‌انداز با فراتر رفتن از تفاوت‌های نژادی، سنتی، جنسی و دیگر ویژگی‌های جمعیتی، اساس حمایت رهبر را گسترش می‌دهد و نظر دست‌اندرکاران را نسبت به اشتراک علایق درباره آینده سازمان به خود جلب می‌کند.
- سهولت ادراک؛ چشم‌انداز به اندازه کافی ابهام زدایی شده است تا به عنوان راهنمایی برای اهداف استراتژی‌ها و اقدامات کافی باشد، به نحوی که جزء ذات آن‌هایی می‌شود که تلاش‌هایشان برای تبدیل چشم‌انداز به واقعیت مورد نیاز است.
- انعکاس منحصر به فردی سازمان، شایستگی محرز آن، آنچه که سازمان به خاطر آن برپاست، و آن چیزی که می‌تواند به آن نایل شود.

• بلندپروازانه بودن چشم‌انداز حاکی از پیشرفتی غیرقابل تردید است و افق‌های سازمان را گسترش می‌دهد. و نیز اغلب، منادی ایثار و سرمایه‌گذاری عاطفی از سوی پیروانی است که به دلیل جذابیت ذاتی چشم‌انداز، مایل به همکاری می‌باشند.

چشم‌اندازهایی که این ویژگی‌ها را دارند افراد سازمان را به تلاش دعوت می‌کنند و الهام بخش هستند و کمک می‌کنند تا آنها انرژی‌هایشان را در جهت معقولی در یک خط قرار دهند.

در تدوین چشم‌انداز سازمانی دو رویکرد اصلی وجود دارد که عبارتند از:

الف) پیش‌بینی: روشی است که در آن وضعیت موجود به دقت بررسی شده و براساس امکانات، قابلیت‌ها و فرصت‌های موجود، تصویری از آینده ترسیم می‌گردد.

ب) آینده‌نگری: آینده‌نگری فرآیندی است که در آن ابتدا تصویری از وضع مطلوب و آرمانی در نظر گرفته می‌شود و توانایی‌ها و قابلیت‌های لازم برای رسیدن به آن ایجاد می‌شود.

انتخاب یکی از دو روش و یا ترکیبی از دو روش برای تدوین چشم‌انداز بستگی به نوع ساختار سازمان دارد. سازمان‌هایی که تقریباً مستقل هستند و اختیار هرگونه تغییر در منابع و اعتبارات را دارند می‌توانند از رویکرد آینده‌نگری استفاده نمایند، لیکن سازمان‌هایی که بصورت متمرکز هدایت می‌شوند و اغلب منابع و امکانات آنان از خارج از سیستم تأمین می‌شود بایستی به روش (پیش‌بینی) برای آینده سازمان تصویرسازی نمایند.

قدرت یک چشم‌انداز

چرا چشم‌انداز این چنین قدرتمند است؟ دلیل اصلی آن است که چشم‌انداز توجه را به خود جلب می‌کند، موجب تمرکز می‌شود، با این تمرکز می‌توان به مزایای دیگر چشم‌انداز پی برد.

- چشم‌انداز برای همه افراد سازمان معنی می‌آفریند.
- چشم‌انداز چالشی ارزشمند ایجاد می‌کند.

- چشم انداز تولید انرژی و نیرو می کند.
- چشم انداز آینده را به زمان حال می آورد.
- چشم انداز هویتی مشترک ایجاد می کند.

به طور خلاصه، چشم انداز ابزاری اصلی است که رهبران در رهبری در خط مقدم از آن استفاده می کنند رهبران اثربخش، رهروان خود را تحت فشار قرار نمی دهند و آنها را وادار به کاری نمی کنند. آنها به پیروان خود امر و نهی نمی کنند و آنان را زیر نفوذ خود قرار نمی دهند. آنها در آن سوی خط مقدم راه را به دیگران نشان می دهند. چشم انداز به رهبران امکان می دهد که برای پیروان الهام بخش باشند. آنها را جذب کرده و با یکدیگر متحد سازند و آنها را از طریق تشویق به اینکه خود را وقف مشارکت در کار مشترکی کند که هدف آن تحقق چشم انداز است، توانمند می سازند.

با توجه به تمام مواردی که مطرح شد به نظر می رسد تمرکز روی تنظیم یک سند چشم انداز و نگاه عملیاتی تر در راستای نیل به تحقق آن، الزام هدایت در مسیر درست کلانشهر تهران می باشد، همانطور که پیش تر اشاره شد یکی از موارد تدوین سند آینده نگری است؛ آینده نگری در مورد زندگی مردم این شهر بزرگ که باید از سلامت عقل، سلامت جسمانی و روحی برخوردار باشند؛ چرا که مردم عنصر اصلی این برنامه هستند و نمی توان آن ها را نادیده گرفت و آینده نگری نکرد؛ لذا با تدوین سند چشم انداز شهر تهران و با ارائه برنامه های عملیاتی قوی می توان مدیریت لحظه ای بحران ها و معضلات را رها کرد و از طریق تعیین ماموریت ها، اهداف و شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه ها، مسیر جدیدی در حل مشکلات و محیطی مناسب همراه با آرامش را فرا روی مردمان عزیز شهر تهران ایجاد نمود. به طور کلی سند چشم انداز شهر تهران برای ۱/۶ (یک ششم) مردم ایران تصمیم گرفته است و تمام هدفش این است که زندگی، خوشبختی و سلامت مردم را برنامه ریزی کند و بی شک، تحقق این اهداف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه پیمودن این مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار و الزامات طی کردن این مسیر، بطور

شفاف و دقیق مشخص شده باشد. از این رو در تدوین سند چشم انداز تهران به عنوان نقشه راه در مسیر پیمودن و راهگشایی نقاط ضعف و تقویت نقاط مثبت کوشش شده است تا به عنوان مجموعه ای جامع نگر، هماهنگ، پویا و آینده نگر تصویری روشن از آینده ابر شهر تهران ارائه دهد. از این باب چنین سندی نگاشته شده و در برابر دیدگان شما قرار گرفته است. امید است این سند راهی نو در روند مدیریت شهری تهران ایجاد و به منصفه ظهور برساند.



شناختی از شورای شهر

شورای شهر مجلسی محلی در سطح شهر هاست که نمایندگان آن توسط مردم همان شهر انتخاب می شوند. وظیفه اصلی این مجلس: انتخاب شهردار، تصویب بودجه و نظارت بر عملکرد شهرداری هاست.

بنابر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورا یکی از ارکان نظام می باشد و یکی از ویژگی های خاص شهرداری ها، حضور شورای شهر با این امکانات در کنار شهرداری ها است. تأکید قانون به شکلی است که از آن اجبار به وجود شورای شهر را می توان یافت. هر چند وزارت کشور در زمانی که شورای شهر وجود ندارد به قائم مقامی از آن، متولی آن وظایف است ولی بنابر تاکیدات و فهم از اصل ۱۰۳ قانون اساسی، ماده ۴۱ و دستور ماده ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ همان قانون، نوعی مخالفت با دائمی بودن قائم مقامی وزارت کشور را می توان یافت.

شورای شهر به عنوان نهاد تصمیم گیر

بر اساس مفاد قانون شهرداری و نیز قانون تشکیلات شورای اسلامی کشوری، این نهاد یک مرجع تصمیم گیری و نظارتی است و در این مورد دارای اختیارات وسیعی است. یکی از مشکلاتی که در بحث شوراها وجود دارد این است که شوراها در خصوص نهادهای خدماتی دیگر مانند برق و آب و ... نمی توانند نظارت بکنند.

برخی از وظایف شورای شهر، واجد جنبه های وضع مقررات است، برخی دیگر از وظایف آن، جنبه نظارتی و مراقبتی دارد.

مراجع ابطال تصمیمات شورای شهر

بر اساس ماده ۴۸ قانون شهرداری‌ها چنانچه استانداری یا فرمانداری یا بخشداری نسبت به مصوبات شورا اعتراض داشتند بایستی ظرف یک هفته از تاریخ اطلاع، نظر خود را به انجمن اظهار و تقاضای تجدید نظر نماید در صورتی که باز هم معترض ماند، معترض می‌تواند به انجمن ایالتی یا ولایتی یا وزارت کشور اعتراض خود را ظرف ۱۵ روز ارائه دهد. این نظر پس از ابلاغ نهایی است.

وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر

۳۴ ماده و ۹ تبصره

در قانون اساسی وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر به شرح زیر می‌باشد:

۱- انتخاب شهردار برای مدت چهار سال.

تبصره ۱- شورای اسلامی شهر موظف است بلافاصله پس از رسمیت یافتن نسبت به انتخاب شهردار واجد شرایط اقدام نماید.

تبصره ۲- شهردار نمی‌تواند همزمان عضو شورای شهر باشد.

تبصره ۳- نصب شهرداران در شهرها با جمعیت بیشتر از دویست هزار نفر و مراکز استان بنا به پیشنهاد شورای شهر و حکم وزیر کشور و در سایر شهرها به پیشنهاد شورای شهر و حکم استاندار صورت می‌گیرد.

تبصره ۴- دوره خدمت شهردار در موارد زیر خاتمه می‌پذیرد.

الف: استعفای کتبی با تصویب شورا

ب: برکناری توسط شورای شهر با رعایت مقررات قانونی

ج: تعلیق طبق مقررات قانونی

د: فقدان هر یک از شرایط احراز سمت شهردار به تشخیص شورای شهر.

- ۲- بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه و تهیه طرحها و پیشنهادهای اصلاحی و راه حل های کاربردی در این زمینه ها جهت برنامه ریزی و ارائه آن به مقامات مسئول ذیربط.
- ۳- نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا و طرح های مصوب در امور شهرداری و سایر سازمان های خدماتی در صورتی که این نظارت محل جریان عادی این امور نگردد.
- ۴- همکاری با مسئولین اجرایی و نهادها و سازمان های مملکتی در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و عمرانی بنا به درخواست آنان.
- ۵- برنامه ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی با موافقت دستگاه های ذیربط.
- ۶- تشویق و ترغیب مردم در خصوص گسترش مراکز تفریحی، ورزشی و فرهنگی با هماهنگی دستگاه های ذیربط.
- ۷- اقدام در خصوص تشکیل انجمن ها و نهاد های اجتماعی، امدادی، ارشادی و تاسیس تعاونی های تولید و توزیع و مصرف، نیز انجام آمارگیری، تحقیقات محلی و توزیع ارزاق عمومی با توافق دستگاه های ذیربط.
- ۸- نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمایه و دارایی های نقدی، جنسی و اموال منقول و غیرمنقول شهرداری و همچنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه آنها به گونه ای که محل جریان عادی امور شهرداری نباشد.
- ۹- تصویب آیین نامه های پیشنهادی شهرداری پس از رسیدگی به آنها با رعایت دستورالعمل های وزارت کشور.
- ۱۰- تایید صورت جامع درآمد و هزینه شهرداری که هر شش ماه یکبار توسط شهرداری تهیه می شود و انتشار آن برای اطلاع عمومی و ارسال نسخه ای از آن به وزارت کشور.

- ۱۱- همکاری با شهرداری جهت تصویب طرح حدود شهر با رعایت طرح‌های هادی و جامع شهرسازی پس از تهیه آن توسط شهرداری با تایید وزارت کشور و وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۱۲- تصویب بودجه، اصلاح و متمم بودجه سالانه شهرداری و موسسات و شرکت‌های وابسته به شهرداری با رعایت آیین نامه مالی شهرداری‌ها و همچنین تصویب بودجه شورای شهر.
- تبصره - کلیه درآمدهای شهرداری به حساب‌هایی که با تایید شورای شهر در بانک‌ها افتتاح می‌شود واریز و طبق قوانین مربوطه هزینه خواهد شد.
- ۱۳- تصویب وام‌های پیشنهادی شهرداری پس از بررسی دقیق نسبت به مبلغ، مدت و میزان کارمزد.
- ۱۴- تصویب معاملات و نظارت بر آنها اعم از خرید، فروش، مقاطعه، اجاره و استیجاره که به نام شهر و شهرداری صورت می‌پذیرد با در نظر گرفتن صرفه و صلاح و با رعایت مقررات آیین نامه مالی و معاملات شهرداری.
- تبصره - به منظور تسریع در پیشرفت امور شهرداری، شورا می‌تواند اختیار تصویب و انجام معاملات را تا میزان معینی با رعایت آیین نامه معاملات شهرداری به شهردار واگذار نماید.
- ۱۵- تصویب اساسنامه موسسات و شرکت‌های وابسته به شهرداری با تایید و موافقت وزارت کشور.
- ۱۶- تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود.
- ۱۷- نظارت بر حسن جریان دعاوی مربوط به شهرداری.
- ۱۸- نظارت بر امور بهداشت حوزه شهر.

- ۱۹- نظارت بر امور تماشاخانه‌ها، سینماها، و دیگر اماکن عمومی، که توسط بخش خصوصی، تعاونی و یا دولتی اداره می‌شود با وضع و تدوین مقررات خاص برای حسن ترتیب، نظافت و بهداشت این قبیل موسسات بر طبق پیشنهاد شهرداری و اتخاذ تدابیر احتیاطی جهت جلوگیری از خطر آتش‌سوزی و مانند آن.
- ۲۰- تصویب مقررات لازم جهت اراضی غیرمحصور شهری از نظر بهداشت و آسایش عمومی و عمران و زیبایی شهر.
- ۲۱- نظارت بر ایجاد گورستان، غسلخانه و تهیه وسایل حمل اموات مطابق با اصول بهداشت و توسعه شهر.
- ۲۲- وضع مقررات و نظارت بر حفر مجاری و مسیرهای تاسیسات شهری.
- ۲۳- نظارت بر اجرای طرح‌های مربوط به ایجاد و توسعه معابر، خیابان‌ها، میداين و فضاهای سبز و تاسیسات عمومی شهر بر طبق مقررات موضوعه.
- ۲۴- تصویب نامگذاری معابر، میداين، خیابان‌ها، کوچه و کوی در حوزه شهری و همچنین تغییر نام آنها.
- ۲۵- تصویب مقررات لازم به پیشنهاد شهرداری جهت نوشتن هر نوع مطلب و یا الصاق هر نوع نوشته و آگهی و تابلو بر روی دیوارهای شهر با رعایت مقررات موضوعه و انتشار آن برای اطلاع عموم.
- ۲۶- تصویب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمان‌های وابسته به آن با رعایت آیین نامه مالی و معاملات شهرداری‌ها.
- ۲۷- تصویب نرخ کرایه وسایل نقلیه درون شهری.
- ۲۸- وضع مقررات مربوط به ایجاد و اداره میدان‌های عمومی توسط شهرداری برای خرید و فروش مایحتاج عمومی با رعایت مقررات موضوعه.
- ۲۹- وضع مقررات لازم در مورد تشریک مساعی شهرداری با ادارات و بنگاه‌های ذیربط برای دایر کردن نمایشگاه‌های کشاورزی، هنری، بازرگانی و غیره.

تبصره ۱- در کلیه قوانین و مقرراتی که انجمن شهر عهده‌دار وظایفی بوده است شورای اسلامی شهر با رعایت مقررات این قانون بعد از یک سال از تاریخ تصویب جانشین انجمن شهر خواهد بود.

تبصره ۲- وزارت خانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و سازمان‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است موظف‌اند در طول مدت یک سال مذکور در تبصره فوق با بررسی قوانین و مقررات مربوط به خود هر کجا نامی از انجمن شهر سابق آمده و وظایفی را به آن محول نموده است جهت اصلاح این گونه موارد لایحه اصلاحی به مجلس شورای اسلامی ارائه نمایند.

۳۰- نظارت بر حسن اداره امور مالی شهرداری و کلیه سازمانها، موسسات، شرکت‌های وابسته و تابعه شهرداری و حفظ سرمایه، دارایی‌ها، اموال عمومی و اختصاصی شهرداری و همچنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه آنها با انتخاب حسابرس رسمی و اعلام موارد نقض و تخلف به شهردار و پیگیری‌های لازم بر اساس مقررات قانونی.

تبصره - کلیه پرداخت‌های شهرداری در حدود بودجه مصوب با اسناد مثبت و با رعایت مقررات مالی و معاملاتی شهرداری به عمل می‌آید که این اسناد باید به امضای شهردار و ذی حساب یا قائم مقام آنان که مورد تأیید شورای شهر باشند برسد.

۳۱- شورا موظف است در پایان هر سال مالی، صورت بودجه و هزینه خود را جهت اطلاع عموم منتشر نماید و نسخه‌ای از آن را جهت بررسی به شورای شهرستان و استان ارسال کند.

۳۲- واحدهای شهرستانی کلیه سازمانها و موسسات دولتی و موسسات عمومی غیر دولتی که در زمینه ارائه خدمات شهری وظایفی را بر عهده دارند، موظفند برنامه سالانه خود را در خصوص خدمات شهری که در چهارچوب اعتبارات و بودجه سالانه خود تنظیم شده به شورا ارائه نمایند.

۳۳- همکاری با شورای تامین شهرستان در حدود قوانین و مقررات

۳۴- بررسی و تأیید طرح‌های هادی و جامع شهرسازی و تفصیلی و حریم و محدوده قانونی شهرها پس از ارائه آن توسط شهرداری و ارسال به مراجع ذیربط قانونی جهت تصویب نهایی



مدیریت شهری تهران در یک نگاه^۱

هر جامعه‌ای، تعریف ویژه‌ای از مدیریت شهری دارد، که این تعریف وابسته به حقوق اساسی و قوانین است

اگر مدیریت، به درختی تشبیه شود که دارای شاخه‌های گوناگون همانند مدیریت صنعتی و مدیریت مالی است، لذا یکی از شاخه‌های جدید این درخت، مدیریت شهری می‌باشد. روشن است که مشخصات و ساختار نهادهای قانونی اداره کننده شهر، از کشوری به کشور دیگر، تفاوت دارد و هر جامعه‌ای، با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود، تعریف یا تلقی ویژه‌ای از مدیریت شهری دارد.

معیارهای شناسایی شهر از گونه‌های غیر خود به طور معمول میزان جمعیت، شغل غالب مردم ساکن، وجود شهرداری و مواردی اینگونه بوده‌است. امروزه شهرها از دو جنبه اهمیت یافته‌اند: یکی، بعنوان مرکز تجمع گروه عظیمی از مردم و دیگری بعنوان عمده ترین بازیگر نقش اقتصادی، در کل اقتصاد ملی. از اینرو، باید به مسائل و مشکلات آنها، توجه بیشتر و دقیق‌تر کرد؛ زیرا در حالتی که برنامه‌ریزی دقیق و درست، سبب رشد اقتصادی، تثبیت سیاسی و افزایش مشارکت شهروندان در امور شهرها می‌گردد، شکست در حل مشکلات و مسائل شهری، سبب رکود اقتصادی، نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی، فقر، بیکاری و تخریب محیط زیست خواهد شد.

^۱حسین یونسین: فوق لیسانس اقتصاد انرژی، تخصص مالی و مدیریت شهری

ترکیب مدیریت و شهر، مفهوم ساماندهی به امور مربوط به برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل، در محدوده شهر را تداعی می نماید. مفهومی که در کشورهای مختلف به دلیل ساختارهای سیاسی و رویکردهای اقتصادی، نهادهای متفاوتی را با الگوهای متفاوتی در خود درگیر دارد.

استرن^۱ در سال ۱۹۹۳ میلادی، طی مقاله‌ای در نشریه شهرها Cities بیان می کند که اصول کلی برای فهم مدیریت شهری وجود ندارد و مفهوم اصلی این واژه بسیار گیج کننده است. مدیریت شهری با توجه به سلیقه‌ها، ادارک افراد و همچنین اقتضای سیاسی - اجتماعی زمان‌های مختلف معانی متفاوت داشته است. چنانچه ما در زمان کنونی نیز این اختلاف معانی و مفهوم را کاملاً شاهد هستیم.

از نظر بانک جهانی مدیریت شهری یک فعالیت شبه تجاری برای دولت هاست. به عبارت دیگر مدیریت شهری یعنی اداره امور شهری و کارایی بیشتر برای استفاده از وام‌های بانک جهانی می باشد. بعضی اوقات مدیریت شهری بعنوان ابزاری برای اجرای سیاستگذاری‌های شهری در نظر گرفته می شود که به مفهوم علم اداره جامعه می باشد

معضل بزرگ مدیریت شهری؛ عدم تفکیک مدیریت سیاسی از مدیریت تخصصی است

از مهم ترین نقاط ضعف مدل رایج در مدیریت شهرهای ایران می توان به عدم تفکیک مدیریت سیاسی از مدیریت تخصصی، محدود بودن وظایف نهادهای مدیریت شهری، یکسان بودن مدل اداره امور شهر در تمام شهرهای کشور، ضعف مکانیسم های نظارت و تعادل بخشی در تنظیم رابطه شورا و شهردار، عدم شکل گیری شوراهای محله‌ای و منطقه‌ای زیر مجموعه شوراهای شهر و نحوه انتخاب اعضای شورای شهر اشاره نمود.

قریب به ۸۰٪ نواحی شهر تهران دارای کیفیت زندگی مناسب هستند.

^۱ steren

با توجه به مطالعات صورت گرفته، ۳۴/۲ درصد از نواحی ۲۲ گانه شهر تهران دارای کیفیت زندگی کاملاً مناسب، ۴۳/۶ درصد دارای کیفیت زندگی مناسب، ۱۵/۴ درصد دارای کیفیت زندگی نسبتاً مناسب، ۵/۱ درصد دارای کیفیت زندگی نامناسب و ۱/۷ درصد از نواحی شهر دارای کیفیت زندگی کاملاً نامناسب می‌باشند.

آمارها نشان می‌دهد در حال حاضر جمعیت شهر تهران به چیزی حدود هشت میلیون و ۵۰۰ هزار نفر رسیده؛ که این مساله نگرانی‌های بسیاری را به وجود آورده است. آن‌طور که طبق یک تحقیق علمی مشخص شده، ۷۰٪ این جمعیت مازاد است. البته این موضوع برای سایر کلانشهرها نیز صدق می‌کند، به طوری که این مازاد جمعیت در شهر شیراز ۵۶٪، برای اهواز ۶۷٪، برای اصفهان ۶۸٪ و برای مشهد ۶۹٪ اعلام شده است. "پیروز حناچی" در گفت‌وگو با تجارت فردا به دلایل ایجاد این مشکل پرداخته و خطرات آن را مورد بررسی قرار داده است. او معتقد است: در حال حاضر عدم توجه به تاثیر سرمایه‌گذاری در مناطق دیگر کشور از دلایل اصلی برای وضعیت نامطلوب امروز مجموعه شهری در تهران محسوب می‌شود؛ چرا که این مساله باعث شده جمعیت در تهران و حتی سایر کلانشهرها رشد پیدا کند. به گفته معاون شهرسازی و معماری وزیر راه و شهرسازی در این زمینه باید سرمایه‌گذاری‌هایی که ایجاد جاذبه و اشتغال می‌کند در مساحت کشور به شکل متناسب انجام شود.

در حال حاضر جمعیت شهر تهران چقدر است؟ با توجه به شرایط و امکانات شهری که وجود دارد تهران برای چه میزان جمعیت گنجایش دارد؟

در حال حاضر بر اساس آخرین سرشماری، جمعیت ۲۲ منطقه تهران هشت میلیون و ۴۰۰ هزار نفر است و این تعداد جمعیت نشان‌دهنده کل جمعیت تهران نیست، چرا که در حریم تهران و اطراف تهران هم جمعیت بسیاری زندگی می‌کنند که بالغ بر ۱۴/۵ میلیون نفر هستند. اما اینکه تهران تا چه میزان برای سکونت مناسب ظرفیت دارد بسیاری از افراد معتقدند که تهران در سال ۱۳۷۵ از ظرفیت‌های زیست‌محیطی خود گذر کرده است؛ بدین

دلیل که در شهر تهران، امکان توسعه خدمات به تناسب افزایش جمعیت وجود ندارد در صورتی که خدمات باید متناسب با جمعیت تولید شوند.

ممکن است بتوانیم مسائل بسیاری مانند مشکلات زیست محیطی از قبیل، مشکلات حمل و نقل، آلودگی یا منابع آب، ظرفیت شبکه های تاسیسات زیربنایی، شبکه معابر و... که جمعیت پذیری یک شهر به آنها وابسته است را با تکنولوژی و فناوری های اثرگذار حل کنیم، اما بعضی از محدودیت ها مانند محدودیت در ظرفیت سطوح اراضی که مختص فضاهای باز، سبز و خدمات عمومی و اجتماعی هستند یا تولید خدمات را نمی توان با این تکنولوژی ها حل کرد، لذا باید حداقل خدمات محلی را در نزدیک ترین فاصله ممکن برای شهروندان ارائه کرد و شرایط به صورتی باشد که بعضی اقدامات صورت بگیرد. برای مثال شهروندان برای تهیه خدمات خود در سطح شهر تردد نکنند. البته این مشکل تنها برای تهران نیست، تمام کلانشهرهای کشور با این مشکل مواجه هستند. اگر شما کل استان را ارزیابی کنید متوجه می شوید که کل فعالیت ها در پنج درصد مساحت صورت می گیرد. سایر کلانشهرها مانند اصفهان، شیراز، تبریز و مشهد نیز، به همین صورت است اما تهران وضعیت حادثری نسبت به سایر شهرها دارد.

مشکلات مجموعه شهری و علت بروز آنها چیست؟

از مشکلاتی که مجموعه شهری با آن دست و پنجه نرم می کند می توان به فقدان برنامه و طرح، نارسایی نظام مدیریت و اسکان غیررسمی اشاره کرد. در این زمینه توسعه مجموعه شهری تهران طی سه دهه گذشته تابع هیچ نوع راهبرد، سیاست، برنامه و طرح مشخص برای هدایت توسعه هماهنگ مجموعه نبوده بلکه عمدتاً حاصل اسکان غیررسمی گروه های کم درآمد و استقرار بدون برنامه فعالیت ها بوده است. همچنین نارسایی نظام مدیریت مجموعه شهری تهران مجموعه ای است که اجزا و عناصر آن ارتباطی متقابل و روزمره با یکدیگر دارند اما اداره امور این مجموعه در حال حاضر بر عهده شهرداری ها، فرمانداری ها و وزارتخانه های متعدد است که هماهنگی سازمان یافته ای در میان آنها وجود ندارد و هیچ

سیاست و راهبرد کلی بر آنها حاکم نیست. در ارتباط با اسکان‌های غیررسمی نیز، برآوردها نشان می‌دهد طی ۲۰ ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵، حدود ۴۰٪ از پنج میلیون نفر اضافه جمعیت مجموعه به صورت غیررسمی اسکان یافته‌اند و بزرگ‌ترین شهرهای مجموعه پس از تهران و کرج، یعنی اسلامشهر، شهر قدس، قرچک و... حاشیه‌نشین‌هایی غیررسمی بوده‌اند که بعداً به شهر تبدیل شده‌اند و طی این مدت برنامه‌های رسمی بخش مسکن که به صورت واگذاری زمین و حمایت‌های مالی صورت گرفته و همچنین طرح‌های شهرسازی، به دلیل عدم توجه به توانایی‌ها و امکانات کم درآمدها قادر به جلوگیری از روند رو به افزایش اسکان غیررسمی نبوده‌اند. از این رو گستردگی ابعاد اسکان غیررسمی، مجموعه را با عوارض سیاسی و اجتماعی ناشی از شکل‌گیری تمرکزهای جمعیتی فقیر و محروم و مسائل و مشکلات کارکردی و زیست‌محیطی متعدد روبه‌رو کرده است.

پیامدهای افزایش بیش از اندازه جمعیت تهران چیست؟

در طرح جامع مصوب ۱۳۴۹، سطح سرانه زمین برای تامین نیازها ۵۵ مترمربع تعیین شده بود که در طرح ساماندهی مصوب ۱۳۷۰ و بر اساس حداقل‌ها، به ۳۲ مترمربع کاهش یافت. با کسر ۲۴۰ کیلومترمربع سطح اراضی مسکونی و ۲۱۰ کیلومترمربع سطح شبکه معابر از ۷۰۷ کیلومترمربع سطح کل محدوده قانونی تهران، سطح قابل تخصیص به فضاهای باز و سبز و خدمات عمومی ۲۵۷ کیلومترمربع خواهد بود با فرض حداقل ۳۲ مترمربع سطح سرانه زمین فضاهای عمومی و ۲۵۷ کیلومترمربع سطح کل قابل تخصیص به آن، ظرفیت جمعیتی تهران فقط حدود هشت میلیون نفر خواهد بود که این آمارها نشان می‌دهد، در صورت تداوم سیاست واگذاری اضافه تراکم ساختمانی، وضعیت شهر تهران به لحاظ فضاهای باز و سبز و خدمات عمومی و اجتماعی با خطرات جدی روبه‌رو شده و کیفیت محیط شهری از حداقل قابل تحمل به مراتب کمتر می‌شود.

کدام عوامل باعث شدند تا این مشکل در شهر تهران به وجود بیاید؟ چرا تهران به این روز افتاده است؟

در حال حاضر عدم توجه به تاثیر سرمایه گذاری در مناطق دیگر کشور از دلایل اصلی برای وضعیت نامطلوب امروز مجموعه شهری در تهران محسوب می شود، چرا که این مساله باعث شده تا جمعیت در تهران و حتی سایر کلانشهرها رشد پیدا کند.

نتایج یک تحقیق علمی نشان داده، ۷۰٪ جمعیت تهران مازاد است، خطرات این مازاد جمعیت از ابعاد گوناگون به چه صورت است؟ این مساله چه مشکلاتی را می تواند به وجود آورد؟

تمرکز مساله ای است که به ذات خود در بلندمدت خطرناک است. برای مثال اگر زلزله بیاید با تلفات و صدمات بیشتری روبه رو می شویم. از این رو اگر تمامی سرمایه ها در یک فضای محدود متمرکز شوند، به خودی خود خطرآفرین می شوند. ضمن اینکه تعادل منطقه ای نیز به هم می ریزد. با این اتفاق در بخشی از کشور به خصوص کلانشهرها جمعیت افزایش پیدا می کند و در مقابل در یکسری از مکان ها، جمعیت کشور خالی می شود.

چگونه می توان این خطرات را به حداقل رساند؟

در این زمینه باید سرمایه گذاری هایی که ایجاد جاذبه و اشتغال می کند در مساحت کشور به شکل متناسب انجام شود. اما در حال حاضر از آنجا که حجم سرمایه گذاری کم است و وضعیت اشتغال در کشور نابسامان است، تمامی این سرمایه گذاری ها در اطراف کلانشهرها شکل می گیرد. این مساله به ما این پیام را می دهد که وضعیت سرمایه گذاری باید مناسب شود و با توجه به پتانسیل های منطقه ای از حداکثر مساحت کشور برای این سرمایه گذاری استفاده شود.

در چه صورتی می‌توان وضعیت سرمایه‌گذاری را در بخش‌های مختلف کشور ساماندهی کرد؟

بخشی از آن به اراده و تصمیم مرتبط است و بخش مطالعات آن نیز، در طرح کالبدی ملی و مطالعات آمایش قابل حل است. یعنی به ترتیب مطالعات آمایش و طرح کالبدی ملی باید صورت بگیرد که اینها جزو وظایف شورای عالی شهرسازی هستند.

در راستای این موضوعات تجربه جهانی به چه صورت بوده است؟

بسیاری از کلانشهرهای دنیا، با مشکل افزایش بیش از اندازه جمعیت روبه‌رو بوده‌اند؛ بر اساس آمارها در سال ۱۹۹۵ پاریس حدود ۴/۱۶ درصد، لندن حدود ۶/۱۲ درصد، سئول حدود ۳/۲۶ درصد و تهران حدود ۳/۱۱ درصد از جمعیت کل کشورهای خود را داشته‌اند. برای مثال شهر لندن در این زمان بیش از ۱۲، ۱۳ میلیون نفر جمعیت و از این‌رو با مشکلاتی مواجه بوده است. اما برای حل آن برنامه‌ریزی کردند و این میزان جمعیت را کاهش داده‌اند. این شهر هم‌اکنون حدود هفت میلیون نفر جمعیت دارد. این در حالی است که فردی را به اجبار از شهر بیرون نکرده‌اند؛ چرا که هرکدام از این افراد به دلایل مختلفی به کلانشهرها و اطراف آن آمده‌اند و اگر این دلیل و نیاز آنها در مکانی دیگر فراهم می‌شد قطعاً به آنجا می‌رفتند، پس اگر مایحتاج و شرایط اقتصادی مورد نیاز این افراد در مکانی دیگر فراهم شود و بتوانند در آن مکان با شرایطی راحت و ارزان‌تر زندگی کنند و مشکل اشتغال نداشته باشند، مطمئناً به آنجا می‌روند اما به این مسائل توجه نشده است.

طبق بررسی‌های صورت گرفته، شاهدیم که جاذبه در تهران و سایر کلانشهرها فزونی یافته که بالطبع، این افزایش جاذبه باعث افزایش جمعیت نیز می‌شود. زمانی که زندگی ارزان‌تر، اشتغال بیشتر و خدمات نسبت به سرانه بیشتر در یک مکان وجود داشته باشد، همچنین تولید ناخالص ملی نسبت به تناسب مساحت کشوری در آن مکان بیشتر باشد، همگی سبب می‌شود تا جمعیت آن مکان افزایش یابد. در حال حاضر در کمتر از ۳٪ مساحت کشور، ۲۵٪ جمعیت کشور را داریم که این مساله به این معناست که عدم تعادل

وجود دارد. در سایر کلانشهرها هم بدین صورت می باشد، اما به هر حال ایران از توازن مناسب تری در شبکه شهری نسبت به بعضی از کشورها برخوردار است.

در مجموع زیرساخت های شهری باید به چه صورت باشد؟ برای هر نفر جمعیت چه میزان فضا لازم است؟ چارچوب کلی به چه صورت است؟

به طور معمول در مقیاس محلی برای هر نفر، باید حدود ۲۵ مترمربع زمین در نظر گرفته شود، یعنی اگر خانواده ای چهارنفره می خواهد در مکانی زندگی کند باید حدود ۱۰۰ مترمربع، خدمات عمومی اعم از مرکز بهداشت، آموزش، خرید، خدمات ورزشی و... برای آنها فراهم شود. معنی دیگر آن به این صورت است که فروش تراکم یا واگذاری تراکم در بخش های مسکونی دقیقاً ارزشی معادل ارزش زمین در همان منطقه دارد، یعنی وقتی که یک متر تراکم مسکونی داده می شود باید معادل آن یک متر زمین آزاد شود که این مساله اصلاً امکان پذیر نیست.

یکی از مشکلاتی که باعث شده شهر تهران با مهاجرت و افزایش جمعیت مواجه شود، حجم ساخت و سازهای مسکونی در سال های اخیر است که به نظر می رسد طبق آن گنجایش شهر تهران به بیش از ۱۱ میلیون نفر رسیده است.

مدیریت شهری در این زمینه چه اقداماتی انجام داده است؟

مدیریت شهری اقدامات مناسبی در این زمینه انجام نداده است. برای مثال قرار بر این بوده که در منطقه ۲۲ بارگذاری زیادی صورت نگیرد در حالی که این کار به وقوع پیوسته است، تراکم مسکونی در کل شهر نباید رشد می کرد اما این امر اتفاق افتاده است. اگرچه در تمامی این موضوعات، مدیریت شهری به تنهایی مقصر نبوده اما اقداماتی از قبیل افزایش ۳۲ شهر به ۵۸ شهر، تبدیل ۱۱ فرمانداری به ۲۲ فرمانداری، تقسیم یک استان به دو استان صورت گرفته است.

به طور کلی این گونه می‌توان بیان نمود که اگرچه افزایش بیش از حد جمعیت می‌تواند مشکلاتی ایجاد کند اما این مساله می‌تواند آثار مفیدی هم داشته باشد. از آنجا که کلانشهرها مرکز تولید، اشتغال، فعالیت و موتور اقتصادی کشورها هستند، لذا رشد اقتصادی آنها باعث رشد اقتصادی کشور نیز می‌شود. بنابراین نباید همه مسائل را با دید منفی نگاه کنیم اما زمانی که این مسائل از حالت تعادل خارج می‌شوند باعث می‌شود تا نگرانی‌هایی ایجاد شود.

(مرکز مطالعات شهرداری تهران)

فصل اول: کمیته محیط زیست^۱

اصل پنجاهم قانون اساسی

در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می گردد . از اینرو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.

مقدمه

قدمت اندیشیدن به محیط زیست به اندازه ظهور انسان است و بقای آن تا حد زیادی در گرو آگاهی انسان نسبت به آن می باشد. امروزه نیز محیط زیست در شکل گیری هر یک از ما نقش تعیین کننده ای دارد؛ زیرا رشد و نمو انسان به صورت طبیعی، در شرایط نبود محرک های زیست محیطی صورت نمی گیرد. محیط زیست در مورد بیشتر ما و در جامعه تکنولوژیک جدید، عبارت از آن چیزهایی است که در زندگی روزمره با آن سرو کار داریم.

تمامی موجودات زنده در اشکال مختلف، محیط زیست خود را تحت تاثیر قرار داده و از آن متاثر می گردند. این ارتباطات به شکل زنجیره انرژی و مواد در طبیعت جریان دارند. بنابراین شالوده و پیکره محیط زیست براساس همین روابط دوجانبه پایدار و پویا می مانند و با افزایش این تنوع ارتباطات، پایداری اکوسیستم ها در مقابل تهدیدات (طبیعی یا غیر طبیعی) افزوده خواهد شد. شهر تهران با عنوان پایتخت کشور و مرکز استان در حال حاضر بصورت ابعاد مختلف آلودگی های آب، خاک، هوا، فاضلاب، پسماند مواد زائد خطرناک، صنعتی و خانگی، سر و

^۱ فاطمه پوریانزاد: کارشناس ارشد جغرافیای طبیعی شاخه اقلیم در برنامه ریزی محیطی، کارشناس سازمان حفاظت محیط زیست، استاد دانشگاه جامع علمی کاربردی

صدا، ترافیک و ... مواجه می‌باشد که بالطبع صرف هزینه‌های کلان اعتباری را جهت ساماندهی وضعیت نابهنجار کنونی طلب می‌نماید.

محیط زیست

محیط در فارسی به معنای "احاطه کننده" و "در برگیرنده دنیا" است، معادل انگلیسی آن ENVIRONMENT (محیط متغیر و ناپایدار) و برابر فرانسه‌اش MILIEU (محیط) است. به طور کلی محیط زیست عبارتست از محیطی که شامل هوا، آب، خاک، منابع طبیعی، گیاهان، جانوران، انسان و روابط متقابل بین آنها که سازمان در آن فعالیت می‌نماید. از طرفی محیط زیست به مکان‌هایی گفته می‌شود که انسان به طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است. همچنین زندگی و فعالیت‌های او با آن ارتباط دارد و شامل دو بخش محیط زنده (منابع طبیعی - منابع انسانی) و محیط غیر زنده (آب، خاک، هوا) می‌باشد.

سازمان حفاظت محیط زیست در سال ۱۳۵۰ تأسیس شد و با تصویب قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در سال ۱۳۵۳ اختیارات قانونی و نقش سازمان در خصوص برنامه‌های رشد و توسعه ملی افزایش یافت و با استقرار نظام جمهوری اصل پنجاهم قانون اساسی به حفاظت از محیط زیست اختصاص یافت.

۱- محیط زیست انسانی: به آن بخش از محیط زیست گفته می‌شود که توسط

انسان ساخته و پرداخته شده است. براین اساس شهرها و روستاها با همه تاسیسات و امکاناتشان (شامل راه‌ها، مراکز بهداشتی، فرهنگی، صنعتی و ...) که مهمترین مصنوعات بشری هستند، محیط انسان ساخت ما را تشکیل می‌دهند.

۱-۱- آلودگی:

به ورود آلاینده‌ها به یک محیط که باعث ناپایداری، اختلال، آسیب و یا ناراحتی در آن محیط برای موجودات زنده شود آلودگی گفته می‌شود.

آلودگی عبارت است از هرگونه تغییر در ویژگی های اجزای شکل محیط به طوری که استفاده بیشتر از آنها ناممکن شود و به طور مستقیم یا غیرمستقیم منافع و حیات موجودات زنده را به مخاطره اندازد

آلودگی عبارت است از هرگونه تغییر در ویژگی های اجزای شکل محیط به طوری که استفاده بیشتر از آنها ناممکن شود و به طور مستقیم یا غیرمستقیم منافع و حیات موجودات زنده را به مخاطره اندازد. آلوده کننده ها معمولاً در اثر فعالیت های انسانی پدید می آیند.

۱-۱-۱- آلودگی آب

آب ارزشمندترین منبع حیات و ضروری ترین عنصر برای بقای موجودات زنده گیاهی و جانوری است. کشور ما از جمله کشورهایی است که با میانگین ۲۵۰ میلی متر بارندگی در سال یعنی حدود یک سوم متوسط بارندگی جهان، جزو کشورهای کم آب محسوب می شود. این موضوع سبب شده است تا حفاظت از منابع آب و حفظ کیفیت و سلامت آن در مناطق شهری و روستایی از اهمیت خاص برخوردار باشد.

آلودگی آب عبارت است از تغییر مواد محلول، معلق یا تغییر درجه حرارت و دیگر خواص فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیکی آب در حدی که آن را برای مصرفی که مقرر گردیده مضر یا غیر مفید سازد. آلودگی ها بسیار متنوع اند و از منابع مختلف و به راههای گوناگون وارد آب می شوند و هر کدام از اثرات آلودگی بستگی به نوع و مقدار ماده آلوده ساز دارد. از جمله منابع آلوده کننده آب، شامل منابع صنعتی، معدنی، کشاورزی و دامداری، شهری و خانگی، خدماتی و درمانی و متفرقه می باشد.

۱-۱-۱-۱- چالش های موجود

- ♦ افزایش رسوبات، آفت کشها، کودها و دیگر مواد آلی و معدنی و بسیاری از مواد آلاینده که وارد رواناب سطحی و نفوذ گسترده به درون آبهای سطحی و زیرزمینی می گردند
- ♦ رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای دستیابی به آب با کیفیت بهتر

- ♦ رشد تقاضا و تشدید رقابت میان نیازهای آبی بخش‌های مختلف (کشاورزی، صنعت، شرب و بهداشت).
- ♦ عدم تناسب توسعه و استقرار مراکز جمعیتی و صنعتی با پتانسیل منابع آب تجدید پذیر.
- ♦ روند رو به رشد آلودگی منابع آب ناشی از عملکرد بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعتی و خدماتی.
- ♦ برداشت اضافی از ذخیره ثابت آب زیرزمینی در طول سال.

۲-۱-۱- آلودگی هوا

عبارتست از وجود و پخش یک یا چند آلوده کننده اعم از جامد، مایع، گاز، تشعشع پرتوزا و غیر پرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را بطوری که زیان‌آور برای انسان، و سایر موجودات زنده، گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد. آلوده کننده‌های هوا که باعث مشکلات تنفسی می‌شوند، اثرات جدی بر سلامتی بشر دارند. زمانی که آنها وارد خون شده و به سرتاسر بدن راه می‌یابند (این آلوده کننده‌ها درخاک، گیاهان و در آب ته نشین شده) بشر را در معرض آسیب قرار می‌دهند. منابع عمده آلاینده هوا عبارتند از: منابع طبیعی و منابع مصنوعی. منابع طبیعی اغلب بدون دخالت مستقیم انسانها صورت می‌گیرد و منابع مصنوعی بدست بشر بوجود آمده و آلودگیهای ناشی از آن، حاصل فعالیت‌های آدمی است.

۱-۲-۱- کنترل آلودگی هوا

راهبردهای مناسبی جهت کنترل آلاینده‌هایی که از منابع ثابت و متحرک خارج می‌شوند وجود دارد این راهبردها شامل کاهش انتشار، جمع‌آوری و محبوس نمودن آلاینده‌ها قبل از ورودشان به محیط می‌باشد. از نظر زیست محیطی کاهش انتشار آلاینده‌ها با استفاده از بهبود راندمان مصرف انرژی و کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی به ویژه توسط خودروها از طریق کم کردن فاصله راه‌های مواصلاتی و روان نمودن حرکت خودروها در درون شهر و کاهش بارترافیکی، شیوه بهتری در مقایسه با شیوه‌های دیگر است. مشکل آلودگی هوا در مناطق مختلف جهان به شکل‌های گوناگون بروز می‌نماید و کاهش این آلودگی مستلزم بکارگیری راهکارهایی است که باید با در نظر گرفتن منابع آلاینده و نوع آلاینده‌ها اجراء شود. به علت تفاوت در شکل آلودگی هوا از کشوری به کشور

دیگر و حتی از منطقه‌ای به منطقه دیگر به سختی می‌توان سیاست واحدی را برای کاهش موثر آلودگی هوا تدوین نمود، با این حال راهبردهای کنترل موثری برای مبارزه با اشکال مختلف آلودگی هوا وجود داشته و قابل اجرا می‌باشد.

۲-۱-۲-۱- بررسی آلودگی هوای تهران

تهران یکی از آلوده‌ترین شهرهای جهان شناخته شده است. بخشی از این آلودگی مربوط به مکان جغرافیایی این شهر می‌باشد؛ چرا که وضعیت جغرافیایی شهر تهران در دامنه‌های جنوبی ارتفاعات البرز واقع شده و از شمال و مشرق نیز بوسیله کوههای بلندی محاصره گردیده، که تاثیر این اقلیم هم چون باد آرام، پایداری هوا، کمبود نزولات جوی و پدیده اینورژن در تشدید آلودگی هوای شهر تهران بسیار مؤثر بوده است، اما آلودگی هوای تهران مانند سایر کشورهای در حال توسعه بیشتر ناشی از ازدیاد جمعیت، استفاده از سوخت‌های فسیلی، ترافیک سنگین، فزونی وسایل نقلیه فرسوده که به راحتی در سطح شهر تردد می‌کنند، گسترش نامتناسب صنایع و بی‌توجهی به مکان‌گزینی صحیح آن می‌باشد. کمبود فضای سبز شهری به ویژه در نواحی جنوبی شهر تهران که از تراکم جمعیت بالایی برخوردار است نیز در ایجاد این آلودگی سهم است. نیاز سرانه فضای سبز ۲۵ متر مربع است، در حالی که متوسط سرانه فضای سبز در شهر تهران فقط یک متر مربع است. از جمله صنایعی که باعث آلودگی هوای تهران هستند، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- صنایعی که در طول جریان تولید باعث آلودگی هوا می‌گردند؛ مانند صنایع پتروشیمی، کارگاه‌های ذوب مس و غیره.
- ۲- صنایعی که سوخت آنها موجب آلودگی هوا می‌شود؛ مانند کوره‌های آجرپزی، نیروگاه‌ها و غیره.
- ۳- صنایعی که در طول جریان تولید و هم در اثر مصرف سوخت فسیلی باعث آلودگی هوا می‌گردند؛ مانند کارخانجات آسفالت و غیره.

۳-۲-۱-۱- تاثیر توپوگرافی شهر تهران در آلودگی هوا

به علت اختلاف ارتفاع در شمال و جنوب تهران، در طول شب و روز جریان هوای کوه به دشت و دشت به کوه در محدوده شهر تهران عمل می‌نماید. شهر تهران در دره جنوبی البرز واقع شده است و پس از غروب آفتاب، نواحی کوهستانی شهر به علت سنگی بودن بیشتر از دشت تهران که از جنس خاک است، سرد شده و هوای سرد به تدریج و به آرامی به پایین حرکت می‌کند و کلیه خاک و دود و آلودگی شهر تهران را با خود به طرف جنوب شهر برده و به صورت ابر غلیظی انباشته می‌سازد. این ابر غلیظ به هنگام صبح بخوبی در جنوب تهران قابل رویت می‌باشد. در طول روز از آغاز طلوع خورشید هوای جنوب شهر به آرامی به طرف شمال شهر و مناطق مرتفع آن حرکت می‌نماید و این حرکت و انتقال تا نیمه شب ادامه دارد، به این سبب به هنگام صبح دید افقی در جنوب شهر بسیار کم و تراکم آلاینده‌ها بسیار است و برعکس، به هنگام عصر تا نیمه شب دید افقی به علت انتقال هوای آلوده به شمال شهر، در این ناحیه کم و تراکم آلاینده‌ها بسیار می‌باشد. رخداد فوق در اصطلاح هواشناسی پدیده "آناباتیک و کاتاباتیک" نامیده شده و مانند جریان نسیم دریا و خشکی در مقیاس محلی و زمانی که یک جریان جبهه‌ای وجود نداشته باشد اتفاق می‌افتد.

در ماه‌های سرد سال به علت وجود وارونگی دما بر شدت آلودگی هوا در سطح شهر تهران افزوده می‌شود و در صورت فقدان جریانات جوی سیستمی، ممکن است به علت ساکن بودن هوا هر روز بر شدت آلودگی هوا افزوده گردد.

شرایط نامطلوب فوق موجب بروز پدیده‌هایی نظیر باران‌های اسیدی و بسیاری از ناهنجاری‌های اقلیمی گردیده و اثرات مہلکی بر محیط زیست و اقلیم حیاتی بر جای گذاشته است که عوارض آن جمعیت متراکم شهری را مورد تهاجم خود قرار داده و همه ساله تعداد زیادی از افراد به علت آسیب پذیری از این آلودگی‌ها قربانی آن می‌گردند بطوری‌که آمار موجود در این رابطه بسیار نگران‌کننده و حتی وحشتناک می‌باشد.

تراکم جمعیت و ساختمانها و برجها و واحدهای تولیدی و صنعتی و ترافیک سنگین، از شهر تهران یک جزیره حرارتی^۱ به وجود آورده است که به نوبه خود بر اقلیم این شهر تاثیر می گذارد. در سالهای اخیر فصولات سمی بسیاری از کارخانجات در سطح استان تهران پس از راه یافتن به آبهای سطحی و رودخانه ها موجب هلاکت بسیاری از آبزیان و اختلال در اکوسیستمهای این استان گردیده است که بازتاب آن قهرا به طبیعت باز می گردد.

توپوگرافی و همچنین ساختمان فیزیکی خاک درانتشار آلودگی ها که در حقیقت ناشی از اثر این عوامل بر روی پدیده های هواشناسی مخصوصا سرعت و جهت باد و ساختمان حرارتی جو زمین است، تاثیر بسزایی دارد.

بر اساس آمار مرکز سنجش کیفیت هوای تهران و سازمان حفاظت از محیط زیست، ۳ محله اقدسیه، قلهک و قیطریه که در شمال تهران قرار دارند، از نقاط آلوده شهر تهران محسوب می شوند و از مناطقی چون جوادیه، میدان فردوسی و میدان امام خمینی آلوده ترند و آلودگی هوای این محلات بخاطر موقعیتی جغرافیایی آنها از لحاظ توپوگرافی و ارتفاع زیاد آنها نسبت به مناطق مرکزی و جنوبی شهر تهران است. موقعیت جغرافیایی این مناطق که در قسمت های شمالی و شمال شرقی شهر تهران قرار گرفته اند، موجب می شود که بادهای غالب در بخش مهمی از ساعات روز در آنها جریان نداشته باشد. همچنین اگر فقط میزان آلاینده اوزن موجود در هوا ملاک انتخاب محل سکونت بود، شاید محله اقدسیه کم جمعیت ترین منطقه تهران می شد. جالب است بدانیم که ازن موجود در هوای این محله میان دو تاسه برابر دیگر محلات تهران، حتی محلاتی چون جوادیه، بازار، سرخه حصار و میدان فاطمی است. تقریبا میزان این آلاینده در هوای محله اقدسیه، هیچگاه از دو برابر استاندارد پایین تر نمی آید. تصور همگان این است که بازار باید مکانی بسیار آلوده و بالعکس تجریش باید دارای هوای پاک و سالم باشد. اما نمودار منتشر شده از سوی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۸۱ خلاف این را بیان می کند. هوای این دو محله تقریبا به یک اندازه منواکسید کربن وجود دارد. از این نظر تجریش دو برابر جوادیه و خیابان دماوند آلوده تر است.

^۱Heat Island

باد غالب، لزوماً باد آلوده کننده نیست، زیرا در این موارد جهت‌های معمول، باد را برای اجتناب از مکان‌یابی صنایع در برابر شهر مورد پژوهش قرار می‌دهند. در شهر تهران باد غالب، باد غربی می‌باشد، ولی بدلیل پیشروی قسمتی از البرز به طرف دشت در غرب تهران این باد تنها زمانی می‌تواند موثر واقع شود که با سرعت زیاد بوزد. بنابراین با توجه به اینکه باد غالب شهر تهران باد غربی می‌باشد، ولی بسیاری از صنایع و کارخانجات آلوده‌ساز در غرب شهر تهران و در مسیر این باد قرار دارند که در افزایش آلودگی و تجمع مواد آلاینده در شرق تهران مؤثرند و فقط در مواقع ناپایداری هوا، بارش و وزش باد شدید غربی امکان تخلیه و پراکنده شدن مواد آلاینده از سطح شهر تهران وجود دارد.

۴-۲-۱-۱- اینورژن تهران در فصول مختلف

پدیده اینورژن در تهران در تمام فصول بدین شرح قابل مشاهده است:

در زمستان: تعداد اینورژن مجاور سطح زمین فراوان است؛ زیرا به جز روزهای بارانی و ابری که تعداد آن کمتر است بقیه روزها هوا صاف و بدون ابر است.

در تابستان: تعداد اینورژن مجاور زمین به حداکثر می‌رسد؛ چون اکثر شبها هوا صاف و بدون ابر است ولی به علت کوتاهی شبها و گرمای فوق‌العاده زمین در هنگام روز اثر اینورژن زیاد نیست و این حالت در هنگام روز به سرعت از بین رفته و از مقدار آلودگی هوای شهر کاسته می‌گردد.

در بهار: تعداد اینورژن به علت ناپایداری هوا کمتر است. اثر این پدیده در فصل بهار به علت تعداد کم و ناپایداری هوا بر روی آلودگی ناچیز است.

در پائیز: تعداد وقوع اینورژن مانند فصل بهار کم است. گرم بودن زمین و حرکت توده‌های هوای سرد به طرف ایران که در این فصل شروع می‌شود، ناپایداری ایجاد نموده و در نتیجه در روزهایی که حالت ناپایداری قابل تشخیص است از تشکیل اینورژن جلوگیری شده و به واسطه ورزش بادهای نسبتاً شدید میزان آلودگی هوا کمتر می‌گردد.

به عبارتی از ویژگی‌های مهم اقلیم شهر تهران نیز وقوع مکرر وارونگی دمایی در آن است که عامل وضعیت توپوگرافی، وجود ارتفاعات بلند، جریانات ضعیف هوا و نیز پوشش سنگین غبار و آلودگی‌های صنعتی آن را تشدید کرده است. این حالت در تهران بیشتر در فصل زمستان دیده می‌شود. با توجه به آمار سازمان هواشناسی کشور (آمار اینورژن) هوای تهران به طور متوسط ۲۱۰ روز در سال به حالت پایدار و ایستا می‌باشد که این پایداری هوا به همراه وارونگی، موجب می‌گردد توده هوا به انضمام تمام ناخالصیها و عوامل آلوده کننده آن در زیر سطح اینورژن محسوب شود. در چنین شرایطی میزان اکسیژن هوا، به علت مصرف تدریجی آن کاهش و برعکس میزان آلوده کننده‌های هوا به علت تولید تدریجی آن افزایش می‌یابد. بنابراین هوای منطقه شدیداً آلوده می‌گردد در یک ناحیه هر چقدر تعداد وقوع وارونگی دمایی و مدت پیدایش آن بیشتر و ارتفاع تشکیل آن کمتر باشد، آلودگی هوا تشدید شده و عواقب ناشی از آن خطرناک و کشنده‌تر می‌گردد. با توجه به آمار سازمان هواشناسی به طور میانگین حداکثر ارتفاع اینورژن در ماه اردیبهشت است که به تدریج با شروع فصل سرد کاهش یافته و در اسفند به حداقل خود می‌رسد. بیشترین تعداد وقوع اینورژن در فصل تابستان می‌باشد، لیکن ارتفاع اینورژن که در آلودگی هوا بسیار موثر است، در فصل زمستان کمتر از فصل تابستان می‌باشد، ضمن اینکه در زمستان میزان دریافت انرژی گرمایی از خورشید برای از بین بردن اینورژن کاهش می‌یابد و در مقابل میزان غلظت مواد آلاینده نیز به علت استفاده بیشتر از سوخت‌های فسیلی افزایش می‌یابد و تمامی این عوامل در تشدید آلودگی هوا در این فصل نقش بسزایی ایفا می‌کند.

۵-۲-۱-۱- برنامه‌ریزی کاهش آلودگی هوا

- ۱- راهبردهایی جهت بی‌انگیزه کردن مردم برای استفاده از خودروهای شخصی و کاهش تردد خودروهای شخصی در دورن شهرها.
- ۲- شرایط نامناسب بافت شهری به دلیل افزایش برج‌ها و بلند مرتبه سازی ساختمان‌ها بدون در نظر گرفت جهت باد.

۳- نصب و راه اندازی تجهیزات لازم برای بکارگیری خودروهای برقی در نقل و انتقالات درون شهری.

۴- افزایش نظارت بر فعالیتهای صنعتی و خانگی که سهمی در آلودگی هوا دارند.

۵- تدابیری جهت کاهش سیر صعودی مهاجرت به شهر تهران.

۶- آموزش و تنویر افکار عمومی در جهت جلب مشارکت مردمی

بطور کلی اگر تمام موارد مذکور در مناطق شهری صورت عمل به خود بگیرند مشکل آلودگی هوا همچنان در طی دهه های آینده لاینحل باقی خواهد ماند، مگر این که افزایش جمعیت در مناطق شهری به نحوی کنترل گردد. به هر روی اجرای موارد فوق ممکن است که از حادثه و پیچیده تر شدن مشکل آلودگی هوا جلوگیری نماید؛ اما بدلیل افزایش سریع جمعیت در مناطق شهری حتی اگر آلودگی ایجاد شده به ازاء هر فرد کاهش یابد به علت افزایش جمعیت روند آلودگی سیر صعودی خواهد داشت.

۳-۱-۱- آلودگی صوتی

عبارتست از پخش و انتشار هر گونه صوت و صدا و ارتعاش مربوط بیش از حد مجاز و مقرر در فضای باز (غیر سر پوشیده). عامل آلودگی صوتی مرکب از هر شخص حقیقی که اداره یا تصدی منابع ثابت و هدایت منابع سیار مولد آلودگی صوتی را خواه برای خود، یا به نمایندگی از طرف شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر برعهده داشته و یا شخصا منابع آلوده کننده نامیده می شوند همانند نیروگاه ها و پالایشگاه ها، کارخانه ها و کارگاه ها، وسایل نقلیه موتوری، فرودگاه ها، میادین تیر و محل های تمرین نظامی و ...

سر و صدا از معضلات اساسی تهران بوده بطوری که جمع کثیری در محیط کار یا زندگی از آن رنج می برند. این شهر از لحاظ آلودگی صوتی در شرایط نامطلوب و در برخی مناطق در حد بحران قرار گرفته است. براساس نتایج اندازه گیری ها و مدلسازی هایی که صورت گرفته، اکثر خیابان های شهر تهران دارای آلودگی بالاتر از ۷۰ دسی بل هستند.

۴-۱-۱- آلودگی خاک

هرگونه تغییر در ویژگی‌های اجزاء خاک به طوری که استفاده از آن با مشکل مواجه گردد، آلودگی خاک نامیده می‌شود. آلودگی خاک در کنار سایر عوامل تخریب خاک مثل فرسایش خاک، شور شدن خاک، توسعه فرایند صنعتی شدن و شهرنشینی از جمله عوامل اصلی آسیب به پایداری منابع خاک محسوب می‌شوند. خطرات آلودگی خاک برای سلامتی انسان از طریق ورود مواد آلاینده به زنجیره غذایی یا نفوذ آنها به آب‌های زیرزمینی صورت می‌گیرد. آلودگی‌های خاک توسط مواد سمی معمولاً در نتیجه فعالیت انسانی به وجود می‌آیند و ناشی از کارخانه‌های ذوب فلزات، زباله‌های شهری و صنعتی، حشره‌کش‌ها، عوامل نفتی و ترافیک اتومبیل‌ها از جمله عواملی هستند که می‌توانند غلظت عناصر یاد شده در خاک را به حد سمی برسانند.

۴-۱-۱-۱ آلودگی خاک در تهران

آلودگی‌های ناشی از نشت نفت لوله‌های انتقال نفت در جنوب تهران، استفاده از سموم کشاورزی در سطح استان و همچنین بارش باران‌های اسیدی به علت وجود آلودگی زیاد در هوای تهران از جمله موارد آلوده کننده خاک در این شهر به شمار می‌آیند.

۴-۱-۵ فاضلاب

فاضلاب یا گنداب عبارتست از آب استفاده شده ای که برای مصرف خاص خود قابل استفاده مجدد نیست و یا به عبارتی کیفیت آن پایین تر از زمان قبل از استفاده آن می‌باشد. این آب دارای مقادیری فضولات جامد و مایع است که از خانه‌ها، خیابان‌ها، شستشوی زمین‌ها و در مجموع ناشی از فعالیت‌های انسانی نظیر سرویس‌های بهداشتی، کارخانه‌ها، صنایع و کشاورزی است و بدین دلیل که این آب اغلب ناپاک و دارای بویی ناخوشایند است "گنداب" نیز نامیده می‌شود.

۱-۱-۵-۱- روش دفع فاضلاب در تهران

- دفع در چاههای جذبی یا خیابانها.
- دفع در مسیلهای طبیعی، قنوات دایر و بایر.
- دفع در سپتیک تانکها و حمل با تانکر به مراکز دفن زباله یا تخلیه در جویها و مسیلهای اطراف به صورت غیر مجاز.
- دفع از طریق شبکه و تصفیه‌خانه های محلی

۱-۱-۵-۲- علل لزوم تصفیه فاضلاب

فاضلاب می بایست قبل از اینکه در مرحله نهایی به آبهای پذیرنده دفع گردد، تصفیه شود تا اینکه:

الف) بیماری‌های واگیر ناشی از آلودگی های فاضلاب مهار و بهداشت عمومی تامین گردد.

ب) حفظ منابع آب، از طریق عدم آلودگی آب های سطحی و زیرزمینی و در صورت امکان استفاده مجدد از بخش عظیمی از آب مصرف شده برای مصارف خاص نظیر فعالیت‌های کشاورزی و پرورش آبزیان.

ج) حفظ محیط‌زیست، فاضلاب را به روش‌های متعددی تصفیه می‌کنند. در بین این روش‌ها، تصفیه زیست شناختی، رایج‌تر است.

۱-۱-۵-۳- اهداف ویژه تصفیه فاضلاب

۱. بهداشت همگانی یا تثبیت مواد آلی: فاضلاب دارای مواد و میکروارگانیسم‌هایی است که برای سلامت بشر می‌تواند بسیار مضر باشد و از طریق ورود به منابع آبی یا محیط زیست باعث گسترش آلودگی گردد.
۲. نظم محیط زیست در اثر بارندگی یا بارش برف، آب‌های سطحی به دلیل نفوذپذیری کم سطح خیابان‌ها می‌تواند طغیان نموده و نظم زندگی شهری را به هم بزنند، لذا جمع آوری آب‌های سطحی توسط یک سیستم جمع آوری کننده بسیار ضروری است.

۳. کاربرد مجدد پساب تصفیه شده: منابع آب شیرین بسیار محدود است، پساب تصفیه شده منبع بسیار مناسبی برای مصارف آبیاری، کشاورزی و غیربهداشتی نظیر شست و شو اتومبیل، خیابان، حیاط منازل ... می تواند باشد.

۴-۵-۱-۱- راهکارهای رفع آلودگی فاضلاب تهران

۱. پیشگیری از آلودگی منابع آبهای زیرزمینی به عنوان بخشی از منابع تامین آب
۲. تقویت و تغذیه سفره های آب زیرزمینی از طریق تزریق پساب به آبخوان ها
۳. ممانعت از مصرف فاضلاب خام جهت کشاورزی
۴. تکمیل هر چه سریعتر شبکه جمع آوری و تاسیسات فاضلاب تهران

۶-۱-۱- پسماند

زباله یا پسماند به مواد جامد، مایع و گاز (غیر از فاضلاب) گفته می شود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم حاصل از فعالیت انسان بوده و از نظر تولید کننده زاید تلقی می گردد.

بطور کلی پسماند به ۵ گروه تقسیم می شود:

۱. پسماند عادی: به کلیه پسماندهایی گفته می شود که به صورت معمول از فعالیت های روزمره انسانها در شهرها، روستاها و خارج از آنها تولید می شود، از قبیل زباله های خانگی و نخاله های ساختمانی
۲. پسماند پزشکی (بیمارستانی): به کلیه پسماندهای عفونی و زیان آور ناشی از بیمارستان ها، مراکز بهداشتی، درمانی، آزمایشگاه های تشخیص طبی و سایر مراکز مشابه گفته می شود. سایر پسماندهای خطرناک بیمارستانی از شمول این تعریف خارج است.
۳. پسماند ویژه: به کلیه پسماندهایی گفته می شود که به دلیل بالا بودن حداقل یکی از خواص خطرناک از قبیل سمیت، بیماری زایی، قابلیت انفجار یا اشتعال، خوردگی و مشابه آن به مراقبت ویژه نیاز داشته باشد و آن دسته از پسماندهای پزشکی و نیز بخشی از پسماندهای عادی، صنعتی، کشاورزی که نیاز به مدیریت خاص دارند جزء پسماندهای ویژه محسوب می شوند.

۴. پسماند کشاورزی: به پسماندهای ناشی از فعالیتهای تولیدی در بخش کشاورزی گفته می‌شود از قبیل فضولات، لاشه حیوانات (دام، طیور و آبزیان) محصولات کشاورزی فاسد یا غیر قابل مصرف.

۵. پسماند صنعتی: به کلیه پسماندهای ناشی از فعالیتهای صنعتی و معدنی و پسماندهای پالایشگاهی صنایع گاز، نفت، پتروشیمی و نیروگاهی و امثال آن گفته می‌شود، از قبیل براده‌ها، سرریزها و لجن‌های صنعتی.

۱-۱-۶-۱- روش‌های دفع زباله‌ها:

مواد زائد جامد عبارتند از تمام مواد زائد حاصل از فعالیتهای انسان و حیوان که معمولاً جامد بوده و غیر قابل استفاده که از ابتدای زندگی بشر اولیه و حیوانات، منابع و زمین را مورد استفاده قرار داده و مواد زائد را دفع کرده‌اند.

روش دفن: دفن بهداشتی زباله عبارتست از انتقال مواد زائد جامد به محل ویژه دفن آنها در دل خاک بنحوی که خطری متوجه محیط زیست نشود. دفن بهداشتی، یک روش موثر و ثابت شده برای دفع دائم مواد زائد است و در هر منطقه‌ای که زمین کافی و مناسب وجود داشته باشد، روش دفن بهداشتی می‌تواند بخوبی مورد استفاده قرار گیرد. این روش متداول‌ترین روش دفع زباله در جهان است.

عملیات دفن بهداشتی زباله شامل چهار مرحله زیر است:

- ریختن زباله در یک وضع کنترل شده
- پراکندن و فشردگی زباله در یک لایه نازک برای حجم مواد (به ضخامت حدود ۲ متر)
- پوشاندن مواد با یک لایه خاک به ضخامت حدود ۲۰ سانتی متر
- پوشش لایه نهایی زباله به ضخامت حدود ۶۰ سانتی متر با خاک

۲-۶-۱-۱- روش سوزاندن :

در روش سوزاندن تمام زباله‌ها را در محلی دور از محل سکونت جمع‌آوری می‌کنند و سپس آنها را آتش می‌زنند. یکی از بدترین روش‌های دفع زباله همین روش سوزاندن است؛ زیرا گازهای بسیار سمی ایجاد می‌کند که باعث آلودگی جبران ناپذیر هوا می‌شود و نیز مشکلات خاکستر زباله‌ها همچنان باقی مانده و آلودگی بصری چشم‌اندازی به دنبال دارد.

۳-۶-۱-۱- روش بازیافت

جمع‌آوری زباله‌ها به طوری که بتوان دوباره از آنها استفاده کرد بهترین روش دفع زباله روش بازیافت است. انسان می‌تواند با ذخیره برخی مواد زائد و استفاده مجدد از آنها به کاهش مقدار ضایعات کمک کند. در این روش نه تنها از ایجاد زباله‌های بیشتری جلوگیری می‌کنیم بلکه در هزینه نیز بسیار صرفه جویی می‌گردد.

۴-۶-۱-۱- زمینه‌هایی که هم اکنون نیاز به برنامه دارند عبارتند

از:

- ✓ کاهش تولید مواد دارای قابلیت تبدیل شدن به زباله
- ✓ مدیریت محیط زیست شهری
- ✓ جذب مشارکت‌های مردمی و بخش خصوصی
- ✓ کاهش تولیده زباله در خانه‌ها
- ✓ استفاده مجدد از زباله‌ها
- ✓ تفکیک در مبدا
- ✓ جمع‌آوری بهداشتی و مکانیزه زباله‌ها

۲-۱- پیشنهادات بخش انسانی:

۱. خارج کردن صنایع آلاینده از محدوده شهری
۲. از رده خارج کردن خودروهای قدیمی و فرسوده با حفظ حقوق صاحبان آن‌ها.

۳. استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر که هم اکنون در نقاط مختلف دنیا از آن‌ها استفاده می‌شود، از جمله انرژی خورشید، باد، بیوگاز (سوخت حاصل از تجزیه میکروبی ماده آلی در غیاب اکسیژن _ بیوگاز سوختی پاکیزه است که می‌شود از آن برای پخت و پز، گرم کردن فضا و آب، روشنایی و حتی فراهم آوردن توان مکانیکی در ماشین آلات کشاورزی و... استفاده نمود.
۴. درختان و گیاهان ریه زمین هستند و یک ضرورت اساسی برای بهداشت زیستی این سیاره می‌باشند هرچند انسان هوا را از دی اکسیدکربن پر می‌کند و لایه ی اوزون را با مواد شیمیایی ساخته خود نابود می‌کند، درختان سیستمی قوی برای تعدیل این تاثیرات ارایه می‌دهند و به همان اندازه که درخت جان تازه‌ای به جوّ می‌دهد، جنگل زدایی آن را نابود می‌سازد.
۵. استفاده از انرژی‌ها را درجای خود و به مقدار لازم برای خود مجاز بدانیم. انرژی‌های خانگی از قبیل: پخت و پز، روشنایی، حرارت، الکتریکی، مکانیکی.
۶. تشویق به استفاده از انرژی‌ها، فناوری‌ها، صنایع و خدمات پاک و سازگار با محیط زیست.
۷. تقویت نهادهای مردمی به منظور کاهش اتکا بر دولت برای حفظ محیط زیست.
۸. سرمایه گذاری بیشتر در بخش‌های تحقیق و توسعه مرتبط با کاهش آلاینده‌ها.
۹. اطلاع رسانی و تنویر افکار عمومی با مقایسه‌ی هزینه‌های بالای آلودگی‌های زیست محیطی و منافع مالی کوتاه مدت با هدف ایجاد حس تعهد و خودکنترلی در شهروندان.
۱۰. ارتقا جایگاه سازمان‌های حفاظت از محیط زیست و التزام به رعایت مقررات مربوط به آن در حوزه‌های مختلف (اعم از ساخت وسازهای شهری، صنعت، مدیریت ضایعات، حمل و نقل، سامانه‌های انرژی و مانند آن).
۱۱. مطالعه ی فناوری‌ها و شیوه‌های مناسب جمع‌آوری و پردازش زباله‌ی شهری.

۱۲. تنظیم مقررات مناسب و موثر برای بازیافت، انهدام و ذخیره ی ضایعات به ویژه ضایعات طبیعی.

۱۳. احداث مراکز بازیافت و تبدیل زباله به انرژی.

۲- محیط زیست طبیعی: به آن بخش از محیط زیست اطلاق می شود که ساخته دست انسان نباشد. کوه ها، بیابان ها، علفزارها، جنگل ها، دریاها، رودخانه ها و غیره را محیط طبیعی می نامند.

۱-۲- زیستگاه

یک زیستگاه بر حسب گونه های مختلف جانوری در آن از آشیان های اکولوژیکی متعددی تشکیل شده که هر یک از آنها توسط گونه های خاصی از جانوران اشغال گردیده است. به طور کلی رژیم و عادت غذایی جانوران با یکدیگر فرق دارد، بدین جهت در زیستگاه هایی که نیازهای متفاوت آنها را برآورده سازند زندگی می کنند. از میان آنها نیز برخی گونه ها با شرایط مختلف زیستگاهی سازگاری پیدا کرده اند و در زیستگاه های متفاوت دیده می شوند.

۱-۱-۲- انواع زیستگاهها

الف) اکوسیستم های خشکی: جوامعی از موجودات زنده و محیط زیستشان که در خشکی پدید آمده اند.

در حوزه استحفاظی استان تهران، مناطق جنگلی طبیعی قابل ملاحظه ای از نظر تراکم و وسعت وجود ندارد. نواحی جنگلی استان را تنها محدوده های کوچک درختان ارس و یا جامعه جنگلی تنک و محدود بنه در شرق تهران و نوار شمالی تا شمال شرقی به خود اختصاص داده اند.

بقایای جنگل های بنه در ارتفاعات میان بند در شمال شرق تهران و همچنین آثار کوره های ذغالگیر در شمال غرب استان حاکی از وجود جنگل در این استان در گذشته می باشد. در حال

حاضر به طور پراکنده گونه‌هایی نظیر زالزالک، گوجه وحشی، زرشک، انجیر، بادامک و ارس در محدوده‌های کوچک و بیشتر در مناطق تحت مدیریت اداره کل حفاظت محیط زیست استان تهران دیده می‌شود که مساحت‌های قابل توجهی را دارا نمی‌باشد.

مهم‌ترین اقدامات که باید در این عرصه صورت گیرد:

- ✓ خروج دام از پارک‌های ملی و خروج دام مازاد از مناطق حفاظت شده
- ✓ اجرای طرح‌های مدیریت مناطق
- ✓ خروج مراکز نظامی به خارج از مناطق تحت مدیریت با اولویت پارک‌های ملی
- ✓ پایش بر عملکرد طرح‌ها و پروژه‌های ملی، عمرانی مصوب در داخل مناطق به ویژه پارک‌های ملی
- ✓ تهیه و اجرای برنامه جامع مدیریت ساماندهی گردشگری در مناطق تحت مدیریت
- ✓ انطباق طرح‌های هادی شهری و روستایی با طرح‌های مدیریت مناطق تحت حفاظت
- ✓ تدوین و اجرای برنامه جامع مدیریت ساماندهی تغییر کاربری‌ها در مناطق تحت مدیریت
- ✓ تهیه برنامه جامع مدیریت حفاظت در مناطق (عدم تناسب پرسنل حفاظتی با مساحت مناطق تحت مدیریت)
- ✓ تدوین و اجرای برنامه فراگیر برای مدیریت یکپارچه مناطق تحت مدیریت و رودخانه‌های حفاظت شده

ب) اکوسیستم‌های آبی و تالابی آب‌هایی که در طبیعت وجود دارند اعم از آب

های جاری و یا ساکن همراه با مواد و موجودات زنده مرتبط با آنها به صورت زیستگاه‌های آبی قابل معرفی هستند. از این رو هر اکوسیستم آبی با توجه به مکان جغرافیایی، چگونگی تشکیل نوع محیط و اثرات متقابل اجزای آن بر یکدیگر دارای آب با کمیت و کیفیت ویژه‌ای بوده که ممکن است جهت مصرف به خصوصی در جوامع انسانی به کار گرفته شود. زیستگاه‌های آبی به عنوان یکی از مهمترین مجرای ارتباطی میان اکوسیستم‌های مختلف عمل کرده و وظیفه جابجایی مواد را بر عهده دارد و شامل دریاچه‌ها، سدها، رودخانه‌ها،

آبراهه‌ها، چشمه‌ها و آب‌بندان‌ها، تالاب‌ها و انواع دیگر می‌شود. موقعیت اقلیمی و هیدرولوژیک منطقه حفاظت شده البرز مرکزی باعث به وجود آمدن تعداد زیاد و متنوعی از زیستگاه‌های آبی شده است که مورد توجه گونه‌های زیادی از رده‌های جانوری مانند ماهی‌ها، دوزیستان و برخی از گونه‌های خزندگان و پرندگان و پستانداران می‌باشد.

✓ تعیین حق آبه محیط زیستی رودخانه‌ها و تالاب‌های استان

✓ تدوین و اجرای برنامه جامع و فراگیر رودخانه‌های حفاظت شده استان و سدها
✓ پایش فراگیر آلودگی‌های رودخانه‌های حفاظت شده (کنترل و خروج صنایع آلاینده از حوزه آبریز رودخانه‌های حفاظت شده)

از جمله اکوسیستم‌های موجود در شهر تهران می‌توان به رود دره‌ها اشاره نمود. رود دره‌های شهری به عنوان یکی از عناصر ساختار اکولوژیکی شهرها می‌توانند نقش موثری در جهت ایجاد تعادل بین فضای انسان ساخت شهر و طبیعت و ارتباط انسان با محیط زیست ایفاء نمایند. تهران، دارای موقعیت جغرافیایی خاصی است که ناشی از همجواری با دامنه‌های البرز و به تبع آن حضور رود دره‌های کوهستانی جاری در بافت شهر می‌باشد.

محدوده شمالی شهر تهران در طولی با حدود چهل کیلومتر با دامنه کوه‌های البرز در ارتباط است، در این محدوده دره‌های متعددی وجود دارد که این دره‌ها از دامنه جنوبی البرز به درون بافت شهر تهران امتداد یافته‌اند. از طرفی نیز وجود آب در اکثر اوقات سال که از نزولات جوی حاصل می‌شود رودهایی را در کف دره‌ها ایجاد نموده و بدین شکل شاهد حضور رود دره‌هایی هستیم که از کوه‌های شمالی شروع و پس از عبور از شهر تهران به کویر جنوبی شهر سرازیر می‌شوند این رود دره‌ها در شهری جریان می‌یابند که هیچ رودخانه‌ای از این شهر عبور نمی‌کند. مهم‌ترین رود دره‌های شهر تهران از شرق به غرب را می‌توان به ترتیب لارک دارآباد، جمشیدیه، گلابدره، دربند، ولنجک، درکه، فرحزاد و کن نام برد این هشت رود دره با صخره‌های زیبای کوهستان، دامنه‌های سرسبز و باغ‌ها، آسمان نیلی، هوای پاک، چشمه‌ها و آب روان جویبارها در بین سنگ‌های رنگارنگ معماری منظری

زیبا آراسته است و از جمله مهم ترین تفرجگاه های شهروندان تهرانی به حساب می آیند. از مهمترین مزایای رود دره های تهران می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تامین منابع آب شیرین
 - کریدور طبیعی جریان آب وهوا
 - ایجاد فضاهای گردشگری و محل تجمعات برای مراسم مختلف
 - ایجاد فضاهای سبز وفیلتر تلطیف هوا
 - ایجاد مناظر بدیع با تلفیق محیط طبیعی و عناصر انسان ساخت
 - ارتقاء کیفیت محیط زیست شهری
- اما رود دره ها علاوه بر مزایایی که دارند در صورت عدم استفاده صحیح از آنها می توانند منشاء مشکلات اساسی شوند از جمله :

- توسعه ساخت و ساز با تراکم زیاد در مجاورت رود دره ها
 - عدم پیش بینی حریم
 - هدایت آب های سطحی و فاضلاب های شهری و آلوده نمودن آب رود دره ها
 - تخلیه زباله در درون رود دره ها
 - تخریب و از بین بردن عناصر طبیعی
- معضلات موجود در این مناطق :

◆ آلودگی شدید ناشی از تخلیه پسماندها در مسیر رودخانه ها : تخلیه زباله، نخاله های ساختمانی و دیگر پسماندها به حاشیه رودخانه و ورود فاضلاب تصفیه نشده ناشی از فعالیت رستوران ها و سایر واحدهای خدماتی مستقر در این منطقه به داخل رودخانه موجبات آلودگی شدید محیط زیست این رود دره را فراهم آورده است.

◆ قطعه قطعه شدن سراسر دره با احداث بزرگراه ها : نیازهای ناشی از شهرنشینی خصوصا خواسته های کلانشهری چون تهران باعث گردیده جاده ها و

مسیرهای بزرگ و کوچکی پدید آید که موجبات قطعه قطعه شدن این رود دره را فراهم آورد.

◆ توسعه شهرک سازی و اشغال اراضی و باغات : ساخت و سازها و تملک های غیرمجاز از یک سو و آلودگی های محیط زیستی از دیگر سو، مرگ تدریجی این عناصر با ارزش طبیعی را به ارمغان آورده است. ساخت و ساز در حریم این رود دره در حالی ادامه دارد که کارشناسان بارها خطر خیزی این مناطق را به مثابه هشدار تکرار کرده اند.

◆ تخلیه و انباشت زباله از حریم تا بستر توسط گردشگران.

◆ تخلیه فاضلاب مراکز نگهداری و باغ های وحش به داخل رودخانه ها.

◆ تخلیه فاضلاب انسانی، رستوران ها و مراکز خدماتی به داخل رودخانه ها.

◆ دیواره سازی و بستر سازی نامطمئن و ناهماهنگ با منظر طبیعی و تخریب

حاشیه طبیعی رودخانه

◆ در چند سال اخیر، توسعه تهران موجب تشدید روند ساخت و سازهای غیرمجاز در حریم رودخانه های تهران شده است به گونه ای که علاوه بر منازل مسکونی، هتل ها و رستوران های زیادی در این مناطق احداث شده است. با توجه به ساخت و سازهای غیرقانونی در حریم رودخانه های کرج، جاجرود و دیگر رودخانه های اطراف شهر احتمال افزایش خسارات ناشی از سیلاب برای تهران وجود دارد. همچنین پساب و زباله های این مناطق باعث آلودگی شدید آب این رودخانه ها شده و سلامت شهروندان را تهدید می کند. نکته در خور توجه این است که طی سال های اخیر افراد مختلف به روش های قانونی و غیرقانونی به حریم و بستر رودخانه ها تجاوز کرده و حریم رودخانه ها را به مالکیت شخصی خود درآورده اند. در صورتی که در سال های نه چندان دور هر رودخانه برای خود حریم و بستری داشت؛ این حریم در شهرستان ها به گل انداز رودخانه مشهور بود. کنار هر رودخانه

تا مسافت چند متری حریم آن رودخانه برای لایروبی باید آزاد باشد. همچنین در قانون توزیع عادلانه آب مصوب سال ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی، مسئولیت تعیین حدود بستر و حریم رودخانه‌ها به عهده وزارت نیرو قرار داده شده است اما طی سالیان گذشته ابزار و اعتبار لازم جهت تحقق این هدف و حفاظت اراضی حاشیه رودخانه و در صورت لزوم آزادسازی این اراضی در اختیار وزارت نیرو و سازمان‌های تابعه قرار نگرفته است.

۲-۲- گیاهان

اگر آب و خاک را به عنوان زیربنای توسعه اقتصادی بدانیم، پوشش گیاهی موجود سطح خاک به مثابه عاملی عمده در بقا و پایداری و تولید هرچه بیشتر این منابع و افزایش کیفی آنها تلقی گشته و بروز هرگونه نقصان و کاستی در این پوشش به طور فاحشی موجب تخریب و از بین رفتن قسمت زیادی از آب و خاک خواهد شد. تخریب پوشش گیاهی علاوه بر تأثیرات سویی که در کاهش حاصلخیزی زمین و افت تولیدات ناشی از آن نظیر علوفه و فرآورده‌های دامی و حتی آب مشکلات حادثتری نظیر جاری شدن سیلاب‌های ویرانگر، طوفان‌های خاک و شن، کاهش عمر مفید سدها و در نهایت بحرانهای محیط‌زیستی را به دنبال خواهد داشت. در بررسی‌های انجام شده در حوزه استحفاظی استان تهران تاکنون حداقل حدود ۱۵۵۰ گونه گیاهی از ۵۱۰ جنس متعلق به حدود ۸۹ خانواده شناسایی شده است. لازم به توضیح است تاکنون بیش از ۹۰۰۰ گونه گیاهی در ایران ثبت گردیده که حدود ۱۵۵۰ گونه آن در این استان شناسایی گردیده است. این بدان معنی می‌باشد که نمونه‌ی بیش از ۲۰٪ خانواده‌های گیاهی موجود در کشور در مساحتی کمتر از ۷/۱٪ سطح کشور یعنی استان تهران وجود دارد.

در تقسیم بندی گیاهان موجود در شهر تهران می‌توان به پارک ها اشاره نمود که بر حسب شکل، خصوصیات منطقه‌ای، چگونگی عادات و نحوه استفاده به چند دسته تقسیم می شوند: پارک تاریخی- پارک جنگلی- پارک شهری و ...

۱- پارک‌های جنگل: تاسیس پارک‌های جنگلی دارای ضوابط اختصاصی است که با پارک‌های ملی متفاوت می‌باشد و برای احداث آن نکات بسیاری را باید در نظر گرفت. معمولاً پارک‌های جنگلی به دو دسته تقسیم و مورد بهره برداری قرار می‌گیرند که خود نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) پارک‌های جنگلی طبیعی

تا آن جا که میسر است شکل طبیعی مناطق جنگلی نباید مورد آسیب و زیان عوامل تغییر دهنده قرار گیرد.

ب) پارک‌های جنگلی مصنوعی

- احداث جنگل‌های مصنوعی، به منظور ایجاد فضای سبز و تفرج گاه در اطراف شهرها.

- احداث جنگل‌های مصنوعی نباید کاملاً در مجاورت مراکز صنعتی پدید آید.
- در احداث پارک جنگلی لازم است قبلاً از لحاظ سطح و امکانات نگاهداری به طور کامل مورد بررسی قرار گیرد.

۲- پارک‌های ملی: در مبحث بعدی توضیح داده شده است.

۳- پارک‌های عمومی. به گونه ایست که تمام طبقات مردم می‌توانند از آن استفاده کنند. به عبارت دیگر این پارک‌ها به منظور گردشگاه و محل استراحت عموم مردم می‌باشند از خصوصیات مهم و مفید این پارک‌ها تاثیرات آن بر روی آب و هوای شهرها می‌باشد

۳-۱- مناطق تحت مدیریت

امروزه بدلیل برآورد تقاضا و استفاده بهینه از مناطق و حفظ منافع حاصل از ارزش‌های آنها قوانین جدیدی بوجود آمده است. مناطق تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست عبارتند از:

۳-۱-۱- پارک‌های ملی:

مناطق طبیعی به نسبت وسیع و دارای ویژگی‌های خاص و اهمیت ملی به لحاظ زمین شناسی، بوم‌شناسی، جغرافیای زیستی و طبیعی، بهبود جمعیت گونه‌های جانوری و رویشگاه‌های گیاهی و همچنین بهره‌برداری تفریحی به عنوان پارک ملی انتخاب می‌شوند. (پارک‌های ملی تهران: پارک ملی خجیر، پارک ملی سرخه حصار، پارک ملی لار)

۳-۱-۲- آثار طبیعی- ملی:

پدیده‌ها یا مجموعه‌های جانوری و گیاهی به نسبت کوچک، جالب، کم‌نظیر، استثنایی، غیرقابل جایگزین که دارای ارزش‌های حفاظتی، علمی، تاریخی یا طبیعی باشند با هدف حفظ و حراست به عنوان اثر طبیعی ملی انتخاب می‌شوند. (آثار طبیعی - ملی تهران: اثر طبیعی ملی تنگه‌واشی، اثر طبیعی ملی دریاچه تار و هویر، اثر طبیعی ملی غار رود افشان)

۳-۱-۳- پناهگاه حیات وحش:

محدوده‌هایی با زیستگاه‌های طبیعی نمونه برای جانوران وحشی که به منظور حمایت از جمعیت گونه‌های جانوری و افزایش سطح کیفیت آنها انتخاب می‌شوند. (در تهران پناهگاه حیات وحش نداریم)

۳-۱-۴- مناطق حفاظت شده:

اراضی به نسبت وسیع با ارزش حفاظتی زیاد که با هدف حفظ و احیای رویشگاه‌های گیاهی و جانوری انتخاب می‌شوند. از جمله مناطق دیگری که مورد حفاظت قرار می‌گیرید. مناطق شکار ممنوع، مناطق آزاد، تالاب‌ها، مناطق امن، رودخانه‌های حفاظت شده و ... می‌باشند. (مناطق حفاظت شده تهران: منطقه حفاظت شده ورجین، منطقه حفاظت شده جاجرود، منطقه حفاظت شده کویر، منطقه حفاظت شده بخش جنوبی البرز مرکزی)

(مناطق شکار ممنوع و پناهگاه حیات وحش تهران: منطقه شکارممنوع کوه سفید، منطقه شکار ممنوع کاوه ده، منطقه شکار ممنوع لار)

شاخصهای عمده برای تعیین مناطق چهار گانه

◆ وسعت

◆ تنوع زیستی

◆ بکر و دست نخوردگی

◆ دارا بودن نمونه های برجسته ای از مظاهر طبیعی

◆ دارا بودن نمونه های نادر گیاهی، جانوری و مناظر کم نظیر

◆ دارا بودن شرایط اقلیمی خاص به منظور احیاء زیستگاهها

باتوجه به اینکه اکثریت مناطق تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست در مجاورت مراکز جمعیتی، علی الخصوص شهر تهران بوده، بعضاً اتخاذ راهبردهای اجرایی جهت دستیابی به نتایج ذیل انتظار می رود.

۱- توقف تعرض به اراضی ملی و رفع تصرف اراضی مورد تعارض در مناطق

تحت مدیریت

۲- ساماندهی و رفع تعارضات نیروهای نظامی در مناطق تحت مدیریت

۳- برقراری تعادل حضور دام در مراتع بویژه اکوسیستم های شکننده

کوهستانی البرز

۴- ساماندهی برداشت های معدنی مجاز در مناطق تحت مدیریت و پیگیری

برنامه بازسازی عرصه ها و مدیریت مواد باطله در معادن

۵- توقف ورود آلاینده های انسانی، صنعتی و کشاورزی به رودخانه ها و

آبگیرهای استان با اولویت رودخانه های حفاظت شده در حوزه های تأمین آب شرب

۶- احیاء جمعیت وحوش شاخص، به نحوی که نرخ رشد سالانه جمعیتی به نرخ رشد طبیعی آنها نزدیک گردد

۲-۳- برداشت

هرچند انسان برای بقا و کیفیت هر چه بهتر زندگی خود نیاز به برداشت دارد، اما در برداشت بیش از توان اکولوژیک محیط پیرامون تأثیرات جبران ناپذیری بر محیط زیست دارد که می‌توان به نابودی پوشش گیاهی، فرسایش خاک، تخریب اراضی، تخریب منابع فرهنگی و آثار ملی، کاهش کیفیت آبهای سطحی، آلودگی آب و خاک، کاهش وسعت زیستگاهها و اختلال در امنیت آنها، کاهش تنوع زیستی، نابودی تالابها و مرگ و میر گونه‌های جانوری، کاهش سطح جنگل‌ها و مراتع و عبارتی تند نمودن روند نابودی انسان اشاره نمود. این در حالی است که تنها با یک برنامه‌ریزی و تنظیم مدیریت صحیح در برداشت از منابع موجود می‌تواند اقدامات شایسته‌ای در روند کاهشی معضلات موجود صورت پذیرد. این موارد شامل برداشت معدن، کشاورزی، شکار و صید، گردشگری و می‌باشد و یکی از بزرگترین معضلاتی که در این بخش قابل تامل و بررسی است عدم بازسازی پس از اتمام محصول است که در این زمینه هیچگونه اقداماتی در جهت بازسازی و یا ترمیم محل برای کاهش روند فرسایشی و زیباسازی آن صورت نمی‌پذیرد.

۱-۲-۳- معدن:

معدن محلی است که در آن انواع فلزات و سنگهای با ارزش اقتصادی انباشته شده، باشد. معدن کاری یا کان کاری به عمل استخراج کانی‌های ارزشمند یا دیگر مواد از زمین و معمولاً از معادن گفته می‌شود.

استخراج معادن با توجه به فاکتورهای بسیاری نظیر شرایط اقتصادی و فنی و قابلیت دسترسی به کانسار و ... به دو صورت کلی روباز و زیرزمینی انجام می‌گیرد. از جمله مواردی که باید در خصوص برداشت در نظر گرفت شامل:

- ممانعت از پرمودن محل های برداشت شده با نخاله های ساختمانی که علاوه بر، برهم زدن اکوسیستم خاک منطقه، با توجه به نوع نخاله می تواند موجبات آلودگی آب های زیر زمینی را فراهم نماید.
 - اتخاذ تدابیر لازم در جهت حفظ چشم اندازهای طبیعی و هماهنگی عملیات معدنی با آن از جمله پرهیز از برداشت های پراکنده
 - احداث سپتیک تانک برای معادن دارای ۲۰ تا ۱۰۰ نفر نیروی انسانی و احداث سیستم های مناسب تصفیه فاضلاب برای بالای ۱۰۰ نفر در حد تامین استانداردهای سازمان حفاظت محیط زیست.
 - به منظور کاهش و عدم ایجاد آلودگی هوا، محل استخراج با در نظر گرفتن مسیر جریان باد غالب منظور گردد.
 - بهره برداران معادن مذکور مکلف و متعهد به بازسازی معادن و اعاده منطقه بصورت طبیعی پس از اتمام برداشت و پایان عمر معدن می باشند (با ارائه طرح ساماندهی بازسازی اراضی مورد برداشت).
 - برای افزایش عمق بهره برداری نیاز به مطالعه و بررسی ژئوهیدرولوژی منطقه و سفره های آب زیرزمینی، تاثیرات افزایش عمق بر سفره ها و آلودگی، بررسی زمین شناسی و غیره می باشد.
- عمده معادن تهران معادن شن و ماسه می باشد. برداشت غیر استاندارد و گاه غیر قانونی از این معادن به معضلات محیط زیست طبیعی تهران افزوده است. جلوگیری از برداشت از این معادن بزرگ ترین خدمت به مردم حاشیه تهران می باشد. لازم به ذکر است متأسفانه مصرف کننده محصول این معادن شهرداری تهران می باشد.

۲-۲-۳- گردشگری:

صنعت توریسم (گردشگری) یکی از بزرگترین و متنوع ترین صنایع جهان محسوب می شود. بسیاری از کشورها این صنعت را به عنوان منبع اصلی درآمد، اشتغال زایی، رشد بخش خصوصی، توسعه و اصلاح ساختار زیر بنایی خود در نظر گرفته اند، ولیکن به دلیل عدم ایجاد زیرساخت های مناسب در این خصوص باعث ایجاد معضلات زیادی در مناطق طبیعی و شهری گردیده است. در تهران نیز باتوجه به اینکه پایتخت کشور بوده و بیشترین هتل ها، مراکز تفریحی و خدماتی و ... در آن قرار دارد اما بدلیل عدم وجود قوانین و مقررات مناسب جهت ساماندهی آنها معضلاتی همچون آلودگی آب، خاک، صوت و ... بوجود آمده است.

در بخش اکوتوریسم نیز سودجویی و منفعت طلبی، ضعف در نظارت و کنترل بر مجریان طرح های گردشگری طبیعی، عدم وجود طراحی های مناسب در پارک ها و مناطق طبیعی جذاب تفرجگاهی، عدم اطلاع رسانی به گردشگران، ازدحام جمعیت بازدید کنندگان در فصول خاص در پارک های نادر، فقدان سرویس ها و خدمات عمومی، عدم رعایت قوانین و مقررات جاری حاکم بر بهره برداری از محیط های طبیعی از معضلات این بخش می باشد.

حفاظت از محیط زیست باید به عنوان بخش اصلی از فرایند برنامه ریزی مدنظر قرار گیرد. کاربرد برنامه ریزی محیط زیستی و شیوه توسعه پایدار امری ضروری است که این امر دربردارنده تدوین ظرفیت قابل تحمل و رعایت آن در مناطق توریستی است. انتخاب آن انواع توسعه توریسم که از نظر محیط زیستی مناسب ترین هستند نیز به محدود ساختن آثار منفی زیست محیطی کمک شایانی می نماید. کاربرد اصول مؤثر در حفاظت از محیط زیست بسیار حائز اهمیت می باشد.

وجود ارتفاعات توچال و پارک ملی سرخه حصار بزرگترین اکوتوریسم گردشگری شهر تهران می باشد.

۳-۳- مراکز نگهداری و باغ های وحش و موزه ها

محلی برای نگهداری حیوانات (اهلی و وحشی) است. باغ وحش ها قدمتی بسیار طولانی دارند و از هزاران سال پیش تاکنون به دلایل مختلف به وجود آمده اند. سال ها حاکمان وقت با نگهداری و در معرض نمایش گذاشتن گونه های مختلف و عجیب و غریب حیوانات، ثروت و قدرتشان را به رخ می کشیدند. پیش از قرن نوزدهم باغ وحش ها بیشتر جنبه نمایشی داشتند و طوری طراحی شده بودند که بتوانند گونه های بسیاری از حیوانات را در معرض دید مردم قرار دهند تا درآمد خوبی کسب کنند اما از قرن نوزدهم تا اواخر قرن بیستم، مسئولان شروع به ساخت باغ وحش هایی کردند که به نگهداری و مراقبت حیوانات بویژه آنهایی که در معرض نابودی بود، پردازد. از قرن بیست و یکم به بعد، این باغ وحش ها به مراکز آموزشی تبدیل شدند؛ مراکزی که بازدیدکنندگان را به منظور حفاظت از حیوانات آموزش می داد و در عین حال مکانی برای تحقیق محققان روی گونه های مختلف جانوری محسوب می شد حیوانات باغ وحش این دوران در حقیقت نمایندگان حیوانات در حیات وحش شمرده می شدند به طوری که محققان به کمک آنها می توانستند حیوانات خارج از باغ وحش را از نظر نوع زندگی و رفتاری کاملاً بشناسند و بدانند چه چیزهایی محیط زیست آنها را تهدید یا نابود می کند. باغ وحش ها همان طور که می توانند ایمنگاه حیوانات باشند، همچون زندانی نیز برای برخی حیوانات محسوب می شوند. بنابراین محل زندگی و اختصاص فضای کافی برای نگهداری حیوانات بسیار مهم است.

مواردی که باید در خصوص گونه های جانوری رعایت نمود:

- ♦ ساماندهی مراکز نگهداری و خرید و فروش گونه های وحشی غیرمجاز
- ♦ تدوین و اجرای برنامه جامع پیشگیری از وقوع تلفات جاده ای

حیات وحش

- ♦ شناسایی و جمع آوری سلاح غیر مجاز

- ♦ برنامه شناخت و کنترل تلفات بیماری‌های جانوران و کنترل و مبارزه با بیماری‌های مشترک انسان، دام و حیات وحش
- ♦ احداث تیمارگاه و قرنطینه و تامین تجهیزات لازم جهت درمان گونه‌های جانوری آسیب‌دیده
- ♦ تدوین طرح‌های حفاظت از گونه‌های در معرض خطر تهدید و بررسی وضعیت پراکنش و جمعیت

۳-۴- فعالیت‌های محیط زیستی

۱. فرهنگسازی و آموزشهای محیط زیستی.
۲. بهینه سازی و کاهش مصرف منابع طبیعی و انرژی (آب، برق، سوخت، کاغذ) و ...
۳. توسعه و نگهداری فضای سبز بطوری که در حال حاضر بیش از ۱۲۰ هکتار فضای سبز با گونه‌های گیاهی (انواع نخل، کهور، کرت، کنوکارپوس، انواع گل‌های کاغذی، تکوما، اکالیپتوس، گل ابریشم، انبه، گارم زنگی، کنار، انواع مرکبات، چمن افریقائی، چوچ و تمبر هندی) متناسب با شرایط و آب و هوای منطقه ایجاد شده است
۴. بهسازی محیط و ایجاد فضاهای تفریحی و ورزشی.
۵. راه اندازی سیستم تصفیه فاضلاب با ظرفیت روزانه ۸۸۰ مترمکعب به منظور بازیافت و جلوگیری از آلودگی‌های محیط زیست و همچنین تامین آب مورد نیاز برای توسعه و نگهداری فضای سبز. راه اندازی واحدهای کنترل آلودگی شامل: راه اندازی واحدهای خردایش بت و باتس به منظور بازیافت و جلوگیری از آلودگی‌های محیط زیست و استفاده مجدد در چرخه تولید
۶. جمع‌آوری و دفع صحیح بهداشتی پسماندهای عادی با هماهنگی شهرداری سازمان بازیافت و مدیریت پسماندها

۷. جمع آوری و دفن صحیح بهداشتی پسماندهای ویژه با هماهنگی سازمان حفاظت محیط زیست استان.
۸. ساماندهی انبار ضایعات، تفکیک و جداسازی ضایعات فلزی، پلاستیکی، چوبی و ... به منظور استفاده مجدد از آن .
۹. حفاظت از باغات ، اعم از باغ های به جای مانده از روستاهایی که پیش از توسعه شهر تهران عملکرد کاملاً روستایی داشته و اکنون در بافت شهر ادغام گردیده اند.
۱۰. ممنوعیت هرگونه تغییر کاربری و ساخت و ساز در باغات باقیمانده شهر.
۱۱. ممنوعیت هرگونه ساخت وساز مسکونی، اداری، نظامی و صنعتی در محدوده پارک های جنگلی
۱۲. ساماندهی و تجهیز پارک های جنگلی به صورت یکپارچه و به منظور تامین ایمنی های اکولوژیک (حفاظت از اکوسیستم های گیاهی و جانوری) و انسانی (آتش سوزی، تخریب و قطع اشجار).
۱۳. استفاده از مجموعه گیاهان بومی پایدار در اقلیم تهران با رعایت تنوع در پوشش گیاهی پارک های شهری
۱۴. ساماندهی رود دره ها به عنوان دالان های طبیعی و محورها های سبز ارزشمند درون شهری و ممانعت از ایجاد کاربری های ناهمگون در آنها
۱۵. خروج منابع و مراکز فروش و نگهداری مواد پرخطر شیمیایی از مناطق مرکزی شهر
۱۶. ممنوعیت و محدودیت ساخت و ساز در حریم اول گسل های شمالی و جنوبی شهر و عرصه هایی با شرایط ناپایدار ژئوتکنیکی
۱۷. ایمن سازی سازه ها و تاسیسات شهری
۱۸. ساماندهی محوطه های باز و تجهیز شده برای ایجاد مراکز امداد و نجات

۱۹. تمرکز جمعیتی ساکن و شناور که ناهنجاری‌های عدیده و بار محیط زیستی مضاعفی را به تهران تحمیل می‌کند.
۲۰. مرکزیت ثقل اقتصادی و استقرار فعالیت‌های تولیدی صنعتی و خدماتی بیش از ظرفیت برد و تحمل شهر تهران
۲۱. تردد بسیار بالای وسایل نقلیه و شماره گذاری روزانه بیش از ۲۰۰۰ خودرو در تهران.
۲۲. تولید روزانه بیش از ۷۵۰ تن زباله خانگی و نیز حدود ۲۷۰۴۳۲ کیلوگرم در سال زباله بیمارستانی در تهران که جزء زباله‌های خطرناک هستند.
۲۳. فقدان تجهیزات و زیرساخت‌های لازم شهری و در نتیجه دفع غیر اصولی فاضلاب در آب‌های سطحی و زیر سطحی و آلودگی منابع آب و خاک.
۲۴. توسعه شتابان بافت مسکونی و بلند مرتبه سازی که باعث مشکلات عدیده ای گردیده است.
۲۵. شناسایی واحدهای جدید آلوده کننده محیط زیست در محدوده تحت نظارت.
۲۶. همکاری و هماهنگی کلیه ارگان‌های مرتبط جهت کنترل وضعیت آلاینده‌گی واحدهای آلاینده شناسایی شده از طریق ابلاغ اختاریه، پیگیری قضایی و پلمپ مکان مورد نظر.
۲۷. پیگیری در جهت اندازه‌گیری آلاینده‌گی واحدهای تحت نظارت بر حسب نوع آلودگی (هوا، آب، خاک و صوت).
۲۸. بکارگیری قوانین موجود در خصوص برنامه‌های شهرسازی و معماری ایران به منظور ایجاد محیط زیست بهتر برای مردم

فصل دوم: کمیته حمل و نقل و ترافیک شهری^۱

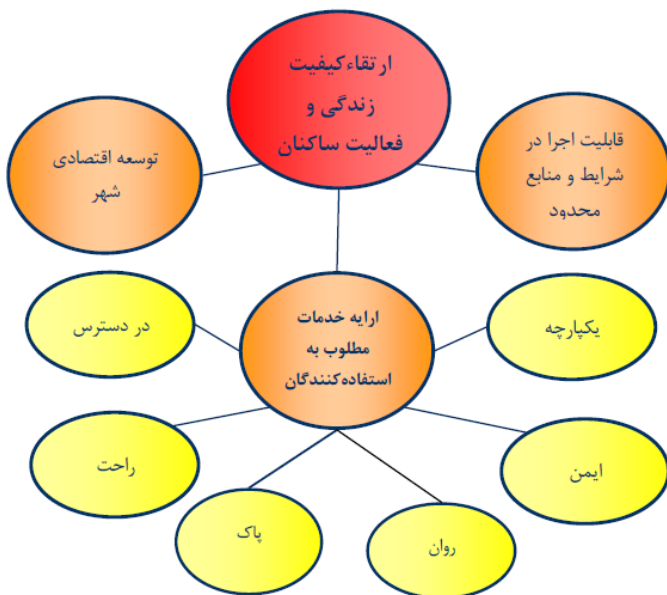
مقدمه

چشم انداز طرح جامع حمل و نقل و ترافیک تهران در حقیقت سیمای آینده حمل و نقل و ترافیک شهر تهران را در سال افق طرح مشخص می کند. این سند در راستای طرح جامع حمل و نقل و ترافیک تهران می باشد که بر اساس سال مبنای طرح، ۱۴۰۴ تعریف شده است

« در سال ۱۴۰۴، شهر تهران دارای سیستم حمل و نقلی است که کیفیت زندگی و فعالیت ساکنان شهر را مطابق با استانداردهای بین المللی ارتقاء داده است این امر متضمن این است که این سیستم یکپارچه، دردسترس، روان، راحت، ایمن، پاک و در جهت توسعه اقتصادی تهران بوده و با در نظر گرفتن محدودیت منابع قابل اجرا باشد.»

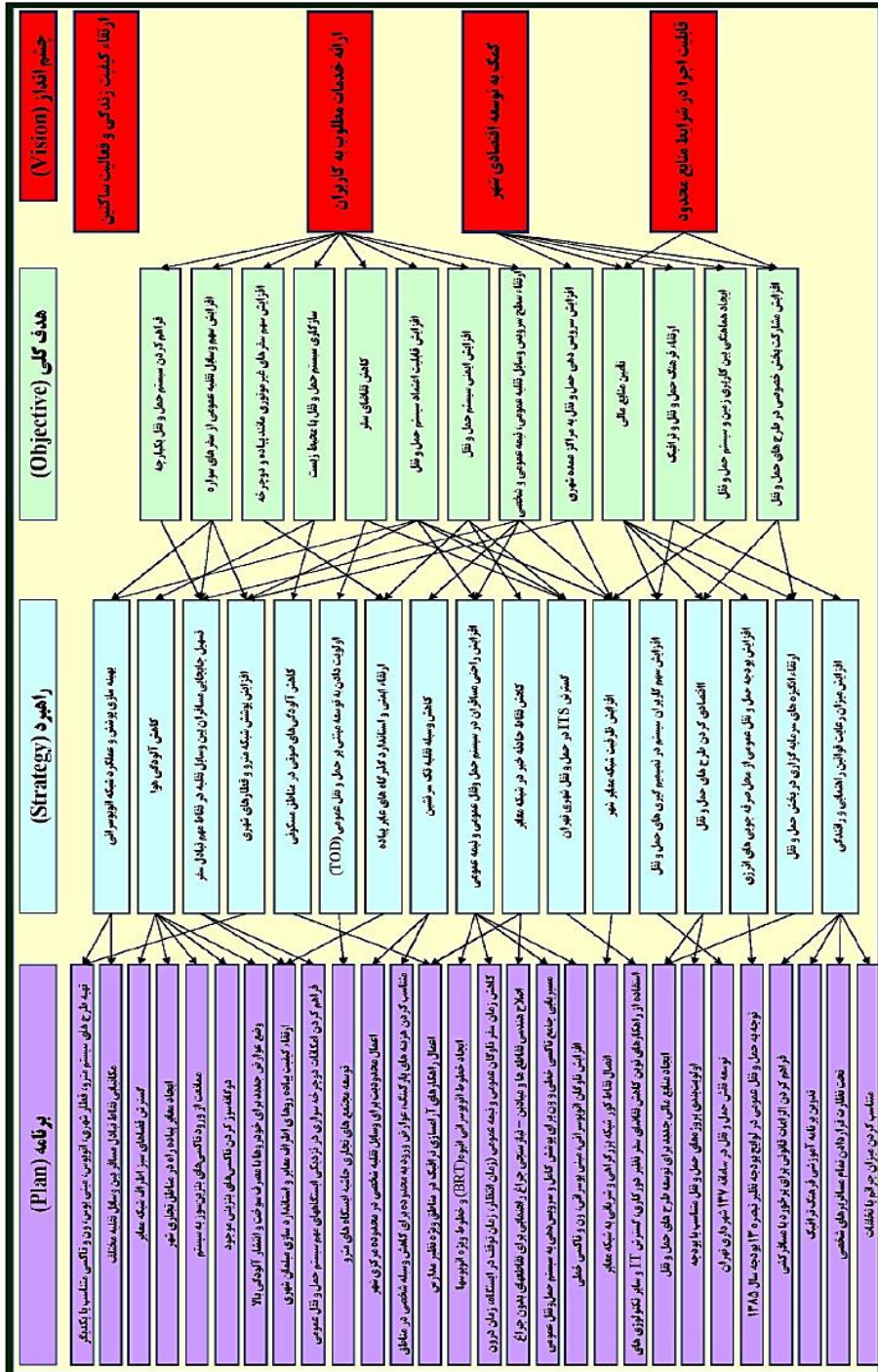
با نگاهی به چشم انداز تعریف شده مشخص می گردد که در یک نگاه کلی، می توان آن را به چهار عنوان کلی تقسیم نمود که مطابق شکل شماره (۱) تعریف می شوند.

^۱ جواد تن زاده: دکترای مهندسی راه و ترابری و نیز مهندسی ژئوتکنیک، عضو هیات علمی دانشگاه و عضو جامعه اندیشمندان ترافیک کشور



شکل شماره (۱) چشم انداز حمل و نقل و ترافیک تهران

طرح جامع حمل و نقل و ترافیک تهران، مطابق جدول شماره (۱) بنا به ماهیت و تنوع مسائل مطرح شده، دارای اهداف متعددی است که اهداف کلی نامیده می شوند و کلیه اقدامات و راهکارهای ارائه شده نیز می بایست در راستای رسیدن به این اهداف تعریف شود.



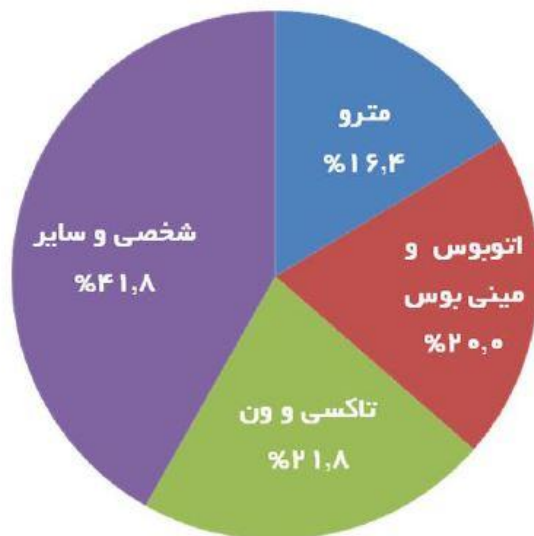
از طرفی برای هر هدف کلی یک یا چند "راهبرد" تعریف می شود و این راهبردها، قابل سنجش بوده که جهت دستیابی به اهداف کلی مشخص می شوند. از طرف دیگر میزان سنجش و معیار دستیابی به چشم انداز و اهداف کلی و نیز راهبردهای مشخص شده، "شاخص" نامیده می شود که مطابق جدول شماره (۲) تعریف شده است.

شاخصهای دستیابی به چشم انداز طرح حمل و نقل و ترافیک تهران

چشم انداز	اجزاء چشم انداز	شاخص	واحد شاخص	مقدار	تعداد شهر برای محاسبه شاخص
ارائه خدمات مطلوب به استفاده کنندگان سیستم	یکپارچه و در دسترس	تراکم شبکه حمل و نقل ریلی	متر شبکه به کیلومتر مربع مساحت	۱۰۷۲	۳۴
		پوشش شبکه ریلی	کیلومتر شبکه به میلیون نفر ساکن	۲۶۸	۳۴
		تراکم شبکه اتوبوسرانی	متر شبکه به کیلومتر مربع مساحت	۳۲۶۱	۳۴
		پوشش شبکه اتوبوسرانی	کیلومتر شبکه به میلیون نفر ساکن	۱۱۵۹	۳۶
	راحت	مالکیت سواری شخصی	تعداد وسیله بازه ۱۰۰۰ نفر ساکن	۴۴۸	۴۰
		متوسط سهم حمل و نقل عمومی	درصد	۴۴	۱۷
		سرفاصله تمام وسایل نقلیه عمومی	دقیقه	۷	۲۵
		سرانه ناوگان حمل و نقل عمومی	نفر جمعیت بازه یک دستگاه	۸۴۲	۳۳
	روان	متوسط عمر ناوگان عمومی	سال	۸/۲	۱۴
		تراکم شبکه معابر	کیلومتر شبکه به کیلومتر مربع مساحت	۱۰	۳۷
		پوشش شبکه معابر	کیلومتر شبکه به میلیون نفر ساکن	۳۴۲۰	۳۷
		سرعت همسنگ سواری	کیلومتر بر ساعت	۲۶/۵	۲۹
		سرعت وسیله حمل و نقل عمومی	کیلومتر بر ساعت	۲۵/۵	۳۹
	ایمن	تعداد کشته ها به ۱۰۰۰۰ وسیله	تعداد به ۱۰۰۰۰ وسیله	۱/۵	۱۶
		تعداد کشته ها به ازای ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	تعداد به ۱۰۰۰۰ جمعیت	۹	۱۸
		تعداد کشته ها به ازای صد میلیون وسیله-کیلومتر	تعداد به صد میلیون وسیله-کیلومتر	۰/۹۶	۹
	پاک	مصرف سوخت ناوگان اتوبوسرانی	کیلومتر با یک لیتر	۲/۲۸	۱۰
		قیمت یک لیتر بنزین به سرانه GDP	درصد	۰/۰۰۵	۱۸
		متوسط عمر ناوگان عمومی	سال	۸/۲	۱۴
		سهم دوجرخه در جابجایی روزانه	درصد	۹	۲۹
		نسبت شبکه دوجرخه به شبکه معابر	درصد	۱۵	۳۳
		میزان آلودگی هوا	PSI	۱۰۰	---
کمک به توسعه اقتصادی شهر		تراکم جمعیت	نفر در کیلومتر مربع	۴۲۸۳	۴۲
		سرانه تولید ناخالص داخلی	تولید ناخالص داخلی بازه یک نفر (یورو)	۲۰۵۰۰	۴۰
		نسبت شاغلین شهر به جمعیت	درصد	۰/۴۹	۲۱

تحلیل وضعیت ترافیک شهر تهران

بر اساس گزارش سالانه سازمان کنترل ترافیک و حمل و نقل تهران در سال ۱۳۹۳، نرخ مالکیت خودرو حدود ۰/۴ به ازای هر نفر می باشد و مصرف روزانه بنزین و گازوئیل تهران به ترتیب ۱۰/۸۰ و ۲/۸۰ میلیون لیتر و مصرف روزانه CNG این شهر برابر با ۲/۱۴ میلیون متر مکعب است. سهم وسایل نقلیه در جابه جایی سفرهای روزانه شهر تهران در شکل شماره (۲) نمایش داده شده است.



شکل شماره (۲) سهم وسایل نقلیه در جابه جایی سفرهای روزانه شهر تهران

بطور کلی تراکم ترافیک تهران، سه منشا اصلی دارد که عبارتند از:

۱- رشد و توسعه اقتصاد شهری و افزایش جمعیت و مهاجر پذیر بودن تهران؛

اگرچه رشد اقتصادی شهر منجر به افزایش ترافیک می شود اما این روند استمرار نداشته و از یک سطح معینی به بعد، افزایش ترافیک تاثیر منفی بر رشد اقتصادی خواهد گذاشت. در این شرایط است که یک **چرخه** جدید شکل می گیرد. از یک سو رشد اقتصادی بیشتر جابه جایی بیشتری را می طلبد و ترافیک سنگین تری را ایجاد می کند، از سوی دیگر افزایش ترافیک منجر به افزایش هزینه ها شده که این امر سبب کند شدن رشد اقتصادی شهر خواهد شد.

۲- فرهنگ جامعه در میزان نسبت استفاده از وسایل نقلیه شخصی نسبت به حمل و نقل عمومی.

۳- عدم وجود توازن در عرضه تسهیلات حمل و نقلی با تقاضای موجود؛

۳-۱- ارتباط بین شهرسازی و کاربری زمین با تعداد سفرهای

تولید شده شامل: تراکم و تمرکز کاربری ها در هسته شهر و پراکندگی انواع مختلف کاربری ها در هر قسمت، عدم تامین سهم تعداد پارکینگ مورد نیاز توسط هر کاربری و کمبود پارکینگ عمومی، ساختار هندسی معابر و وجود تقاطع های همسطح و طرح های اصلاحات هندسی.

۳-۲- توسعه و تجهیز حمل و نقل عمومی شامل: ساماندهی حمل و نقل

عمومی و تشویق به استفاده از حمل و نقل عمومی، تخصیص فضا به خطوط ویژه، حمل و نقل غیرموتوری و ساماندهی پیاده روی و آرامسازی ترافیک، ساماندهی دوچرخه سواری.

۳-۳- افزایش ضریب سرشین شامل: عدم استفاده از تکنولوژی حمل و

نقل هوشمند، عدم استفاده بهینه از روش های غیرحضور برای انجام کارها (دورکاری)، ساعات کار متناوب، اتومبیل اشتراکی.

۴-۳- محدودیت‌های مالی و حرکتی، شامل: مالیات بر سوخت،

قیمت‌گذاری شبکه معابر (محدوده طرح ترافیک، طرح زوج و فرد، تک سرنشین و...) طرح تغییر ساعات کاری اداری، آموزشی و اصناف (بطور مثال بانکها ۷/۳۰ صبح و اداری ۸ صبح، آموزشی ۸/۳۰ صبح و اصناف ۹/۳۰ صبح).

راهکارهای مدیریت عرضه و تقاضای سفر

۱- مهندسی ترافیک و شهرسازی

کمبود پارکینگ‌های عمومی در معابر شهری باعث افزایش تعداد ماشین‌های پارک شده در کنار خیابان‌ها شده و تردد را با مشکل مواجه می‌کند و این مساله در تهران به طور واضحی به چشم می‌خورد. از طرفی هر مقدار تعداد شاغلین و دانش‌آموزان یک شهر بیشتر باشد، تردد نیز در آن بیشتر خواهد بود. البته در مدارس ایران این مساله پیش‌بینی شده و هنگام ثبت نام سعی می‌شود تا دانش‌آموزان هر منطقه از امکانات آموزشی همان منطقه استفاده نموده و به مناطق دیگر نروند، در این صورت جابه‌جایی‌های درون شهری کاهش خواهند یافت.

بدیهی است هنگامی که یک فرد از وسیله نقلیه شخصی خود استفاده می‌کند، دیگران را در معرض ایجاد ترافیک بیشتری قرار می‌دهد، بنابراین عادلانه است فردی که استفاده بیشتری از شبکه معابر شهری دارد نیز مالیات بر جابه‌جایی بیشتری پرداخته و در عین حال دولت با کاهش هزینه جابه‌جایی عمومی، تقاضای استفاده از وسیله نقلیه شخصی را محدود کند.

توسعه و طرح اصلاحات هندسی شبکه معابر، بدون شک با بهینه‌سازی ساخت

و ساز شهری، به میزان قابل توجهی ترافیک شهری کاهش خواهد یافت، اما این بدان معنا نیست که توسعه معابر باعث کاهش ترافیک خواهد شد. هدف از توسعه معابر باید اهداف دیگری نظیر ایجاد بستر برای رونق اقتصادی یک منطقه یا اهدافی از این قبیل باشد. این موضوع به ویژه در مورد معابر بزرگراهی قابل توجه است. بزرگراه‌سازی در تهران و دیگر

شهرهای بزرگ ایران بیشتر متکی بر کمیت بوده است و نه کاربرد و کیفیت و همانگونه که از آمار به دست می‌آید تهران دارای ۳۷۴ کیلومتر بزرگراه است و این در حالیست که لندن و مادرید به ترتیب دارای ۱۰۰ و ۲۴۷ کیلومتر بزرگراه هستند و از نظر ترافیکی وضعیت مطلوبتری را نسبت به تهران دارند. بنابراین نکته اینجاست که مساحت تهران قطعاً کشش این همه بزرگراه را ندارد و شاید بهتر باشد که به جای افزایش مسیرهای تردد، تعداد تردد ها و خودروها کاهش یابند.

به عبارت دیگر ساختار هندسی معابر و وجود تقاطع‌های همسطح در تهران، از عوامل افزایش ترافیک بوده به طوری که در هر ۷۳ مترمربع، یک تقاطع در تهران وجود دارد که بیش از ۹۷٪ آن‌ها به صورت همسطح هستند و این موضوع باعث تراکم ترافیک در شهر می‌شود.

۲- توسعه حمل و نقل عمومی و افزایش فرهنگ استفاده از آن

گسترش حمل و نقل عمومی می‌تواند به بهبود وضعیت ترافیک کمک کند. اما اگر کیفیت حمل و نقل عمومی از کیفیت خودرو شخصی کمتر باشد، واضح است که کاربران به استفاده از وسیله نقلیه شخصی روی خواهند آورد و این جابه‌جایی الگوی سفر به حمل و نقل عمومی، تنها در صورتی امکان پذیر می‌باشد که مشکلات استفاده از وسیله نقلیه عمومی مانند **کندی حرکت، خستگی، گرما و شلوغی در اتوبوس و یا مترو در مقابل هزینه های قیمت سوخت و استهلاک اتومبیل قابل تحمل باشد.**

بنابراین استفاده از سیستمهای حمل و نقل همگانی پر ظرفیت و اثربخش، استفاده بهینه از سطوح فوقانی و تحتانی خیابانها توسط سیستمهای حمل و نقل شهری ریلی نظیر مترو، قطار سبک شهری LRT (سیستم ریلی شامل ۳ تا ۵ واگن خودکشش و تریلر) و منوریل اجتناب ناپذیر است. این سیستمها فاقد آلوده کننده های هوا بوده، سرعت متوسط جابه‌جایی مسافر را افزایش می‌دهد.

در مسیرهایی که امکان عبور مترو و قطار سبک شهری وجود نداشته باشد نیز، سیستم مونوریل توصیه می شود. همچنین به منظور اتصال مراکز تولید سفر انبوه همانند فرودگاه، شهرک ها، مراکز خرید، اداری و آموزشی به ایستگاه های مترو و قطار سبک شهری از آن استفاده می شود.

بنابراین سیستم حمل و نقل ریلی سبک به عنوان راه حل بهینه ای به جای تراموای کلاسیک و سیستم های حمل و نقل سریع مدرن (همانند راه آهن زیرزمینی یا مترو، سیستم حمل و نقل ریلی سریع و مونوریل) بشمار می آید که علت احداث چنین سیستم هایی نیز ارائه خدمات با سرعت بیشتر و ظرفیت بالاتر بوده و در عین حال تصویر مدرن تری را از تراموای قدیمی به نمایش می گذارد. لازم به ذکر است که قابلیت ارتقاء مسیرهای مسیر ویژه موجود در تهران که به اشتباه تحت عنوان BRT تعریف شده اند و ظرفیت مسافر در آنها به حداکثر رسیده، می تواند با احداث سیستم ریلی در سطح معابر و یا غیر همسطح به طور قابل توجهی ارتقا یابد.

۳- افزایش ضریب سرشین

همانگونه که کاربرد تکنولوژی تا کنون راهگشای بسیاری از مشکلات اجتماعی بوده است، لذا این تکنولوژی می بایست بتواند در زمینه ترافیک و معضلات مربوط به آن نیز راهکارهای مناسب تری را ارائه کند. از طرفی می توان بعنوان یک طرح جایگزین پایتخت، از یک سیستم توزیع ملی استفاده شود بطوری که سازمانها و وزارتخانه ها در شهرستان های بزرگ مستقر شوند. بدیهی است که در این صورت با استفاده از امکانات سیستم های تکنولوژی اطلاعات نظیر اینترنت، اینترنت و شبکه های داخلی به راحتی می توان ارتباط میان مراکز را برقرار نمود و بدون نیاز به نزدیکی و تجمع فیزیکی از تجمع الکترونیکی اطلاعات مورد نیاز بهره برد. ایجاد و راه اندازی دانشگاه های مجازی، حتی ایجاد مدارس مجازی به نحوی که تحصیل را در منزل و در ساعت دلخواه برای فرد امکان پذیر می سازند، نیز می -

¹Bus Rapid Transit, BRT

تواند به نحو بسیار موثری ترافیک را کاهش داده و به میزان زیادی در هزینه ها صرفه جویی کند. البته در سال های اخیر شاهد راه اندازی چند مرکز دانشگاهی مجازی از طریق اینترنت بوده ایم که متأسفانه به دلیل مشکلاتی که اینترنت کشورمان دارد کیفیت دسترسی چندان مناسب نبوده و مشکلات فراوانی را به همراه داشته است .

۴- ایجاد محدودیت های مالی و حرکتی

افزایش قیمت سوخت و سهمیه بندی، نیز یکی از راهکارهایی بوده که به منظور کنترل ترافیک و جلوگیری از مصرف بی رویه بنزین ارائه شده است. این راهکار، حداقل تفریح جوانانی را که کارشان چرخ زدن در شهر با سرعت و سرو صدای بیش از حد است را کاهش خواهد داد، اما این راهکار در صورتی مفید خواهد بود که دولت به میزان کافی سرویس حمل و نقل عمومی در اختیار مردم قرار داده و با سرویس دهی منظم همراه با کمترین مدت زمان انتظار نیاز سفرهای درون شهری مردم را با قیمتی مناسب پوشش دهد، در غیر این صورت سهمیه بندی بنزین و افزایش قیمت آن تنها به گرانی کرایه ها، افزایش تورم و نارضایتی مردم خواهد انجامید. بی تردید طرح سهمیه بندی در شرایط فعلی کشور یکی از قابل دفاع ترین اقدامات دولت و مجلس است. کشوری که اقتصاد ملی آن بر مبنای درآمدهای نفتی ایجاد شده در شرایط پر مخاطره و دشواری قرار گرفته است بنحوی که هرگونه نوسان جدی در قیمت های نفت، تمام ارکان اقتصادی کشور و سیستم تولید و توزیع را بطور جدی تحت الشعاع قرار می دهد و آنگاه بسیار مهم خواهد بود، اندیشیدن و پاسخ دقیق به سوالاتی نظیر اینکه سالانه چه تعدادی از مردم بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر آلودگی ناشی از سوخت های فسیلی یا تصادفات از بین می روند؟ دولت در زمینه حفظ سلامت مردم، چه مسئولیت هایی را برعهده دارد؟ یا چند درصد از افراد جامعه از یارانه بنزین استفاده می کنند؟

طرح تک سرنشین، در حال حاضر براساس آمار شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، حدود ۵۰٪ خودروهای در حال تردد در ساعت اوج صبح، تک سرنشین هستند، به عبارت دیگر متوسط سرنشین خودروهای سواری در ساعت اوج صبح ۱/۶ نفر است. این عدد در داخل محدودهٔ اضطرار ۱/۴ نفر است. **اجرای طرح تک سرنشین مقدمه‌ای مناسب برای بهره‌برداری از خطوط با اولویت عبور خودروهای چند سرنشین خواهد بود.**

از طرفی انتظار می‌رود با اجرای طرح تک سرنشین، حدود ۱۵۰ هزار خودروی تک سرنشین در یک ساعت اوج اولیه صبحگاهی حذف گردد به طوریکه متوسط سرنشین خودروها در ساعت اوج صبحگاهی حداقل به حدود ۲/۵ نفر برسد. این امر موجب کاهش ۵۳٪/۶ حجم ترافیک در محدودهٔ اضطرار خواهد شد و میزان سرعت وسایل نقلیه در معابر اصلی ۵/۴ کیلومتر در ساعت افزایش خواهد داشت (از ۱۶/۸ به ۲۲/۲ کیلومتر در ساعت). همچنین طرح تک سرنشین، در شهرهای زیادی در سه قاره آمریکا، آسیا و اروپا، از جمله شهرهای مانهاتان، سنگاپور، اسلو، اجرا شده و یا در حال اجرا می‌باشد.

از سوی دیگر با توجه به شبیه سازی انجام شده در شرکت مطالعات طرح جامع حمل و نقل و ترافیک تهران، افزایش متوسط ضریب سرنشین از ۱/۵ به ۲/۵ نفر یکی از راهکارهای اساسی کاهش ترافیک و آلودگی شهر تهران است.

اولویت استفاده از وسایل نقلیه پرسرنشین (HOV)^۱، با ایجاد مسیرهای ویژه (HOV) در شهر تهران و در بزرگراههای آن مناسب به نظر می‌رسد، در کنار این مسئله لازم است حمل و نقل عمومی نیز رشد پیدا نماید. در کنار این مسئله نیز لازم است مؤسسه‌هایی جهت هماهنگی بین افراد برای استفاده از خودروهای پرسرنشین تأسیس، تا افرادی که دارای مبدأ و مقصد سفر یکسان می‌باشند، به صورت اشتراکی از وسیله نقلیه استفاده نمایند. در جدول (۳) خلاصه مزایای همپیمایی و استفاده از خودروهای پرسرنشین

^۱High occupied vehicle

ارائه شده است که در آنها حداقل تعداد سرنشینان شخصی ۳ نفر در نظر گرفته شده و بازرسی‌های مکرر، رعایت مقررات حداقل سرنشین را تضمین می‌نمایند.

جدول (۳) خلاصه مزایای همپیمایی و استفاده از خودروهای پرسرنشین

گزینه ها و موارد	توضیحات
کاهش تراکم ترافیک	استفاده از وسایل پرسرنشین مانع ایجاد تراکم و افزایش استفاده از مدهای دیگر می‌شود.
صرفه‌جویی در سطح راه و فضای پارک	هزینه‌های عملیاتی کمتر نسبت به حالت تک سرنشین
صرفه‌جویی در وقت	باعث صرفه‌جویی در وقت استفاده‌کنندگان می‌شود.
انتخاب مد حمل و نقل	استفاده از HOV باعث کاهش تراکم در معابر می‌شود.
ایمنی مسیر	افزایش ایمنی ناشی از کاهش تعداد راننده‌ها ممکن است با خطاهای عملیاتی جبران شود.
کاهش تأثیرات منفی محیط زیستی	استفاده از مدهای جایگزین تشویق می‌شود.
تأثیر در کاربری زمین	ممکن است باعث تغییر فرم سفرها و گسترده شدن شهرها (مناطق مسکونی) شود.
بهبود شاخص‌های زندگی	کاهش سفرهای اتومبیل شخصی باعث کاهش آلودگی، بهبود سطح سرویس‌ها و ... می‌شود.

درجه‌بندی از ۳ (خیلی خوب) تا ۳- (خیلی بد) بوده و ۰ نشان‌گر عدم تأثیر یا تأثیر ناچیز در مقایسه با سایر عوامل است.

طرح زوج و فرد :

باتوجه به کاهش ۳/۲۲ درصدی حجم ترافیک ساعتهای اوج در داخل محدوده طرح ترافیک و افزایش ۳/۱۵ درصدی حجم ترافیک ساعتهای اوج ترافیک در خارج از محدوده طرح ترافیک، این طرح موجب کاهش ۰/۰۷ درصدی (تقریباً صفر) حجم ترافیک شده است و به عبارت دیگر در عمل این طرح هیچ تاثیری بر کاهش ترافیک ندارد. طرح زوج و فرد موجب افزایش سرعت وسایل نقلیه به میزان ۱/۱۶ کیلومتر در ساعت در داخل محدوده و کاهش سرعت به میزان ۶/۰۱ در خارج محدوده شده است. همچنین شایان ذکر است که طرح زوج و فرد، فقط در دو شهر مکزیکوسیتهی و آتن به طور موقت اجرا شده و در حال حاضر در هیچ کشوری سابقه اجرایی ندارد.

راهکارهای کاهش آلودگی هوا و تراکم ترافیک

با توجه به اینکه یکی از معضلات جوامع پرجمعیت امروزی بشر، ازدحام خودروها و وسایل نقلیه در محیطهای شهری است و این ازدحام موجب افزایش مشکلاتی نظیر سرعت تردد و آلودگیهای صوتی و زیست محیطی می گردد؛ لذا مدیریت صحیح این مشکلات، یکی از مسائل مهم امروز مدیران شهری می باشد. با در نظر گرفتن این امر مدیران و محققان در شهرهای مختلف جهان برای حل این مشکل اقدام به ایجاد راهکارهای مختلف نموده اند. برخی از این راهکارها تشویقی، و برخی دیگر سلبی بوده اند. بطوری که راهکارهای ارائه شده توسط محققان را در چند بخش می توان مورد بررسی قرار داد:

- ۱) راهکارهای تنبیهی و سلبی مانند اخذ عوارض و مالیات از خودروها و اعمال محدودیت های ورود به طرح ترافیک و افزایش قیمت سوخت و پارکینگ؛ این نوع راهکارها با استفاده از اهرم های اقتصادی، سعی می کنند میل مردم به استفاده از وسایل نقلیه شخصی را کاهش داده و در عوض به استفاده از وسایل نقلیه عمومی تشویق نماید.

۲) راهکارهای روان‌ساز ترافیکی مانند: استفاده از سامانه پرداخت الکترونیکی عوارض، بهبود شرایط خیابان‌ها، احداث راه‌های استاندارد، تنظیم کنترل بهینه چراغ‌ها و علائم راهنمایی و رانندگی در راستای بهبود شرایط ترافیکی و کاهش گره‌های ترافیکی.

۳) راهکارهای تکنولوژیکی و نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی و شخصی که شامل پیشنهاد استفاده از خودروهای هیبریدی، جدید و کم‌مصرف با رانندمان بالا در قبال حذف خودروهای فرسوده از ناوگان حمل و نقل و همچنین تغییر سوخت مصرفی خودروها می‌باشد.

یکی از بهترین راه‌کارها، نوسازی و بهسازی ناوگان حمل‌ونقل ریلی و گسترش خطوط اتوبوسرانی و نیز استفاده از اتوبوس‌های پاک برقی یا هیبریدی در این ناوگان به صورت گسترده می‌باشد که علی‌رغم هزینه اولیه تقریباً زیاد، می‌تواند در دراز مدت سوددهی بالایی از نظر کاهش میزان آلودگی و کاهش ترافیک شهری در شهر تهران داشته باشد.

در کنار نوسازی، بهسازی و گسترش حمل‌ونقل اتوبوسرانی در شهر تهران می‌بایست از طرح‌های سلبی نظیر اخذ عوارض ازدحام و همچنین ایجاد مناطق کم‌انتشار بهره‌گیری کرد تا شهروندان را مجاب به استفاده از حمل‌ونقل پاک نمود. این بدین معناست که استفاده صرف از طرح‌های تشویقی و یا سلبی به تنهایی نمی‌تواند کارایی چندانی در مهار آلودگی هوا داشته باشد و می‌بایست با ترکیبی از این طرح‌ها در جهت تشویق شهروندان به استفاده از خودروهای پاک سود برد.

بعد از موارد فوق می‌توان به ارائه طرح‌های تشویقی و ایجاد زیرساخت‌های موثر برای تشویق شهروندان به خرید خودروهای برقی و هیبریدی و جایگزینی تدریجی این خودروها با خودروهای بنزینی و گازوئیلی پرداخت، که در این رابطه نقش دولت و ارائه بسته‌های تشویقی توسط آن نقش تعیین‌کننده‌ای می‌باشد.

در کنار تشویق مردم به خرید و استفاده از خودروهای الکتریکی و هیبریدی، می‌بایست خودروهای بنزینی تولید شده در داخل که قسمت اعظمی از خودروهای مورد استفاده توسط

مردم را تشکیل می‌دهند نیز بهینه سازی و مطابق با آخرین استانداردهای جهانی به روز رسانی کردند. همچنین سوخت‌های فسیلی توزیع شده در جایگاه‌های سوخت‌رسانی نیز می‌بایست استانداردهای شونند تا حداقل آلاینده را وارد هوا کنند.

چشم انداز تامین پارکینگ خودروها در شهر تهران

از آنجا که در هر سال، شامل ۸۷۶۰ ساعت است و فرض شود که هر اتومبیل در طول سال به طور متوسط بیست هزار کیلومتر می‌پیماید که سرعت متوسط سفر آن نیز ۴۰ کیلومتر بر ساعت است، بنابراین مدت زمانی که یک اتومبیل سالیانه در حرکت است برابر با ۵۰۰ ساعت می‌باشد و به عبارت دیگر هر اتومبیل به طور متوسط ۸۲۶۰ ساعت در سال در حال توقف خواهد بود و احتیاج به محلی برای توقف و پارکینگ دارد. بنابراین باید امکان توقف وسیله نقلیه، اعم از توقف بلند مدت و یا کوتاه مدت به نحو مطلوب میسر باشد. از طرفی عدم توسعه ظرفیت‌های معابر و نداشتن پارکینگ مناسب در اماکن و مجتمع‌های مسکونی، اماکن و مجتمع‌های اداری، تجاری، تفریحی و... نسبت به افزایش تردد خودروها در شهرها موجب شده توقف‌های دویل و پارک‌های مورب موجب انسداد راه‌ها، ایستایی ترافیک، هرج و مرج در عبور و مرور، تبعات روحی و روانی و در نهایت نمایی نازیبا بر جای گذارد. با توجه به وجود مراکز تجاری فراوان در مرکز شهرهای کشور و تراکم پارک حاشیه‌ای در آنها استفاده از روش‌های مختلف مدیریت پارکینگ که مدت زمان پارک را در این مراکز محدود نموده و پارک‌های بلند مدت (بیش از ۲ ساعت) را تبدیل به پارک‌های کوتاه مدت (کمتر از ۲ ساعت) نماید، گام مؤثری در افزایش ظرفیت پارک حاشیه‌ای در مراکز تجاری شهرها به شمار می‌آید. بدین منظور در مراکز تجاری شهرهای بزرگ با استفاده از روش‌های مختلف مدیریت پارکینگ (استفاده از کارت پارک، پارکومتر، پارکبان،...) و قیمت گذاری مناسب می‌توان فضای پارک را به شکل عادلانه‌تری در اختیار کاربران قرار داد و همچنین از عرضه و ظرفیت پارکینگ حاشیه‌ای موجود به شکل

مناسب‌تری استفاده نمود. قیمت گذاری پارکینگ‌ها باید به شکلی باشد که هرچه تراکم پارک در مراکز شهر بیشتر است قیمت ساعتی پارک نیز از وسایل نقلیه شخصی در مناطق مرکزی شهر کاسته شده و استفاده از وسایل نقلیه همگانی در این مراکز افزایش یابد.

سیستم پارکینگ شهر تهران در سال افق طرح، ۱۴۰۴ به گونه‌ای است که دارندگان وسایل نقلیه شخصی بتوانند بدون ایجاد خلل در حرکت وسایل نقلیه، در کوتاه‌ترین زمان ممکن مکانی برای پارک وسیله نقلیه خود بیابند و با طی مسافت قابل قبول (۱۵۰-۳۰۰ متر)، خود را به یکی از مراکز اداری و تجاری برساند و متناسب با مدت زمان پارک، هزینه استفاده از فضاهای شهری راپردازند.

جهت نیل به این هدف درباره دو دسته از اقدامات اجرایی تحت عناوین سیاست‌های پارکینگ و استراتژی‌های مدیریت پارکینگ‌های حاشیه‌ای بحث خواهد شد.

سیاست‌های پارکینگ

شامل اقداماتی اصولی و با اهداف بلند مدت است. در صورتی که استراتژی‌های مدیریت ترافیک شامل اقداماتی اولیه است که برای حل مشکلات موجود در کوتاه مدت، اجرا می‌شود.

سیاست‌های مدیریت پارکینگ عبارتند از:

فضای پارکینگ حاشیه‌ای معابر شریانی حذف شده، عرض قابل استفاده سواره‌رو در این شریانها برای عبور وسایل نقلیه تخصیص داده می‌شود، در نتیجه ظرفیت این معابر افزایش می‌یابد. در این سیاست معادل فضای پارکینگ حذف شده در حاشیه این معابر، پارکینگ‌های خارج خیابانی در همان ناحیه ترافیکی احداث می‌شود.

استراتژی‌های مدیریت پارکینگ حاشیه‌ای

استفاده از خط کناری حاشیه معابر به عنوان محل توقف وسایل نقلیه با وجود پیامدهای منفی آن، بخصوص در شهرهای بزرگ اجتناب ناپذیر است، باید در نظر داشت که خط عبوری حاشیه خیابان علاوه بر محلی جهت پارک وسایل نقلیه، جهت تردد آنها و نیز دسترسی به ساختمان‌های اطراف معابر نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجائیکه این سطح

مانند هر کالای اقتصادی دیگری کمیاب است باید به صورت بهینه میان کاربردهای متفاوت آن تخصیص یابد. بدین لحاظ مدیریت حاشیه معابر و اتخاذ و استراتژی‌هایی برای استفاده بهینه از این مکان‌ها، ضروری است.

استراتژی‌های مدیریت پارکینگ‌های حاشیه‌ای در قالب سه گروه زیر بیان می‌شوند:

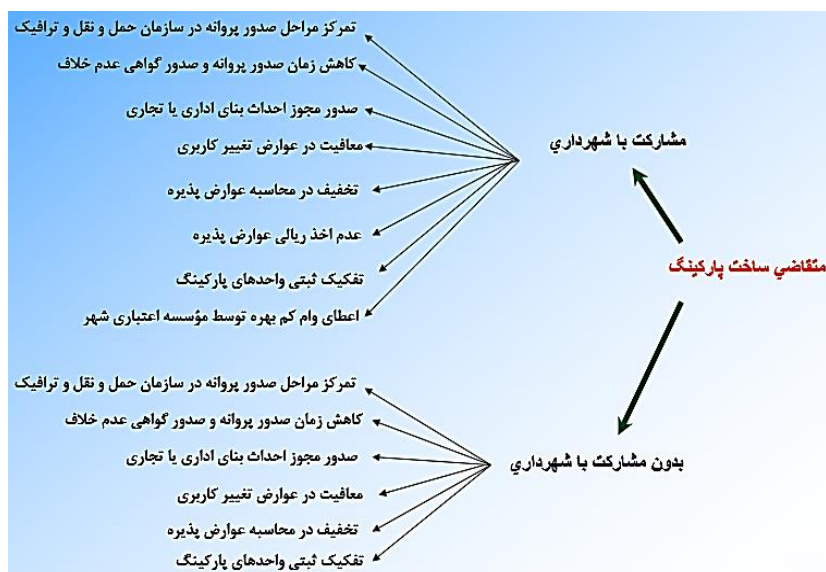
- ۱- استراتژی‌های ممنوع کننده پارکینگ در معابر، جهت تشویق به استفاده از حمل‌ونقل عمومی و حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی در پارکینگ‌های غیر حاشیه‌ای
 - ۲- استراتژی‌های محدود کننده زمان پارکینگ،
 - ۳- استراتژی‌های تکمیلی که بطور مستقیم یا غیرمستقیم مسأله پارکینگ را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. اقدامات مدیریت سیستم حمل و نقل می‌تواند شامل اقداماتی به شرح زیر باشند:
- ارک- سوار^۱، پارک سوار عبارتست از ایجاد تسهیلات پارکینگ در ایستگاه‌های سرویس‌های همگانی، ابتدای بزرگراه‌ها و حاشیه مناطق شهری که برای استفاده آسان‌تر از سیستم‌های همگانی و همپیمای در نظر گرفته شده باشد.
 - جداسازی خطوط وسایل نقلیه پرنشین^۲.
 - تأمین تسهیلات ویژه برای دوچرخه سوارها و عابران پیاده.
 - بهبود بخشیدن به وضعیت چراغهای راهنمایی برای افزایش ظرفیت و کاهش متوسط تأخیر در تقاطعها.
 - اولویت دادن به حمل و نقل عمومی^۳.
- بطور کلی با توجه به محدودیت منابع، معمولاً در برنامه‌ریزی پارکینگ برآورده ساختن تمامی تقاضای پارکینگ در نواحی مختلف مورد نظر نمی‌باشد. بنابراین می‌توان از

^۱Park- and- Ride

^۲High Occupancy Vehicle (HOV)

^۳Public Transport Priority (PTP)

بخشی از کمبودها صرف نظر کرد و آنرا بعنوان کمبود مجاز در نظر گرفت و برای بخش باقیمانده آن گزینه‌های ساخت پارکینگ را ارائه نمود. به لحاظ نزدیکی بیشتر به مقصد، پارکینگ‌های حاشیه معابر از ارجحیت بیشتری نسبت به پارکینگ‌های غیرحاشیه‌ای برخوردارند. بخصوص اگر استفاده از مکان‌های پارک حاشیه‌ای، بوسیله قیمت کنترل نگردد، جذابیت این مکانها برای پارک‌کنندگان افزون شده و عدم وجود تقاضا جهت حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی تشدید می‌گردد. از این رو در برخی از موارد جهت حمایت از سرمایه‌گذاری در این بخش (پارکینگ‌های خصوصی) که وجود آن در سیستم حمل‌ونقل درون شهری حیاتی است، اعمال ممنوعیت پارک در معابر لازم است. در این راستا برنامه و راهکارهای تشویقی به منظور **فراخوان جذب مشارکت بخش خصوص** در **ساخت پارکینگهای طبقاتی** در شهر تهران مطابق شکل (۳) تعریف می‌شود.



شکل شماره (۳) راهکارهای تشویقی بخش خصوصی در ساخت پارکینگ طبقاتی

فصل سوم: کمیته حوادث و بحران^۱

زلزله و مدیریت بحران در هنگام وقوع آن

برای زلزله تعاریف گوناگونی در کتب مختلف آورده شده است. ولی ساده‌ترین تعریفی که می‌توان برای زلزله بیان کرد عبارت است از لرزش و جنبش زمین به علت آزادسازی ناگهانی انرژی. بدلیل ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی بودن زلزله است که جامعه بشری از گذشته بسیار طولانی تا به امروز همیشه در مقابل این پدیده طبیعی خود را عاجز و ناتوان دیده است. چراکه علاوه بر عواقبی مانند لرزش یا گسیختگی زمین، رانش زمین، آتش‌سوزی، روانگرایی خاک و ... که بر اثر زلزله به وجود می‌آید می‌توان به عواقب روحی و روانی ناشی از بیماری، از دست دادن زندگی و دارایی اشخاص، صدمه دیدن اموال عمومی و محصولات کشاورزی و ... اشاره کرد که ممکن است تا سال‌ها تأثیر خود را بر روی یک جامعه بگذارد.

معیارهای ضعیف ساختمانی، استفاده از مصالح و مواد نامرغوب و نبود تأسیسات زیربنایی درست در برخی مناطق شهری بخصوص مناطق فقیرنشین از یک سو و رشد سریع و بی‌رویه جمعیت شهری که از مهم‌ترین ویژگی‌های دوران معاصر است از سوی دیگر باعث تشدید آسیب‌پذیری شهرها در مقابل زلزله می‌شود. از آنجایی که وقوع یک زلزله می‌تواند سختی‌هایی را به جامعه تحمیل نماید و سبب به وجود آمدن بحران در آن جامعه شود، برای برطرف کردن آن نیاز به مدیریت صحیح و اقدامات اضطراری، اساسی و فوق‌العاده است.

همچنین تعاریف متعددی از بحران وجود دارد و صاحب‌نظران علوم مختلف تعاریف متفاوتی در این راستا ارائه داده‌اند. بحران عبارت است از هر حادثه یا وضعیتی که حالتی

^۱ محمد حسین دهبانین: کارشناس مکانیک گرایش جامدات

کوروش امامی: کارشناس ارشد ژئوفیزیک از موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، دبیر

المیرا احمدی: کارشناس ارشد عمران سازه بوعلی سینای همدان، استاد دانشگاه آزاد ساوه و دانشگاه غیر انتفاعی دانشستان

فوق العاده داشته و کشور را از حالت تعادل خارج می کند. به طور کلی بحران به تغییر ناگهانی، شدیدتر از حالت عادی، غافلگیرکننده و تهدیدآمیز گفته می شود که همواره به طور طبیعی و یا به وسیله بشر به وجود می آید.

از دیدگاهی دیگر بحران، عدم انطباق بین نیازها و منابع است. بدین معنا که در شرایط عادی توازن بین نیازهای جامعه از یک طرف و توانمندی ها و منابع موجود آن از طرف دیگر برقرار است. با بروز شرایط بحرانی که می تواند نتیجه بروز هر اتفاق غیرعادی و پیش بینی نشده طبیعی و غیرطبیعی همچون زلزله، سیل، طوفان های بزرگ، آشوب و ... باشد و به دلیل شرایط خاص که به جامعه تحمیل می شود دیگر شاهد توازن بین نیازها و منابع نخواهیم بود. امروزه مشخص شده است که ایجاد برخی از بحران های طبیعی ناشی از مشارکت دو فاکتور عوامل طبیعی و عملکردهای انسانی است.

مدیریت بحران، علمی کاربردی است که به وسیله مشاهده سیستماتیک بحران ها و تجزیه و تحلیل آن ها، در جستجوی یافتن ابزاری است که در صورت بروز بحران از آن ابزار در جهت پیشرفت امور به روالی قابل کنترل، و برگرداندن امور به شرایط قبل از بحران در اسرع وقت استفاده نماید.

انتظار بازگشت سریع امور و بهبود اوضاع در کمترین زمان، یکی از دام هایی است که معمولاً از بیرون به مسئولین مدیریت بحران فشار می آورد و این خود یکی از مهم ترین عوامل تصمیم گیری های غلط و گسترش دامنه بحران محسوب می شود. پژوهش ها و بررسی های انجام شده نشان می دهد بحران ها به تنهایی تعیین کننده میزان خسارت نیستند بلکه پاسخ مسئولان به بحران است که میزان خسارت های وارده را تعیین می کند. شاید به نظر غیرعادی برسد اما واقعیت این است که برنامه ریزی و مدیریت ناصحیح بحران می تواند سبب رخ دادن فاجعه ثانویه ای در دل فاجعه اصلی باشد. به همین دلیل است که امروزه برنامه ریزی و مدیریت بحران دارای اهمیت بسیار زیادی هست.

به طور کلی مدیریت بحران از سه فاز کاملاً مجزا تشکیل می شود که شامل: الف) پیش بینی / پیش گیری ، ب) برنامه ریزی / آموزش ج) هدایت / کنترل تجربه نشان داده است که در مواقع بحران کار زیادی جز هدایت و کنترل قابل انجام نبوده و مهم ترین اقدام، اتخاذ تصمیم های صحیح و درست می باشد. از دیدگاه مدیریت، برای اتخاذ تصمیم درست نیاز به پردازش داده ها و اطلاعات است. اما منابع اصلی همه این موارد تنها قبل از بروز بحران در اختیار بوده و اگر دو مرحله قبلی یعنی پیش بینی / پیش گیری و برنامه ریزی / آموزش درست انجام نشده باشد بحرانی جدید همراه با تصمیم های عجولانه و نسنجیده به وجود می آید که نه تنها بر وخامت اوضاع می افزاید بلکه سبب به وجود آمدن بحران های جدیدی می شود که حتی ممکن است قابل شناسایی نبوده و فقط عوارض ناشی از آن به صورت پیوسته در کنترل بحران اصلی خلل ایجاد کند.

در شهر تهران وجود بافتهای فرسوده و متراکم در بخش های جنوبی شهر به ویژه منطقه - ۱۲ که از لحاظ اقتصادی بسیار حائز اهمیت بوده و محل استقرار بازار قدیم تهران است از یک طرف، و برج سازی های بی رویه در مناطق شمال شهر تهران و در کوچه های کم عرض مناطقی مانند مقدس اردبیلی، ولنجک، نیاوران و ... و از سوی دیگر، امداد رسانی و تردد آمبولانس ها و ماشین های آتش نشانی را در این مناطق با مشکل مواجه ساخته و خطر ریسک پذیری را در مقابل سوانح غیر مترقبه مانند زلزله در این شهر افزایش می دهد.

واقعه دلخراش و اسفناک ساختمان پلاسکو می تواند زنگ خطر جدی برای ساکنین شهر تهران باشد. از طرفی تراکم ترافیک را می توان بزرگ ترین معضل شهر تهران دانست که در هنگام وقوع حوادث غیر مترقبه، این معضل وجود خود را بیش از پیش نشان می دهد. از این رو طراحی شبکه های معابر ترافیک اضطراری و مشخص کردن اولویت های بازگشایی می تواند از جمله مسائلی باشد که دولت و شهرداری تهران باید در اولویت کاری خود قرار دهد. بهبود وضعیت حمل و نقل درون شهری و افزایش تعداد اتوبوس های شرکت واحد، افزایش قطارهای مترو و یا حتی راه اندازی هر چه بیشتر شبکه های اینترنتی با هزینه بسیار

کمتر از موارد قبل که خوشبختانه به تازگی در تهران آغاز شده و مسافران را باقیمت‌های مناسب به نقاط مختلف شهر انتقال می‌دهد، می‌تواند در کاهش تراکم ترافیکی شهر بخصوص در ساعات اوج ترافیک کمک نماید. مسلماً ترغیب و تشویق شهروندان به استفاده از چنین شبکه‌های اینترنتی که دسترسی به آن‌ها به وسیله تلفن همراه بسیار آسان شده نیز، خود مقوله جداگانه‌ای است که رسانه‌های ملی کشور می‌توانند در این زمینه شهروندان تهرانی را آگاه نمایند.

همانطوری که در ابتدای این بخش و در تعریف زلزله به آن اشاره گردید، از جمله عواقب ناشی از زلزله می‌توان آتش‌سوزی ناشی از صدمه دیدن شبکه‌های برق و خطوط گازرسانی باشد. به عنوان نمونه می‌توان به زلزله ۱۹۰۶ سانفرانسیسکو اشاره کرد که مرگ و میر ناشی از آتش‌سوزی بیشتر از زلزله بوده است. به همین دلیل مجهز کردن ساختمان‌های شهر به تجهیزات ایمنی از جمله کارهایی است که باید شهروندان را به انجام آن ترغیب نمود.

افزایش تعداد ایستگاه‌های آتش‌نشانی و امداد و مجهز کردن آن‌ها با تجهیزات مدرن و همچنین پرورش نیروهای انسانی کارآمد با حقوق و مزایای مکفی در هر منطقه می‌تواند یکی دیگر از راهکارهای مؤثر شهرداری و شورای شهر جهت آماده‌سازی در مقابل زلزله باشد. تا پایان سال ۹۴ تعداد ایستگاه‌های آتش‌نشانی به ۱۲۷ ایستگاه باهدف پوشش متوسط ۲۰ کیلومتر برای هر ایستگاه رسیده است. بدون شک باید هدف مسئولین کاهش این میزان به مقدار قابل توجهی باشد؛ چراکه در یک منطقه‌ای مانند خیابان میرداماد که خانوارهای زیادی در کوچه‌های منتهی به این خیابان زندگی می‌کنند، فقط یک ایستگاه آتش‌نشانی مستقر است که وجود تنها یک ایستگاه آتش‌نشانی نمی‌تواند امداد رسان ساکنین این مناطق بخصوص در ساعات پرتردد این خیابان باشد. ولی در مقابل مشاهده شده که در سال‌های اخیر در این خیابان چندین مراکز تجاری افتتاح و شروع به فعالیت نموده است. شایان ذکر است که نگارنده این مقاله کوچک‌ترین مخالفتی با ساخت مراکز تجاری ندارد ولی اگر

تمام کارها به درستی و به موازات یکدیگر انجام شود، نتایج آن کاهش خسارات ناشی از حوادث غیرمترقبه و تسهیل در کمک‌رسانی خواهد بود.

از چالش‌های دیگری که در هنگام وقوع زلزله می‌توان به آن اشاره کرد حفظ امنیت، مقابله و برخورد قاطع با افراد سودجو و بی‌وجدانی می‌باشد که از وقوع چنین رخدادهایی سوءاستفاده کرده و دست به سرقت مال و اموال افراد می‌زنند. قطعا در این بخش نیروی انتظامی و یگان‌های ویژه باید وارد عمل شده و نظاره‌گر این فرآیند باشند. از این رو در بخش مدیریت بحران حضور شخصیت‌های تام‌الاختیار از سوی نیروی انتظامی لازم است تا بتوانند در برقراری امنیت و حفظ جان و مال مردم به شوراهای شهری و شهرداری‌ها یاری رسانند و مسئولین امر را در این زمینه آگاه نمایند.

فرهنگ‌سازی و آشنایی هر چه بیشتر شهروندان با زلزله و آمادگی شهروندان در هنگام وقوع آن یکی دیگر از کارهای مهمی است که دولت باید برای آن برنامه‌ریزی کرده و در آن سرمایه‌گذاری نماید. در این راستا می‌توان به آموزش از طریق کتب درسی و یا رسانه ملی و یا حتی توزیع رایگان بروشورهایی جهت آشنایی هر چه بیشتر جامعه با زلزله اشاره کرد. اینکه افراد یک جامعه در هنگام وقوع زلزله چگونه باید رفتار کنند، مقوله بسیار مهمی است که سال‌ها باید در این زمینه بررسی و سرمایه‌گذاری انجام شود. در زلزله ۱۱ مارس ۲۰۱۱ ژاپن یکی از عوامل مهم یاری‌دهنده به مدیریت بحران در ژاپن، رفتار مناسب مردم و پیروی آن‌ها از فرامین مدیریت بحران و رفتار اخلاقی و همبستگی اجتماعی و روحیه دیگر دوستی و در یک کلام سرمایه اجتماعی این کشور بود. عدم ایجاد تراکم عامل انسانی جهت کمک‌رسانی، فداکاری در جاهایی که امداد به دیگران در اولویت داشت و در نظر گرفتن نفع جمعی از فاکتورهای مهم برای کمک به مدیران بحران در ژاپن برای کنترل پیامدهای ناشی از زلزله ۱۱ مارس ۲۰۱۱ ژاپن بود. لازم به ذکر است که رساندن جامعه به چنین ذهنیت و تفکری، رخدادی نیست که بتوان در ظرف یک یا دو روز به آن دست‌یافت ولی یابی به آن در درازمدت با انجام کارهای اصولی و پایه‌ای به آن امکان‌پذیر می‌باشد.

در این بخش سعی بر آن شده است که ضمن آشنایی مختصر با مفاهیمی مانند زلزله، بحران و مدیریت بحران، تعداد محدودی از کارهای مهمی که می‌توان در باب چنین فرآیندی انجام داد، به‌طور خلاصه آورده شود. امید است که بتوان به این طریق مسئولین امر را حتی اگر بسیار جزئی هم باشد راهنمایی کرد.

بهسازی و مقاوم سازی

وضع استحکام ساختمان‌های تهران و نیز راه‌های دسترسی به آنها در صورت بروز حوادث سنگین چندان مناسب نیست. تهران بر روی خطوط لرزه خیز کشور قرار دارد و عمر و قدمت بسیاری از سازه‌های آن به بیش از بیست سال می‌رسد. بسیاری از ساختمان‌های مسکونی و حتی تجاری فاقد رعایت اصول ایمنی بر اساس ضوابط مقررات ملی می‌باشند.

اکیدا پیشنهاد می‌شود که به بررسی و مشاهدات میدانی در خصوص مناطقی با بافت‌های قدیمی پرداخته و با ارائه راهکارهای تقویتی در جهت نوسازی و بهسازی سازه‌ها گام برداشت.

پیشنهادهای جهت ایمن سازی سازه‌ها:

۱- کنترل و ارائه ضوابط جهت ملزم نمودن مهندسان و پیمانکاران جهت رعایت اصول ایمنی بر اساس مقررات ملی. متأسفانه در بسیاری از موارد پیمانکاران و مهندسان به اهمیت آزمایشات خاک و ژئوتکنیک واقف نیستند و در بسیاری از موارد نتایج صوری جهت کسب مجوز ساخت ارائه می‌دهند. این در حالی است که پایه و اساس یک سازه پی و شالوده آن می‌باشد که از عوامل اصلی ضعیف بودن سازه‌ها نیز به شمار می‌رود. لذا پیشنهاد می‌شود در این زمینه به آزمایشگاه‌های معتبر مجوز فعالیت داده شود.

۲- بررسی و شناسایی ساختمان‌های قدیمی و مقاوم سازی آنها بر اساس آخرین ویرایشات مقررات ملی.

۳- کنترل سازه ساخته شده طبق نقشه های مهندسی:

در پروژه هایی که برای یکی از شهرهای کوچک اطراف ساوه برای تعدادی از سازه های فولادی ۱- ۳ طبقه انجام دادم مشاهده گردید بیشتر از ۰.۸٪ سازه ها طبق نقشه های مهندسی ساخته نشده اند و ضعف لرزه های بسیاری دارند. این مساله در ساختمان های حاشیه شهر و روستاها بسیار رایج می باشد.

نتایج تحقیق به صورت موردی در زیر بیان می شود:

- با بررسی سطح عملکرد مورد انتظار و ارزیابیهای انجام شده تحت الگوهای بارگذاری توسط تحلیل استاتیکی غیر خطی نشان داد که رفتار سازه های موجود مناسب نیست و نیاز به بهسازی دارد.
- با توجه به مفاصل پلاستیک تشکیل شده مشخص گردید که سازه های موجود از لحاظ مهاربندی جانبی دارای نقص جدی هستند. برای رفع این مشکل از اضافه کردن مهاربند در دهانه های دیگر استفاده شد.
- با توجه به نتایج به دست آمده از بهسازی سازه ها به طوری کلی می توان نتیجه گرفت که استفاده از مهاربند در دو دهانه با مقطع کمتر به مراتب از کاربرد مهاربند با مقطع بالاتر در یک دهانه کارایی بیشتری دارد. دلیل این امر را می توان افزایش سختی جانبی و بهبود عملکرد سازه دانست.
- نتایج نشان دادند که بهتر است هنگام استفاده از مهاربند EBF تیر خارج پیوند را با استفاده از ورق تقویت نمود. در اکثر مدلها در دهانه های مهاربند EBF تنها تیرهای خارج پیوند نیاز به تقویت داشتند.

فصل چهارم: شهر هوشمند^۱

مقدمه

راه حل های مبتنی بر فناوری اینترنت اشیا به طور فزاینده ای در حال تبدیل شدن به یک جزء اصلی و اساسی در مدیریت شهرهای مدرن است. در سراسر جهان، برنامه ریزان مدیریت شهری و ارائه دهندگان خدمات به این درک و توجه رسیده اند که می توان بر بسیاری از چالش های مدیریت شهری با استفاده از شهرهای هوشمند و بهره برداری از خدمات مبتنی بر فناوری های اینترنت اشیا غلبه نمود و به همین دلیل، امروز شاهد تغییرات اساسی در روند مدیریت خدمات مختلف شهری از جمله تغییرات بنیادین در بهبود ارایه خدمات آب و برق، حمل و نقل و مدیریت پسماندهای شهری می باشیم که علاوه بر تاثیر در بهبود کیفیت خدمات موجب صرفه جویی در هزینه های مدیریت فرآیندهای مربوطه نیز شده اند.

بازیگران اصلی زنجیره ارایه خدمات شهرهای هوشمند

- شهرداری ها و برنامه ریزان شهری
- اپراتورهای تلفن همراه
- برنامه ریزان شهری، ارائه دهندگان خدمات شهری، صاحبان صنف و تجار

خدمات قابل ارایه در شهر هوشمند

۱- مدیریت هوشمند حمل و نقل شهری

بهبود حرکت و کاهش تراکم ترافیک از بزرگترین چالش های پیش روی شهرهای هوشمند می باشد. اثرات ازدحام ناشی از جابه جایی روزمره مسافران و همچنین گردشگرانی که به عنوان بازدید کننده به شهرهای بزرگ مراجعه می کنند و نیز شبکه حمل و نقل مورد نیاز برای توزیع کالا و خدمات و خدمات عمومی، چالش روزمره مدیران شهری می باشد.

^۱ امیر مسعود پودات: لیسانس مهندسی مکانیک دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز

لذا بدلیل این چالش‌ها بسیاری از برنامه ریزان شهری به دنبال راه‌حل‌های مدیریت هوشمند حمل و نقل شهری می‌باشند.

فناوری‌های مدیریت هوشمند حمل و نقل شهری، به مدیران شهری امکان دریافت داده‌های لازم از وضعیت خودروهای خدماتی در بخش‌های مختلف، نظارت بر وضعیت تردد جمعیت در شهر، مدیریت سامانه‌های مدیریت ترافیک (چراغ‌های راهنمایی و رانندگی) و قابلیت اعمال تغییرات مورد نیاز به منظور کاهش ترافیک شهری را فراهم می‌آورد.

ارایه تسهیلات ترافیکی به وسایل حمل و نقل اورژانس مانند آمبولانس‌ها، ماشین‌های آتش‌نشانی و مدیریت زنجیره حمل و نقل عمومی همانند رهگیری منظم عملکرد ترافیکی تاکسی‌های مسافربر، اتوبوس‌های شهری، آژانس‌های مسافربر و وسایل حمل و نقل از جمله منافع مدیریت هوشمند حمل و نقل در یک شهر هوشمند می‌باشد.

جمع آوری منظم داده‌های آماری مرتبط و تحلیل منظم داده‌های آماری مرتبط به منظور ارایه راه‌حل‌های مناسب در صورت بروز پیشامدهای مشابه، از دیگر کارکردهای سامانه مدیریت هوشمند حمل و نقل شهری می‌باشد.

۲- محیط زیست و شهر هوشمند

با استفاده از فناوری‌های مدیریت شهر هوشمند، تغییرات زیست محیطی در شهرها بطور مستمر قابل ارزیابی و رهگیری بوده و رفتارها و عواملی که موجب تغییرات محیط زیستی می‌گردند، قابل شناسایی و رهگیری منظم می‌باشند که ارمغان حاصل از این جمع‌آوری و مدیریت داده، به برنامه ریزان شهری در ایجاد یک محیط سالم برای ساکنین شهرها با بهبود کیفیت آب و هوا، و کنترل آلودگی صوتی یاری می‌رساند.

علاوه بر این، رهگیری منظم و جمع آوری مستمر داده‌های محیطی در شهرهای هوشمند، می‌تواند به برنامه‌ریزان شهری کمک کند تا بواسطه به روز بودن داده‌های مورد نیاز، در کاهش عواقب ناشی از تغییرات ناگهانی و شدید آب و هوا بر روی شهر، مانند سیل، طوفان و یا بارش برف سنگین، مدیریت لازم را اعمال نمایند.

۳- امنیت در شهرهای هوشمند

با توجه به اهمیت حیاتی امنیت در شهر، خلاقیت و نوآوری در مدیریت شهرهای هوشمند با بهره گیری از فناوری‌های متنوعی از جمله اینترنت اشیاء، به طور فزاینده‌ای بهبود ایمنی ساکنان شهرها را هدف گذاری نموده است.

خدمات جدید به منظور افزایش ایمنی شهرها مانند مدیریت دوربین مدار بسته از راه دور متصل به اینترنت/ اینترنت، سنسورهای هوشمند و تشخیص هوشمند حوادث، به مدیران شهرها در بخش های مختلف اجازه می دهد در زمان بروز حادثه عکس العمل های مناسب و سریعتری در مقابل حوادث و تهدیدات حاصله از حوادث داشته باشند.

مدیریت هوشمند روشنایی در شهر، علاوه بر مدیریت بهینه مصرف برق، اطلاع فوری از وضعیت روشنایی در شهر، بواسطه هوشمند سازی روشنایی در معابر، گذرگاه ها و خیابان ها، به کاهش نرخ جرم در شهر، افزایش ایمنی و احساس امنیت در نزد شهروندان و بهبود شرایط رانندگی در شرایط مختلف آب و هوایی کمک می کند.

۴- مدیریت شبکه های آب، برق و گاز در شهرهای هوشمند

صنعت آب، برق و گاز به طور فزاینده‌ای در حال تغییر به تعامل های دوجانبه با مشتریان و جایگزینی با منابع جدید انرژی می باشد. در این راه، شبکه های هوشمند امکان نظارت مستمر و مدیریت تعاملی اندازه گیری مصرف آب و برق و گاز در شهرها و روش های جدید تولید و حمل و نقل انرژی در شهرها، توسط مشترکین بواسطه فناوری های اینترنت اشیاء را فراهم آورده اند.

ارایه امکان نظارت هوشمند بر مصرف انرژی و منابع به مشترکین می تواند به مشترکین کمک کند ضمن اطلاع مستمر از نحوه مصرف منابع و انرژی با اصلاح الگوی مصرف در کاهش هزینه های مصرف آب و برق و گاز و صرفه جویی در این خصوص اقدام نمایند. به عنوان مثال، تجهیز لامپ های روشنایی معابر عمومی به فناوری های مدیریت هوشمند انرژی، علاوه بر افزایش بهره وری ارایه خدمات (و در نتیجه افزایش ایمنی شهری)، موجب

کاهش تا سطح ۸۰٪ مصرف انرژی برق در معابر شهری می گردد که با توجه به هزینه های بالای تولید انرژی برق، قابل احترام و موثر می باشد.

همچنین این فناوری به سازمان ها و شرکت های خدماتی قابلیت پیش فروش منابع و انرژی را ارائه نموده است که در کاهش لایه های وصولی فروش منابع و انرژی موثر است.

۵- بهداشت در شهرهای هوشمند

تراکم جمعیت در شهرها و سرعت گسترش بیماری در شهرها، چالشی بزرگ در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی نزد مدیران ارشد شهری است.

در شهرهای هوشمند با بهره گیری از اینترنت اشیا می توان نظارت مستمر بر سلامت جمعیت یک شهر و یا شهرستان داشت در حالی که در زمان های اضطراری، زمان پاسخ و عکس العمل به وقایع و اتفاق های نیازمند خدمات بهداشتی و درمانی را بهبود بخشید.

راه حل های جدید می تواند به کاهش ازدحام بیش از حد در بیمارستان ها و موسسات درمانی، بهبود شیوه زندگی افراد معلول و افراد دچار بیماری های مزمن، منجر گردد.

علاوه بر این، ارائه دهندگان خدمات سلامت و مدیران شهری به دنبال راه هایی برای بهبود اقدامات پیشگیرانه مانند نظافت و کاهش هزینه ها و افزایش بهره وری از یک بار مراقبت های بهداشتی می باشند که این امور با استفاده از هوشمند سازی شهرها، میسر می گردند.

۶- توریسم در شهرهای هوشمند

توسعه گردشگری به اقتصاد شهرها کمک نموده و موجب افزایش اشتغال و کسب و کار در حوزه های مختلف (از جمله خرده فروشی، هتل داری، رستوران داری، حمل و نقل شهری) می گردد.

توسعه گردشگری موجب رشد جمعیت مراجعه کننده به شهر می گردد که همزمان با این افزایش تراکم جمعیت برنامه ریزی، مدیریت و نظارت موثر در عرصه حمل و نقل عمومی و جاذبه های توریستی محبوب گردشگران مورد نیاز است.

در جشنواره‌ها و رویدادهای بزرگ شهری مانند جشنواره‌های موسیقی و یا مسابقات ورزشی، می‌توان با بهره‌مندی از فن‌آوری‌های نوین مدیریت هوشمند شهری مانند خدمات بلیط‌های الکترونیکی، تولید داده‌های مناسب برای گردشگران و ارایه داده‌های مناسب به آنها در زمان اقامت در شهر در قالب تورسم دیجیتال و نیز ارتقا سطح ایمنی و امنیت گردشگران با استفاده از خدمات امنیت دیجیتال، ضمن ارتقاء رضایت‌مندی گردشگران، بواسطه اطلاع مستمر از وضعیت شهر، مدیریت شهری را در زمان‌هایی که دچار تراکم جمعیت است، بهبود بخشید و ارتقاء داد.

ارایه داده‌های ترافیکی به منظور سهولت رفت و آمد گردشگران، ارایه خدمات سلامت الکترونیک به گردشگران، ارایه تسهیلات امنیتی به گردشگران، تامین محتوای خاص برای گردشگران به منظور معرفی بهتر خدمات، امکانات و خصوصیات شهر در قالب خدمات ارزش افزوده، تسهیلات و خدمات پرداخت الکترونیک و سامانه‌های نظر سنجی و ارزیابی کیفی خدمات، تعدادی از گزینه‌های قابل ارایه در حوزه تورسم در شهرهای هوشمند می‌باشند.

۷- تجارت در شهرهای هوشمند

شهرها به منظور رشد و توسعه باید به طور مداوم حرکت به سوی نوآوری و جذب ایده‌ها، کارگزاران و صاحبان کسب و کارهای جدید را در دستور کار خود قرار دهند. شهرهوشمند، کسب و کارهای محلی را قادر می‌سازد تا ضمن توسعه و رشد پایدار از روش‌ها و راه‌حل‌های ابتکاری به منظور توسعه کسب‌وکار خود بهره‌مند شوند که در نتیجه موجب رشد اقتصادی شهر و افزایش رضایت شهروندان خواهد بود.

خدمات مدیریت هوشمند شبکه حمل و نقل و تدارکات، خدمات تبلیغات الکترونیکی به‌منظور افزایش مراجعه‌کننده به مراکز تجاری و خدماتی، سامانه‌های پرداخت الکترونیک، و نیز راهکارهای امنیت دیجیتال که افزایش ایمنی در نزد کسبه می‌گردد، موجب ایجاد فرصت‌های جدید درآمد و بهینه‌سازی فضای کسب و کار در شهرها می‌گردد.



GSM Association

فصل پنجم: کمیته اقتصاد مدیریت شهری^۱

مقدمه

کسب درآمد در شهرداری‌ها از اموری است که تاثیر عمده ای در ارائه خدمات شهری به شهروندان دارد. اگر شهرداری‌ها نتوانند درآمد کافی و پایدار به دست آورند، نخواهند توانست تاسیسات ضروری در شهر را ایجاد و اداره کنند. هر چند که منابع مالی شهرداری‌ها به صور مختلف قابل حصول است اما همه آنها از خصوصیات درآمدهای پایدار برخوردار نیستند.

پایداری در درآمدها می‌بایست دارای خصایص ذیل باشد:

۱- **تداوم پذیر:** دارای ثبات بوده و حداقل در کوتاه مدت دچار نوسانات شدید

نشوند.

۲- **مطلوب بودن:** کسب درآمد از آن محل موجب ارتقاء رویکرد عدالت محوری

شود و به ساختارهای زیست محیطی، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی لطمه نیاورد.

۳- **انعطاف پذیری:** پایه درآمدی در طی زمان بزرگ شود و همپای با افزایش

مخارج گسترش یابد تا از مضیقه مالی اجتناب شود.

که از مهمترین منابع درآمدی پایدار شهرداری‌ها، درآمدهای حاصل از عوارض نوسازی، عوارض سطح شهر، عوارض کسب و پیشه، عوارض پسماند، مالیات بر مستغلات (در حال حاضر دولت آن را وصول می‌کند)، عوارض تلفن و گاز، عوارض سالانه اتومبیل، مالیات بر ارزش زمین و بهای خدمات ناشی از بهره برداری خدمات عمومی شهری می‌باشند

از سوی دیگر درآمدهای ناپایدار، درآمدهایی هستند که به‌طور مقطعی و براساس فعالیت‌های خاص، نصیب شهرداری می‌شوند که با حذف آن فعالیت، این درآمد مکتسبه نیز حذف خواهد شد. هرچند که ممکن است عواید حاصل از این درآمد، بسیار بالا باشد.

^۱ آرش زهتاب آذری: کارشناس ارشد اقتصاد، کارشناس ارشد تحقیق در عملیات، کارشناس ریاضیات کاربردی

درآمد ناشی از عوارض مزاد تراکم و درآمد ناشی از تخلفات ساختمانی، عوارض اسناد رسمی، عوارض بر پروانه های ساختمانی، عوارض بر زمین های بایر، عوارض فروش کارخانه ها و ...، درآمدهای غیرمستمر یا ناپایدار هستند

در میان بخش های مختلف مدیریت شهری، تامین منابع مالی و درآمدی شهرداری ها اهمیت ویژه ای دارد زیرا از یک سو کسب درآمد شهرداری ها تاثیر عمده ای در ارائه خدمات به شهروندان دارد و از سوی دیگر فقدان درآمد کافی نه تنها سبب عدم ایجاد خدمات ضروری در شهر می شود بلکه اساسا اجرای تمامی طرح ها و برنامه های شهری را با مشکل مواجه خواهد ساخت و نیز عدم برخورداری از منابع مستمر و پایدار درآمدی (حداقل برای پاسخگویی به هزینه های دائمی) برنامه ریزی مالی و بودجه ای شهرداری ها را مختل و با این روند منابع درآمدی فعلی جوابگوی هزینه های رو به تزاید شهرداری ها را در سال های آتی نخواهد بود.

نگاهی به تامین مالی کلانشهرهای جهان در ۵ قاره

بدیهی است که برای اداره مطلوب شهرهای کشور با توجه به تجارب کشورهای توسعه یافته و نیز نظر کارشناسان و مقالات علمی ارائه شده، راهکارهای جدید تامین منابع پایدار مالی برای شهرداری ها لازم به نظر می رسد.

تجارب کشورهای مختلف نشان می دهد مهمترین منابع مالی شهرداری ها را مالیات و عوارض و بعد از آن کمکهای دولتی در قالب بودجه های جاری حکومت های محلی و تاسیسات و تجهیزات محلی و نهایتا استقراض تشکیل می دهد. همچنین ترکیب بهینه منابع مالی شهرداری ها مجموعه ای از فروش کالا و خدمات شهری، انواع مالیات و عوارض و کمک های مالی دولت مرکزی است. در اغلب کشورها درآمدهای غیر مالیاتی سهم کمی از درآمدهای دولت را تشکیل می دهند. بطور مثال سهم مالیات در کشورهای آلمان، آمریکا و ژاپن حداکثر به ۲۰٪ می رسد، در حالی که در ایران در برخی از سال ها حتی ۸۰٪ درآمد های دولت را درآمد های غیر مالیاتی به خود اختصاص داده اند

نگرش جدید مدیریت شهری در جهان، تنها در پی یافتن بسترهایی که بتوان درآمد مورد نیاز را به دست آورد نیست، بلکه پایدار بودن، مطلوب بودن و انعطاف پذیری منابع مالی در اولویت قرار دارند.

به همین منظور قبل از ورود به بررسی بودجه شهرداری‌های ایران خصوصاً کلانشهر تهران در ابتدا به منابع مالی شهرهای دنیا می‌پردازیم. منابع درآمدی شهرداری‌های مختلف جهان، نشان می‌دهد مطابق مبانی نظری و تجارب جهانی نظام درآمدی پایدار شهرداری‌ها، چهار شیوه در اقتصاد شهری برای تأمین در نظر دارند که عبارتند از:

- ۱- فروش مستقیم خدمات (اخذ بهای خدمات شهری)
- ۲- اخذ مالیات و عوارض محلی
- ۳- استفاده از کمک‌های دولتی (انتقالهای دولتی)
- ۴- انتشار اوراق قرضه شهری (استفاده از بازارهای مالی بعنوان مکمل نظام درآمدی)

- عمده منابع درآمدی شهرهای آمریکای شمالی (تورنتو، اتاوا، بوستون و ...) از مالیات بر دارایی (املاک) و مبادلات مالی بین دولتی، شامل مالیات بر فروش (از دولت ایالتی) و مالیات بر درآمد (از دولت مرکزی)، به دست آمده و مالیات بر دارایی بر اموالی مانند زمین قایق، ماشین آلات و دستگاه‌ها، کالاهای لیست شده در یک کار تجاری و دارایی‌هایی مانند اوراق رهن، وام و ... تعلق می‌گیرد.
- عمده منابع درآمدی شهرهای آمریکای لاتین (مکزیک و برزیل) از کمک‌های بلاعوض (سالانه درصد قابل توجهی از درآمد ناخالص دولت به دولت‌های محلی اختصاص می‌یابد)، پس از آن مالیات بر اموال و دارایی‌ها، فروش خدمات، انتشار اوراق قرضه و عوارض و جرائم، تأمین می‌شود.
- بیشترین درآمد شهرهای استرالیا (سیدنی و ملبورن) از محل عوارض (۵۰٪)، درآمد مربوط به تعرفه‌ها، فروش خدمات و جرایم (۲۵٪)، امتیازهای (کمک‌های) عمومی و کمک‌های خاص تأمین می‌گردد

- مهمترین منبع درآمد شهرهای اروپایی (انگلیس، فرانسه، آلمان، سوئد، اسپانیا، نروژ و ...)، از مالیات های محلی و پس از آن فروش خدمات، فروش اوراق قرضه، وام و تسهیلات بانکی است.
- در شهرهای پیشرفته آسیایی مانند شهرهای ژاپن، چین و کره جنوبی، مالیات بر ساکنین، املاک و مستغلات و مالیات بر برنامه ریزی شهری، مالیات بر مصرف توتون و تنباکو و سایر مالیات های عادی شهرداری شامل مالیات بر وسائط نقلیه موتوری و مالیات بر معاملات اوراق بهادار، بیشترین درآمد شهر را تأمین می کنند.
- در شهرهای آسیایی در حال توسعه (شهرهای فیلیپین، هند، مالزی و اندونزی) نیز کمک های بلاعوض و پس از آن درآمدهای مالیاتی به ویژه مالیات بر اموال و دارایی ها، فروش خدمات، انتشار اوراق قرضه و عوارض و جرایم، درآمدهای اصلی شهر می باشند.
- مهمترین اقلام درآمدی در شهرهای آفریقایی شامل مالیات بر اموال و دارایی، فروش خدمات و تعرفه ها، جریمه ها، سهم منصفانه منابع بودجه سرمایه ای، شامل منابع خارجی (استفاده از تسهیلات مالی، انتشار اوراق قرضه و کمک های بلاعوض دولت) می باشند.

بررسی بودجه و تامین مالی شهرداری تهران

در مقام مقایسه و با توجه به عوارض منفی ناشی از منابع ناپایدار مالی، شهرداری های کشور هم نمی تواند از این قانون مستثنی باشد و نگرش حاکم بر دستیابی به منابع جدید و اصلاح منابع موجود باید به سمت اتکا به درآمدهای پایدار و فاصله گرفتن از درآمدهای ناپایدار حرکت نماید، قابل ذکر است که از بودجه ۱۷۸۰۰ میلیارد ریالی شهرداری تهران حدود ۲۴٪ معادل ۴۳۰۰ میلیارد ریال از منابع پایدار مالی تامین می شود.

با مقایسه بین شهرداری شهر تهران و شهرداری های آمریکا می توان گفت که بیشترین منبع درآمدی شهرداری شهر تهران ناشی از بخش زمین و ساختمان (فروش تراکم)، اخذ جرایم

تخلفات ساخت و ساز است و کمک‌های دولتی درصد خیلی کمی (حدوداً ۵ درصد که چندین سال است تقریباً پرداخت نمی‌شود) را تشکیل می‌دهد در حالی که درصد قابل ملاحظه‌ای از درآمدهای شهرداری‌های آمریکا از منبع کمک‌های دولتی است.

عوارض ناشی از درآمدهای ناپایدار بر شهر و شهروندان

در شهرهای ما برای تأمین منابع مالی هر آنچه از منابع طبیعی و غیر طبیعی که متعلق به آیندگان است در قالب درآمدهای ناپایدار و مستمر به پول تبدیل گردیده و با آن، نگه داشتن شهرها در وضعیت کنونی امکان پذیر شده است. در شهرها، حریم‌ها و فضاهای سبز به فروش می‌رسد، کاربری‌ها تغییر داده می‌شود و سرانه‌ها زیر پا گذاشته می‌شود. همه این موارد در واقع زیر پا گذاشتن حقوق شهروندی و دست درازی به منافع نسل‌های آینده است. در ادامه به برخی از مشکلات و معضلاتی که ناشی از مشکلات مالی شهرداری‌هاست و گریبان‌گیر شهرها شده است، اشاره می‌شود:

۱- فروش مازاد تراکم و تأثیر آن بر سیستم‌های شهری، میزان و نوع ارائه خدمات، شبکه ارتباطی، تراکم جمعیت و کاهش فضاهای عمومی و باز را به دنبال دارد.

۲- فشارهای بیش از حدی که در ساخت و سازها برای کسب درآمد به شهروندان وارد می‌شود، نوع و میزان گرفتن عوارض خارج از قاعده، باعث تغییر نگرش فرهنگی مردم در باره‌ی شهرداری شده است، این تغییر نگرش بر اساس نظرسنجی‌هایی که همه ساله انجام می‌گیرد رو به افزایش است.

۳- در حریم و حاشیه محدودی شهرها، در نقاطی که فرمانداری اقدام به صدور پروانه ساختمانی می‌کند، علاوه بر اینکه زمینه ساخت و سازهای غیراصولی و غیرمهندسی فراهم می‌شود، توسعه‌ی قارچ گونه شهر را به دنبال خواهد داشت. باید توجه داشت که به احتمال زیاد این مناطق در آینده نزدیک به محدوده‌ی شهری اضافه

می‌شود و منجر به پیدایش مشکلات پرشمار برای مدیریت شهری خواهد شد، زیرا شهرداری مجبور به ارائه خدمات در کاربری‌های شکل گرفته خواهد شد. ارائه خدماتی که نه تنها هیچ درآمدی برای شهرداری نداشته بلکه شهرداری نیز با دادن خدمات شهری مجبور به صرف هزینه‌هایی نیز می‌شود.

۴- تأخیر در ارائه طرح‌های مطالعاتی و اجرایی به ویژه تأخیر در ارائه طرح تفصیلی که به متوقف ماندن بسیاری از پروژه‌های عمرانی انجامیده و نارضایتی شهروندان را نیز به دنبال دارد.

۵- پیش‌بینی‌های بیش از اندازه‌ی درآمد تفکیک اراضی در مناطق حاشیه‌ای شهرها در بلند مدت باعث از میان رفتن زمین‌های کشاورزی، باغ‌ها، فضای سبز و منابع تولید اکسیژن شهر خواهد شد.

۶- فروش مازاد روزانه طرح ترافیک که ضمن آلودگی هوا در مناطق مرکزی شهر شده موجب افزایش بیماری در میان شهروندان و انتقال بیماری‌ها بصورت ژنتیکی به نسل آینده می‌گردد.

تاریخچه درآمد و بودجه شهرداری تهران

مهمترین منابع درآمدی شهرداری تهران در گذشته، اثاثیه و حواشی بلدیه، درخت‌های شهر تهران و راه شمیران تا شاهزاده عبدالعظیم و مالیات‌ها و عوارض شهری به خصوص عوارض دروازه‌ای بود (عوارض دروازه‌ای توسط هیأت وزیران و تصویب مجلس در سال ۱۳۴۸ لغو شد).

در یک تقسیم‌بندی، منابع اصلی درآمد شهرداری در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ شامل موارد ذیل بود:

۱- درآمدهای وصولی از وزارت کشور (درآمد جایگزین عوارض دروازه‌ای و عوارض متفرقه وصولی توسط وزارت کشور)

۲- درآمدهای وصولی توسط دارایی (عوارض توأم با مالیات، عوارض مربوط به اسناد رسمی، عوارض قند و شکر، عوارض مواد نفتی)

۳- درآمدهای حاصل از عوارض مستمر وصولی توسط خود شهرداری (عوارض اتومبیل و وسایل نقلیه، عوارض سینما، نمایش، تفریحات و ...)

۴- درآمدهای غیرمستمر (عوارض نوسازی، حق مرغوبیت، عوارض بوفه‌های اختصاصی، کشتارگاه، گورستان و غسلخانه، فروش زمین و اموال شهرداری، درآمد دادگاه‌ها، جرایم و تخلفات ساختمانی، حق بار هوایی، تلفن، گذرنامه و درآمد دهک‌ها)

۵- دریافت کمک‌های بلاعوض یا اعتبارات عمرانی و امتیازات اختصاصی از وزارت کشور.

سپس وزارت کشور در تقسیم بندی دیگری، منابع مالی شهرداری‌های کشور را به ۹ طبقه دسته بندی کرد که هر طبقه شامل چند منبع (ریزکد درآمدی) می‌باشد. بر پایه آخرین دستورالعمل ابلاغی وزارت کشور نیز درآمد شهرداری‌های کشور از جمله تهران در هفت بخش، ۱۸ بند و ۱۳۰ زیر بند طبقه بندی گردیده است که این هفت بخش عبارتند از:

۱- درآمدهای ناشی از عوارض عمومی (درآمدهای مستمر)

۲- درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی

۳- بهاء خدمات و درآمدهای مؤسسات انتفاعی شهرداری‌ها

۴- درآمدهای حاصل از وجوه و اموال شهرداری

۵- کمک‌های اعطائی دولت و سازمان‌های دولتی

۶- اعانات، هدایا و دارایی‌ها

۷- سایر منابع تأمین اعتبار

بررسی درآمد شهرداری تهران طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۷ نشان می‌دهد وصولی شهرداری از پرداختی‌های وزارت کشور تقریباً صفر بوده است. اما درآمد در این دوره حاصل از عوارض بر ساختمان‌ها و اراضی در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ با رشد منفی روبرو بوده (میزان بودجه و درآمد شهرداری نیز در این سال‌ها کاهش یافته است) و در بقیه سال‌ها، روندی صعودی داشته است. به عبارتی، درآمد واقعی شهرداری تهران در این سال‌ها از محل عوارض بر ساختمان‌ها و اراضی هر سال بطور متوسط ۴٫۱٪ بیشتر از سال قبل بوده است. در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ سهم عوارض بر ساختمان‌ها و اراضی در کل درآمدها به ۹۰٪ افزایش رسیده است. از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ این درآمد، سیر نزولی داشته است و در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵ مجدداً افزایش یافته اما از سال ۱۳۸۶ تاکنون باردیگر سیر نزولی در پیش گرفته و متوسط سهم آن برای کل دوره حدود ۸۱٪ بوده است.

در سال ۱۳۸۰ عوارض دریافتی از فروش تراکم مازاد، ۵۴٪ درآمد شهرداری تهران را تشکیل میداده در حالی که سهم عوارض نوسازی در همه کلانشهرهای کشورهای توسعه یافته، اصلی‌ترین منبع درآمد بشمار می‌رود، تنها ۰٫۰۹٪ بوده است. بعبارت دیگر ۵۴٪ درآمد شهرداری از صدور مجوز برای ساخت و ساز اضافی در ۲٪ املاک شهر، تامین شده است.

با عنایت به اینکه در سال‌های اخیر بخصوص پس از اجرایی شدن برجام و افزایش درآمدهای نفتی کشور باید بدنبال منابع درآمدی دولتی و پایدار باشیم تا حقوق نسل‌های آینده تضییع نگردد. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که شهرداری‌های آنها ابتدا مطالعاتی را در زمینه رقابت‌های خاص هر شهر برای درآمدزایی انجام داده‌اند. شهر تهران و سایر شهرهای کشور از قابلیت‌های ویژه‌ای برخوردار است که در صورت استفاده آنها می‌توان پایه‌های درآمدزایی شهر را تقویت کرد. درآمدهای کنونی شهرداری شهرهای کشور بعلت ناپایداری نمی‌تواند ضامن رشدی منطقی در این کلانشهرها باشد و اساساً بدون داشتن

درآمدهای پایدار نمی‌توان انگیزه زیادی برای اجرای پروژه‌های طولانی مدت و کلیدی داشت.

سند چشم انداز تامین منابع درآمدی پایدار برای شهرداری های کشور

- ۱- بازنگری قانون شهرداری‌ها متناسب با شرایط موجود و تدوین قانون جدید با هدف تفویض اختیارات کافی به شهرداری‌ها.
- ۲- دریافت مطالبات شهرداری‌ها از بودجه دولت و سهم مالیات و ارزش افزوده بعنوان اصلی ترین منبع درآمد پایدار با توجه به اجرایی شدن برجام و افزایش درآمدهای دولت.
- ۳- حرکت در جهت ایجاد درآمد پایدار بیشتر با استفاده از اعتبارات عمرانی و تعریف پروژه‌های درآمدزا در ابعاد مختلف صنعتی، خدماتی و ...
- ۴- استفاده از پتانسیل‌های مردمی در تعریف پروژه‌های توسعه‌ای و نیز درآمدزا
- ۵- اصلاح ساختار درآمدی شهرداری‌ها و بهبود سیستم مدیریت و برنامه ریزی شهری
- ۶- توسعه آموزش‌های درون سازمانی در خصوص توانمندسازی پرسنل شهرداری‌ها و در صورت لزوم اصلاح ساختار جهت کاستن از هزینه‌ها
- ۷- استفاده از پتانسیل‌های همکاری شهروندان در جهت بهبود رایزنی‌های لازم در خصوص استقلال ارگان‌های شهری و نیز موازی کاری‌های مدیریتی با سایر سازمان‌ها (نیازمند توسعه تعاملات شورای شهر و شهرداری‌ها می‌باشد).
- ۸- توسعه نظارت بر تمامی فعالیت‌های موجود از طریق بهبود سیستم مدیریت کیفیت و استفاده از سیستم‌های نوین مدیریت کیفیت (رویکرد فرآیندی).
- ۹- جلب مشارکت‌های مردمی در اداره امور شهرها.
- ۱۰- استفاده بهینه از اراضی و فضاهای شهری در اختیار شهرداری‌ها جهت کاربری‌های مناسب و یا واگذاری به شهروندان.

- ۱۱- جلب سرمایه گذاری‌های خارجی.
- ۱۲- دستیابی شهرداری‌ها به اطلاعات به روز از املاک و اراضی شهرها و درآمدهای ناشی از آن.
- ۱۳- وضع عوارض محلی بر توان‌های تولیدی شهرها.
- ۱۴- متولی زمین‌های شهری (در محدوده قانونی شهر) خود شهرداری‌ها باشد.
- ۱۵- حذف ادارات تصمیم گیرنده مدیریت شهری و موازی با شهرداری‌ها و تشکیل مدیریت واحد شهری.
- ۱۶- تبدیل زمین‌های وقف به احسن و استفاده بهینه از آنها که سبب درآمد برای اداره وقف و شهرداری‌ها خواهد شد.
- ۱۷- توجه به برخی قوانین. مصوب شهرداری از جمله امور نوسازی و به روز نمودن قیمت‌های منطقه‌ای املاک و ساختمان‌ها جهت جلوگیری از اتکای شهرداری به درآمدهای کاذب.
- ۱۸- توسعه توریسم و گردشگری با انجام تبلیغات موثر.
- ۱۹- بهبود و اعمال مدیریت مطلوب شهری.
- ۲۰- سرمایه گذاری در ایجاد تأسیسات تفریحی. این نوع سرمایه گذاری به دلیل عام-المنفعه بودن آن و سنخیت موضوع با فعالیت‌های شهرداری‌ها و به رغم هدف درآمدزایی آن می‌تواند به عنوان یک فعالیت مفید و درآمدزای پایدار مطرح باشد.
- ۲۱- طرح ایجاد واحدهای تجاری در مراکز خدمات محله، ناحیه و منطقه پیش‌بینی شده در طرح‌های فرادست.
- ۲۲- طرح ایجاد مراکز چند منظوره آموزشی، ورزشی، هنری و فرهنگی. این مراکز که در انطباق با مراکز فرهنگی، تفریحی و ورزشی پیش بینی شده در مراکز خدمات محله، ناحیه و منطقه به اجرا در خواهد آمد، از یک سو، باعث افزایش

درآمد شهرداری‌ها می‌شود و از سوی دیگر، زمینه تأمین خدمات و زیرساخت‌های توسعه پایدار شهرها را فراهم خواهند کرد.

(طرح جامع درآمدهای پایدار تهران شهرداری تهران)

"ارزیابی پایداری منابع مالی و درآمدی شهرداری تهران" (داود دانش جعفری - جعفر باباجانی - سمانه کریمی اسبویی)

کتاب "اقتصاد شهری چیست؟" (میر سیاوش اسبقی)

"ترویج فرهنگ مالیاتی موجب مشارکت بیشتر مودیان می‌شود." (مجله درون سازمانی وزارت اقتصاد و دارایی)
"جای خالی بسته خروج از رکود اقتصاد شهری" (دکتر سید محسن طباطبایی مزدآبادی - روزنامه کار و کارگر)

جدول منابع و درآمد های شهرداری تهران ۱۳۹۳-۹۷ (وب سایت رسمی شهرداری تهران)

"راههای تامین درآمد پایدار برای شهرداری های کشور" (دکتر محمد علی عباسی کشکولی - علی باقری کشکولی - مجله اندیشه و پژوهش)

ضرورت اجرای مالیات بر ارزش افزوده

گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی دوره هفتم سال سوم

روزنامه دنیای اقتصاد

خبرگزاری خانه ملت

اقتصاد آنلاین

گزارش "نتایج بررسی فعالیت های ساختمانی بخش خصوصی" بانک مرکزی ج.ا.ا.

فصل ششم: نخبگان شهری^۱

مقدمه

در جهان معاصر تحولات گسترده در ابعاد مختلف زندگی بشر ظهور یافته است، به گونه‌ای که در سال‌های اخیر سرعت تغییرات و تحولات در جهان، روزافزون شده و احساس ناپایداری و ناامنی محیطی زیادی را موجب شده است.

در این میان، ملت بزرگ ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی با فراز و نشیب‌های فراوان تلاش بی‌وقفه‌ای را آغاز نموده تا بتواند جایگاه شایسته‌ی تاریخی و تمدن علمی و فنی خود را احیا کند و در زمره‌ی کشورهای پیشرفته‌ی جهان قرار گیرد. ائتلاف "همت" برای هم‌گامی با این جنبش و آرمان والا کمیته‌ی تخصصی نوینی با عنوان کمیته‌ی نخبگان شهری در ساختار شورای شهر در نظر گرفته است که تمرکز این مطالب بر روی این کمیته خواهد بود.

نخبه شخصیتی برگزیده، ممتاز، دانا و واجد استعداد و توانایی ذهنی فوق‌العاده است. این توانایی و استعداد ممکن است کلی یا استعدادی خاص نظیر استعداد

^۱ حمیدرضا قانع: دانشجوی کارشناسی ارشد عمران - مهندسی راه و ترابری از دانشگاه علوم و تحقیقات

مهسا سادات اکبری: کارشناس منابع طبیعی - محیط زیست از دانشگاه تهران

زینب شکری: کارشناسی ارشد منابع طبیعی - آلودگی های محیط زیست دانشگاه تربیت مدرس

رضا شاهرضایی گمسان: دانشجوی کارشناسی ارشد عمران - مهندسی راه و ترابری

مرضیه سلحشور: دانشجوی دکترای فناوری محیط زیست پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی

زهره محمدخانی: کارشناسی ارشد شیمی معدنی از دانشگاه تربیت مدرس

مذضیه سادات اکبری: دکترای مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی - فرهنگ سازمانیو منابع انسانی

کیوان حیدری: کارشناسی ارشد کامپیوتر نرم افزار از دانشگاه پیام نور شهر ری

سجاد اسکندریان: کارشناسی ارشد مهندسی حفاری و بهره برداری نفت از دانشگاه صنعتی شاهرود

محبوبه سلیمی: دانشجوی کارشناسی علوم سلول و مولکول از دانشگاه آزاد تهران پزشکی

نقیسه احمدی: کارشناس علوم آزمایشگاهی

موسیقی یا ریاضی باشد. عملکرد این شخصیت ممکن است در زمینه‌های مختلفی همچون توانایی‌های کامل هوشی، استعدادی خاص، تفکر مولد (سازنده) و خلاق و توانمندی‌های رهبری فراتر از معمول باشد. همچنین به استناد ماده‌ی ۴ اساس‌نامه‌ی بنیاد ملی نخبگان، نخبه به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می‌شود که اثرگذاری وی در تولید، گسترش علم، هنر و فناوری، فرهنگ‌سازی و مدیریت کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید و گسترش دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه‌ی علمی و اعتلای جامعه‌ی انسانی کشور گردد. در حال حاضر، بنیاد ملی نخبگان افراد نخبه را از میان برگزیدگان المپیادهای علمی معتبر داخلی و خارجی، برگزیدگان آزمون‌های سراسری، مخترعان و مکتشفان، دانش‌آموختگان، برترین‌های مسابقات علوم قرآنی، شخصیت‌های برجسته‌ی علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، آفرینندگان آثار بدیع ارزنده-ی ادبی و هنری، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و فناوری و مدرسین و محققین علوم حوزوی انتخاب می‌کند.

در تعریف دیگری نخبه را فردی معرفی کرده‌اند که با استعدادهای ذاتی، مسیر رشد در حوزه‌ای خاص را با پشتکار طی کند به گونه‌ای که جایگاهی رفیع در آن حوزه کسب نماید. درواقع، اگر به دو خصوصیت استعداد ذاتی و تخصص اکتسابی، ویژگی برگزیدگی نیز اضافه گردد، این فرد را می‌توان نخبه نامید. نخبه از نظر کمیته‌ی نخبگان در شورا، فردی است که در حوزه‌ی تخصصی خودش بتواند پیشرفت و تحولی را مدیریت کند و حوزه‌ی تخصصی خود را از وضع موجود به وضع مطلوب در چارچوب گفتمان جمهوری اسلامی برساند.

هدف از ایجاد بخش نخبگان شهری

گروه ائتلاف نخبگان شهری با هدف شناسایی نخبگان شهر تهران بنا شده است که هر بخش از کمیته‌ی نخبگان، موظف هستند با توجه به چهارچوب تعریف شده، به بررسی معضلات و راهکارهای اجرایی آن بپردازند. شاید برای اولین بار باشد که ائتلافی بدون وابستگی سیاسی از بطن مردم جامعه وارد این عرصه می‌گردد؛ لذا تلاش می‌کنیم فصل مشترکی در مسائل ملی که تأثیر بسزایی بر امنیت و اقتصاد ملی دارد را باز نماییم. به همین منظور یکی از مهم‌ترین تلاش‌های کمیته، جذب افراد نخبه در جامعه در زمینه‌های گوناگون و از اقشار مختلف است.

به همین منظور، اهداف این کمیته شامل موارد زیر است:

- استعدادیابی در کوچک‌ترین بخش یعنی از سطح محلات کلانشهر تهران
 - شناسایی و جذب افراد نخبه در هر بخش جهت معرفی آنان به ارگان‌های مختلف وابسته به شهرداری با توجه به توانایی‌ها و استعدادهای موجود در افراد
 - بررسی طرح‌ها و ایده‌های افراد توسط کارشناسان و اصلاح احتمالی آن‌ها جهت معرفی به سرمایه‌گذاران و راه‌اندازی خطوط تولید در سطح شهر
 - برگزاری دوره‌های ویژه نخبه‌پروری و استعدادیابی در سنین مختلف
 - برگزاری کرسی‌های نظریه‌پروری و بیان ایده‌های آنان در هر محل
 - ایجاد بانک اطلاعات جامعی از جوانانی که اشتغالی ندارند و نیز شناسایی فضاهای خالی برای معرفی این عزیزان به ارگان‌های مربوطه جهت کار مرتبط با استعداد، توانمندی و علاقه آنان
 - ایجاد فرصت‌های شغلی جدید پایدار در سطح شهر برای گروه‌های مختلف .
- (آیا همین تعداد شغل ، پاسخگوی نیاز شهروندان تهرانیست؟ پزشکان چگونه می‌توانند در شهرداری‌ها فعالیت نمایند؟)

مشکلات و راهکارها

کمیته‌ی نخبگان شهری بر آن است تا با شناسایی مشکلات موجود در سطح شهر و به دنبال آن بهره‌گیری از دانش اعضا و نیز پیشنهادات مردم، راهکارهای اجرایی مناسب برای ارائه‌ی به شهرداری‌ها و شورای شهر بیاید. اعضای کمیته پس از طرح مشکل مورد نظر، به بررسی ابعاد و علل مختلف آن پرداخته، راهکارهایی مناسب و اجرایی ارائه می‌دهند، سپس به دنبال انتخاب بهترین و کاربردی‌ترین راهکارهای پیشنهاد شده، به ارتقا و رفع ابهامات آن پرداخته و نظر نهایی خود را در باب نظم‌بخشی به مسائل جاری شهر به ارگان مربوطه ارجاع خواهند داد.

در زمینه‌ی اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی در رشته‌های مرتبط با تحصیل، به عنوان مثال می‌توان با ارائه‌ی طرح و ایجاد قانون شهری، دوره‌های کارآموزی در ارگان‌های مربوطه برگزار کرد و پس از گذراندن این دوره‌ها، زمینه‌ی جذب این افراد در سازمان‌های تحت نظر شهرداری را فراهم نمود.

حضور جوانان در بخش‌های مختلف نظام مدیریت شهر، یک نیاز بسیار ضروری است و ما برای توسعه‌ی شهری نیازمند انتقال تجربیات در این بخش هستیم. همان‌طور که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی این تجربه‌ی موفق را داشتیم و جوانان انقلابی، کارایی خود را در عمل نشان دادند، امروز هم باید به نسل جوان اعتماد داشته با بهره‌گیری از خلاقیت و توانمندی آنان در جهت توسعه‌ی هرچه بیش‌تر مدیریت شهری بهره گرفت.

معرفی حوزه های مختلف نخبگان شهری

۱) دانشگاهیان

این حوزه تمامی رشته های دانشگاهی، اساتید، دانشجویان و تمامی افراد فعال در این زمینه را شامل می شود. تلاش بر آن است که شناسایی نخبگان، جذب و به کارگیری آنان، مجدانه پیگیری شود، بدین شکل بر تمامی رشته های دانشگاهی و تناسب آن با نیازهای شهر تهران تمرکز شده و دانشجویان مربوطه پس از معرفی و گذراندن دوره های کارآموزی، به ارگان های تحت نظر شهرداری معرفی خواهند شد. از اساتید و محققان در زمینه ی پژوهش و جمع آوری اطلاعات بهره گرفته تا بتوان از این داده ها برای افراد فعال در حوزه های دیگر نظیر مخترعان و فناوران، صنعت گران و بازرگانان به صورت اجرایی استفاده کرد.

۲) مخترعین و فناوران

در این حوزه با استفاده از داده های جمع آوری شده توسط دانشگاهیان و نیز استمداد از مخترعان و فناوران طرح های پیشنهادی را به مرحله ی طراحی، آماده سازی و ثبت می رسانیم.

۳) فرهنگیان و هنرمندان

در این حوزه، در راستای فرهنگ سازی مردم و ارتقای سطح مدیریت شهری، نخبگان فرهنگی و هنرمند شناسایی خواهند شد. یکی از این مراکز فرهنگ سازی، سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران می باشد که با جذب نخبگان مرتبط آن حوزه اسباب آموزش های فرهنگی با استفاده از نخبگان مطروحه به ثمر می رساند شعار شهر من، خانه من مثالی از همین موضوع می باشد.

۴) ورزشکاران

در این حوزه، در جهت کشف استعداد های ورزشی شهر تهران، نخبگان این حوزه شناسایی خواهند شد. مرکز مربوطه، سازمان ورزشی شهرداری تهران می باشد

چشم انداز آینده

در هدف گذاری کمیته ی نخبگان شهری، تلاش خواهد شد که بانک اطلاعاتی گسترده ای جمع آوری و شکل پذیرد، به نحوی که در آن فضایی طراحی و اجرا شود که هر فرد در نزدیک ترین محل ممکن، اشتغال یابد. در واقع یک جانمایی صحیح برای مشاغل در سطح شهر برنامه ریزی می گردد، مانند فرهنگسراها که چگونه با توجه به وسعت و جمعیت منطقه بنا می شوند.

می توان در ابتدا به طور آزمایشی برخی مشاغل را به افراد معرفی کرد و سپس بررسی نمود که این قشر چگونه می توانند در سازمان های مختلف از جمله شهرداری ها مشغول به کار و فعالیت شوند.

تلاش دیگر در راستای هدایت و برنامه ریزی صحیح برای سامان دهی و آموزش افراد به نحوی صورت می گیرد که ابتدا استعدادشان توسط روانشناسان و متخصصین شهری کشف و سپس علاقه مندی آنان از سنین پایین (چرا که دوران شکوفایی افراد از ۱۵ سالگی به طور فوق العاده ای آغاز می شود)، پرورش می یابد. هم چنین در استفاده از دانشگاهیان و نخبگان علمی به شیوه ای صحیح تر و حمایت آنان از طریق شورای شهر تهران تلاش خواهد شد.

و چه بسا فعالیت هایی که همگی سمت و سویی در جهت نظم بخشی شهری افراد، سازمان ها و مشاغل خواهند داشت که برای هر بخش راه حل هایی قابل اجرا پیش بینی شده است.

به موازات عملی کردن این اهداف و چشم اندازها، به خواست خداوند قادر توانا و همت همه شهروندان عزیز می توان گام بلندی به سوی پیشرفت و تولید با یافتن بازارهای مفید برای خرید کالاها و تکنولوژی، ایجاد مشاغل جدید تحت پوشش شهرداری تهران، تولید بالا، رشد اقتصادی و... برداشت.

فصل هفتم: بافت فرسوده^۱

مقدمه

وقتی صحبت از بافت کهن شهری است برخی از منظر مثبت، ارزشهای تاریخی و هویتی شهر را می‌نگرند و دیگر افراد از منظر منفی، فرسودگی و ناپایداری آن را در قبال سوانح و بلاهای طبیعی در نظر می‌گیرند ولیکن این دو دیدگاه از نگاه متخصصان از هم جداست؛ بافت تاریخی، پیش از شروع شهرنشینی جدید ساخته شده‌اند و معمولاً در مرکز شهر هستند و همچنین بازارهای سنتی و مراکز شهر را در بر می‌گیرند که باید در حفظ آن کوشید اما بافت قدیمی و یا بافت فرسوده که موضوع بحث این قسمت است، بافتیست که در اطراف هسته مرکزی شهر (بافت تاریخی) در حد فاصل زمانی گذار از شهرنشینی آرام به شهرنشینی سریع شکل گرفته‌اند.

اهمیت موضوع بافت فرسوده

امروزه معضلات مختلف شهری طوری در هم تنیده شده‌اند که نمی‌وان به بررسی یک موضوع بطور خاص و جداگانه پرداخت لذا باید از ابعاد مختلف بحث را مورد توجه قرار داد.

متأسفانه با وقوع فاجعه ساختمان پلاسکو، تمام مدیرانی که بعد از زلزله سخت بم، باز هم اهمیت مدیریت بحران را از یاد برده بودند، دوباره به آن اذعان دارند. مدیریت بحران تنها امدادسانی و پاسخگویی در شرایط رویداد بحران و بهبودی و بازسازی پس از آن نیست بلکه مهمترین بخش آن آمادگی در برابر وقوع بحران برای ایمنی سکونتگاه‌ها و ایجاد

^۱ عادل ملکی: متخصص تجربی و مطالعات فراوان در حوزه شناسایی و اصلاح بافت فرسوده در مدیریت شهری

علی برکاتی

حسین صباغ

حسین عمرانی

مهدی جعفری

نصرت الله نوری

سرعت و سهولت در اقدامات حین بحران است، و این دلیل بر برنامه‌ریزی در طراحی شهری و بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده است.

از بعد اجتماعی و امنیتی بهبود شبکه معابر و دسترسی‌ها در این بافت‌ها به‌همراه توسعه‌های مبتنی به آن به ارتقای شأن اجتماعی بافت‌های فرسوده کمک شایان توجهی دارد. بسیاری از مشکلات خودروسواران، جای پارک وسیله نقلیه‌شان و یا حتی عدم امکان انتقال خودرو به پارکینگ شخصی به دلیل نبودن عرض کافی معابر در بافت‌های فرسوده است.

مشکلات و معضلات دیگری مانند عدم توزیع یکسان امکانات و خدمات شهری و شهروندی و ... که به بافت فرسوده گره خورده‌اند، دلیل بر این ادعاست که باید با همدلی تمام مسئولان و مردم و با نگاه ویژه بیش‌تر از پیش بر مشکلات فائق آییم.

مشکلات و معضلات از گذشته تا به امروز

۱. آشنایی محدود مدیران شهرداری با اصول و مبانی مدیریت نوسازی (به دلیل غیرمرتبط بودن تحصیلات، تخصص‌ها و تجارب کاری).

۲. عدم آموزش‌های مناسب مباحث بازآفرینی شهری به مدیران، کارشناسان و متولیان امور عمرانی، خدماتی، ترافیکی که منجر به نادیده گرفتن ظرافت‌های فرهنگی اجتماعی مردمی در طرح‌ها و پروژه‌های شهرداری شده است.

۳. عدم همسویی و همگرایی مناسب مدیران و کارکنان شهرداری با شعارهای شهردار محترم در حوزه‌های نوسازی (نظیر: تبدیل شدن شهرداری از سازمانی خدماتی به نهادی اجتماعی، انسان محور توسعه و ...).

۴. عدم ارتباط موثر با نهادهای علمی و نخبگان و استفاده از پتانسیل نیروی جوان

۵. ضعف در آگاهی‌های شهروندان و نظام اطلاع‌رسانی شهری و غلبه آموزش‌های فنی، مهارتی و تکنیکی علمی بر آموزش شهروندی در حوزه نوسازی بافت‌های فرسوده و در

نتیجه‌ی آن عدم موفقیت در جلب مشارکت واقعی پایدار و اثربخش شهروندان به بخش خصوصی و تعاونی‌ها و تشکل‌های مردمی در بافت‌های فرسوده.

۶. نداشتن درک همسو و مشترک بین سازمان‌ها و نهادهای شهرداری در جهت ارتقا کیفیت محلات.

۷. نبود خلاقیت و نوآوری و جذابیت کافی و مطلوب در سیاست‌ها، برنامه ریزی‌های شهرسازی و راضی شدن به برنامه‌های تکراری و کلیشه‌ای.

۸. فقدان نظام حقوقی منسجم و جامع در نظام شهرسازی کشور به این معنی که قوانین و مقررات شهرسازی ملاک عمل، بسیار متفرق و پراکنده هستند بطوری که از انسجام و هماهنگی عمودی و (سلسله مراتبی) و افقی (بین قوانین متعدد) برخوردار نیست.

۹. وجود نارسایی در قوانین و مقررات شهرسازی همانند قوانین مربوط به مالکیت عمومی و خصوصی و عدم کاربرد مناسب اصطلاحات حقوقی در مرحله تدوین و تصویب برخی از ضوابط و مقررات که به آشفتگی این تفسیرهای حقوقی و عدم استنادپذیری برخی از آنها منجر شده است.

۱۰. عدم کارآمدی ضوابط و مقررات بویژه در انطباق با مولفه‌های محیط طبیعی (ساخت و ساز در حریم گسل، رودخانه و ...).

۱۱. یکسان بودن ضوابط و مقررات (مثلاً احداث بنا) تقریباً در کل گستره جغرافیایی کشور و فقدان تغییرات مناسب با پهنه‌های طبیعی و جغرافیایی.

۱۲. عدم انطباق ضوابط و مقررات شهرسازی با ویژگی گروه‌های اقتصادی کم‌درآمد و نادیده گرفتن هویت‌های محلی.

۱۳. فراموش شدن مفهوم شهروندی و خواسته‌های مطلوب آنان در ضوابط و مقررات شهرسازی موجود و نادیده گرفتن مشارکت آنان در طرح‌ها و عنوان کسانی که قرار است پیشنهادها را طرح بطور مستقیم بر زندگی آنان اثر بگذارد.

۱۴. تناقض و تضاد در سیاست‌های شهرسازی در طول زمان.

۱۵. عدم هماهنگی بین فرایند تهیه و بررسی و تصویب طرح ها با فرایند سازمان اجرایی آنها.
۱۶. وجود محدودیت ها و تنگناهای مالی در دستگاه اجرایی و در نتیجه گرایش به درآمدهای ناسالم از محل جرائم تخلفات ساختمانی فروش تراکم.

راه حل ها جهت بهبود عملکرد در آینده

۱. حاکم شدن تفکر سیستمی در نظام برنامه ریزی و فرایند طراحی شهری.
۲. ضرورت و لزوم بازنگری جامع و اساسی در نظام ضوابط و مقررات شهری.
۳. ساختارهای اجرایی مناسب در تحقق برنامه با توجه به شرایط منطقه، سلیق و انگیزه مشارکت ساکنان و مالکان شناسایی و اولویت بندی شود.
۴. تبدیل شدن طرح های شهری به طرح های مردمی به نحوی که ساختار کالبدی را با فعالیت، نیازها و سوابق فرهنگی جامعه پیوند دهد.
۵. هدایت امکانات سرمایه ای شهر در بافت فرسوده به مثابه عامل محرک توسعه یا کاستن از تراکم جمعیت ساکن در نواحی فرسوده می تواند به عنوان سیاست راهبردی تهیه طرح های جامع در توسعه و نوسازی بافت در نظر قرار گیرد.
۶. ایجاد ارتباط بین مالکان ساکن در بافت فرسوده با سرمایه گذاران مورد اطمینان با توجه به سابقه کاری و داده های شهری توسط شهرداری (مدیریت و تجهیز منابع داخلی و خارجی برای سرمایه گذاری). از فواید این طرح می توان به ایجاد اطمینان مالکان برای مشارکت در ساخت و ساز و همچنین کسب درآمد واسطه گری برای شهرداری اشاره نمود.
۷. زمینه سازی برای تبدیل بافت های فرسوده به قطب های جدید توسعه و محل سرمایه گذاری سرمایه داران با اصلاح و پیشبرد هرچه بیشتر و بهتر شبکه دسترسی راه ها.
۸. شناسایی املاک و دلایل عدم ساخت و ساز آنها برای رفع مشکل.

۹. حذف کوچه‌های بن‌بست با تجزیه بلوک‌ها به بلوکهای کوچکتر در صورت عدم امکان تجمع آنها برای سهولت در عبور و مرور (مورد بحث در بخش مدیریت بحران است)
۱۰. ارائه تسهیلات بیشتر برای ملک‌هایی که عدم ساخت‌وساز آنها موجب آزار و اذیت دیگر همسایه‌ها شده است.
۱۱. ارائه تسهیلات بیشتر برای ملک‌هایی که در نبش کوچه‌ها قرار دارند و عدم ساخت‌وساز و عقب‌نشینی آنها باعث مشکل در عبور و مرور است (مورد بحث در بخش مدیریت بحران است).
۱۲. ایجاد دفاتر شهرسازی در سرای محلات برای شناسایی نقاط ضعف و قوت شهرداری و شناسایی تمام ملک‌ها و آشنایی مالکان با طرح‌های تشویقی و تسهیلات آنان و بطور کلی تبدیل شدن این دفاتر به کلینیک‌های شهری تحت نظارت شهرداری مناطق.
۱۳. ارائه یک نقشه بزرگ‌مقیاس و طرح‌های تفصیلی نوسازی با چشم انداز ۲۰ ساله برای ایجاد معبرهایی با ملک‌هایی هم‌ردیف و هم‌راستا با نورگیر یکسان.

فصل هشتم: روسازی های معابر و بزرگراه ها^۱

لزوم تغییر نگاه مدیریتی در اجرای روسازی های معابر و بزرگراه های

شهری تهران

کیفیت تردد و حمل و نقل در شهر بزرگی مانند تهران مسئله ای است که نحوه زندگی تمام اقشار جامعه اعم از مدیر، کارمند، کاسب، محصل و دانشجو را تحت شعاع قرار می دهد.

انسان متمدن امروزی باید بداند که در روند تکامل شهر و توسعه مهندسی سیستم روسازی به کجا می رود و اگر در بکارگیری و استفاده از اصول مهندسی کمی غفلت کند ناگزیر وضعیت نسل کنونی در آینده را با خطرات بسیاری مواجه می سازد.

می دانیم که هدف از اجرای روسازی معابر بزرگ راه های شهری ایجاد یک سطح صاف و هموار با ایمنی کافی برای رفت و آمد وسایل نقلیه می باشد این روسازی باید دارای خصوصیتی باشد که بتواند علاوه بر تحمل وزن وسایل نقلیه در کلیه شرایط جوی در مقابل عوامل فیزیکی نیز مقاومت نماید.

هر سال بخش های مختلف شهرداری تهران با صرف هزینه های بسیار، فعالیت های مرمت و تعمیر و نگهداری روسازی موجود سطح شهر و به خصوص بزرگراه ها را در دستور کار خود دارند، لیکن آیا زمان تغییر نگاه در احداث، طراحی، نحوه تعمیر و نگهداری روسازی های فعلی و رایج و کنونی نرسیده است؟ آیا بررسی های کارشناسی و فنون مهندسی ما را وادار به تغییر نمی کند؟

در پاسخ می توان گفت که بطور کلی ۲ نوع روسازی انعطاف پذیر (آسفالتی) و روسازی صلب (بتنی) دارای بیشترین کاربرد در سطح معابر می باشند و هر کدام دارای انواع و طیف گسترده ای از شرایط طراحی، اجرایی و تعمیر و نگهداری هستند و چون بخش تعمیر

^۱ شهریار چاره جو: کارشناسی ارشد عمران راه و ترابری

و نگهداری هزینه‌های اصلی و وزن مهم در سرمایه‌گذاری و روسازی‌های معابر را تشکیل می‌دهد ابتدا به آن می‌پردازیم.

بخش مدیریت سیستم روسازی (PMS) که یک روش سیستماتیک برای درک نیازهای تعمیر و نگهداری روسازی‌های موجود و اولویت‌های نحوه ترمیم است با عنایت به وضعیت آینده‌روسازی، زمان بهینه را جهت عملیات تعمیر مشخص می‌کند و در وضعیت فعلی لزوم توجه و بکارگیری موثر این سیستم مدیریتی به منظور حفظ سرمایه‌های فعلی شهر تهران (روسازی‌های موجود) در اولویت می‌باشد. باید بدانیم که عمر روسازی و نحوه عملکرد آن تنها تابع شرایط طراحی نبوده و عملاً تعمیر و نگهداری مناسب نقشی پررنگ در جلوگیری از کاهش عمر روسازی دارد، در صورتی که بودجه تخصیص داده شده به ترمیم و نگهداری روسازی در زمان صحیح و در محل درست خود صرف نگردد در آینده نیاز به هزینه چندین برابری این بودجه جهت رسیدن به همان سطح کیفی خواهیم بود.

چنانچه طراحی و تعمیر نگهداری را به صورت ۲ عامل مجزا ببینیم ممکن است طرح با کمترین هزینه اجرا گردد و در سال‌های بعد چندین برابر سرمایه صرفه‌جویی شده در بخش تعمیر و نگهداری هزینه شود و عملاً خسارتی قابل پیشگیری را به ذینفعان و متولیان سرمایه‌گذاری وارد کند یا به عکس هزینه کلانی در ابتدای پروژه صرف ساخت راه با بکارگیری بیشترین امکانات شود و هزینه تعمیر و نگهداری سالیانه مورد نیاز را به حداقل برساند و ارزش افزوده مناسبی را در این بخش برای متولی خود به ارمغان بیاورد.

یکی از موارد مهم در مدیریت شهری حفظ کیفیت موجود و حتی بالا بردن آن در تعمیر و نگهداری روسازی‌های اجرا شده با بکارگیری سیستم مدیریت PMS است که باید به آن بها داد و در سازمان شهرداری تهران آن را جدی گرفت و بعنوان یکی از مهمترین سیستم‌های مدیریتی در شهرداری تهران بهره برد، با اجرای این مکانیسم مدیریتی از تحمیل هزینه‌های سنگین بخش مرمت و تعمیر و نگهداری روسازی‌ها جلوگیری می‌شود.

در خصوص طراحی، و اجرا و روسازی‌ها می‌توانیم اشاره به فواید بسیار زیاد جایگزینی روسازی‌های بتنی به جای روسازی‌های آسفالتی در سطح معابر شهر تهران اشاره کرد؛ چرا که اطلاع از این فواید آشنایی با مضمرات و ایرادهای روسازی‌های فعلی، آگاهی نسبتاً مناسبی را در اختیار عموم شهروندان محترم و گرامی قرار می‌دهد.

همانگونه که در مطالب قبل عنوان گردید بطور کلی ۲ نوع روسازی آسفالتی و بتنی برای کاربران راه تعریف می‌گردد که با عنایت به تجربیات بسیاری از کشورهای خارجی و همچنین تجربیات داخلی اخیر در کشور عزیزمان ایران می‌توانیم تفاوت‌های آشکار این ۲ نوع روسازی را به اختصار مطالعه کرده و اهم آن را به شرح ذیل مورد بررسی قرار دهیم:

۱- در شرایط یکسان طراحی طول عمر روسازی‌های بتنی ۴۰ سال و طول عمر روسازی‌های آسفالتی ۲۰ سال است به عبارت دیگر عمر روسازی‌های بتنی تقریباً ۲ برابر روسازی‌های آسفالتی است.

۲- مصرف سوخت اتومبیل‌ها در روسازی‌های بتنی حدوداً ۶٪ از روسازی‌های آسفالتی کمتر است.

۳- بدلیل طول عمر بالاتر روسازی‌های بتنی، هزینه‌های تعمیر و نگهداری آن تقریباً نصف هزینه روسازی‌های آسفالتی است.

۴- بدلیل سطح روشن روسازی‌های بتنی عملاً فاصله چراغ‌ها و نمایشگرها نسبت به حالت روسازی‌های آسفالتی بیشتر بوده و صرفه جویی مناسبی در این بخش حاصل می‌گردد و احتمالاً در کاهش تعداد تصادفات هم تاثیرگذار خواهد بود.

۵- بازگشت مصالح مصرفی در روسازی‌های بتنی در بخش بازیافت و یا اجرای اولیه عملاً کمک شایانی به پاک ماندن محیط زیست شهری در مقایسه با روسازی‌های آسفالتی و لزوم تولید قیر و آسفالت در کارخانه‌های اطراف شهر تهران دارد.

۶- زمان توقف و هزینه های تاخیر کاربران راه که بدلیل مسدود شدن مسیرها به منظور تعمیر و نگهداری راه با مشکل مواجه می شوند در بخش بتنی به دلیل کیفیت روسازی بسیار کمتر از بخش روسازی آسفالتی است.

۷- با استفاده از کاربرد روسازی های بتنی می توان بسیاری از صنایع غیرفعال کشورمان را در حال حاضر مانند کارخانه های سیمان، فعال نموده و به تولید بالاتر ترغیب و تشویق نمود.

۸- روسازی های بتنی را می توان بر روی بسترهای ضعیف اجرا نمود لیکن در صورت استفاده از روسازی های آسفالتی عملاً ضخامت بسیار بالاتری را باید در اینگونه بسترها به همراه تثبیت آنها بکار برد که عملاً طرح را غیراقتصادی می کند.

۹- هزینه اجرا و نگهداری روسازی های بتنی نسبت به روسازی های آسفالتی بسیار کمتر است.

۱۰- روسازی های بتنی نسبت به روسازی های آسفالتی قابلیت تحمل بارهای سنگین تری دارند.

بنابر این مطالب اینگونه برداشت می شود که در بسیاری از بخش های فنی، اقتصادی، محیط زیست و سیستم مدیریتی، روسازی های بتنی دارای اولویت و ارجحیت بالاتری نسبت به روسازی های آسفالتی هستند؛ پس چرا علی رغم تمامی این فواید، نباید نوع دیدگاه متولیان شهری و تصمیم گیرندگان ساخت روسازی در شهری همچون تهران تغییر کند؟

به دیگر بیان، با وجود نگاه جدی به موضوع کیفیت روسازی های معابر و بزرگ راه های شهری تهران و به دلیل هزینه های بسیار سنگین اجرا، نیاز به عزمی راسخ در یکپارچه کردن دیدگاه ها و همدلی مسئولین برای جایگزین کردن روسازی های آسفالتی با بتنی مورد نیاز است تا شاهد تغییری مهم و استراتژیک برای داشتن شهری زیبا و با آلودگی کمتر باشیم.

فصل نهم: فضای سبز^۱

مقدمه

آن بخش از فضای سبز که در محدوده شهر طراحی و بنا شده، فضای سبز شهری نامیده می‌شود. این فضا در حقیقت بخشی از استخوان‌بندی یا مورفولوژی شهری را تشکیل می‌دهد و به بیان دیگر فضای سبز در کنار اسکلت فیزیکی شهر تعیین‌کننده اندام و به‌طور کلی سیمای شهر است.

در تعریفی دیگر فضاهای سبز شهری را می‌توان نوعی از سطوح کاربری زمین شهری با پوشش‌های گیاهی انسان‌ساخت دانست که هم‌واجد «بازدهی اجتماعی» و هم‌واجد بازدهی اکولوژیکی هستند.

فضای سبز شهری از دیدگاه شهرسازی

فضای سبز شهری از دیدگاه شهرسازی در برگیرنده بخشی از سیمای شهر است که از انواع پوشش گیاهی تشکیل شده است. اهمیت فضای سبز شهری تنها در کاربرد تفریحی‌شان نیست بلکه علاوه بر کاربرد تفریحی و گذراندن اوقات فراغت فضای سبز شهری به دلیل تاثیر در کاهش آلودگی هوا، حفظ محیط زیست و پرورش روحی و جسمی شهروندان اهمیت دارد. دانشمندان پی برده‌اند که فضای سبز می‌تواند در آرامش و کاهش خشونت مردم کمک کند. گذشته از مزایای اجتماعی، فیزیولوژیکی، طبیعت شهری می‌تواند مزایای اقتصادی را نیز چه برای مدیران شهری و چه برای شهروندان فراهم سازد به عنوان مثال پالایش هوا که درختان انجام می‌دهند، می‌تواند منجر به کم شدن هزینه‌های کاهش آلودگی و میزان آن گردد، به علاوه ارزش زیبایی‌شناختی، تاریخی و تفرجی پارک‌های شهری باعث افزایش جذابیت شهر، ارزش گردشگری و در نتیجه درآمد می‌شود. به‌طور کلی دو نگرش متفاوت در مورد نحوه توزیع فضای سبز در شهر وجود دارد، بر مبنای نگرش اول

^۱ سوزان زند آذر: کارشناس ارشد مدیریت کشاورزی، ۸ سال سابقه فعالیت در شرکت‌های توسعه و نگهداری فضای

سبز طرف قرارداد با شهرداری تهران در مناطق مختلف

ساخت کالبد شهر بر اثر تمرکز و تداوم فضای سبز تکمیل شده و یک مجموعه سبز با محیطی آرام در مقابل محیط شلوغ شهری فراهم می‌آید. و بر مبنای نگرش دوم در یک دیدگاه فضای سبز در زندگی شهری ادغام و جزئی از آن می‌شود.

در این بخش به مباحث مدیریت فضای سبز شهر تهران و مواردی که توجه به آن می‌تواند در حفظ و نگهداری و بهره‌وری هرچه بیشتر از این سرمایه شهری و اجتماعی بیانجامد می‌پردازیم.

شهر تهران دارای ۲۲ منطقه می‌باشد که هر منطقه بنا به وسعت خود به چندین ناحیه تقسیم شده است. سرانه فضای سبز درون شهری تهران ۱۵٫۸ متر مربع می‌باشد که در مقایسه با شاخص تعیین شده از سوی محیط زیست سازمان ملل (۲۵-۲۰ متر مربع) رقم کمتری است.

در ابتدا به توضیح مختصری در مورد چگونگی گردش کار فضای سبز می‌پردازیم. در هر منطقه شهرداری، شهردار منطقه یک معاون خدمات شهری و فضای سبز دارد که این معاون یک رئیس خدمات شهری و یک رئیس فضای سبز دارد. در بخش فضای سبز، رئیس فضای سبز بر اساس تعداد نواحی، کارشناسانی را به عنوان ناظر انتخاب می‌کند که کار این اشخاص نظارت بر حسن عملکرد پیمانکار طرف قرارداد برای نگهداری فضای سبز نواحی می‌باشد.

فضای سبز جزء بخش هایی می‌باشد که در پی خصوصی سازی به بخش خصوصی واگذار گردید. نحوه واگذاری به این صورت است که امور قراردادهای منطقه بر اساس قیمت پایه کارشناسی، آگهی را برای مناقصه فضای سبز هریک از نواحی در روزنامه همشهری چاپ می‌کند. پیمانکاران بر اساس شرایط مطرح شده در آگهی با مراجعه به امور قراردادهای اسناد مناقصه را تحویل گرفته و بعد از پر کردن اسناد و تعیین رقم پیشنهادی، پاکت مهر و موم را به واحد قرارداد تحویل می‌دهند و پس از تشریفات به عمل آمده در تاریخ اعلام شده با حضور نمایندگان از شهرداری منطقه و پیمانکاران شرکت کننده

پاکت‌ها باز شده و به کمترین پیشنهاد ناحیه واگذار می‌شود و پیمانکار جدید ناحیه را تحویل و شروع به کار می‌کند ناظر ناحیه بر اساس عملکرد روزانه پیمانکار صورت وضعیت روزانه را تهیه کرده و در نهایت طی سی روز صورت وضعیت ماهانه تنظیم می‌گردد که مبلغ آن تقریباً حدود یک سیزدهم مبلغ قرار داد منعقد شده با احتساب جریمه و غیره می‌باشد.

از آنجایی که در فضای سبز هم مبحث نگهداری و هم مبحث احداث وجود دارد و تصمیم نداریم مبحث را خیلی بسط دهیم فقط به این امر بسنده می‌کنیم که برای احداث فضای سبز نیز روال قانونی مانند نگهداری انجام می‌شود.

در این نوشتار تصمیم بر آن است نکاتی که در طی این فرایند می‌تواند مورد توجه قرار گیرد بیان شود.

۱- از آنجا که عموماً برنده مناقصه به عنوان کمترین قیمت از قیمت کارشناسی انتخاب می‌شود، لذا پیمانکار نا آشنا به ناحیه می‌تواند قیمتی دهد که برنده مناقصه باشد اما در طی کار به دلیل مشکلات مالی و عدم سودآوری کارهای محوله را به خوبی انجام ندهد. به نظر می‌رسد خیلی قابل قبول خواهد بود که کارشناسان محترم در مورد قیمت کارشناسی با توجه به اجرایی بودن کار و این که در کار اجرایی حوادث غیر قابل پیش‌بینی هم وجود دارد هم در قیمت‌گذاری دقت لازم را به عمل آورند و هم اینکه یک حداقلی را در نظر داشته باشند که به قیمت پایین تر از آن قرارداد واگذار نگردد.

۲- با توجه به وسعت نواحی و زمان قرار داد که یک ساله می‌باشد و تا پیمانکار به کار و محوطه وارد می‌شود قراردادش به اتمام می‌رسد، شاید توجه به افزایش مدت قرارداد خوب باشد؛ چرا که پیمانکار را تنها از توجه به سود باز می‌دارد و او را به سرمایه‌گذاری بر روی ادوات و نیروی انسانی ماهر حسن عملکرد وادار می‌کند.

۳- از آنجایی که در نگهداری فضای سبز با گیاهان به عنوان موجود زنده طرف هستیم در تاریخ قراردادها به فصل انجام مناقصه توجه شود؛ زیرا که تغییر و تحول در فصول بهار و

تابستان و تغییر و تحولات باعث تنش آبی گیاهان شده و تغییر و تحول در فصول پاییز و زمستان از تنش آبی جلوگیری می‌کند.

۴- مبحث دیگر مبحث امنیت شغلی نیروی کارگری و کارشناسی پیمانکار می‌باشد. از آنجا که پرسنل کارگری و کارشناسان از پیمانکار حقوق می‌گیرند به طبع آن مطابق دستور پیمانکار عمل می‌کنند پس در صورت قصور پیمانکار در انجام وظایف آنها مجبور به پیروی هستند در غیر این صورت کار خود را از دست می‌دهند، از طرف دیگر نیز به دلیل یکساله بودن قرار داد امکان تعویض پیمانکار وجود دارد که ممکن است به دلیل داشتن نیروی کارشناسی، نیروی کارشناسی پیمانکار قبلی یا نیروی مقیم در ناحیه، کار خود را به راحتی از دست بدهد. توجه به منابع انسانی و امنیت شغلی کارگران و کارشناسان مقیم در ناحیه می‌تواند در کار آنها تاثیر گذار بوده و به تلاش بیشتر آنها برای محیط کارشان بیانجامد. شاید لازم باشد که این افراد را تحت پوشش شرکت‌های تامین نیروی انسانی شهرداری قرار داد تا هم حقوق متناسب با کاری که انجام می‌دهند در اختیارشان قرار گیرد و هم امنیت شغلی آنها تامین گردد.

۵- در قراردادهای فضای سبز، میزان نیروی کارگری در فصول سرما به دلیل حذف کارگران آبیاری کمتر بینی شده که با توجه به حجم عملیات اجرایی کندوکوب و هرس به نظر می‌رسد درست نیست؛ چرا که عملیات اجرایی در فصول پاییز و زمستان اثر مستقیم در بهبود و بالندگی فضای سبز در بهار و تابستان دارد.

۶- پارک‌ها و فضای سبز شهری هر چند وقت یک بار نیاز به بازسازی و نوسازی ابنیه و روشنایی و زمین بازی کودکان و مبلمان و فضای سبز دارد. عدم انجام آن به صورت یکپارچه و هم زمان باعث خسارت و دوباره کاری و هزینه می‌گردد.

احداث فضای سبز

در مورد احداث فضای سبز هم مواردی است که رعایت و توجه هرچه بیشتر به آنها می‌تواند در هزینه و منظر شهری مورد توجه قرار گیرد.

نکته ای که در خصوص فضای سبز شهری از اهمیت بالایی برخوردار است مکان یابی آن می‌باشد. "**جین جکوب**" منتقد شهرسازی معاصر معتقد است که پارک باید در جایی باشد که زندگی در آن موج می‌زند، جایی که در آن فرهنگ و فعالیت‌های بازرگانی و مسکونی است. بر این اساس فضای سبز باید از اصولی چون مرکزیت و دسترسی تبعیت کند. مرکزیت فضای سبز به این مفهوم است که فضای سبز حتی‌المقدور در مراکز محله، ناحیه و یا منطقه شهری مکان‌یابی شود. همچنین فضای سبز در مقیاس‌های متفاوت اعم از پارک‌های محله‌ای- منطقه‌ای و امثال آنها باید با ساختار کالبدی متناظر خود انطباق داشته باشد. یکی دیگر از این معیارها، دسترسی است به این مفهوم که پارک‌های شهری باید از چهار جهت به شبکه ارتباطی دسترسی داشته باشند تا بدین طریق هم جمعیت بیشتری از آن استفاده کنند و نیز امکان نظارت اجتماعی و امنیت پارک افزایش یابد.

در ذیل نکاتی که در بهبود و بهره‌وری احداث فضای سبز مفید هستند، بیان می‌شود:

۱. در انتخاب پیمانکار توسعه فضای سبز حتماً به طراحی فضای سبز توجه شود و بر اساس اینکه هر پیمانکار طرح بهتری برای منطقه مربوطه می‌دهد، انتخاب گردد.
۲. در توسعه فضای سبز شهری جهت انتخاب طرح و گونه‌های گیاهی به عواملی چون موقعیت جغرافیایی، جمعیتی، کاربری و زیبایی شناسی توجه ویژه صورت گیرد.

۳. در احداث فضای سبز پارک ها نگاهی ویژه به معلولان و سالمندان از نظر ورود و خروج به پارک و شیب مطمئنه برای معابر پارک و امکانات رفاهی چون آبخوری و سرویس بهداشتی جهت استفاده این افراد مد نظر قرار گیرد.
 ۴. در احداث فضای سبز به زیرساخت ها توجه ویژه شود. فضای سبز نیاز به شبکه آبیاری و برق دارد، لذا قبل از کاشت گیاهان این مسایل تامین گردد.
 ۵. پارک ها شامل معابر، فضای سبز، زمین بازی، شبکه روشنایی، شبکه آبیاری، سرویس بهداشتی، مبلمان و غیره می باشد. که احداث هر کدام پیمانکار جداگانه دارد و ترتیب و توالی ایجاد آن در احداث پارک بسیار ضروری است.
 ۶. در احداث پارک ها طرح کاشت و تراکم کاشت از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا گیاهان رشد می کنند و در صورت عدم رعایت نکات ذکر شده یک فضای سبز شلوغ و درهم خواهیم داشت.
 ۷. در انتخاب مبلمان و سطل زباله در پارک ها به تعداد مورد نیاز، جنس، زیبایی بصری آن و جانمایی آنها توجه شود.
- مورد دیگری که نیازمند توجه است مبحث حفظ و نگهداری باغات در مناطق مختلف می باشد که هرروزه شاهد خشکیدن و تخریب آنها و تبدیل شدن به ساختمان در گوشه و کنار شهر تهران هستیم، با توجه به اهمیت این باغات به عنوان ششهای این شهر شایسته است که توجه ویژه ای صورت گیرد. آیا فقط ممانعت از ساخت و ساز کافی است؟ با توجه به قیمت زمین آیا می توان از مالکان خواست که باغ را نگهداری کنند؟ نه تنها از منافع مالی آن بگذرند بلکه هزینه کرده و در حفظ آن کوشا باشند؟ شاید بتوان این باغات را به قیمت مناسب خریداری کرده و جزء اموال شهر قرار داد.
- از آن جایی که ممکن است زمین برای احداث فضای سبز و رسیدن به سرانه بین - المللی کم باشد توجه به فضای سبز عمومی یا فضای سبز در پشت بام های ساختمان ها

می‌تواند مد نظر قرار گیرد تا بدین صورت درسرا نه فضای سبز و همچنین در زیبایی شهر تاثیرگذار باشد.

در خاتمه درست است که فضای سبز جزء هزینه های شهرداری به حساب می‌آید اما به دلیل ضرورت و اهمیت آن در سلامت روحی و جسمی افراد جامعه و هزینه‌هایی که به دلیل نبود فضای سبز کافی به جامعه تحمیل می‌گردد، منافع آن بر هزینه آن پیشی می‌گیرد.

فصل دهم: آسیب های اجتماعی^۱

مقدمه

مسئله مربوط به آسیبهای اجتماعی از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندیها، محرومیت های ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواست ها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه دار فساد، عصبان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی و انحراف جنسی و دیگر آسیب ها شده است.

هر چند اکثر مشکلات اجتماعی، انواعی تکراری در طول نسلهای مختلف هستند، اما چنانچه مشاهده می شود برخی از این انواع در بعضی نسل ها اهمیت بیشتری پیدا کرده است و حتی برخی از این آسیب ها در نسل های بعدی زاده شده اند. از سوی دیگر بدلیل وجود علل غالب در هر جامعه که نسبت به سایر علل اهمیت بیشتری در بروز آسیب ها دارند، لذا هر چه از انواع متمایز آسیب ها سخن بررود، اما عمدتاً همپوشانی هایی بین آنها دیده می شود.

۱) وابستگی دارویی یا اعتیاد

اعتیاد به معنی تمایل به مصرف مستمر یا متناوب یک ماده برای کسب لذت یا رفع احساس ناراحتی اطلاق می شود که قطع آن ناراحتی های روانی یا اختلالات جسمانی ایجاد می کند. در گرایش به اعتیاد عوامل مختلفی شناسایی و مطرح شده اند. این عوامل هر چه باشند (که البته در مباحث مربوط به علت شناسی حائز اهمیت هستند) سرچشمه بسیاری از مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی هستند. اعتیاد به سبب ویژگی های ذاتی خود، اغلب با سایر آسیب ها همراه می شود و موجب هدر رفتن نیروهای ثمربخش جامعه می شود.

^۱ روزبه رحیم نژاد: مستندساز اجتماعی

الهه زیرک: کارشناس میدانی آسیب های اجتماعی

۲) انحرافات جنسی

غریزه جنسی هم می تواند منشأ بروز عالی ترین نمودارهای ذوقی و هنری باشد و هم منشأ تشکیل بنیاد یک خانواده و نیز منشأ بسیاری از جرائم. عوامل مختلف محیطی، خانوادگی و اجتماعی سر منشأ بروز انواع انحرافات جنسی هستند. هر چند برخی از این نوع انحرافات مشکلاتی فردی هستند، ولی اکثر آنها بدان جهت که در ارتباط با فرد دیگر معنی پیدا می کنند عوارض اجتماعی را در بر خواهند داشت .

از سوی دیگر مبارزه با این دسته از آسیب ها در برخی موارد نیازمند تغییرات اساسی اجتماعی می باشد و لازم است تحولاتی کلی و برنامه ریزی های دقیقی جهت رفع آنها صورت گیرد و این تغییرات با ارائه آموزش های وسیع اجتماعی برای افراد و خانواده ها و رفع عوامل بنیادی امکان پذیر خواهد بود. این دسته از انحرافات نیز اغلب با سایر آسیب ها در ارتباط نزدیک هستند و گاهی حتی موجب بروز مشکلات جدی می شوند. مثل بیماری ایدز که با انحرافات جنسی ارتباط نزدیک دارد.

۳) سرقت و دزدی

بطور کلی سرقت و دزدی هم از لحاظ عرفی و هم از لحاظ قانونی به عنوان یک آسیب جدی محسوب می شوند. هر چند عوامل متعددی در بروز این مشکل شناخته شده اند، مثل فقر و بیکاری، اعتیاد و شیوه های تربیتی، اما باید توجه داشت مبانی شخصیت اهمیت ویژه در ارتکاب دزدی دارند. این افراد معمولاً از لحاظ رشد اخلاقی در سطح خیلی پایین و ضعیف هستند و بطور کلی ثبات و استواری و قدرت تحلیل و تفکر درباره پیامدهای رفتار خود را به اندازه کافی ندارند. در مباحث مربوط به علل دزدی به علل تربیتی تأکید فراوان می شود. الگوهای رفتاری خود والدین، واکنش های آنها در برابر دزدی های کوچک دوران کودکی، مسأله پول توجیبی و کمک به شناخت مسأله مالکیت در دوره کودکی در ارتباط نزدیک با رفتارهای دزدی بزرگسالی و نوجوانی دارند.

۴) خودکشی

خودکشی هر چند در وهله اول یک مشکل فردی به شمار می رود ولی از آنجایی که فرد در اجتماع زندگی می کند و تأثیرات متقابلی همواره بین آنها برقرار است، به عنوان یک معضل اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد. آمار خودکشی معمولاً با سایر جرایم و آسیبها ارتباط پیدا می کند، بطوری که در میان گروه های مبتلا به اعتیاد خودکشی بیشتر دیده می شود. همچنین در آسیب های مربوط به انحرافات جسمانی بویژه در میان قربانیان این انحراف خودکشی پدیده شایعی است. در میان بیماران روانی بویژه افسردگی های شدید نیز اغلب خودکشی مسأله قابل توجهی است.

به هر حال خودکشی پیوندهایی با متغیرهای اجتماعی دارد. ارائه راهکارهای مناسب در بررسی مشکلات گروه های در معرض خطر مثل معتادین و خانواده های آنان، بیماران روانی و خانواده های آنها، خانواده های نابسامان و آموزش های فردی در مواجهه با تغییرات اساسی روش هایی سودمند خواهد بود. در این راستا توجه به گروه های سنی که در معرض خطر بیشتری هستند و خودکشی در میان آنها رواج بیشتری نسبت به سایر گروه های سنی دارد، مثل نوجوانان و جوانان اهمیت زیادی دارد.

۵) مهاجرت

مهاجرت علاوه بر مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که دارد مستلزم تغییراتی خاص است که مطابقت و سازگاری با آنها اغلب مشکلاتی را برای فرد و جامعه ایجاد می کند. به عبارتی علاوه بر اینکه مهاجرت در برنامه ریزی های کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مشکلاتی را ایجاد می کند، مثل مهاجرت روستاییان به شهرها که خالی شدن روستاها از سکنه، کاهش کشاورزی، افزایش مشاغل کاذب و ... را به دنبال دارد موجب می شود، تا فرد برای سازگاری با تغییرات حاصل فشار زیادی را متحمل شود.

شوئک فرهنگی یکی از عوارض حاصل از مهاجرت است که با اضطراب و افسردگی، احساس جدا شدن و مسخ واقعیت و مسخ شخصیت مشخص است. تحقیقات نشان می دهد شیوع مشکلات روحی و روانی بین مهاجرین بخصوص در میان مهاجرینی که شرایط مقصد

بسیار متفاوت از شرایط مبدأ یا محل سکونت قبلی آنها بوده است شیوع بیشتری دارد. رایج-ترین اختلال علائم پارانوئید یا سوء ظن است که به احتمال قوی به دلیل تفاوت های آنان از نظر زبان، عادات و آداب و رسوم، چهره، نوع لباس و غیره است.

۶) بی خانمانی

منابع فزاینده ای وجود مسائل ویژه ای را در افراد بی خانمان تأیید می کنند. چنین کسانی ممکن است در خیابان ها سرگردان باشند یا به علل برخی بزهکاری های دیگر که معمولاً همراه با بی خانمانی آنهاست مثل دزدی، اعتیاد و ... در زندانها یا کانون های اصلاح و تربیت بسر می برند. در بین افراد بی خانمان دسته های مختلفی از افراد دیده می شود، یک دسته شامل بیماران روانی شدید هستند که اغلب یا مدتهاست از خانواده خود دورند و یا بطور موقتی از خانه خارج شده اند. معتادین، گروه دیگری از این افراد را شامل می شوند که معمولاً مراحل عمیق اعتیاد خود را می گذرانند.

کودکان خیابانی و دختران و زنانی که با بی خانمانی به انحرافات جنسی نیز مبتلا هستند دو دسته دیگر را در بین افراد بی خانمان تشکیل می دهند. متاثر از مکان جغرافیایی، محله فقیر نشین شهر، پارک شهر، حومه شهر و نواحی روستایی خصوصیات این جمعیت فرق می کند. برخی در محدوده جغرافیایی نسبتاً ثابتی می مانند در حالیکه عده ای از یک قسمت کشور به بخش های دیگر یا از منطقه شهر به مناطق دیگر مسافرت می کنند.

۷) فقر

فقر در واقع مادر تمام آسیب های اجتماعی است. فقر با بسیاری مسائل زیر پا از جمله ضعف تندرستی و افزایش مرگ و میر، بیماری روانی، شکست تحصیلی، جرم و مصرف دارو رابطه دارد. هر چند خود فقر بطور ذاتی یک مشکل و آسیب است، اما این لزوماً به این معناست که تمام افرادی که زیر خط فقر زندگی می کنند افرادی نابسامان و مشکل ساز برای اجتماع هستند. مشکلات اقتصادی، عدم تأمین نیازهای جسمی و روانی اغلب زمینه ای برای بروز و ظهور مشکلات اجتماعی دیگری است.

۸) بیکاری

بیکاری معضل اجتماعی دیگری است که آسیب‌های جدی فردی و هم آسیب‌های قابل ملاحظه اجتماعی را در دامن دارد. بیکاری بویژه در نسل پر انرژی و جوان که انرژی و قدرت و نیروهای آنها را کد و بی مصرف باقی می ماند نمود بیشتری پیدا می کند و زمینه را برای انواع انحرافات اجتماعی فراهم می سازد. وجود فرصت‌های همیشه خالی، عدم تحمل بیکاری، فقدان قدرت تأمین نیازها به دلیل نداشتن درآمد، زمینه‌هایی آماده برای کاشت بذر جرم و انحرافات می باشند.

۹) زنان بدسرپرست؛ شکسته دلانی نیازمند حمایت

زنان بدسرپرست به گروهی از زنان گفته می شود که از سوی همسرشان ترک شده اند و در بالاتر کیفی به سر می برند. آنان به طور دائم یا موقت بدون سرپرست هستند

۱-۹- زن معلقه کیست؟

در کتاب تحریر الوسیله امام خمینی (ره) در تعریف زنان معلقه آمده است: مرد، مجاز نیست همسرش را به گونه ای رها کند که معلوم نباشد آیا شوهر دارد یا ندارد. زن را در این حالت «معلقه» می گویند و ضرورت دارد مرد به قدر لازم به همسرش سرکشی کند و شب‌هایی را نزد او بماند که به حالت معلقه در نیاید. این کار را اصطلاحاً «حق بیتوته» می نامند، بطوری که اگر مرد، یک همسر دائمی دارد، بیتوته حد معینی ندارد، ولی نمی تواند زن را به حالت معلقه رها کند.

در قرآن کریم سوره نساء آیه ۱۲۹ هم کلمه «معلقه» آمده و در این آیه بر معلق نکردن زنان از سوی شوهرانشان تاکید شده است.

بطور کلی زن معلقه، زنی است که هم شوهر دارد و هم ندارد. زنی که شوهرش به امید کسب درآمد و یا به کشور یا شهری دیگری رفته و یا خوش گذرانی و قانون شکنی و... باعث شده که دیگر به خانه بازنگردد. در این میان زن به امید بازگشت شوهرش روزها را شب و شب‌ها را صبح می کند و حاضر به گرفتن طلاق نیست و بار زندگی را به دوش می کشد .

"سه ماهه باردار بود؛ اما مدتی بود که شوهرش هر شب خانه نمی آمد و هر دفعه هم یک بهانه ای می آورد، یک دفعه می گفت جلسه کاری دارم، یک بار می گفت دوستم تصادف کرده بردمش بیمارستان و... اما یک روز که از خانه بیرون رفت، دیگر برگشت. زن با این که باردار بود همه کلاتری ها و بیمارستان ها را زیر و رو کرد حتی به پزشک قانونی هم سر زد اما از شوهر خبری نبود. نمی دانست با غم بی پناهی و تنهایی سر کند یا دغدغه مشکلات مالی خود و بچه توی راهش را داشته باشد. حیران بود که چرا شوهر ترکش کرده است. الان پسرش دوساله شده و سراغ پدرش را می گیرد اما زن نمی داند چه جوابی باید به او بدهد. فقط به فرزندش می گوید، پدرت برمی گردد".

به گزارش ایسنا، زنان معلقه، دلشکسته از ترک شدن از سویی مجبوره کنار آمدن با عوارض روانی ناشی از غیبت شوهر خود هستند و از طرف دیگر باید با مشکلات مالی و اجتماعی کنار بیایند .

دکتر غلامرضا استیفا جامعه شناس، زنان معلقه را پدیده ای جدید نمی داند و می گوید: همیشه در برهه هایی از تاریخ مردان به جنگ می رفتند و پس از اسیر شدن، جذب محیط های جدید می شدند و دوباره ازدواج می کردند. در این شرایط آنان، زنان قبلی خود را فراموش می کردند. پس از مدتی با گسترش شهرها و بهبود وسایل حمل و نقل، امکان سفر به دور دست ها فراهم شد و مردان برای کار به نقاط دیگر می رفتند. زنان اولین قربانیان این وضعیت بودند، چون آنان مجبور به تحمل جدایی و تنهایی می شدند .

به گفته او، در آن زمان بسیاری از قوانین، زنان را وادار می کرد که منتظر بازگشت شوهرانشان بمانند و این انتظار گاهی زمان های درازی طول می کشید و زنان مجبور بودند که با این وضعیت کنار بیایند. آنان ابتدا امیدوار به بازگشت همسر خود بودند و حق ازدواج مجدد نداشتند.

این جامعه شناس می افزاید: پس از طولانی شدن مدت غیبت شوهر، زنان تلاش می کردند که مشکلاتشان را خودشان حل کنند بنابراین به اشتغال روی آوردند. در نتیجه

وارد بازار کار شدند. در این شرایط کار زنان خود خواسته نبود، بلکه ناشی از فشارهای محیط بود و به مرور کار زنان پذیرفته شد. آنان در کارهای سطح پایین که جنبه تخصصی نداشت، مشغول می شدند. در آن زمان نیز هنوز قوانین به نفع مردان بود و جدایی رسمی را تایید نمی کرد تا زن بتواند با ازدواج مجدد سرپناهی برای خود فراهم کند.

استیفا در ادامه می گوید: پس از مدتی قوانین بازنگری و همین امر باعث شد که به رغم فشارهای اجتماعی و دستورات دینی زنان بتوانند از همسرانشان جدا شوند، در این شرایط پدیده طلاق به وجود آمد. امروزه زنان بسیاری به رغم داشتن فرزند، روی پای خود ایستاده اند. البته «هنوز در مذهب کاتولیک جدایی زن و مرد به آسانی امکان پذیر نیست و تابع طی تشریفات دشواری است.

۲-۱-۹- زنان معلقه یا بدسرپرست؟

زنان معلقه نه تنها از سوی همسرانشان رها شده اند، بلکه در جامعه نیز کمتر به این قشر توجه شده است به نحوی که این دسته از زنان از دریافت تسهیلات مصوب ویژه زنان بی سرپرست بی بهره هستند.

معاون سرمایه های اجتماعی مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری از زنانی که رها شده اند به عنوان زنان بدسرپرست به جای معلقه استفاده می کند و می گوید: زنان بدسرپرست در بیشتر قوانین استخدامی مانند عائله مندی، تبدیل وضعیت استخدامی، حق اولاد، تسهیلات مسکن، تعریف نشده اند و زنان بی سرپرست مشمول این قوانین هستند، بنابراین زنان بدسرپرست نمی توانند از امتیازات و تسهیلات استخدامی بدلیل تصریح قانونگذار استفاده کنند.

ناصر قاسم زاد -روانشناس- نیز معتقد است که پس از ازدواج یک بخش اساسی از هویت زن، همسر و خانواده شوهر است. وجود همسری که بتواند نیازهای هویتی زن را پاسخ دهد اولویت اول برای افراد در دراز مدت محسوب می شود. هر اندازه که زندگی زناشویی

پایدارتر شود، وجود همسری که زن را درک کند و با او همدلی داشته باشد، می‌تواند مفید باشد.

به گفته قاسم‌زاد، در جامعه مصطلح است که زن نیاز به پشتوانه دارد، این در حالیکه هم زن و هم شوهر باید پشتوانه یکدیگر باشند، چون هر دو به هم احتیاج دارند. او به زنان معلقه اشاره می‌کند و می‌گوید: زن پس از آن‌که هویتش از تجرد به تاهل تغییر پیدا می‌کند، وقتی شوهر زندگی مشترک را ترک کند، او با بحران شدیدی مواجه می‌شود چون نه تنها همسر فوت نکرده یا طلاق نگرفته بلکه طلاق عاطفی هم رخ نداده است.

۳-۱-۹- تفاوت زنان معلقه و مطلقه

به اعتقاد قاسم‌زاد، وضعیت برخی از زنان معلقه بهتر از زنان مطلقه است، چرا که زنان معلقه از حاشیه امنیت بیشتری برخوردار هستند و به اعتقاد عامه مردم، او شوهر دارد و یک روزی برمی‌گردد. از سوی دیگر چون هنوز نام مرد در شناسنامه زن وجود دارد، او در اجاره کردن خانه و یافتن شغل نسبت به زنان مطلقه وضعیت بهتری دارد.

او در عین حال می‌افزاید: زنان معلقه از نظر روحی دچار بحران‌هایی می‌شوند، چرا که زن‌های مطلقه دست‌کم پیش از طلاق تخلیه روانی می‌شوند و پس از یکی دو سال با شرایط جدید خود کنار می‌آیند، اما زنان معلقه دچار شکست عاطفی می‌شوند و فشارهای روانی زیادی را تحمل می‌کنند و شوک ناشی از ترک همسر موجب ایجاد تنش در زندگی آنها و ابتلا به افسردگی می‌شود.

۴-۱-۹- آسیب‌های در کمین زنان معلقه

زنان معلقه چون با پدیده ترک همسر روبرو شده‌اند، شرایط نابسامان روحی را تجربه می‌کنند و حتی ممکن است با شرایط اقتصادی ناگواری مواجه شوند، البته آسیب‌های متوجه زنان معلقه تنها محدود به آثار روانی و اقتصادی نمی‌شود.

به گفته استیفا احساس تنها بودن در یک جامعه شلوغ، نبود اطمینان از آینده، تامین اقتصادی، اجتماعی، روانی و احساسی از آسیب‌هایی است که زنان معلقه را تهدید و به

تدریج زمینه انحراف آنها را فراهم می کند و به رغم اینکه زن می تواند پس از گذشت مدتی از مراجعت نکردن شوهر خود، از نظر قانونی از او جدا شود، ممکن است تن به ازدواج مجدد ندهد؛ چرا که در برخی مواقع شوهر اول باز می گردد و موجب از هم پاشیدگی زندگی زن را فراهم می کند.

قاسم زاد نیز معتقد است: برخی از مردان به دلیل پایبند نبودن به تعهدات اخلاقی و عرفی نسبت به مقوله ازدواج، زنان خود را رها می کنند. در این شرایط زن دچار شوک شدید می شود و باید ظلم مضاعفی را تحمل کند. درواقع با رفتن شوهر، زندگی برای زن مفهوم خود را از دست می دهد.

۵-۱-۹- لزوم حمایت از زنان معلقه

با توجه به آسیب هایی که زنان معلقه را تهدید می کند. لازم است که آنان حمایت شوند تا مشکلات کمتری را تجربه کنند، نکته ای که قاسم زاد بر آن تاکید دارد و معتقد است: زنان معلقه نیاز به حمایت اجتماعی دارند، بنابراین سازمان های مردم نهاد و خیریه می توانند ابتدا آنها را شناسایی و پس از احراز معلقه بودنشان، از این زنان حمایت کنند. آنان علاوه بر حمایت های مالی، نیاز به پوشش بیمه ای دارند و وضعیت فرزندان این افراد نیز باید ساماندهی شود.

به اعتقاد استیفا، زنان معلقه که پشتوانه مالی و معنوی را ندارند، ممکن است در دام انحرافات اجتماعی گرفتار شوند و به اعتیاد و فحشا روی آورند.

برای جلوگیری از تمایل زنان به طلاق، زنانی که واقعا فرد بد سرپرست هستند و توسط همسر ترک شده اما حفاظت و نگهداری فرزندان خود را عهده دارند و به دلایل مختلف حاضر به طلاق نیستند و شرایط بد سرپرستی را تحمل می کنند باید مورد حمایت های قانونی قرار گیرند.

با وجود ضرورت حمایت از زنان معلقه به گفته پروین هدایتی- معاون سرمایه های اجتماعی مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری- از آنجا که بیشترین خدمات به

زنان بی سرپرست تعلق می گیرد کمک نکردن به زنان بدسرپرست - که دارای شرایط خاص هستند به دلیل محدودیت های قانونی ممکن است باعث تشویق آنان به طلاق از همسر بدلیل استفاده از حمایت های قانونی شود.

۱۰- زنان خود سرپرست

پدیده روسپی گری یکی از معضلات جامعه امروز کلان شهر ها می باشد که این پدیده به چند بخش تقسیم می شود:

۱-۱۰- زنان معتاد

این قشر از زنان روسپی به دلیل تامین مواد مخدر خود مجبور به تن فروشی می شوند که معمولاً به دلیل رفتارهای پرخطر جنسی ناقل بیماریهای فراوانی هستند.

۲-۱۰- دختران فراری

دختران فراری مهاجرانی هستند که از سراسر کشور به کلانشهرها مهاجرت می کنند ، این قشر از زنان روسپی به دلیل تامین حداقل هزینه های روزمره برای امرار معاش و تهیه سرپناه مجبور به تن فروشی و روسپی گری می شوند.

۳-۲-۹- زنانی که در شرایط نرمالی مشغول زندگی هستند اما خواستگاه های اقتصادی معیشتی بیشتری از حد نرمال را طلب می کنند ، این زنان به دلایل مختلف درگیر معضل روسپی گری می شوند:

الف - زنانی که دارای مسئولیت اقتصادی در خانواده هستند (بیماری والدین، رفاه نسبی اعضا خانواده ، مطلقه دارای فرزند)

ب- زنانی که هیچ مسئولیتی به لحاظ اقتصادی بر دوش ندارند و صرفاً برای تفریح یا درآمد بیشتر و زندگی راحت تر درگیر این معضل می شوند.

۴-۲-۹- حل معضلات

➤ بسیاری از زنانی که دچار این آسیب هستند تمایل زیادی به بازگشت به شرایط قبل از این دوران دارند که برای بازگشت آنها به جامعه باید بستری فراهم شود.

➤ مهمترین دلیل گرایش زنان به این معضل مشکلات اقتصادی آنهاست.

➤ عدم مشاوره حقوقی بعد از جدایی و عدم آگاهی از نوع زندگی در آینده

➤ عدم دریافت مهریه از همسر جهت جدایی آسان و بالطبع مشکلات اقتصادی این زنان بعد از جدایی.

➤ عدم حمایت خانواده بعد از جدایی.

➤ نداشتن خانه های امن در کلانشهرها

➤ نبود امکانات حداقلی در خانه های امن و گرمخانه های شهر تهران به جهت بهداشت عمومی و فردی و...

➤ نداشتن بیمه برای خانواده.

➤ رفتارهای پر خطر جنسی که باعث آسیب های روحی و جسمی فراوان می شود

➤ رفتارهای توهین آمیز جامعه.

➤ عدم برنامه برای اصلاح و تربیت .

➤ عدم حمایت NGO ها

۱۱) کودکان کار

کودکان کار به کودکان گفته می شود که به اجبار توسط کارفرمایانی به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می شوند که این امر آنها را در بیشتر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی بهره می سازد و سلامت روحی و جسمی آنها را تهدید می کند. کار کودک نزد بسیاری از کشورها و سازمان های بین المللی فعالیتی استثنای تلقی می شود.

کار کودکان بسیار معمول است و می تواند شامل کار در کارخانه، معدن، روسپی گری، کشاورزی، کمک در کسب و کار والدین، داشتن کسب و کار شخصی (مانند فروش غذا) یا کارهای نامتعارف باشد. ناپذیرفتنی ترین شکل های کار کودکان استفاده نظامی از کودکان و تن فروشی کودکان است. موارد کم تر جنجالی و معمولاً قانونی با بعضی محدودیت ها شامل کار کشاورزی در ایام تعطیلی مدرسه (کار فصلی)، کسب و کار خارج از ساعات مدرسه و همچنین بازیگری یا آوازخوانی کودکان می باشد.

کار کودک در درجات مختلف در طول تاریخ وجود داشت اما با آغاز سوادآموزی همگانی و تغییراتی که در شرایط کار، طی صنعتی شدن به وجود آمد و ظهور مفاهیم حقوق کارگر و حقوق کودکان مورد نقد و بحث عمومی قرار گرفت کار کودکان همچنان در جاهایی که سن ترک مدرسه پایین است شیوع دارد. بر اساس آمار سازمان جهانی کار (ILO)، سالانه ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله در جهان محروم از کودکی می شوند. طبق این آمار ۱۲۰ میلیون نفر از آنها وارد بازار کار شده و مشغول به کار تمام وقت هستند. ۶۱ درصد این کودکان در آسیا، ۳۲ درصد در آفریقا و ۷ درصد در آمریکای لاتین زندگی می کنند. قاچاق انسان از راه های عمده وارد کردن این کودکان به بازار است. به جز کارگری برده وار، روسپی گری و فروش اعضای بدن کودکان، از دیگر سرنوشت های کودکان قاچاق است.

۱-۱۱- آسیب پذیری کودکان کار

کودکان کار در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت و انجام کارهای خطرناک و حاد به سر می برند. این کودکان می توانند به راحتی بازیچه دست بزهکاران حرفه ای اعم از سارقین یا باندهای توزیع مواد مخدر، عوامل ایجاد خانه های فساد و...

قرار گیرند، و همچنین عدم بهره گیری از آموزش و تحصیل علم و فن، قدرت رقابت با سایر کودکان در ایجاد یک زندگی سالم را هر چه بیشتر از این کودکان سلب می کند. بطور کلی کودکان کار به دلیل داشتن وضعیت عاطفی نا مناسب و شرایط خاص زندگی، دارای روحیه ای حساس و از نظر عاطفی، آسیب پذیرتر از کودکان هم سن و سال خود هستند. بنابراین بی توجهی و نادیده گرفتن این کودکان باعث نهادینه شدن خشمی پنهان در ناخود آگاه آنها شده و در بزرگسالی باعث بروز بسیاری از ناهنجاری ها در جامعه می شود.

۲-۱۱- تأثیرات اقتصادی - اجتماعی کار کودکان

کار کودکان سبب افزایش سود و انباشت سرمایه برای کسانی می شود که کودکان را مورد استثمار قرار می دهند و در نتیجه فاصله طبقاتی را در جامعه بیشتر می کند و فقر و تهیدستی را افزایش می دهد. کودکان را از دستیابی به دانش و مهارت کافی بازمی دارد و در نتیجه بهره وری نیروی کار را در جامعه کاهش می دهد. آسیب های اجتماعی مانند اعتیاد، بزه کاری، استثمار، تبعیض، فقر و ... افزایش می یابد و در نتیجه سلامت اجتماعی را به مخاطره می اندازد و مانع پیشرفت و توسعه جامعه می گردد.

طبق آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار کودک در ایران به صورت مستقیم درگیر کار هستند و بررسی ها نشان می دهد هر کودک ماهیانه ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان درآمد دارد.

به گزارش مهر، نشست روز جهانی مبارزه با کار کودک که برابر با ۱۲ ژوئن (۲۲ خردادماه) است، در خبرگزاری مهر با حضور مقامات کارگری و کارفرمایی برگزار شد.

آرش فراز در ابتدای این نشست با بیان اینکه از سال ۲۰۰۲ میلادی همه ساله سازمان جهانی کار روز ۱۲ ژوئن را به عنوان روز جهانی مبارزه با کار کودک برگزار

می کند، گفت: هدف از این نام گذاری این است که در سالیان متمادی تلاش شد تا با معرفی نمادین یک روز مشخص توجه ملت ها و دولت ها به اهمیت آسیب شناسی این پدیده ناهنجار و آشنایی با فعالیت های کشورهای عضو جلب شود.

۳-۱۱- روز جهانی مبارزه با کار کودکان

دبیرکل مجمع عالی نمایندگان کارگران ایران اظهار داشت: از سال ۲۰۰۲ تاکنون هرساله یک نام مشخص برای روز جهانی مبارزه با کار کودک انتخاب شده است، برای امسال روز جهانی مبارزه با کار کودک با عنوان محو کار کودک در مشاغل خانگی و مبارزه با رشد این پدیده نامگذاری شده است.

فراز ادامه داد: به دلیل اهمیت موضوع یک برنامه دائمی تحت عنوان مبارزه با کار کودک در ساختار اداری سازمان جهانی کار طراحی شده و از کشورهای عضو خواسته می شود تا در برنامه های مشترک این سازمان همکاری کنند.

وی افزود: بر اساس گزارش این سازمان سالیانه ۲۵۰ میلیون کودک بین ۵ تا ۱۴ سال در کشورهای مختلف جهان مشغول کار هستند و ILO معتقد است با همکاری اعضا، گروه های کارگری و کارفرمایی می توان از رشد این پدیده جلوگیری کرد.

این مقام مسئول کارگری بیان داشت: به دلیل اهمیت موضوع مبارزه با کار کودک، این پرونده در قالب یکی از مقاله نامه ها و معاهدات بین المللی کار پذیرفته شده و به کشورهای مختلفی از سراسر جهان به عضویت آن درآمده اند. سازمان جهانی کار دارای ۸ مقاله نامه بنیادین است که دو مورد از آنها به کار کودک می پردازد

فراز خاطر نشان کرد: مقاله نامه شماره ۱۳۸ که به تعیین سن حداقل کار کودک و مقاله نامه ۱۸۲ که محو بدترین اشکال کار کودک را دنبال می کند توسط ایران در سال ۸۰ پذیرفته شد و ایران به آن پیوسته است.

دبیرکل مجمع عالی نمایندگان کارگران ایران افزود: هرچند ایران به مقاله نامه ۱۳۸ درباره کار کودک نپیوسته ولی مشخصا در ماده ۷۹ قانون کار بیان شده که اشتغال

کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است و این موضوع را ماده ۸۴ به شرایط کار نوجوانان می‌پردازد و در این زمینه ارائه حمایت‌های ویژه مورد تاکید قرار دارد. این مقام مسئول کارگری تصریح کرد: ایران به کنوانسیون حقوق کودک نیز پیوسته و تقریباً می‌توان گفت ایران به تمام مقاوله‌نامه‌های اصلی بین‌المللی در حمایت از کار کودکان پیوسته است. مقاوله‌نامه‌ها نه تنها بحث اصلی یعنی کار کودک را منع می‌کنند بلکه برخی اشکال کار کودک را به عنوان بدترین موضوعات قلمداد کرده و با آنها مبارزه می‌کند.

۴-۱۱- استفاده از کودکان در قاچاق

فراز اظهار داشت: به کارگیری کودکان در انواع قاچاق، به کارگیری در سوء استفاده‌های جنسی و در فعالیت‌های سخت و زیان‌آور که به سلامت روان و جسم کودکان آسیب جدی می‌زند، مورد توجه این مقاوله‌نامه‌ها است که البته اجرای آنها منوط به توجه به کارگران و کارفرمایان و همچنین دولت‌ها است.

وی بیان داشت: قبل از الحاق ایران به مقاوله‌نامه کار کودک، در سال ۸۳ نیز آئین نامه ای در این زمینه با همراهی کارگران و کارفرمایان تدوین شد اما تا به امروز هیچگونه تعامل و پیگیری در بازنگری مفاد آن و چگونگی تنظیم گزارشهای سالیانه وجود ندارد.

این مقام مسئول کارگری از برنامه‌ریزی برای تاسیس کمیته مبارزه با کار کودک در مجمع عالی نمایندگان کارگران و مدیران سخن گفت و بیان داشت: امیدواریم بتوانیم با همکاری سازمان‌های غیردولتی و استفاده از توان کارشناسی و علمی تکالیف جدیدی را در این زمینه‌ها ایجاد نماییم.

در ادامه فاطمه دانشور عضو اتاق بازرگانی ایران و مدیر عامل موسسه خیریه مهرآفرین گفت: از شاخص‌های اندازه‌گیری رشد یافتگی در سازمان بهداشت جهانی و یونسف وضعیت کودکان کشورها است.

اشتغال ۱,۷ میلیون کودک در ایران

دانشور بیان داشت: ۹۱۵ هزار کودک نیز به عنوان کودک خانه دار به ثبت رسیده که از این تعداد ۹۸,۹ درصد دختر هستند و آمار بهزیستی در سال ۸۹ درصد نیز نشان می دهد که تنها ۶ هزار کودک خیابانی ساماندهی شده است که نشان می دهد عملکردها در این بخش ناچیز بوده است.

این فعال اجتماعی تصریح کرد: یکی از موضوعات چالش برانگیز در ایران نبود برنامه راهبردی و استراتژیک درباره کودکان و کار است به نحوی که در برنامه پنجم توسعه ۱۷ بار از کلمه فاضلاب استفاده شده و یک بار کلمه کودک در این برنامه وجود ندارد و این موضوع نشان می دهد که لازم است در این بخش تصمیم گیران نگاهی جدی به مسئله داشته باشند.

دانشور افزود: در کشور ما بحث ایجاد تشکل هایی که بتوانند به موضوعات کار کودک بپردازند بسیار محدود است و اقداماتی که در این بخش انجام می شود بسیار ناچیز است. ما در این زمینه تاکنون دو سمینار علمی کودکان کار و خیابانی را برگزار کردیم و بیانیه ای نیز صادر شد که در نهایت به ایجاد نهاد ملی حمایت از کودک در ایران منجر شد و پیش از آن کودک کار در ایران موضوع رها شده بود و دستگاه ها مسئولیتی را در این زمینه نمی پذیرفتند.

۵-۱۱- ۹۰ درصد کودکان کار به خانه بازمی گردند

عضو اتاق بازرگانی ایران تاکید کرد: ۹۰ درصد کودکان کار شب ها به منازل خود برمی گردند اما کودکان خیابان شبانه روز در بیرون هستند و طبق آمار موجود ۹۹ درصد این کودکان بزهکار می شوند. ما یک مرکز نگهداری از کودکان کار و خیابان ایجاد کردیم که در قالب آن ۴۷۰۰ نفر تحت پوشش قرار گرفتند اما برای گسترش اینگونه فعالیتها لازم است تا نهادهای تصمیم ساز مداخله کنند.

در ادامه این نشست آرمان خالقی با طرح این سوال که چگونه مقاوله‌نامه‌های سازمان جهانی کار در مبارزه با کار کودک می‌تواند در ایران اجرا شود؟ گفت: درباره کار کودک موضوع مهم این است که چگونه باید برخورد شود و سهم دولت و مردم در این بخش به چه میزان است؟

عضو هیئت مدیره خانه صنعت و معدن اظهار داشت: در سال‌های گذشته برخوردها در این بخش چندگانه بوده و به جای جمع‌آوری کودکان کار بعضاً برخوردهای خوبی نشده است و این موضوع باعث شده است تا کارها در این بخش به خوبی تنظیم نشود.

وی با بیان اینکه در حال حاضر کمتر از ۱۰ تشکل در ایران اختصاصاً به کار کودک می‌پردازد اظهار داشت: در شوراها نیز تشکل‌های تخصصی ایجاد شده است که باید به این موضوع ورود بهتری داشته باشند. همچنین یکی دیگر از موضوعاتی که در این زمینه وجود دارد یکسان‌سازی سن کودکان در بخش‌های مختلف از جمله کار است اما هم‌اکنون افراد برای هر کار باید در سن مشخصی قرار گرفته باشند و این تفاوت‌ها باید برداشته شود.

۶-۱۱۰- تعریف وظایف جدید برای بنگاه‌ها

این مقام مسئول کارفرمایی ادامه داد: اگر بتوانیم در وظایف بنگاه‌ها بگنجانیم که بخشی از سود پول را به کار حمایت از کودکان و ساماندهی آنها اختصاص دهند می‌توان شرایط مطلوبی را در کارگاه‌ها ایجاد کرد و ما باید به این نقطه برسیم. خالقی بیان داشت: مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها حکم می‌کند که بیایند در قبال این مسئولیت خود بخشی از درآمد را به این کار اختصاص دهند.

در ادامه بحث آرش فراز با بیان اینکه با وجود استقبال کارفرمایان برخی گروه‌های کارگری ورود علمی و مناسبی به موضوع کار کودک نداشته‌اند. ما آمادگی داریم تحت عنوان میثاق ملی مبارزه با کار کودک حمایت‌های کارگران و

کارفرمایان و همچنین سازمان های غیر دولتی را در این بخش به صورت یک کار مشترک در راستای کاهش و از بین بردن پدیده کار کودک به کار بگیریم.

همچنین فاطمه دانشور نیز با بیان اینکه در ایران نگاه پژوهشی به کار کودک کم بوده است، گفت: یکی از پژوهش ها نشان می دهد که از عوامل بروز کودکان خیابانی مسائل اقتصادی شامل فقر، عدم توزیع عادلانه ثروت، بیکاری، فاصله طبقاتی، فقدان یا کمبود درآمد و ازدیاد جمعیت است.

وی ادامه داد: همچنین عدم سیاست گذاری دولت در کنترل جمعیت و مهاجرت از روستاها به شهرها و از کشورهای دیگر به ویژه افغانستان و عراق به ایران در این بخش موثر بوده است. ایجاد مهاجرت کودکان از زمان جنگ شروع شد.

۷-۱۱- علت اصلی افزایش کودکان کار

این فعال اجتماعی بیان داشت: تغییر ارزش های اجتماعی و فاصله بین نسل ها، اعتیاد، بزهکاری، سنت ها و باورهای نادرست درباره کودکان، خشونت و اغفال دوستان و همسالان و عوامل خانوادگی، جدایی والدین به اعتیاد، ناپدیری و نامادری، بیماری های روانی، بحران هویت، ناکامی آرزوها، فرار از خانه و مدرسه نیز در این بخش وجود دارد.

دانشور در این خصوص که آیا در ایران باندهای مافیایی سوء استفاده از کودکان کار فعال هستند؟ گفت: تصور وجود باندهای سوء استفاده از کودکان کار اشتباه است و ۹۰٪ اینها دارای خانواده هایی هستند که کودکان برای تامین معیشت مجبور می شوند کار کنند و بررسی ها نشان می دهد که فقر دلیل اصلی ایجاد کودکان کار است و درصد کمی از این افراد مورد سوء استفاده باندهای مافیایی قرار می گیرند.

عضو اتاق بازرگانی ایران ادامه داد: ۳۰٪ کودکان کار دارای والدین با سابقه محکومیت هستند و ۴۰٪ نیز دارای والدین بی سواد یا کم سواد هستند، ۸۵٪ کودکان کار ایرانی و ما بقی از سایر کشورها هستند.

این فعال اجتماعی اظهار داشت: ۲۲٪ کودکان کار مورد اغفال قرار گرفته‌اند و هر کودک خیابانی دست کم یک تا دو سال در خیابان به سر می‌برد. متأسفانه کودکان کار در ایران رو به افزایش است.

۸-۱۱- جمع آوری کودکان از چهارراه ها

وی با بیان اینکه مسائل اقتصادی و افزایش هزینه‌های زندگی در ایجاد پدیده کار کودک تاثیرگذار است گفت: شوراها شهر از ظرفیت‌های خوبی برای ورود به مسائل کار کودک برخوردار هستند و از ارکان های مهم تصمیم گیری محسوب می‌شوند و این موضوع در تهران دارای اهمیت چندگانه است.

در ادامه این نشست آرمان خالقی گفت: بخش زیادی از کودکان کار دارای خانواده بوده و خانواده‌های آنها دارای مسائل اقتصادی و مواجه با اعتیاد و بیکاری هستند. کودکان برای خانواده های خود کار می کنند و قوانین ما آنگونه نیست که به راحتی بتوان حضانت این بچه ها را گرفت و اساسا چنین امکاناتی در کشور وجود ندارد.

این فعال کارفرمایی بیان داشت: امروز جمع کردن کودکان کار از چهارراه‌ها آنها را به کارگاه های زیرزمینی می‌کشاند و ما تا نتوانیم برنامه دقیقی را در این بخش اجرا کنیم امکان جلوگیری از کار کودک وجود نخواهد داشت. از گذشته نوعی نگاه در خانواده‌ها برای کار کودکان تحت عنوان استاد شاگردی وجود داشته و تا این نگاه اصلاح نشود که نباید کودکی را از بچه‌ها گرفت، اساسا امکان پیشرفتی وجود ندارد.

وی در این زمینه که بسیاری از کودکان در بنگاه های زیرزمینی و غیر رسمی به کار گرفته می‌شوند، بیان داشت: اساسا سیستم نظارتی اقتصاد یک ضعف کلی دارد و نمی توان بسیاری از بنگاه‌ها را شناخت و امروزه سیستم مالیاتی نیز بسیاری از فعالیت‌ها را در کشور نمی‌شناسد و هنوز ضعف‌ها آنقدر در اجرای قانون کار و تامین اجتماعی زیاد است که امکان مبارزه دقیق با پدیده کار کودک وجود ندارد.

۹-۱۱- کار سیاه

خالقی با اشاره به اینکه استفاده از کارگران غیرقانونی در بنگاه ها نیز نوعی کار سیاه محسوب می شود گفت: همانگونه که درباره استفاده از کارگران غیر مجاز خارجی، قوانین و جرایمی وجود دارد باید درباره کار کودکان نیز برنامه ریزی شود و یکی از راه های موثر که در این بخش می توانست موثر واقع شود اختصاص یارانه به کودکان بوده است.

فراز در بخش دیگری از سخنانش در خصوص بدترین اشکال کار کودک در ایران گفت: ۳۶ رشته فعالیت تحت عنوان بدترین مشاغل و کارهای سخت و زیان آور شناخته شده که کودکان مجاز به فعالیت در آنها نیستند. در ایران کار کودکان زیر ۱۸ سال در این بخش ها ممنوع شناخته شده است اما ما باید این ملاک را از ۱۵ سال در قانون کار به ۱۸ سال ارتقاء دهیم.

دبیر کل مجمع عالی نمایندگان کارگران ایران تصریح کرد: طرح استاد شاگردی نوین که در سال های گذشته از سوی وزارت کار مطرح شد، یکی از زمینه هایی است که اجرای قوانین حمایت از کودکان کار را محدود می کند و در زمانی که ما برای ساعت کار، سن کار و کار شبانه کودکان و نوجوانان ممنوعیت و محدودیت قائل می شویم، طرح استاد شاگردی و خروج از شمول قانون کار و تامین اجتماعی این اقدامات را زیر سوال می برد.

این مقام مسئول کارگری با بیان اینکه احتمال این می رود با اجرای اینگونه طرح ها حمایت های قانونی از کودکان نادیده گرفته شود گفت: استاد شاگردی از نمونه های مشخصی است که می تواند منتهی به تضییع حقوق کودکان شود و ما وقتی می دانیم سیستم های بازرسی بسیار محدود است، چگونه می خواهیم کودکان را به مشاغلی بگماریم که نیازی به نظارت بر آنها نیست؟

۱۰-۱۱- خطر استاد شاگردی برای کودکان

وی با اعلام اینکه شکایتی امسال از سوی جامعه کارگری در سازمان جامعه کار مبنی بر نادیده گرفتن حقوق نیروی کار ایرانی مطرح شده است اظهار داشت: در این شکایت یکی از مباحث تحریم ظالمانه ارائه کمک های فنی حمایت از کار کودکان در ایران است که سازمان جهانی کار از ارائه این نوع خدمات امتناع می کند.

دانشور نیز در بخش پایانی سخنان خود گفت: در اتاق بازرگانی موضوع مسئولیت پذیری اجتماعی بنگاه های بخش خصوصی مطرح شد اما در زمان طرح بنگاه ها خیلی نگاه مثبتی به این موضوع نداشته و تمایلی به ورود به این موضوعات از خود نشان ندادند.

وی بیان داشت: دو سال طول کشید تا معنی مسئولیت اجتماعی در بین فعالان بخش خصوصی جا افتاد و عنوان شد که کارکنان و مدیران باید مسئولیت هایی را ایفا کنند و در زمینه های اجتماعی نقش داشته باشند که یکی از مصادیق آن جلوگیری از استفاده کودکان در کار است که البته در این زمینه نهادهای حمایتی گوناگونی مانند شوراهای شهر می توانند فعالیت کنند.

۱۱-۱۱- درآمد ماهیانه هر کودک کار

این فعال اجتماعی بیان داشت: بررسی ها نشان می دهد که درآمد ماهیانه هر کودک کار در ایران بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان در نوسان است و ما اگر بتوانیم این مبالغ را برای خانواده های آنها تامین کنیم می توانیم این کودکان را از محیط های کار به مدارس بازگردانیم.

خالقی نیز در پایان سخنانش بیان داشت: مسئولیت اجتماعی موضوعی است که در سالهای اخیر کمرنگ شده و به عنوان یکی از اهداف هزاره سازمان ملل مطرح بوده که خانه صنعت و معدن پیشتر به آن ورود داشته اما با نگاه دولت در سالهای اخیر این موضوع کمرنگ شده است. تشکل ها باید این موضوعات را تبیین کنند و برای کارفرمایان این جذابیت ایجاد شود که بتوانند در حمایت از کار کودکان گام های اساسی را بردارند.

فصل یازدهم: ایده های کلان مدیریت شهری

- گفتمان اول: انتخاب مستقیم شهردار توسط مردم**
- گفتمان دوم: طرح انتقال پایتخت**
- گفتمان سوم: رفراندوم شهری**
- گفتمان چهارم: حقوق شهروندی**

گفتمان اول: انتخاب مستقیم شهردار توسط مردم^۱

نگاهی به شهردار و شهرداریها و قانون انتخاب شهرداران

شهروندان عزیز در کشور ما براین باورند که شهردار کلید دار یک شهر می باشد و باید در کلیه مسئولیت های خدماتی - اجتماعی و فرهنگی دخیل باشد. در این بخش بدنبال این هستیم که نگاهی به نحوی انتخاب چنین مردمی در جهان و کشور خودمان داشته باشیم.

با نگاهی به تاریخ شهر و شهرداری در کشورمان مشاهده می شود که نظام شهری و شهرداری به شکل امروزی قدمت صدساله دارد و حسب اسناد موجود حدود صدسال قبل توسط حکومت مرکزی سازمانی بنام **بلدیه** تشکیل شده است و از زمان مشروطه خواهی در ایران این سازمان شکل مردمی تری بخود گرفت و انتخاب شهردار و شورای شهر معروف به **انجمن بلدیه** بوجود آمد. بررسی در سیر تغییر و تحولات تاریخی کشورمان پیرامون موضوع انتخاب شهرداران را می توان به چهار دوره تقسیم کرد:

۱- در زمان مشروطه مردم شهر اعضاء انجمن بلدیه را انتخاب می کردند و کسی که بیشترین رای را داشت بعنوان رئیس انجمن بلدیه انتخاب و مسئولیت اجرایی امور شهر بعهده او بوده است.

۲- در زمان پهلوی اول و دوم انتخاب اعضاء انجمن شهر توسط مردم انجام ولیکن این انجمن عنصری تشریفاتی بود و فقط در کنار شهردار منصوب دولت به امور مشورتی می پرداخت .

۳- بعد از انقلاب اسلامی و بروز جنگ تحمیلی و شرایط خاص کشور و علیرغم تصویب قانون شوراها در قانون اساسی تقریباً انجمن کمرنگ و شهرداران مستقیم از سوی وزارت کشور و استانداران هر استان تعیین و کلیه فعالیت های امور شهر مستقیم با حوزه استانداری ها بوده است .

^۱ غلامرضا محمد خانی از شهرداران سابق شهرداری های استان تهران

۴- در سال ۷۵ اجرای اصول یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منتج به ابلاغ قانون و آئین نامه اجرایی شورای اسلامی شهر و روستا گردید که برابر بند ۱۸ ماده ۱۹ آن قانون انتخاب، نظارت و عزل شهرداران بعهدہ شورای شهر گذاشته شد.

قوانین مرتبط با انتخاب شهرداران از سوی شوراهای چیست ؟

واگذاری انتخاب شهرداران به شورای شهر جزء حداقل صلاحیت های اعطا شده به واحدهای محلی است . دربند یکم ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵، انتخاب شهرداران برای یک دوره چهارساله از وظایف شوراهای شهر دانسته شده است که باید (بلافاصله پس از رسمیت یافتن) نسبت به آن اقدام کنند. براساس تبصره ۳ این ماده (نصب شهرداران در شهرهای با جمعیت بیشتر از دویست هزار نفر و مراکز استان بنا به پیشنهاد شورای شهر و حکم وزیر کشور و در سایر شهرها به پیشنهاد شورای شهر و حکم استاندار صورت می گیرد) شورای شهر براساس ضوابط و شرایط احراز صلاحیت شهرداران مندرج در آئین نامه مصوب این قانون، شهردار مورد نظر خود را انتخاب می کند . وزیر کشور و استانداران موظفند حکم شهردار معرفی شده را ظرف مدت ده روز صادر کنند . در صورتی که وزیر کشور یا استاندار، شهردار معرفی شده را واجد شرایط تعیین شده نداند، مراتب را با ذکر دلیل و مستند ها به شورای شهر منعکس می کند، در صورت اصرار شورای شهر بر نظر قبلی خود و صادر نشدن حکم شهردار، موضوع توسط شورای شهر به هیات حل اختلاف ذیربط ارجاع خواهد شد و هیات مذکور ظرف پانزده روز مکلف به تصمیم گیری است و تصمیم آن هیات برای وزارت کشور و شورای اسلامی شهر لازم الاجراست. چنانچه در مدت مقرر، هیات حل اختلاف نظر خود را اعلام نکنند، نظر شورای شهر متبع خواهد بود و شهردار می تواند اختیارات قانون خود را اعمال و اجرا کند انتخاب شهردار در زمره صلاحیت های شورای شهر است و وزیر کشور یا استاندار نقشی جز اعمال نوعی نظارت قانونی در این باره ندارند. به دیگر سخن، نماینده

دولت (وزیر کشور یا استاندار) در اینجا، هیچ صلاحیتی برای تحمیل شخص مورد نظر خود به اعضای شوراهای شهر ندارد و حتی در صورتی که وزیر کشور یا استاندار بنا به ملاحظات با گزینه مورد نظر شورای شهر برای شهرداری موافق نباشد، حق ابطال این انتخاب را نیز ندارد که این موضوع نشانگر آن است که رابطه دولت و شوراهای شهر در این زمینه از نوع مناسبات سلسله مراتبی نیست

آیا تشخیص شایستگی نامزدهای احراز سمت شهرداری نیز برعهده شوراهای اسلامی شهر است؟

تشخیص شایستگی‌ها و صلاحیت نامزدهای احراز سمت شهرداری اصولاً با شوراهای اسلامی شهر است و نهادها و مقام‌های ملی مانند رئیس جمهوری، وزار یا حتی نمایندگان مجلس نیز اجازه مداخله و اعمال نفوذ در فرایند تعیین شهردارها را ندارند. بر این اساس هر نوع تحدید حق انتخاب شهرداران توسط ارباب قدرت از مصادیق بارز سوء استفاده از اختیارات است. در این باره، هیات دولت در مورخ ۱۱ شهریور ۱۳۷۷ (آئین نامه اجرایی شرایط احراز تصدی سمت شهردار) را به تصویب رسانده است که توجه به آن می‌تواند راهگشا باشد. در ماده یکم این آئین نامه چنین آمده است: کسانی را می‌توان به سمت شهردار انتخاب نمود که دارای شرایط زیر باشند:

الف - تابعیت جمهوری اسلامی ایران، **ب -** حتی‌المقدور متاهل و دارای حداقل ۲۵ سال سن و ۵ سال سابقه اجرایی در موقع انتخاب شدن، **پ -** انجام خدمت وظیفه عمومی (دوره ضرورت) یا داشتن معافیت دایم در زمان صلح، **ت -** اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی، **ث -** دارا بودن حسن شهرت، **ج -** داشتن توانایی جسمی و روحی برای انجام کار، **چ -** نداشتن محکومیت کیفری که مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی باشد، **ح -** دارا بودن تحصیلات و تجربه به شرح زیر: ۱- حداقل تحصیلات کارشناسی (لیسانس) برای شهرداریهای درجه ۱ تا ۶، ۲- حداقل تحصیلات کارشناسی (لیسانس) با گرایش‌های مشخص شده توسط وزارت کشور برای شهرداری‌های

درجه ۷ تا ۱۰، ۳- برای شهرداری های درجه ۱۱ و ۱۲ حداقل تحصیلات کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) با گرایش های مشخص شده توسط وزارت کشور

با قبول اینکه شوراهای بصورت مستقل شهردار را انتخاب می کند آیا حق نظارت را هم میتوان برای این مقام ها قایل شد؟

دقیقاً، همانطور که در قانون تشکیلات شوراهای نیز اشاره شده، کارکرد اصلی و مهم اولیه شوراهای همان نظارت است و مطابق مفهومی که قانون اساسی اراده کرده است، چنین نهادی در امور محلی از نظارت شورا مستثنی نیست. هرچند باید اشاره کرد که این نظارت واجد ضعف و شدت است و مهمترین و تاثیر گذارترین آنها، نظارت بر شهرداری است. البته در اینجا لازم است بگوییم که نظارت شوراهای را می توان در ابعاد و روش های مختلف و گوناگون مورد مطالعه و ارزیابی قرار داد، این نظارت شامل فقط یک نهاد خاص مثل شهرداری نیست، بلکه باید این نظارت را یک نظام عام دانست، چنانکه از محتوای اصل یک صدم قانون اساسی برمی آید شهرداری به عنوان رکن اجرایی نهاد محلی شوراهای، از طرق مختلف، تحت نظرات عالی شورای اسلامی قرار دارد. شهردار منتخب شوراهای اسلامی نیز تا زمانی که مورد وثوق و تایید اعضای شوراهای اسلامی شهر باشد به ادامه فعالیت می پردازد در غیر این صورت یعنی تخطی و انحراف از صلاحیت های تعیین شده و به عبارت بهتر از برنامه های مشخصی که اعضای شوراهای اسلامی شهر براساس آن به شهرداری رای داده اند، وی از کار برکنار می شود. کیفیت عزل و به عبارت بهتر استیضای شهردار در ماده ۷۳ قانون شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مورد اشاره قرار گرفته است.

از آنجا که جامعه شهری و حقوق شهروندی تقریباً در تمام جهان یکسان است و بصورت مستقیم به قانون انتخاب شهرداران مرتبط می گردد برآن شدیم قانون انتخاب شهرداران در چند کشور جهان را هم مورد بررسی قرار دهیم:

شهردار در کشورهای مختلف :

در بسیاری از کشورها ، شهردار به عنوان بالاترین مقام شهری در شهرها و شهرستان‌ها شناخته می‌شود . در اکثر سیستم‌های شهری ، شهردار بعنوان مقامی اجرایی و یا گاهی اوقات مقامی تشریفاتی بکار گرفته می‌شود.

در سرتاسر جهان تفاوت‌های گسترده‌ای در قوانین محلی و آداب و رسوم آنها در رابطه با شیوه‌ی انتخابی شهردار و وظایف مربوط به او می‌باشد.

استرالیا

در شوراهای استرالیا، شهردار یکی از اعضای شورا است که بعنوان یک مقام تشریفاتی در جلسات رسمی دولتی و افتتاحیه‌ها شرکت می‌کند . تصمیمات شهردار در طول جلسات شورا گرفته می‌شود و در صورت لزوم تایید یا لغو می‌شود . شهردار استرالیا را می‌توان بصورت مستقیم از طریق رای گیری در انتخابات محلی و یا از طریق جلسات شورا که در ماه سپتامبر برگزار می‌شود، برگزید .

یونان

شهردار در یونان هر پنج سال در انتخاب محلی انتخاب می‌شود و آنها مدیران شهری برای ایالات تقسیم شده هستند . از شروع سال ۲۰۱۴، شهردارها برای پنج سال انتخاب شده و انتخابات دولت محلی و شهرداری‌ها همزمان با انتخابات پارلمانی در اروپا برگزار می‌گردد.

ژاپن

قانون استقلال محلی ژاپن که در سال ۱۹۴۷ تصویب شد ساختار دولت محلی ژاپن را تعریف می‌کند که در بعد از جنگ جهانی ۲ این قانون قدرت فراوانی گرفت. این قانون قدرت اجرایی فراوانی به شهردار در زمینه‌های سیاسی اعطا کرد که قدرت شهرداری‌ها در ژاپن با هم‌تایان آنها در ایالات متحده آمریکا برابری می‌کرد.

در شوراهایی که متشکل از حزب های مختلف است، شهردار از گروهی انتخاب می‌شود که بیشترین صندلی یا نماینده را در شورا داشته باشد.

کانادا

شهردار در کانادا رهبر شهرداری‌های این کشور است. با این حال در برخی از استان‌های کانادا (مثل اونتاریو) هنوز از اصطلاح ریو برای منتخب روستاهای کوچک استفاده می‌کنند. شهرداری یک شهرک یا روستا نقش مشابه شهردار را در شهرهای بزرگ ایفا می‌کند و بازه زمانی ریاست هر شهردار با توجه به منطقه‌ای که مسئولیت دارد متفاوت بوده و بستگی به قوانین محلی آن منطقه دارد.

فرانسه

شهردار هر منطقه هر شش سال یکبار در انتخابات محلی انتخاب می‌گردد.

آلمان

در آلمان دولت‌های محلی توسط اساس‌نامه‌های ایالتی کنترل و اداره می‌گردند. امروزه فقط شهردار سه شهر ایالتی (برلین، هامبورگ و برمن) توسط پارلمان انتخاب می‌گردد. و در مابقی ایالات شهردار با رای مستقیم شهروندان که در آن محدوده زندگی می‌کنند، انتخاب می‌شود. در این کشور پست شهردار بعنوان یکی از شغل‌های حرفه محسوب می‌شود، و بالاترین مقام دولت در آن منطقه است.

لهستان

شهردار در لهستان به طور مستقیم توسط ساکنان شهری انتخاب می‌شوند. شهردار تنها شاخه اجرایی شهری دولت است و در ضمن شهردار نمی‌تواند عضو شورای شهر و یا پارلمان باشد. شهردار در صورت نیاز معاونی شهری برای خود انتخاب می‌کند. ترکیه شهردار در ترکیه توسط افراد ساکن در آن شهر انتخاب می‌شود. بعنوان یک قانون، در آنجا شهرداری‌ها در تمام مراکز استان و همچنین شهرها وجود دارد. انتخابات شهرداری هر پنج سال یکبار برگزار شده و نامزدهای منتخب در صورت نداشتن مشکل امنیتی و فساد مالی می‌توانند در دوره‌های بعدی نیز نامزد انتخاباتی گردند.

ایالات متحده آمریکا

شهردار در ایالات متحده آمریکا بالاترین مقام شهری در بیشتر ایالات می‌باشد. در ایالات متحده بسته به نوع سیستم و قوانین محلی، انواع مختلف و متفاوتی از شهرداری و اداره‌ی شهر مشاهده می‌گردد. شهردار ممکن است بتواند حتی ریاست شورای شهر را برعهده بگیرد ولی قدرت قانون‌گذاری را ندارد. در این نظام هم اعضای شورا و هم شهردار با آرای مستقیم مردم انتخاب شده ولی شهردار قدرت اجرایی بالایی دارد و همچنین حق "وتو" مصوبات شورا را نیز در اختیار دارد.

نوع دیگر حاکمیت شهری در آمریکا مدیریت شورا است که در حال حاضر در برخی از شهرهای آمریکا اجرا می‌شود و این شورا است که مدیر شهر را برمی‌گزیند و مصوبات لازم‌الاجرای شهر را تصویب و ابلاغ می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

همانطور که اغلب صاحب نظران مطلع هستند چند سالی است که قانون انتخاب شهردار با رای مستقیم مردم بسیار مورد توجه بوده و حتی در دوره مجلس قبل نیز لایحه آن به صحن علنی رفت ولی بدلیل لابی‌های انجام شده و برخی نواقص مطروحه حائز رای اکثریت نشد. با این وجود با نگاهی دوباره به آن و بررسی چالش‌های متعدد این حوزه بنظر ضروری می‌رسد. چراکه بی تردید انتخاب شهردار با رای مستقیم مردم در کلانشهرهای کشور علاوه بر تبیین جایگاه دقیق‌تر شهردار، بعنوان اصلی‌ترین مدیر شهری می‌تواند جایگاه نظارتی شورای شهر را تقویت کند و ازسوی دیگر موانع بسیاری که پیش روی شهرداران شهرهای بزرگ است را بردارد.

یکی از معضلات امکان عزل و نصب شهرداران توسط شورای شهر خصوصاً در شهرهای متوسط و کوچک باعث عدم ثبات مدیریت شهری درچند سال گذشته شده است، بطوری‌که مشاهده می‌شود عمر فعالیت شهرداران در شهرهای متوسط و کوچک بطور میانگین یک تا دو سال شده است و عوامل متعدد قومیت‌گرایی و اعمال نظرات شخصی و سلیقه‌ای اعضای محترم شورای شهر بر این مقوله اثر مستقیم دارد و از آنجاکه سبک و روش

مدیریت شهری در کلانشهر های کشور با مدیریت شهری در شهرهای متوسط و کوچک متفاوت است بنظر می رسد ضرورت تفکیک نوع انتخاب شهردار نیز امری طبیعی باشد ولذا پیشنهادات زیر بعنوان مقدمه ای برای شروع مجدد رسیدگی به طرح انتخاب شهرداران بطور مستقیم توسط مردم همان شهر ارائه می گردد. البته همانطور که آمد اجرایی شدن این موضوع مبتنی بر بررسی های بیشتری خواهد بود.

۱- تمامی بندهای مندرج در قانون شوراهای اسلامی شهر رو روستا که مربوط به چگونگی انتخاب شهردار است استخراج و مورد بازنگری قرار گیرد و کلیه بندهای نظارتی و مشورتی همچنان باقی بماند.

۲- انتخاب شهرداران همزمان با انتخاب نماینده مجلس شورای اسلامی در شهرها انجام شود (این زمان بدلیل اینکه شوراهای شهر فرصت بررسی سوابق و تایید صلاحیت کاندیدها شهرداری را داشته باشند همزمان با انتخابات شوراهای شهر نمی باشد).

۳- همانطور که دربند بالا آمد شورای شهر بعنوان شورای نگهبان شهرها وظیفه بررسی و تعیین صلاحیت فردی و تخصصی کاندیداهای شهرداری را بررسی و نهایتاً بنا بر جمعیت هر شهر تعدادی افراد را بعنوان شهردار به مردم معرفی کند تا با رای مستقیم مردم انتخاب شوند.

۴- وظیفه نظارت و اعمال درخواستهای مردم همچنان بعهده شورای شهر باشد.

۵- ازبین افراد معرفی شده به مردم اولین نفر بعنوان شهردار معرفی و نفرات دوم و سوم بعنوان افراد اصلح بعنوان علی البدل باقی بمانند تا در صورت فوت و یا استیضاح شهردار امکان جایگزین کردن باشد.

۶- شهردار منتخب حداقل بمدت ۲ سال حق فعالیت داشته باشد و در صورت نیاز به استیضاح یا عزل پیش از موعد مراتب بعد از درخواست شورای شهر و تایید بالاترین مقام اجرایی شهرها (فرماندار، استاندار و وزیر کشور) امکان داشته باشد.

۷- باتوجه به وسعت و گستردگی شهر تهران، شهردار منتخب حتماً بایستی در جلسات هیات دولت حضور داشته باشد.

۸- باتوجه به حساسیت مباحث اجتماعی و حقوق شهروندی انتخاب فردی ازسوی شورای شهر بعنوان مسئول اجرایی امور اجتماعی و شورا بعنوان قائم مقام شهردار ضروریست تا شهردار منتخب بتواند به امور تخصصی شهری مبادرت نماید.

درپایان این بخش یکبار ضرورت بازنگری قانون انتخاب شهرداران در قوانین شوراهاى اسلامى بعنوان یکی از معضلات اداره کردن شهرهای کشور پیشنهاد می شود.

گفتمان دوم: طرح انتقال پایتخت^۱

(طرح امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران)

پایتخت یا مرکز سیاسی کشور، شهر اصلی یا سیاسی یک کشور یا یک محدوده حکومتی است که غالباً از سایر شهرها بزرگ‌تر و پرجمعیت‌تر بوده و نهادهای مهم حکومتی در آن واقع است.

در طول تاریخ ایران از آغاز حکومت سلسله مادها تاکنون یعنی زمانی که همدان یا همان هگمتانه قدیم به عنوان اولین پایتخت ایران بوده و در حال حاضر که تهران آخرین پایتخت کشور است ۳۱ بار جابجایی پایتخت را در سطوح ملی و منطقه‌ای گذرانده‌ایم. در این میان برخی شهرها فقط یک بار و برخی دیگر چندین بار به عنوان پایتخت انتخاب شده‌اند. پس از انقلاب اسلامی اولین بار بحث انتقال پایتخت در سال ۱۳۶۴ همزمان با دویستمین سال پایتختی تهران مطرح شد.

در سال ۱۳۶۸ مطالعاتی زیر نظر وزارت مسکن و شهرسازی وقت صورت پذیرفت که ۴ گزینه برای انتقال پایتخت مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در نهایت بدین نتیجه رسیدند که انتقال پایتخت هزینه دارد و به جای انتقال پایتخت «طرح ساماندهی پایتخت» را مطرح کردند. نتایج زحمات از سال ۱۳۶۸ به بعد در قالب طرح ساماندهی تهران، که تلاش‌ها و سرمایه‌های زیادی را صرف کرده بود، مورد اجرا قرار گرفت، اوضاع نابسامان کنونی این شهر برای زندگی حتی با اجرای طرح‌های مختلف ساماندهی پایتخت و زحمات زیاد سامان نیافت. آیا طرح‌هایی مانند دورکاری و انتقال کارمندان از تهران و... که در چند سال گذشته اجرا شد نتیجه‌ای داشت؟!

^۱ سید احمد نبوی

اگر مسئولان ذی ربط ۲۴ سال پیش مسئله انتقال پایتخت را شروع می کردند هزینه ها بیشتر بود یا امروز؟! بطور کلی این انتقال که لازم الاجرا می باشد هر چه به تأخیر بیفتد هزینه های مستقیم و غیرمستقیم بیشتری را به کشور تحمیل خواهد کرد.

براساس مطالعات انجام شده به علت مشکلات و مسائل پیچیده و بغرنج تهران، انتقال پایتخت از تهران را به دلایل مهم زیر الزامی و ضروری می دانیم:

۱- تمرکز شدید و ازدحام جمعیت: شهر تهران به نسبت سایر شهرهای کشور بیشترین تعداد جمعیت را در خود جای داده است. این شهر در مقابل ۱۳۳۰ شهر به تنهایی ۱۶٪ جمعیت شهری کشور را به خود اختصاص داده است. تهران با ۸/۵ میلیون نفر جمعیت ساکن، بزرگترین شهر غرب آسیا و ۴۲ امین شهر بزرگ جهان است.

ابر شهر تهران روزانه حداقل ۱۲ میلیون نفر جمعیت شناور درون شهری و برون شهری دارد و با شهرهای مجاور خود که رشد شتابان و بزرگی شان را به خاطر همجواری با تهران پذیرا گشته اند، به صورت یک مگالاپلیس بزرگ درآمده و نیز این شهر با خاصیت ماکروسفالی تسلط خود را بر تمام شبکه سکونتگاهی کشور گسترانده است. تراکم بسیار زیاد جمعیت در واحد سطح و افزایش لحظه به لحظه ای آن از آستانه های تحمل و پذیرش شهر فراتر رفته و شهر را به یک توده عظیم جمعیتی در فضای کشور تبدیل کرده است.

۲- تمرکز اقتصادی و تجاری: متمرکز شدن منابع و امکانات عمده اقتصادی، مالی و تجاری مانند شبکه های بزرگ بانکی، پول و ارز، بازار، کمپانی ها، دفاتر شرکت ها و کارخانجات، سرمایه داران و تجار بزرگ ملی و بین المللی کشور باعث شده است که تهران رهبری اقتصاد ملی را برعهده گرفته و این تمرکز اقتصادی بر تمرکز جمعیتی و ترددی مرتبط با تهران همواره می افزاید.

مطالعات نشان می دهد که بخشی از افزایش قیمت زمین و مسکن ناشی از تورم تقاضا در تهران بوده و در نهایت منجر به تورم قیمت زمین و مسکن می شود و این تورم به سایر

نقاط کشور علی‌رغم اینکه تورم تقاضا و مشکلات تهران را نداشته باشند سرایت کرده و باعث افزایش قیمت‌ها در سایر شهرهای کشور می‌شود.

۳- تمرکز سیاسی - اداری: تمام مراکز تصمیم‌گیری و مدیریتی ملی در تهران مستقر هستند: مانند دفتر ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، قوه قضاییه، تمامی وزارتخانه‌ها، نهادهای ملی دولتی و غیردولتی، ارگان‌های حکومتی ملی و... جمعیت عظیم کارکنان این نهادها و مراکز سیاسی - اداری کشور در تهران ساکن بوده و حضور آنان قدرت کامل بلامنازع سیاسی و اداری را به تهران بخشیده و روزانه حجم عظیمی از ترافیک زمینی و هوایی کشور را برای انجام امور اداری و سیاسی در سایر نقاط کشور به سوی این شهر روانه کرده و حجم تردد درونی شهر تهران و جمعیت شناور آن را به شدت افزایش می‌دهد.

۴- معضلات محیط‌زیست شهری: تمرکز شدید جمعیتی، اقتصادی، خدماتی و سیاسی - اداری تهران و روند فزاینده همه تمرکزهای مذکور فرآیند مصرف انواع منابع را در یک سیر شتابان همواره افزایش می‌دهد که نتیجه آن تولید انبوه انواع پسماندها و زباله‌های خانگی، تجاری، صنعتی، بیمارستانی، الکترونیکی و... می‌باشد. بنزین مهمترین ماده مصرفی و آلاینده تهران است. روزانه حداقل ۱۴ - ۱۳ میلیون لیتر بنزین در تهران مصرف می‌شود که همراه با گازوئیل مصرفی، سالیانه دست کم ۱۰ میلیون تن گاز کربنیک در تهران تولید می‌شود که آثار سوء این آلاینده‌گی بر سلامت ساکنان این شهر مشخص بوده و عامل مهمی در کاهش متوسط عمر شهروندان می‌باشد.

۵- معضل ترافیک: حجم بالای خودروهای عمومی و دولتی و افزایش ضریب مالکیت خودروهای خصوصی با خودروهای جمعیت شناور، معابر این شهر را در طول روز به پارکینگ نسبتاً متحرک خودروها تبدیل کرده و علاوه بر افزایش نسبی مصرف سوخت، باعث تشدید آلودگی هوا و آلودگی صوتی می‌شود.

اما مهمترین تأثیر ترافیک سنگین تهران که معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد، اتلاف وقت شهروندان و ایجاد خستگی و بروز اختلالات روحی و رفتاری شهروندان است. اگر به

تناسب جمعیت ساکن و شناور، سرانه متوسط اتلاف وقت شهروندان تهران در ترافیک را یک ساعت در نظر بگیریم، روزانه ۱۲ میلیون ساعت وقت انسان‌ها در پایتخت بیهوده سپری می‌شود که ماهیانه ۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ساعت وقت مردم تهران در ترافیک هدر می‌رود. تعداد بسیاری از این افراد سرمایه‌های انسانی کشور از جمله نمایندگان، مدیران، متخصصان، اساتید و نخبگان هستند که به عنوان کارگزاران نظام، وقت آنها باید به جای هدر رفت در ترافیک، صرف خدمت به مردم شود؛ لذا ضرورت دارد در این راستا به برنامه انتقال پایتخت جدی‌تر توجه و عمل شود.

۶- پایین بودن شاخص‌های کیفیت زندگی: ازدحام جمعیت، گرانی، پائین آمدن قدرت خرید شهروندان، اتلاف وقت در ترافیک، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و امراض ناشی از آنها باعث سطح نسبتاً پایین شاخص‌های کیفیت زندگی بر اثر عوامل محیطی شهر در تهران شده است.

۷- خطر زلزله: شهر تهران همواره در معرض خطر زلزله قرار دارد. گسل‌های شمال تهران، گسل مشاء، گسل کهریزک و گسل ری که همواره تهران را در مسیر خطر قرار داده‌اند، هر کدام توان ایجاد زلزله‌های ۷/۵ ریشتری را دارند. با توجه به تراکم بالای جمعیتی، منابع اقتصادی، خدماتی، سیاسی و فرهنگی، مقاومت پایین بسیاری از ساختمان‌های شهر و حوادث هنگام زلزله مانند شکستگی خطوط انتقال گاز، آب، قطع و اتصال خطوط انتقال برق، آتش‌سوزی و... یک فاجعه انسانی وخیم را در تهران به بار خواهد آورد.

هنگام طرح مباحث انتقال پایتخت همواره این بحث عنوان می‌شود که انتقال پایتخت هزینه زیادی را می‌طلبد. آیا ماهیانه حداقل اتلاف ۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ساعت وقت شهروندان تهران، آلودگی شدید هوا، تولید سالیانه حداقل ۱۰ میلیون تن گاز کربنیک در این شهر، مرگ‌ومیرهای ناشی از محیط ناسالم شهر و تلفات انسانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ناشی از زلزله‌ای که حتماً خواهد آمد، برای کشور هزینه نیست؟! همه ما مسئولان در مقابل وضعیت زندگی مردم تهران مسئولیت داریم و باورمان باید این باشد که تهران شهر

همه ایرانیان و ایرانشهر است. در این راستا آنچه که پیش از هر چیز انتقال پایتخت را به عنوان یک وظیفه برای مسئولان ضروری می نماید، مباحث حقوق بشر است.

شاید به جرات بتوان گفت هیچ کشوری به اندازه ایران در طول تاریخ پایتخت‌های مختلف را به خود تجربه نکرده باشد. این در حالی است که آخرین زمزمه‌های تغییر پایتخت که در سال‌های اخیر به گوش می‌رسید، با تصویب طرح امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران از سوی شورای نگهبان، وارد مرحله‌ای جدید شد. شورای نگهبان در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که این شورا طرح امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران را با توجه به اصلاحات انجام شده مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست. طرح امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران که با اصلاحاتی در جلسه ششم اردیبهشت ماه سال ۹۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در جلسه ۱۶ اردیبهشت ماه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

طرح ساماندهی و انتقال پایتخت سیاسی و اداری دارای ۵ ماده است که عبارتند از:

ماده ۱- به منظور بررسی و جمع‌بندی مطالعات انجام شده در خصوص تراکم زدایی و ساماندهی شهر تهران و انتقال پایتخت سیاسی و اداری کشور و انجام پژوهش‌های ضروری به منظور تکمیل آنها با هدف امکان‌سنجی و ارائه راهکارهای برون رفت از وضع موجود، تبیین و ارزیابی، پیش‌بینی و تعیین پیش‌نیازها، الزامات و تمهیدات اجرایی، راهبردهای پیشنهادی برای ساماندهی پایتخت و تهیه برنامه‌های اجرایی لازم، بررسی و جانمایی مکان مناسب برای انتقال پایتخت سیاسی و اداری و ساماندهی پایتخت جدید در افق‌های زمانی کوتاه مدت، میان‌مدت و بلندمدت شورای ساماندهی پایتخت با استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات موجود در قوه مجریه تشکیل می‌گردد.

ماده ۲- دولت اعتبارات مورد نیاز را در لایحه بودجه سالانه کل کشور پیش بینی و منظور می کند.

ماده ۳- اعضای شورا عبارتند از:

رئیس جمهور یا معاون اول رئیس جمهور به عنوان رئیس شورا
وزیر کشور که دبیری شورا را بر عهده دارد
دو نفر از اعضای کمیسیون های شوراها و امور داخلی کشور و برنامه و بودجه و محاسبات با انتخاب مجلس شورای اسلامی

- وزیر راه و شهرسازی
- وزیر نیرو
- وزیر جهاد کشاورزی
- وزیر امور اقتصاد و دارایی
- وزیر نفت
- معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور
- رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
- شهردار تهران
- نماینده ستاد کل نیروهای مسلح
- رئیس سازمان پدافند غیرعامل

ماده ۴- شورا موظف است حداکثر ظرف دو سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون طرح جامع ساماندهی و انتخاب مکان مناسب برای انتقال پایتخت سیاسی و اداری را تهیه و برای انجام سایر اقدامات قانونی به دولت ارایه نماید.

ماده ۵- دولت موظف است آیین نامه اجرایی این قانون را ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن تهیه کند و به تصویب هیات وزیران برساند.

در مناظره‌ای که ۹۳/۲/۱۳ حول این موضوع در تلویزیون انجام شد، در نظرسنجی از بینندگان، ۶۵٪ مردم موافق انتقال پایتخت بودند

اما حاصل بررسی‌های دولت برای انتقال پایتخت می‌تواند سه حالت داشته باشد: حالت اول این که تهران پایتخت بماند اما با یک مدیریت جدی جهت حل مشکلات آن قدم برداشته شود؛ موضوعی که به نظر می‌رسد با توجه به وسعت و جمعیت تهران، حتی در صورت انتقال پایتخت نیز باید در دستور کار قرار گیرد.

حالت دوم انتقال مرکزی اداری و سیاسی همچون مالزی است که این طرح علاوه بر اینکه زلزله را از یک تهدید سیاسی خارج می‌کند، هزینه کمتری نیز نسبت به انتقال کامل پایتخت دارد.

حالت سوم این است که به سراغ شهرهای دیگر برویم و پایتخت جدید را در مرکز آنان یا در حومه آن شهرها تاسیس کنیم که این طرح در کنار فواید خود، معایبی مثل بار مالی زیاد، گران شدن زمین‌ها، اختلافات قومی و ... را در پی خواهد داشت و باید محتاطانه با آن برخورد شود.

بطور عام پایتخت‌ها به عنوان محلی برای کارکردهای نظام‌های اجتماعی، از اهمیتی قابل توجه برخوردارند و موضوع تغییر پایتخت، انتقال و مکان‌یابی برای محل جدید، موضوعی مرسوم و با سابقه‌ای تاریخی به شمار می‌آید. در این میان، ایران نیز به مانند بسیاری از کشورهای دیگر، طی دهه‌های گذشته از این روند دور نبوده و درچندین مرحله اقدام به تغییر و انتقال پایتخت کرده است. اما موضوع تغییر یا انتقال پایتخت از نگاه سیستمی و درعصر پویای نسبتاً پیچیده حاضر، فارغ از تمامی هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آن در حوزه‌ها و زیر سیستم‌های مختلف و مباحث بوم‌شناختی، موضوعی مورد بحث بوده است که از یک سو باید امکان‌سنجی و پیامدهای ناشی از آن بررسی شود و از سویی دیگر، درسطح

بالا تر باید بهینه بودن این تصمیم نسبت به سایر گزینه‌های جایگزین با توجه به ساختار کلان ایران، ارزش‌های حاکم بر آن و تغییرات محیطی و نوآوری‌های پیش رو اثبات گردد. در ادبیات جدید شهرها، پایتخت به عنوان کانون سیاسی کشور و مرکز جاذبه و نفوذ، فضایی جغرافیایی محسوب شده و تمامی عوامل سیاسی، فرهنگی، قومی، تاریخی، اقتصادی، اداری، فنی و ارتباطی را در برمی‌گیرد. بنابراین پیش از هر امری، پایتخت را می‌توان مرکز کنترل سرزمینی و مکانی برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نمادین دولت به شمار آورد.

همانطور که پیش تر اشاره شد در سال‌های اخیر با توجه به اینکه مشکلات تهران از خطر جدی زلزله و آلودگی‌های زیست محیطی تا انفجار جمعیت به اوج خود رسیده است؛ از این رو طرحی توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی با عنوان "طرح امکان سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکز زدایی از تهران" ارائه شد و در تاریخ ۹۴/۲/۶ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۹۴/۲/۱۶ به تایید شورای نگهبان رسید و به عنوان قانون به دولت ابلاغ گردید.

امروز پس از گذشت بیش از یک سال از تصویب این قانون که در اختیار دولت می‌باشد، نه تنها به مرحله اجرا در نیامده بلکه هنوز تصمیمی هم برای این طرح اتخاذ نشده است، از این باب به نظر می‌رسد مناطقی که در مرکز کشور قرار داشته و نزدیک پایتخت فعلی می‌باشند بهترین گزینه‌های ممکن برای بررسی خواهند بود، لذا برای انتخاب پایتخت جدید باید مواردی در نظر گرفته شود که از جمله آن می‌توان به ظرفیت برد منطقه، راههای دسترسی، شرایط آب و هوایی، همجواری با مراکز حمل و نقل و ... اشاره کرد.

نگارنده این مقاله در خصوص انتقال پایتخت، دشت زرندیه را که در جنوب غربی تهران همجوار با شهر جدید پرند، دشتی بسیار وسیع با قابلیت انتقال آب، نزدیکی به فرودگاه امام خمینی، در مسیر شاهراه اصلی شمال به جنوب کشور، کم ترین فاصله ممکن با تهران و

خارج از حیطه گسل‌های شناخته شده است بهترین نقطه برای این انتقال می‌داند ضمناً ریز مباحثات نمایندگان مجلس در خصوص این امکان سنجی در کتاب "سند چشم انداز زرساو" بطور کامل ارائه شده است؛ لذا نظر خوانندگان محترم را به مطالعه اصل منبع معطوف می‌دارم.

در پایان امیدوارم صاحب نظران، مسئولین و اعضای شورای مربوطه ضمن لحاظ نمودن این موارد، انتخابی درست، مطمئن و بدون فوت زمان، برای کشور رقم بزنند.

گفتمان سوم: رفرااندوم شهری^۱

آلودگی هوای شدید کلانشهر تهران و آسیب‌های آن برای کودکان از یک سو و برای سالمندان از سوی دیگر قاتلی پنهان با سلاحی نادیدنی می‌باشد. ترافیک سنگین و طولانی ابرشهر تهران ضمن آلودگی هوا و مصرف سوخت بسیار زیاد، آسیب‌های روانی جامعه و از همه مهم‌تر اتلاف وقت شهروندان را در پی دارد، معضلات شهری از این دست در تهران بی‌دروپیکر فراوان است و تهران را تنها به محلی برای زنده بودن تبدیل کرده است و تنها نامی که برازننده این شهر دوپست ساله نیست، آرامش، سلامت، سهولت تردد، تفریح و در یک کلمه محلی برای زندگی نمی‌باشد.

مدیران شهری در این سال‌های پس از انقلاب تنها به فکر ایجاد درآمد از شهر و شهروندان برای توسعه نامتوازن این جهان شهر بوده‌اند، خیابان‌های دو طبقه، تونل‌های زیبا، فضای سبز هنرمندانه، بوستان‌های نورانی و پر زرق و برق، در کنار کارتن خوابی، کودکان کار، ناامنی اجتماعی، زنان خیابانی، دختران فراری، معتادین متجاهر و.... چهره این شهر را با زشتی و پلشتی همراه کرده است.

شیوه‌های دریافت عوارض از مردم، مالیات‌های مضاعف، آسمان فروشی، کوه فروشی و... جهت ایجاد خیابان‌های دو طبقه، شیوه‌های غیر متمدنانه و حتی غیر انسانی و غیر اخلاقی می‌باشد، تمام این اتفاقات تنها از طریق لابی‌های سیاسی در فراکسیون‌های مختلف شورای شهر یا هم سو با شهردار و یا در خلاف جهت شهردار شکل می‌گیرد و در سال‌های اخیر جهت پذیرش مقبول این شیوه، شورا یاران محلات را به مدد طلبیده‌اند، شورا یارانی که تنها ژست دمکراتیک شهرداری و شورای شهر می‌باشند و جز در جهت عکس انداختن از این روند دمکراتیک توسط مسئولین و مدیران شهری قابل استفاده نمی‌باشند.

^۱ سید احمد نبوی

در شهر تورنتو کانادا شورایاران محلات در جلسات منظم و قانونی شورای شهر حضور می‌یابند و نظرات کارشناسی برگرفته از بدنه مردم در محلات را به شورای شهر منتقل می‌گردانند و اثرات آن را در قوانین شهری به سرعت در اختیار می‌گیرند و حتی برخی شورایاران قوانین محلی برای محلات خود را از طریق شورای شهر بدست آورده و محله خود را براساس قوانین بالادستی مدیریت می‌نمایند.

اما این نوشتار درصدد آن است تا راه حل جدیدتری را که در برخی از کلان شهرهای دنیا در حال اجرا می‌باشد، برای ابرشهر تهران معرفی و عملیاتی نماید که یکی از آنها "فراندم شهری" می باشد؛ لذا جهت تبیین و تعریف اصطلاح "فراندوم" به یک نمونه عینی که آثار مثبت فراندوم را در پی دارد می‌توان توجه نمود:

در استکهلم قانونی مبنی بر پرداخت عوارض خیابان وضع گردید که طی شش ماه پس از وضع این قانون، اینک همه آمار و ارقامی که در ذیل بدان اشاره شده است از نتایج مثبت این اقدام در حل گره ترافیک پایتخت سوئد و بهبود وضعیت محیط زیست این شهر حکایت دارد.

"۲۳٪ کاهش ترافیک، ۱۳٪ دود و دم کمتر و ۱۴٪ کاهش در ترکیبات هیدر و کربوری هوا از جمله ترکیب سرطان زائی چون بنزن"

در شروع اجرای آزمایشی شش ماهه این طرح، تعداد مخالفان ۶۰٪ و موافقان ۴۰٪ بود. خودرو سازان این عوارض را اجباری و ظالمانه می‌دانستند و کسبه مرکزیت شهر این امر را دلیل کم شدن درآمد خودتلقی نموده و مخالفان شورای شهر راه‌های فرار از دروین‌های عوارض خیابان را به مردم نشان می‌دادند ولی در پایان طرح آزمایشی شش ماهه عوارض خیابان با مشاهده اثرات مثبت زیست محیطی و رفع ترافیک سنگین شهری موافقان به ۶۵٪ و مخالفان به ۳۵٪ تغییر پیدا کردند و شورای شهر استکهلم در پایان سال ۲۰۰۶ این طرح را به فراندوم عمومی مردم استکهلم ارجاع داد و این طرح بعدها در چندین شهر اروپائی دیگر نیز به اجرا در آمد.

صرف‌نظر از اینکه این طرح در تهران جواب می‌دهد یا خیر؟ نفس عمل رفراندوم شهری و مراجعه به آرای عمومی مردم کلانشهر تهران برای حل معضلات بزرگ شهری از پیشنهادات دوستان متخصص "حزب همدلی مردم تهران (همت)" در سند چشم‌انداز کلانشهر تهران و برنامه عملیاتی آن می‌باشد.

ما امیدواریم در صورت پیروزی در شورای شهر تهران، قوانین مربوط به رفراندوم شهری را بررسی و با جدیت تمام در جهت تصویب آن کوشا باشیم و بتوانیم شهر تهران بزرگ را با نظرات خود مردم مدیریت نمائیم.

گفتمان چهارم: حقوق شهروندی^۱

مقدمه

یکی از مباحث مهم امروزی جهان حقوق بشر می باشد، هرچند طرح مباحث حقوق شهروندی در راستای حقوق بشر به شکل امروزی آن سابقه چندانی ندارد، اما حقوق بشر در جهان امروز برای مردم و سیاستمداران و حکمرانان اهمیت ویژه ای دارد. مباحث مطرح شده در حقوق شهروندی حق عدالت خواهی عادلانه، حق حفظ در مقابل سؤاستفاده از قدرت، حق حفاظت در مقابل شکنجه، حق حفاظت شرافت و خوشنامی، حق پناهندگی، حقوق اقلیت ها، حق شرکت در حیات اجتماعی، حق آزادی فکر، حق آزادی دین، حق تجمع و اعلان، حقوق اقتصادی، حق حفظ مال، حق اشتغال به شغل مناسب، حق تشکیل خانواده، حقوق زن، حق تعلیم و تربیت، حق حفظ حیات فردی شخص، حق آزادی انتخاب محل زندگی، و سایر حقوق مادی و معنوی افراد را در بر می گیرد و در ذیل برخی از عناوین را تشریح می نمایم.

۱- حق حیات

اصلی ترین حق هر انسان که پایه حقوق دیگر محسوب می شود، حق حیات می باشد. به وضوح پیداست که حق حیات از جمله حقوق عمومی می باشد و بیشتر در برابر قدرت دولت ها مورد استناد قرار می گیرد.

۲- حق آزادی

پیرامون تعریف آزادی و ماهیت آن اختلاف بسیاری وجود دارد، اما در یک بیان اجمالی می توان گفت آزادی در تعبیر حقوقی آن عبارت از نوعی استقلال و خود سامانی در زمینه های مختلف زندگی می باشد، که از لحاظ رشد شخصیت انسان ضروری بوده و در

^۱ فردین عبدلی: مدرس دانشگاه و حقوقدان، مولف کتب حقوقی، دارای مقاله I.S.I، متخصص حکمیت و داوری

چارچوب مقررات و ممنوعیت‌های الهی و عقلایی می‌باشد.

۳- حق برابری

واژه عدل در فرهنگ اسلامی، کلمه‌ای پرمعنا می‌باشد، و می‌توان به معنای مساوات در شکل معقول را در نظر گرفت، بدین خاطر در بیانات حضرت علی(ع) به فراوانی از این کلمات استفاده شده است، و نقش آن را در نظام حقوقی و اجرایی به روشنی مشاهده می‌نمائیم.

از جمله می‌توان به مساوات در بهره‌مندی از بیت المال، مساوات در برابر قانون، مساوات در رجوع به محکمه صالح و رسیدگی عادلانه، زدودن نابرابری‌های عملی، اشاره نمود.

حقوق شهروندی

حقوق شهروندی، متشکل از حقوق و شهروند می‌باشد، و از جمله مفاهیم نو و جدیدی است که به‌طور ویژه به برابری و عدالت توجه دارد و در نظرات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای را پیدا نموده است.

مقوله شهروندی زمانی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند.

حقوق: کلیه وظایف و تکالیف افراد یک جامعه در مقابل هم و همچنین در مقابل حاکمیت و بالعکس آن را شامل می‌شود.

شهروند: متشکل از افراد یک جامعه می‌باشد، اما از آنجایی که شهروند در جامعه امروزی با جوامع بدوی متفاوت می‌باشد، و هم‌اکنون یک شهروند عضو رسمی یک شهر یا کشور می‌باشد. لذا، این دیدگاه حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یادآور می‌شود، که قانون پیش‌بینی و تدوین نموده است. به همین دلیل نیاز به تعریف شهروند پویا می‌باشد.

شهروند پویا: اشاره به زندگی روزمره فعالیت‌های فردی و کسب و کار افراد اجتماع و همچنین فعالیت‌های اجتماعی شهروند می‌نماید، و بطور کلی مجموعه‌ای از رفتار و اعمال افراد می‌باشد، و شهروند پویا یا شهروند فعال در واقع از این نگرش برخاسته است

ویژگی‌های شهروند پویا

- ۱ - مشارکت در امور جاری اجتماعی
- ۲ - آگاه به قوانین و مقررات جامعه و حقوق خود و دیگران
- ۳ - رعایت قوانین و مقررات شهری و اجتماعی
- ۴ - بالا بردن توانمندی در انتخاب روش‌ها برای حل مسائل و مشکلات اجتماعی و شهرنشینی
- ۵ - پیگیر بودن مسائل و مشکلات از مسئولان شهری و ارائه پیشنهادات و انتقادات به آنان

شهروند و حقوق شهروند

یک شهروند، عضو یک شهر یا کشور می‌باشد و از این دیدگاه، حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یادآور می‌شود، و این تکالیف و وظایف در قوانین مربوطه پیش‌بینی شده است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند به مقرراتی می‌باشد که شامل، روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و مسائل خانوادگی را در بر گرفته و می‌بایستی ساماندهی نماید.

در همین خصوص لازم است نحوه اداره امور شهری و کیفیت نظارت بر میزان رشد شهرنشینی هماهنگ باشد، لذا این موارد در قانون اساسی بطور مشخص بیان شده است.

در واقع حقوق شهروندی از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم، مملکت و نیز حقوق و امتیازاتی را که بعنوان وظایف تامین حقوق، بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا بطور کلی قوای حاکم می‌باشد تشکیل شده است و به مجموعه این قوانین و مسئولیت‌ها، حقوق شهروندی اطلاق می‌شود.

مبنای حقوق شهروندی در اسلام

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های حیاتی و محور مشترک ادیان الهی، کرامت انسانی می‌باشد؛ چرا که این امر، انسان را از ارتکاب به گناه و تجاوز به حقوق دیگران منع می‌نماید. انسان با فطرتی رو به کمال خلق شده است، این فطرت خدا محوری جزء اصلی هستی انسان را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر از بین دو اندیشه "خدا محوری" و "انسان محوری" در جامعه غرب "انسان محوری" بر "خدا محوری" غلبه دارد. بندگی و سوداگری بنده در هر شکل که باشد، ممنوع است"

کرامت انسانی در اسلام، پایه و اساس عملی قرار دارد و اصول حقوقی و اخلاقی بسیاری بر اساس آن تنظیم می‌گردد و اصل آزادی و عدم بردگی انسان اعلام شده است. نمونه آن ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد، که بیان می‌دارد: "هیچ کس را نمی‌توان به بندگی گرفت"

از آنجایی که انسان ذاتا خداجوست، لذا به دنبال کمال مطلق بوده و این خداجویی ناآگاه نمی‌باشد، بلکه با میل و رضایت کامل در این مسیر قدم می‌گذارد، و نباید چنین پنداشت که انسان گمشته‌ای ناآشنا دارد و در پی آن می‌باشد، بلکه خدایی را می‌طلبد که در بدو آشنایی دارد و شیفته‌اش گشته است و از طرف دیگر خداوند نیز به بنده‌اش توجه دارد و او را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد.

بر اساس نظریه فطرت، انسان دارای ادراک و گرایش‌های فطری می‌باشد، و بر این اساس انسان می‌بایستی دارای ویژگی‌های ذیل باشد.

۱- همگانی بودن، یعنی همه‌ی افراد، فارغ از دین و دولت، از آن برخوردار می‌باشد.

۲- موهبتی و غیراکتسابی می‌باشد و همه‌ی انسان‌ها از بدو تولد از آن برخوردار

می‌باشند.

بنابراین، منشاء حقوق شهروندی در اسلام فطرت می باشد، و در مقایسه با طبیعت انسان که در حقوق شهروندی غرب ملاک می باشد، از درجه بالاتری برخوردار می باشد.

حقوق شهروندی از دیدگاه حضرت علی (ع)

اگر رهبر و مردم، هر دو به وظایف خویش عمل نمایند و حقوق طرف مقابل را رعایت نمایند، حق در آن جامعه عزت می یابد و راه های دین پایدار و نشانه های عدالت برقرار و سنت پیامبر (ص) پایدار می گردد. در این صورت مردم بر تداوم حکومت امیدوار می شوند و دشمن از آرزوی تسلط بر چنین ملتی مایوس خواهد شد.

همین سخن دیگری از حضرت علی (ع) در خطبه ای با شرح خلقت آدم (ع) می فرماید:

پس، از فرشتگان خواست تا آنچه در عهده دارند ادا نمایند و عهده ای را که پذیرفته اند وفا نمایند. سجده او را از بن دندان بپذیرند، خود را خوار و او را بزرگ گیرند؛ و فرمود: "آدم را سجده کنید ای فرشتگان! فرشتگان به سجده افتادند جز شیطان" که تعصب او را فرا گرفت و بدبختی بر او چیره گشت، و به اینکه از آتش خلق شده مغرور شد و برای اینکه از پاره ای گل خشکیده آفریده شده بود خوار شمرد".

منشاء این کرامت، همان دمیدن روح خدایی در آدم می باشد، که حضرت علی (ع) در خطبه بدان اشاره نموده است.

در حکمرانی نیز حضرت علی (ع) به اصل کرامت انسانی توجه داشته و کارگزاران خود را به رعایت آن تذکر می نمود. بطور مثال در فرمان حکومتی خویش به مالک اشتر می فرماید: "و مهربانی بر رعیت و دوستی ورزیدن با آنان و مهربانی کردن با همگان را برای دل خود پوششی گردان، و مباش همچون جانوری شکاری که خوردنشان را غنیمت

^۱ "و استادی الله سبحانه الملائكة و دیعته لدیهم و وصیته الیهم فی الاذعان بالسجود له و الخشوع لتكرمه . فقال سبحانه : اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابليس " اعترته الحمیه و غلبت علیه اشقوه و تعزز بخلقه النار و استهون خلق الصلصال .

شماری! چه رعیت دو دسته اند: دسته ای برادر دینی و دسته دیگر در آفرینش با تو همانند. گناهی از ایشان سر میزند، یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته خطایی بر دستشان می‌رو، به خطاشان منگر، و از گناهان در گذر"

حقوق شهروندی از دیدگاه رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران

شهروند را می‌توان بعنوان نمونه‌ای از نقش مردم در نظام سیاسی دانست، در نگاه کلان به مکتب سیاسی امام خمینی (ره) هر چند اصالت اسلامی و محوریت حاکمیت الهی و به تبع آن ولایت معصومین (ع) در دوره غیبت ولایت فقیه صاحب شرایط در کانون گفتمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی قرار دارد، اما برخلاف نظریه دوران کلاسیک اسلامی، حتی نظریه‌ی که بر ولایت عامه و مطلق فقها تاکید شده است، مردم دارای نقش اساسی در این مکتب می‌باشد

در اینجا برخی از مفاهیم و مصادیق مرتبط به حقوق شهروندی از جمله موارد مربوط به جوانان، فقرا، مستمندان، منع تبعیض در جامعه، حقوق زنان و حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان و ... بیان شده است.

حقوق شهروندی در بخشنامه قوه قضائیه

حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی، کلیه قضات محترم، ضابطین، بازجویان و ناظران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های سراسر کشور را به نکات ذیل جلب نموده است.

۱- کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور تامین و بازداشت موقت می‌بایستی مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضائی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلايق شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب نمایند.

۲- محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشرت، مشارکت یا معاونت در جرم باشد، و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رای مستند و مستدل به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده باشد، اصل بر برائت متهم بوده و

هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

شهروندی در ایران

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شهروندی بیشتر برای شهر و شهرنشینی استفاده می گردید، و شهروندی رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و بیشتر در قالب شهرداری نمود پیدا می کرد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهر مورد توجه قرار می داد.

اما استفاده از واژه شهروند و شهروندی یا حقوق شهروندی بعد از انقلاب اسلامی و در سال های اخیر در میان حقوقدانان و مجامع قانونی و حقوقی دیده شد. بطوری که در سال ۱۳۸۳ با عنوان "احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی" به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و بنام "بخشنامه حقوق شهروندی" در قوه قضائیه، در دستور کار قرار گرفت و هم اکنون نیز با توجه به ابلاغ قانون حقوق شهروندی قوه مجریه در سال ۱۳۹۵ به صورت جامع منتشر و در اختیار مردم قرار داده شده است.

حقوق و تکالیف شهروندی به اشکال ذیل متصور می باشد.

الف- مسئولیت های فردی

۱- یکی از وظایف فردی، رای دادن و مشارکت در انتخابات می باشد، و کسانی که به هر دلیلی در انتخابات شرکت نمی نمایند در واقع از امتیاز خود برای تاثیر گذاری در مدیریت شهری و کشوری، بهره مند نمی شود.

۲- خدمت در نیروی مسلح، در زمان جنگ هر مرد که توان بدنی دارد، برای دفاع از سرزمین و حاکمیت فرا خوانده می شوند و در زمان صلح، در صورت اجباری بودن سربازی و یا داوطلبانه در نیروهای مسلح حاضر می شوند.

۳- احترام به قانون و حقوق دیگران، هر شهروند می بایستی از قوانین شهری یا کشوری پیروی و به حقوق دیگران احترام بگذارد.

۴- پرداخت مالیات و عوارض شهری یا هرگونه عواض قانونی که بنابر ضرورت

اجتماعی و قانونی مصوب می‌شود، هر شهروند موظف می‌باشد به نسبت فعالیت‌های اقتصادی و یا اجتماعی و همچنین در خصوص عوارض شهری از جمله عوارض شهرداری، طبق قوانین مربوطه پرداخت نماید.

ب- مسئولیت‌های دولت

۱- حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت شهروندان، توسط نیروهای پلیس، آتش‌نشانی، امداد در حوادث و بلایای پیش‌بینی نشده، دادگاه و سامانه قضائی و نیروهای مسلح

۲- تامین بهداشت و سلامتی از جمله آب و مواد غذایی سالم

۳- تامین آموزش رایگان طبق قانون اساسی در مدارس

۴- ایجاد راه و جاده‌های مورد نیاز در سطح کشور، راه آهن و تعمیر و نگهداری

۵- حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی، جنگل‌ها و محیط زیست

۶- حفاظت از وجوه پس‌اندازهای مردم، با ایجاد سازو کار مناسب بازرسی و ضمانت از حساب‌های بانکی

۷- کمک‌رسانی و تامین بودجه مناسب در حوادث غیرمترقبه، از جمله سیل، زلزله، خشکسالی و...

تعریف انواع حقوق شهروندی

الف- حقوق مدنی؛ شامل حق آزادی، مصونیت از تعرض، آزادی بیان، مذهب، برابری در برابر قانون، ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس و یا نژاد

ب- حقوق سیاسی؛ حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرایند آزاد حکومت ضروری می‌باشد و شامل موارد ذیل می‌باشد. حق رای و امکان تصدی مسئولیت در سطح حکومت، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن، آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت‌های سیاسی و

ج- حقوق اقتصادی - اجتماعی؛ شامل حق مالکیت، حق کارکردن، برابری در

فرصت‌های شغلی، حق بهره‌مندی از خدمات اجتماعی بهداشتی، منع بهره‌کشی، آزادی رفت‌وآمد در داخل کشور، حق انتخاب مسکن، بهره‌مندی از تامین اجتماعی و استاندارد زندگی مناسب در شان کرامت انسانی و حمایت از شخص در مواقع بیکاری، پیری و از کارافتادگی و ...

د- حقوق فرهنگی؛ حفاظت از فرهنگ و زبان رسمی، اقوام، اقلیت‌ها، حق دستیابی به فرهنگ و زبان اکثریت، حق داشتن سنت‌ها و آئین اقوام و شیوه‌های زندگی متفاوت، حق داشتن ارتباطات فرهنگی و بین‌المللی، آزادی مطبوعات وفق قانون اساسی، احترام به تفاوت‌های قومی و فرهنگی و برابری در آموزش از مهم‌ترین حقوق فرهنگی می‌باشد.

ه- حقوق قضائی؛ بهره‌مندی از اصل برائت، حق دفاع، دادرسی عادلانه، حق اعتراض به تصمیمات قضائی، رسیدگی علنی و بدون تبعیض، حق دسترسی به ادله قضائی، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، حق مطالبه جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضائی، حق داشتن وکیل از مهم‌ترین حقوق قضائی شهروندی محسوب می‌شود.

جمع‌بندی و پیشنهادات

با توجه به بیان مختصر در خصوص حقوق شهروندی، مشخص می‌شود که حقوق شهروندی باید اجرای حق و حقوق باشد و نه شناسایی آن، و برای اجرای این حق، لازم است تا در خصوص آن گفتگو و طرح‌مسئله شود و در اجرای آن از نهادهای مدنی و جامعه‌شناسان و علمای علم حقوق و با منشأ فقه‌اسلامی استفاده گردد و در مقام اجرای آن موانع مشخص و با همت ملی آحاد مردم و با تغییر نگرش مسئولین نظام به موضوع حقوق شهروندی، اقدام اساسی در این زمینه انجام گیرد.

همانطوری که در قانون اساسی یکی از وظایف رئیس جمهوری در نظام جمهوری اسلامی ایران، اجرای قوانین می‌باشد، به همین دلیل مردم نیز در مقام مطالبه اجرای حقوق شهروندی می‌باشند و رئیس جمهور نیز باید در مقام اجرای آن گام بردارد، اما در سال جاری (۱۳۹۵) با رونمایی از منشور حقوق شهروندی، جای مردم با رئیس جمهوری در مطالبه

اجرای حقوق شهروندی عوض شده است.

در حال حاضر و با توجه به انتخابات ایالات متحده آمریکا، اگر جنبش مدنی رو در روی رئیس جمهور خود، ایستاده و می گوید شما حق ندارید، مهاجران را از این کشور برانید، بر همان حقوقی تاکید می نماید که بیانیه استقلال و قانون اساسی آمریکا گفته شده است.

در حقوق شهروندی ایران بیان شده است که حاکمیت بایستی امنیت همه جانبه مردم را از جمله، امنیت حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تامین نمایند و یا در خصوص ازدواج و تشکیل خانواده، مسکن، شغل و سایر نیازهای مردم را فراهم کند.

یکی از معضلات جامعه امروزی ایران اسلامی، انتخاب شغل مناسب می باشد، بسیاری از تحصیل کرده ها در گرایش های مختلف پزشکی، مهندسی، علوم انسانی و بعد از فارغ التحصیلی، امکان انتخاب شغل مناسب را ندارند. همانطوری که مقام معظم رهبری بارها تاکید بر بومی سازی علوم انسانی نموده اند، آیا در این زمینه اقدامی صورت گرفته است ؟

در همین راستا و برای اجرای حقوق شهروندی، شهرداری کلانشهرهایی مثل تهران، وفق ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۳۴ با اصلاحات بعدی، وظایفی به شرح ذیل دارا می باشند

بند ۵- جلوگیری از گدائی و واداشتن گدایان به کار و توسعه آموزش عمومی و غیره
بند ۶- اجرای تبصره یک ماده ۸ قانون تعلیمات اجباری و تاسیس مؤسسات فرهنگی و بهداشتی و تعاونی مانند بنگاه حمایت از مادران، نوانخانه، پرورشگاه، درمانگاه، بیمارستان، شیرخوارگاه، بیمارستان، کتابخانه، کلاس های مبارزه با بی سوادی، کودکان، باغ کودکان و امثال آن در حدود اعتبارات مصوب و همچنین کمک به این قبیل مؤسسات و مساعدت مالی به انجمن تربیت بدنی و غیره ...

بند ۲۳- اهتمام در مراعات شرایط بهداشت در کارخانه ها و مراقبت در پاکیزی گرمابه و نگهداری اطفال بی بضاعت و سرراهی

باتوجه به وظایف شهرداری در راستای اجرای حقوق شهروندی در قبال کودکان بی -

سرپرست، ارائه آموزش های مورد نیاز برای افراد نیازمند که در بندهای فوق‌الشاره بیان شده است، آیا شهرداری و شورای شهر تا کنون اقدامی انجام داده است یا خیر؟

آنچه مسلم می‌باشد، یکی از وظایف شهرداری و در راس آن شورای شهر برای اجرای حقوق شهروندی می‌بایستی با استفاده از ابزارهای موجود و ایجاد بستر مناسب برای فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، زمینه را برای فعالیت فراهم نماید و نباید به بهانه‌های کمبود بودجه و یا موانع قانونی احتمالی از این وظیفه مهم سر باز زده و یا به فراموشی سپرده شود، بلکه با مشورت با اساتید دانشگاهی، جامعه‌شناسان و علمای علم حقوق، بایستی با مصوبه شورای شهر و در صورت نیاز با کمک قوه مجریه یا قوه مقننه و حتی قوه قضائیه با ترویج و توسعه اجرای حقوق شهروندی به یکی از وظایف مهم و ضروری جامعه را به سرانجام برساند.

با توجه به مطالب بیان شده، برای اجرای حقوق شهروندی بایستی موانع شناسایی و در جهت رفع آن اقدام گردد، در ذیل پیشنهادات در این رابطه ارائه می‌گردد.

۱- تغییر نگرش مدیران ارشد نظام جمهوری اسلامی ایران بابت اجرای حق، نه

شناسایی آن

۲- تشکیل کمیسیون عالی متشکل از اساتید دانشگاهی، جامعه‌شناسان، علمای علم

حقوق، بر اساس فقه اسلامی و زیر نظر مقام معظم رهبری، برای نظارت بر اجرای حقوق شهروندی

۳- تشکیل نهاد اجرای حقوق شهروندی در تحت نظر کمیسیون عالی حقوق شهروندی

در قوه قضائیه، قوه مجریه و قوه مقننه کشور به صورت جداگانه و مجزا

۴- تهیه برنامه‌های ترویج و معرفی حقوق شهروندی و ارائه از طریق صدا و سیما

۶- تهیه قوانین مورد نیاز حقوق شهروندی با توجه به نیاز امروزی جامعه و یا در صورت

نیاز، اصلاح قوانین موجود در راستای حقوق شهروندی

۷- احیای نهاد حکمیت و داوری، در راستای کاهش حجم پرونده های محاکم

دادگستری

- ۸- تقویت نهادهای مدنی و سمن‌های مردمی
- ۹- تدریس حقوق شهروندی در مدارس و دانشگاه‌ها
- ۱۰- تقویت علوم انسانی بر اساس نیاز جامعه و با توجه فقه اسلامی

قانون اساسی

قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

حقوق شهروندی، معاونت آموزش قوه قضائیه، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۸

خبرگزاری بین‌المللی قرآن، ویژگی‌های حقوق شهروندی از دیدگاه حضرت علی (ع)، بهمن ۱۳۹۲

مجله حقوق شهروندی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) دی ماه ۱۳۹۲

سایت حقوق شهروندی

قانون حقوق شهروندی، نهاد ریاست جمهوری، چاپ اول، ۱۳۹۵

حقوق شهروندی، حمزه پور، علی، انتشارات شریف، چاپ اول، ۱۳۹۴

فصل دوازدهم: مقالاتی در حوزه مدیریت شهری

از همراهان و متخصصین حزب همت درخواست شد تا از مقالات، راهکارها و پیشنهادات حوزه مدیریت شهری مطالبی درخور برنامه‌های راهبردی سند چشم انداز کلانشهر تهران تهیه کنند

فصل پیش رو همکاری مدیران متخصص حزب همت در بخش‌های مختلف مدیریت شهری می‌باشد



اهداف سیستم مدیریت شهری

- ارتقاء شرایط کار و زندگی همه جمعیت شهر و توجه اساسی به گروه‌های کم درآمد شهری
- حفاظت از محیط فیزیکی شهر و جلوگیری از توسعه بی نظم و سرسام آور شهر
- تشویق توسعه اقتصادی اجتماعی شهر
- توسعه پایدار زیست محیطی شهر
- بررسی نیازها در سطح کلان شهری و منابع و اولویت‌های شهری به منظور برنامه‌ریزی هماهنگ
- تدوین و تهیه برنامه و تشکیلات برنامه‌ریزی هماهنگ و متمرکز در سطح منطقه
- ایجاد هماهنگی بین برنامه‌ریزی فیزیکی، کالبدی با جنبه‌های برنامه‌ریزی اقتصادی اجتماعی
- اقدام به توسعه شهری و برنامه‌ریزی توسعه شهری از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی فیزیکی
- تشویق مشارکت و همکاری مردم در امر تدوین و اجرای برنامه‌های عمرانی و توسعه شهری به طور مستقیم
- نگهداری و به هنگام سازی سیستم اطلاعاتی متمرکز و جامع
- ارائه و رفع کمبودهای فوری خدمات ضروری و روزمره شهری

- واگذاری خدمات عمومی شهری به مقیاس وسیع و همه جانبه به مدیریت شهر و تمرکززدایی خدمات
- تنظیم فعالیت‌ها خصوصی که در رفاه جامعه و امنیت جامعه شهری موثر است و هماهنگی آن با بخش دولتی



مرامنامه ی حزب همدلی مردم تهران

قال رسول الله (ص) "کلکم راع و کلکم مسوول عن رعیتة"؛ همه شما سرپرست و مسئول هستید و درباره زیر دستانتان بازخواست می شوید.

جهان بینی:

الفت، همدلی و تألیف قلوب یکی از مهمترین اهداف تربیتی و سیاسی و اجتماعی اسلام و یکی از ارزشمندترین دستاوردهای اسلام در جامعه آشفته و پراکنده جاهلی صدر اسلام و عصر نبی مکرم اسلام بود و همچنان یکی از آموزه های مورد تأکید اسلام به شمار می رود. مردم مسلمان باید بخواهند تا با قرار دادن حبل الله به عنوان محور وحدت و اتحاد، به همدلی و همزبانی برسند و از زبان مشترک برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرده و از هرگونه اختلاف رهایی یابند. البته تحقق این هدف زمانی خواهد بود که هر کسی با مسئولیت و نقش اجتماعی خود آشنا بوده و به آن پایبند باشد.

مبانی فکری و عقیدتی:

حزب همدلی مردم تهران رسالت اساسی و اصولی خویش را انجام وظیفه و ادای تکلیف شرعی در تمام برهه های زمانی و مکانی و رسیدن به خشنودی خداوند می داند و در این راستا، تمام تلاشش را بر دوری از هرگونه ناخالصی و شرک های آشکار و پنهان خواهد نمود. دین اسلام و شریعت اثنی عشری مبنای اعتقادی اعضای حزب می باشد و در ترویج این افکار تمامی مساعی خود را بکار خواهد بست.

اهداف:

این حزب، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را سندی در تعیین هویت ملی قلمداد نموده و تاکید موکدی بر اجرای تمام اصول و محتوای آن دارد. قانون اساسی بر محور اندیشه ولایت مطلقه فقیه، حاکمیت ملت و تحکیم و استقلال قوا پایدار شده و در چارچوب مبانی مردم سالاری دینی و انتخابات آزاد، نمود عینی پیدا می کند. همچنین ورای ایجاد تغییرات بنیادین در راستای اعتماد سازی بین مردم و حاکمیت دست به مطالعات عمیق مبنایی خواهد زد تا بزرگترین هدف خود که رضای خداوند می باشد را از طریق ایجاد اعتماد میان مردم برای دفاع از نظام مقدس جمهوری اسلامی به منصه ظهور برساند.

راهبردهای کلان، سیاست ها و برنامه ها:

امروز با توجه به تمام تلاش ها و مجاهدت های رزمندگان راه خدا و مدافعان ارزش های میهن، که انقلاب اسلامی در آن تحقق یافته و نظام جمهوری اسلامی مستقر گردیده است؛ ضرورت نیاز به سازماندهی هر چه بیشتر نیروها و اقشار ملت روز به روز افزون تر میشود تا در پرتو آن بتوان به پیشرفت و توسعه میهن، دفاع از ارزش های انقلابی و اسلامی، جلوگیری

از ایجاد هرگونه ظلم و استبداد، ساختن جامعه‌ای برخوردار از معنویت، برادری، هم‌بانی و زدودن مظاهر فقر و درماندگی از چهره میهن و ملت نائل آمد.

در این راستا حزب می‌کوشد در جهت تامین نیازهای اساسی مردم و با التزام به حق سرنوشت‌سازی آنها، ضمن پاسداشت ارزش‌ها و آرمان‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران- امام خمینی (ره)- و خون‌شهبان عالی‌قدر و پیروی از ولی فقیه زمان "حضرت ایت الله العظمی خامنه‌ای مد ظله العالی" رهبر معظم انقلاب، حامی تحکیم پایه‌های عقیدتی و بنیادین جمهوری اسلامی با سیاست‌ها و برنامه‌های زیر باشد:

(۱) التزام حزب جهت فعالیت در چهار چوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

(۲) دفاع کامل از اسلامیت و جمهوریت نظام

(۳) تلاش در جهت ایجاد و ارتقاء امنیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه

(۴) تحریض و تشویق مردم بر مشارکت سیاسی از طریق تقویت نهادهای مدنی و احزاب

(۵) دفاع از حقوق اساسی و مدنی تمام شهروندان ایرانی از هر زبان، قوم و مذهب و تلاش برای ایجاد همدلی میان اقوام مختلف با محوریت رهبری و احترام متقابل با هدف اتحاد ملی و منافع ملی

(۶) تلاش در ایجاد تعامل میان احزاب بین‌المللی از طریق تقویت سازمان‌ها و نهاد‌های بین‌الملل اسلامی و توسعه روابط حسنه و دوستی در سیاست خارجه بر اساس منافع ملی

۷) تلاش برای ایجاد زمینه های مشارکت و فراهم نمودن بستری برای حضور فعال جوانان در تمامی زمینه های اجتماعی- اقتصادی- سیاسی و علمی کشور از طریق ایجاد ساز و کارهای شایسته سالاری متناسب با استعدادها و توانایی ها

۸) اعتقاد بر توسعه و تحکیم آزادی های مشروع و دفاع از آزادی احزاب، حقوق شهروندی، اجتماعات، قلم و بیان، و ایجاد سازمان های مردم نهاد(سمن ها) در راستای افزایش مشارکت اجتماعی و علمی اقشار مختلف جامعه خصوصا جوانان.

۹) تقویت و اشاعه فرهنگ بردباری سیاسی و برقراری روابط با دیگر احزاب و گروه ها بر اساس پایبندی به اصول احترام و حفظ حقوق متقابل

۱۰) حمایت از حضور فعال زنان در صحنه های اجتماعی- سیاسی و اقتصادی با اعطای مسئولیت های اداری و حزبی به آن ها بر مبنای شایسته سالاری

۱۱) تلاش برای برنامه ریزی در گسترش فعالیت بخش های خصوصی و تعاونی در عرصه های اقتصادی و در نهایت کاهش بیکاری و افزایش تولید ملی

۱۲) تلاش در جهت برقراری صلح و دوستی میان انسان و طبیعت با شعار تلاش برای زندگی سبز و ایجاد محیط زیست سالم

۱۳) تلاش در جهت کادر سازی در تمام حوزه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی، و آموزش افراد در نحوه مدیریت این حوزه ها

۱۴) ایجاد اشتیاق و انگیزه بین مردم خصوصا جوانان در انجام فعالیت های سیاسی خودجوش با رویکرد انقلابی انتخاباتی و دستیابی به کادری مجرب در سیاست کشور

رویکردهای کلی:

فرهنگی:

- ۱- دوری از فرهنگ دروغ، تهمت و افترا که متأسفانه در جامعه گسترده شده است و ایجاد بستری مناسب جهت ارائه پیشنهاد در مقابل نقد که اگر این اتفاق در جامعه فرهنگی کشور گسترش یابد کمتر شاهد بداخلاقی‌های متداول بین مسئولین و مردم خواهیم بود.

اقتصادی:

- ۱- دفاع از اقتصاد مقاومتی بر مبنای نگاه مقام معظم رهبری (دام برکاته)
- ۲- تلاش برای برنامه ریزی در گسترش فعالیت بخش‌های خصوصی و تعاونی در عرصه‌های اقتصادی و در نهایت کاهش بیکاری و افزایش تولید ملی

اجتماعی:

- ۱- حمایت از زنان و جوانان بعنوان دو عنصر اصلی حرکت رو به جلوی جامعه می‌باشد که می‌تواند توسعه اجتماعی را با نگاه امنیت اجتماعی مردم توسعه و تحکیم بخشد.
- ۲- تلاش در جهت کادرسازی در تمام حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی و آموزش افراد در نحوه مدیریت این حوزه‌ها

سیاسی:

۱- اعتقاد بر توسعه و تحکیم آزادی‌های مشروع و دفاع از آزادی احزاب، گروه‌ها و تشکلهای مردم‌نهاد برای ایجاد نهادهای سیاسی مبتنی بر آراء مردم

۲- دفاع از حقوق اساسی و مدنی تمام شهروندان ایرانی از هر زبان، قوم و مذهب و تلاش برای ایجاد همدلی میان اقوام مختلف با محوریت رهبری و احترام متقابل با هدف اتحاد ملی و منافع ملی

اجرائی و حقوقی:

۱- دفاع از اساسنامه حزب جهت ایجاد تشکیلاتی منسجم در راستای توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس روندی اجرائی و دقیق

۲- تقویت و اشاعه فرهنگ بردباری سیاسی و برقراری روابط با دیگر احزاب و گروه‌ها بر اساس پابندی به اصول احترام و حفظ حقوق متقابل

حزب همدلی مردم تهران التزام خود را به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصل ولایت مطلقه فقیه اعلام میدارد.

"والحمد لله علی ما هدانا"



چگونه کار کرد شوراهای شهر و

شهرداری ها را ارتقا دهیم؟

با گذشت حدود هیجده سال از تجربه شوراهای شهر به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای مدنی که بنا به قاعده باید بیش از دستگاه های دولتی نقش اساسی و مستقیمی را در زندگی شهروندان یک شهر ایفا بنماید، متأسفانه هنوز در انتخاب افراد دارای صلاحیت مدیریت و توسعه شهری به بیراهه می روییم و علی رغم شرکت مردم در انتخابات، به طور معمول، کسانی به نمایندگی شوراها می رسند و یا در جایگاه شهردار قرار می گیرند که بیش از هر چیز تابع قاعده بازی سیاسی در جامعه باشند تا درک توسعه و آبادانی شهرشان. این نکته از ظاهر شهرهای ایران و کندی روند پروژه های توسعه ای و ضعف خدمات شهری در آنها به خوبی نمایان است و عدم کفایت ها را نمایان می سازد.

کشور ما در یک ماهه اخیر با مسائل و حوادثی اعم از آتش سوزی، طوفان های خاک و سیل و ... مواجه شده است که گرچه در سطح یک شهر و یا منطقه بوده اند ولی به بحرانی در سطح ملی بدل شده اند در حالی که با یک دید راهبردی و با یک برنامه ریزی پیشین چنین مسائلی در سطح محلی نیز قابل حل بودند.

البته جای بسی امید است که بالاخره ضرورت های تغییر و تحول احساس شد اما باز هم برداشت های اشتباهی وجود دارند که ممکن است در جای دیگری مسائل شهری ما را

حادثر نمایند. از جمله این تصور که صرف تخصص گرایی می تواند مشکل را حل کند. ضمن رد این ایده، در ذیل لازم است چند نکته در مدیریت شهری یادآوری شود:

۱- آنچه مسلم است برنامه های توسعه شهری در پیوند با برنامه و یا راهبرد توسعه کلان کشور هستند. به عبارتی، اگر دولتی توسعه گرا بود خود به خود روند توسعه در سراسر شهرها و روستاها پیش خواهد رفت.

۲- یک نماینده شورای شهر و یا یک شهردار الزامی به تخصص مرتبط شهری ندارد بلکه آنچه مهم است احساس تعهد اخلاقی به حل مشکلات شهروندان و دیگری، قابلیت به کارگیری ظرفیت ها و استعداد های موجود در شهر و خلاقیت در ارتقای توانمندی های شهر یا روستای مورد نظر است.

۳- توسعه شهر وابستگی کامل به "اجرای موفق یک الگوی موفق تجربه شده بین المللی" دارد. پس مدیریت شهری بدون روابط بین المللی رویکردی درون گرا و محافظه کار تلقی می گردد.

هر شهر باید با شهرهای جهان تعامل داشته باشد که بتواند الگوهای موفق را پیاده نماید و هم زمینه ای را برای ورود گردشگران و مبادلات تجاری و سرمایه گذاری فراهم آورد.

۴- احزاب و جریان های سیاسی نیروهای مورد نظر در انتخابات شوراها یا "شهرداری ها" را حسب نیاز شهروندان و اهمیت پاسخگویی به خواسته های آنان معرفی کنند نه مصالح صرف سیاسی.

۵- بهتر این بود که انتخابات شهر به دو بخش تقسیم می شد: انتخابات شوراهای شهر و روستا و انتخابات شهرداری ها. این بخصوص منجر به احساس مسئولیت شهردار در قبال مردم خواهد شد.

ایران اولین تمدن جهان است و لذا سزاوار نیست که در نوسازی و زیباسازی چهره شهرهایش گامی عقب بماند. همانطور که اشاره شد، توسعه شهری متأثر از توسعه کشوری است ولی مدیریت در هر دو سطح باید توسعه گرا باشند. به یاد بیاوریم که مالزی کشور

کوچک و ضعیفی بود ولی سالها پیش "ماهاتیر محمد" که یک پزشک بود تحول بزرگی را در توسعه مالزی ایجاد کرد در حالی که هیچ ارتباط تخصصی با موضوعات مدیریت کشوری یا شهری نداشت. وی تنها نیروهای کارآمد و متعهد کشور را شناسایی و به کار گرفت و این روش در ظرف چند سال منجر به تغییر اساسی در مالزی گردید. این الگوها و نمونه‌های مشابه در جهان بسیارند و می‌توان گفت که به طور اصولی راه توسعه‌یافتگی نیز همین است.

جان کلام آنچه بود که گفته شد با این ملاحظه که انجام این اقدامات و روحیه چنین مدیریتی شوق به کار برای میهن را می‌طلبد و عشق به مردمی که خدمت به آنها بزرگترین سرمایه و توشه زندگی ما خواهد بود.

شهروند مؤثر کیست؟



۱. از حوادث و مشکلات جاری جامعه آگاهی داشته باشد.
 ۲. در مسائل، مشکلات و امور جامعه ملی و محلی مشارکت فعال داشته باشد.
 ۳. در قبال وظایف و نقش های تفویض شده مسوولیت پذیر باشد.
 ۴. نگران و دل مشغول رفاه و آسایش دیگران باشد.
 ۵. رفتار و عملکرد وی مبتنی بر اصول اخلاقی باشد.
 ۶. نسبت به قدرت افرادی که دارای موقعیت مدیریتی و نظارتی هستند پذیرش داشته باشند.
 ۷. توانایی بررسی و انتقاد از عقاید و ایده ها را دارا باشد.
 ۸. توانایی اتخاذ تصمیمات آگاهانه را دارا باشد.
 ۹. درباره حکومت و دولت خود آگاهی و دانش کافی داشته باشد.
 ۱۰. دارای حس وطن پرستی باشد.
 ۱۱. نسبت به مسئولیت های خاص پذیرش و مسئولیت داشته باشد.
 ۱۲. از جامعه جهانی و مسائل و روندهای آن آگاهی داشته باشد.
 ۱۳. به وجود تکثر و تنوع در جامعه احترام قائل باشد.
- به هر روی زندگی شهری یک زندگی جمعی است و برای موفقیت در این نوع زندگی بایستی فردگرایی و منفعت طلبی تا حدودی مهار شده و اخلاق جمعی رواج یابد شهروند کسی است که هم خویش و منافع خویش را بنگرد و هم منافع دیگران را در نظر آورد و در سایه همکاری و همراهی با دیگران و پذیرش مسئولیت ها شرایط بهتری را برای خویش و دیگران فراهم سازد .

تفاوت "تفکر توسعه یافته" و "تفکر عقب مانده"!

عدم توجه به بحران کم آبی نشان دهنده ی آن است که ما تفکر غقب مانده داریم!!
تفکر عقب مانده یا توسعه نیافته تا مسئله ای به آستانه بحران نرسد به آن واکنش نمی دهد و همیشه مسائل خود را با سخت ترین و گران ترین قیمت حل می کند، مثل رسیدگی به دندان ها پس از پوسیدگی و درد طاقت فرسا آن!!

مثل توجه به کمبود آب پس از خشک شدن دریاچه ها، رودخانه ها، چشمه ها و...
کشورها به "توسعه یافته" و "عقب مانده" تقسیم می شوند. در این تقسیم بندی، شناخت شاخص ها (توسعه یافته و توسعه نیافته) در طول زمان بازتعریف می شوند، ابتدا تعیین شاخص به تعداد کارخانه ها و بعد درآمد ناخالص ملی و... بود.

اما امروزه، شاخص اصلی توسعه یافتگی، بهبود کیفیت زندگی عموم مردم است.

- کیفیت سلامتی مردم یک جامعه و امید به زندگی آنها.
- کیفیت نظام آموزشی و میزان شکوفا سازی استعدادها و توانمندی فردی، اجتماعی.
- میزان سلامت و کارایی سازمان ها و نهادهای حاکمیتی به گونه ای که شهروندان بتوانند در جامعه خود احساس عزت، امنیت و شکوفایی نمایند.

بنابراین مهم ترین خصیصه در "تفکر توسعه ای" اهمیت انسان است و این شاخص ها، مدل های برنامه ریزی و هدف گذاری را تعیین می کنند و به همین علت تکلیف تمام

^۱ سعید رووفی، فعال سیاسی

نهادهای تصمیم گیر و آینده ساز مشخص است چون محور ارزیابی، فقط گزارش های متنوع عددی نیست، بلکه حال و روز مردم است.

بنابراین پژوهش و تحقیق مهم ترین ابزار خواهد بود تا بتواند قبل از بوجود آمدن آسیب ها، روش مدیریت و کنترل آن را کشف و با حداقل هزینه جهت پیشگیری آن اقدام کنند.

و اما در جامعه توسعه نیافته:

- موضوعاتی در کانون توجه قرار می گیرند که به بحران تبدیل شوند (خانواده ها تنها در مرز فروپاشی با مشاور تماس می گیرند، بعد از افزایش شدید فقر و بیکاری به فکر کنترل رشد جمعیت می افتند، بعد از چندین قطعنامه تحریمی مذاکرات را آغاز می کنند و...)
- جامعه از بحرانی وارد بحران دیگر می شود و به رویاها و آرزوهای خود کمتر فکر می کند.
- جامعه به علت ترس از گرفتار نشدن به بحران بعدی، مدام با هیجان و استرس به سر می برد.
- افراد جامعه مدام احساس عقب ماندگی دارند و مرتب دچار "هیجان جبران" هستند چون فکر میکنند هر لحظه احتمال دارد مقابل اتفاقات احتمالی تمام دستاوردهای خود را یا از دست بدهند و یا دستاوردهایشان ارزش خود را از دست بدهد. به همین دلیل فرزندان شان را دچار پیش فعالی آموزشی می کنند و می خواهند فرزندان شان از هر انگشتش هزار هنر بریزد تا هر هنری اگر به فردای او کمک نکرد هنر دیگر به مدد او بیاید!
- درکی از لذت های معنایی ندارند و در به در بدنبال لذت های سریع و کوتاه مدت هستند چون آینده ساز نیست. بنابراین شاید به انواع اعتیادها روی آورند و یا به تباهی اخلاقی کشیده شوند.

در جامعه توسعه نیافته افراد حوصله کمی برای عمیق نگری و دقیق شدن در موضوعات دارند؛ چون مدام دنبال روش های سریع و جادوگرانه برای حل مسائل می گردند. اما چاره چیست؟

- اول باید قبول کنیم که ما دچار تفکر توسعه نیافته هستیم و ذهنمان در روند رشد تاریخی جهان جا مانده است.
 - همت و اجماع ملی برای رسیدن به توسعه الزامی است ؟
 - برای آینده بهتر فرزندانمان، به شکوفایی آنها از طریق فراهم کردن ارتباطات اجتماعی و رشد عقلانیت تمرکز کنیم و از تمام روش های استعداد شناسی نه برای رقابت، بلکه برای کشف مسیر بهتر و اختصاصی وی بهره ببریم.
- در پایان ایران ما سال هاست که در مسیر توسعه یافتگی قرار گرفته است. هر چند این فاصله کم و یا زیاد می گردد اما تمام شاخص های در مسیر توسعه یافتگی نمودار های خود را مثبت نشان می دهد. به نظر می رسد برای رسیدن به نقطه مطلوب به جز نهادهای حاکمیتی، دولت، مجلس و ... مردم نیز مسئولیت خطیر در این مسیر دارند.



بررسی معضلات محیط زیستی

منابع آب تهران^۱

با وجود تاثیر غیر قابل انکار آب در زندگی انسانها، شهر تهران هنوز فاقد یک سیستم فعال فاضلاب است. حتی امروز در حدود ۵۰ درصد از فاضلاب تولید شده در این شهر بزرگ به درون زمین نفوذ کرده و مستقیماً آبخوان تهران را مجدداً بار گذاری می کند. اثرات مستقیم تخلیه فاضلاب از طریق چاه های فاضلاب بر آب های زیرزمینی بسیار جدی است، هم در سطح ایستایی و هم در کیفیت آب و لذا با الزامات و استانداردهای بین المللی برای حفاظت از منابع آب های طبیعی منافات کامل دارد. آنالیزهای انجام شده در مورد آلودگی های شیمیایی و باکتری های آب زیرزمینی در بیش از ۴۰ درصد از چاه های احداث شده منطقه نشان می دهد که وجود اشرشیاکلاهی و میزان بالای نترات در این آب ها محرز است. هم چنین نگرانی در مورد آلودگی آب زیرزمینی به تمام انواع آلوده کننده های شیمیایی مقاوم و پدیدار شدن "تدریجی" آلوده کننده هایی نظیر اگزنویوتیکها که هنوز مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته اند و برای بهداشت عمومی ممکن است خطر ساز باشند وجود دارد. نتایج بدست آمده از آزمایش چاه های آب عموماً سطح بالایی از آلودگی نترات را نشان می دهد. غلظت نترات در بخش وسیعی از آب های زیرزمینی تهران از میزان ۵۰ میلی گرم در لیتر دستورالعمل سازمان بهداشت جهانی که مورد قبول جامعه جهانیست گذشته و روند رو به تزایدی را نشان می دهد. داده های موجود از کیفیت آب های زیرزمینی اثرات

^۱ الهام کارگر، کارشناس ارشد آلودگی های محیط زیست، دانشکده محیط زیست کرج

منفی شدید فاضلاب نفوذی بر کیفیت این آبها را ثابت می کند. نتایج منفی روند جاری نفوذ فاضلاب بر آبخوان تهران و نیاز مبرم به برپایی شبکه فاضلاب با بالاترین تکنولوژی به طور رسمی مورد تایید وزارت نیرو قرار گرفته است. آلودگی های شیمیایی که از اهمیت اصولی بالایی برخوردارند و از تخلیه در محل حاصل می شوند عبارتند از نیترات و کلراید. نیترات موجب نگرانی های بهداشتی است و سازمان بهداشت جهانی در دستور العملی میزان ۵۰ میلیگرم در لیتر را حد ایمنی نیترات دانسته که احتمال بیماری متاموگلوبینامین در آن کم است. نگرانی بهداشتی از کلرید کمتر است، ولی بر قابلیت پذیرش آب اثر می گذارد. هنگامی که آلودگی آب زیرزمینی مصرفی مشاهده شد، قضاوت در این مورد که آیا عکس العمل فوری ضروری است یا این عمل می تواند به تعویق بیافتد مهم است. این قضاوت به میزان آلودگی پدید آمده بستگی دارد.

- آیا کیفیت آب جاری قابل پذیرش است؟ اگر چنین است احتمالاً تا چه مدت زمانی به این شکل باقی خواهد ماند؟
- منبع اصلی آلودگی کجاست و چگونه می توان از تاثیر این معضل جلوگیری نمود؟

تخلیه فاضلاب به سیستم آب های سطحی مشکلات عدیده ای را در بهداشت عمومی ایجاد کرده است. تجزیه و تحلیل باکتری شناسی نمونه های آب نشان می دهد که در بسیاری از محلات منابع آب های محلی به لحاظ فاضلاب های خانگی و صنعتی به شدت آلوده اند. نهر فیروز آباد به ویژه تهدید عمده ای بر بهداشت عمومی بشمار میرود، صرفاً ظاهر دیداری آن به عنوان یک فاضلاب باز، گویای شرایط غیر قابل تحمل آن می باشد. آمارهای بهداشتی از بیمارستان های عمده تهران موارد بسیاری از بیماری های اسهالی و انگلی را نشان می دهند. آب آلوده در جنوب دشت تهران هنوز بدون هیچ محدودیتی برای آبیاری محصولات کشاورزی مورد استفاده قرار می گیرد.

فرونشست خاک: مناطق وسیعی از دشت تهران و ورامین از کاهش پیوسته ذخایر آبهای زیرزمینی رنج می‌برد. چنانچه مدیریت آب‌های زیرزمینی بهبودی حاصل ننماید، پیشرفت نشست موجب خسارتهایی به ساختمان‌ها، تسهیلات و سازه‌های زیربنایی به ویژه در نواحی که نشست بالایی دارد می‌گردد. در غرب دشت تهران نرخ نسبتاً زیاد فرونشست با میانگینی بالاتر از ۱۰ میلیمتر در ماه، نشست زمین بر فراز سیستم متراکم آبخوان، تهران را در ردیف شهرهای بزرگی چون مکزیکو و بانکوک که گزارش آنها در دست است قرار می‌دهد.

نمک‌دار (شوره‌زار) شدن خاک، برعکس دشت ورامین و غرب دشت تهران - کرج، شرق دشت تهران نسبت به شور شدن آسیب پذیر است. آبخوان محلی زیر دشت شرقی تهران به علت کاهش ضخامت ظرفیت پایینی دارد. ساختار خاک محل و گسل‌های تکتونیکی پنهان، آب زیرزمینی را با فشار به بالا می‌راند که موجب افزایش سطح ایستایی این آب‌ها می‌گردد. سطح ایستایی آب زیرزمینی نزدیک به سطح زمین (۵ متر) شدیداً خطر نمک سود شدن خاک را افزایش می‌دهد، و اغلب به پی (شالوده) ساختمان‌ها آسیب می‌رساند.

به دلیل ورود آب اضافه به آبخوان، سطح ایستایی آب‌های زیرزمینی در بخش‌های جنوبی شهر بالا رفته است، از آن جمله در گستره مجاور تصفیه‌خانه فاضلاب جنوب در اواخر دهه ۸۰ و در جنوب شهر ری به جایی رسیده بود که مکرراً به سطح آمده و سیلابی می‌شد. ساخت چندین ایستگاه پمپاژ و ادامه این عملیات موجب کاهش سطح ایستایی و تثبیت آن در زیر خط بحرانی گردید.

روش کار:

تکمیل طرح جمع آوری و دفع فاضلاب شهر تهران: با اجرای طرح بهداشتی جمع آوری و دفع فاضلاب در شهر تهران و محدوده مطالعاتی، فاضلاب‌های خانگی توسط سیستم بهداشتی جمع آوری و دفع فاضلاب کنترل خواهند شد که این امر منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی را از آلودگی حفظ خواهد نمود و به طور کلی منجر به بهبود شرایط زیست محیطی منطقه خواهد شد.

اثرات مثبت و منفی این پروژه در دوره ساخت عمدتاً شامل موارد زیر می‌شود:

۱. اثرات زیست محیطی بر محیط زیست فیزیکی: سر و صدا و ارتعاش، کیفیت هوا، تأثیرات بصری، کیفیت خاک، بو، اثر بر روی آب‌های سطحی، اثر بر روی کمیت و کیفیت آبهای زیرزمینی، تأثیر بر آب و هوا، اثرات ناشی از بروز زلزله.
۲. اثرات زیست محیطی بر محیط بیولوژیکی: تأثیر بر زیستگاه‌ها، تأثیر بر جانوران و گیاهان، اثرات بر کشاورزی، اثرات منفی ناشی از جانوران موذی.
۳. اثرات زیست محیطی بر محیط اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی: اثر بر جمعیت، جابه‌جاسازی مردم، اثر بر اشتغال و توزیع درآمد، تغییرات کاربری زمین، توسعه شهرنشینی، مسائل و مشکلات در حین ساخت و ساز، اثر بر عبور و مرور و حمل و نقل، اثر بر اماکن تاریخی و فرهنگی، اثر بر نگرش عمومی، اثرات منفی ناشی از کلرزنی، اثرات منفی ناشی از بهره‌برداری از تصفیه‌خانه فاضلاب، اثرات منفی ناشی از دفع چاه‌های فاضلاب.



ما می توانیم شهری سالم بسازیم^۱

پیش بینی شده است که تا سال ۲۰۵۰ حدود ۶۶٪ از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می کنند. کیفیت محیط زیست شهری نقش مهم و فزاینده ای را در سلامت عمومی ایفا می کند. در بسیاری از شهرها در سراسر جهان، شهرداران و سیاست گذاران شهری در حال همکاری بیش از پیش در ارائه راه حل هایی برای ایجاد و حفظ شهرهای سالم هستند. آنها از طریق اشتراک گذاشتن ایده ها، تشکیل اتحادیه و به چالش کشیدن دولت های ملی خود به اتخاذ سیاست هایی برای ترویج و حفاظت از سلامت و رفاه در شهرهای خود همکاری می کنند .

یکی از بارزترین نمونه های استفاده از سیاست های عمومی موثر برای جلوگیری از سرطان و بیماری های غیر واگیر (بیماری های غیر ناقل) پیشگیری از مصرف دخانیات در اماکن عمومی است. حتی در غیاب سیاست های جامع ملی، شهرهای بسیاری از کشورها در حال تقویت اجرای مقررات جامع عاری از دود تمام محل های کار، در فضاهای بسته، اماکن عمومی و وسایل حمل و نقل

^۱ وهاب عزیزی فعال اجتماعی

عمومی هستند. شهرها همچنین می‌توانند مردم را به از لحاظ فیزیکی با راه اندازی دوچرخه سواری و پیاده روی و حمل و نقل امن برای همه و فراهم آوردن شرایط دسترسی عمومی امن و فراگیر به فضاهای سبز عمومی حمایت کنند. ایجاد فضاهای عمومی و بهبود زیرساخت در شهرها برای تشویق افراد به فعالیت و سفر می‌تواند مزایای گسترده‌ای برای جوامع داشته باشند، افزایش ادغام فعالیت‌های فیزیکی با زندگی روزمره مردم و همچنین کاهش مرگ‌ومیر و صدمات ناشی از جاده تصادفات و بهبود کیفیت هوا از این جمله هستند.

شورای شهر در نظام سیاسی^۱

شورای شهر چه جایگاهی در نظام سیاسی را داراست شوراها در سال ۷۷ پایه گذاری شد. این شروع یک حرکت خوب مؤثر و سازنده بود تا در سطح محله از پتانسیل و توانمندی شهروندان استفاده بهتری شود و شوراها به عنوان کانون محلی و در دسترس در سطح شهر بتوانند نقش خود را ایفا کنند. هدف قانون این بود که شوراها به عنوان شورای شهر عمل کنند و هماهنگ کننده تمام عناصر شهری باشند، ولی متأسفانه در طی این چند دوره شورای شهر را بیشتر در سطح شهر می بینیم تا در سطح محلات. شهرداری نهادی است که بیشترین ارتباط را با مردم دارد و می تواند زمینه ساز تعاملات خوب، سازنده، کارا با مردم باشد و امکانات مناسب را برای مردم و توسعه ی شهری فراهم سازد.

جایگاه سیاست گذار در حوزه شهری، مجموعه ای متشکل از عملکردها در حوزه سیاست و برنامه گذاری شهرداری در حیطه های مختلف عمرانی، حمل و نقل، شهرسازی، محیط زیست و کانون های فرهنگی و اجتماعی است و شوراها موظف هستند در تمام این سطوح به شهرداری خدمت کنند و در تعامل با یکدیگر به اهداف خود نائل شوند.

در شورای شهر تمام مؤسسات، آموزشگاه ها و مراکز تربیتی- اجتماعی باید کار خود در حوزه ای که به آنها واگذار شده است، به خوبی انجام دهند. وظیفه شورای شهر حمایت از قشر آسیب پذیرتر جامعه زنان و کودکان است. ما باید در نظر داشته باشیم که تمام زنان شاغل نیستند و از لحاظ درآمدی در مضیقه و تنگنای مالی قرار دارند. شورای شهر باید با ایجاد مراکز فرهنگی، ورزشی و اطلاع رسانی های مفید و سازنده، زمینه آگاهی بخشی و

^۱ احسان فرج اللهی: فارغ التحصیل رشته ی اقتصاد و MBA مدیریت اجرایی، عضو انجمن نخبگان ایران، دارای مقالات متعدد و گوینده ی ملی

تکامل بعد اجتماعی زنان خانه دار را بر عهده گیرد و با دادن آگاهی‌های اجتماعی، زمینه شکوفایی زنانی که در این زمینه اطلاعاتی ندارند را فراهم سازند.

ایجاد مراکزی مناسب برای استفاده و بهره‌مندی زنان و کودکان چون فرهنگسراها و کتابخانه‌ها و ورزشگاه‌های متعدد و تأمین نیازهای آنها و تشکیل مراکزی برای رسیدگی به کودکان کار، باید در اولویت برنامه‌های شورای شهر قرار گیرد.

امکانات باید به صورت عادلانه در تمام محله‌ها توزیع شود نیازمندی‌های شهری هم شامل مسائل مربوط به عمران و آبادانی است و هم مسائل زیست محیطی و فرهنگی- اجتماعی را در بر می‌گیرد. این مسئله نیازمند حضور طیف‌ها و تخصص‌های مختلف در شورای شهر است. با توجه به مشکلات فرهنگی زیادی که در شهر تهران وجود دارد، باید برنامه‌ریزی درستی برای حل این مشکلات انجام شود، برای جوانان برنامه‌ریزی کرد تا اوقات فراغت بهتری داشته باشند، از طرف دیگر امکانات بصورت عادلانه و درنهایت اثربخشی در تمام مناطق توزیع شود.

زنان قشر آسیب‌پذیر جامعه هستند و بخش اشتغال زنان نادیده گرفته شده است. برای مثال هیچ اقدامی برای زن‌های دست فروش انجام نمی‌شود. دست فروشی یک زن یعنی مرگ تدریجی زنی که از سر ناچاری به دست فروشی روی آورده است. لذا لازم است تدابیری اندیشیده شود که آنها بتوانند همان شغل را در یک محیط مناسب‌تر و با استفاده بهینه از امکانات موجود انجام دهند.

برای مثال در میدان ونک، ظفر..هر سال سنگ فرش‌ها را عوض می‌کنند، این در حالی است که در مناطق پایین‌تر یا جنوبی شهر هنوز نیازهای اولیه و ضروری اهالی محل برطرف نشده است و همواره در این مناطق بوی تعفن، مردم محله را آزار و دچار حالت بغرنجی می‌کند. این امکانات باید عادلانه در مناطق شهری توزیع شود.



حاشیه نشینی یا اسکان غیر رسمی!^۱

از مشکلاتی که مجموعه شهری با آن دست و پنجه نرم می کند می توان به فقدان برنامه و طرح، نارسایی نظام مدیریت و اسکان غیررسمی اشاره کرد. در این زمینه توسعه مجموعه شهری تهران طی سه دهه گذشته تابع هیچ نوع راهبرد، سیاست، برنامه و طرح مشخص برای هدایت توسعه هماهنگ مجموعه نبوده بلکه عمدتاً حاصل اسکان غیررسمی گروه های کم درآمد و استقرار بدون برنامه فعالیت ها بوده است.

همچنین نارسایی نظام مدیریت مجموعه شهری تهران مجموعه ای است که اجزا و عناصر آن ارتباطی متقابل و روزمره با یکدیگر دارند اما اداره امور این مجموعه در حال حاضر بر عهده شهرداری ها، فرمانداری ها و وزارتخانه های متعدد است که هماهنگی سازمان یافته ای در میان آنها وجود ندارد و هیچ سیاست و راهبرد کلی بر آنها حاکم نیست.

در ارتباط با اسکان های غیررسمی نیز، برآوردها نشان می دهد طی ۲۰ ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵، حدود ۴۰٪ از پنج میلیون نفر اضافه جمعیت مجموعه به صورت غیررسمی اسکان یافته اند و بزرگ ترین شهرهای مجموعه پس از تهران و کرج، یعنی اسلامشهر، شهر قدس، قرچک و... حاشیه نشین هایی غیررسمی بوده اند که بعدها به شهر تبدیل شده اند و طی این مدت برنامه های رسمی بخش مسکن که به صورت واگذاری زمین و حمایت های مالی

^۱ حسین عزیززاده، پژوهشگر اجتماعی

صورت گرفته و همچنین طرح‌های شهرسازی، به دلیل عدم توجه به توانایی‌ها و امکانات کم‌درآمدها قادر به جلوگیری از روند رو به افزایش اسکان غیررسمی نبوده‌اند. از این رو گستردگی ابعاد اسکان غیررسمی، مجموعه را با عوارض سیاسی و اجتماعی ناشی از شکل‌گیری تمرکزهای جمعیتی فقیر و محروم و مسائل و مشکلات کارکردی و زیست‌محیطی متعدد روبه‌رو کرده است.



فضای عمومی شهری

در فرهنگ انگلیسی آکسفورد (۱۹۹۳)، واژه Public در معانی متعددی بیان شده است از جمله: به معنای "کلی، و در اکثر معانی متضاد خصوصی بکار رفته است"، "متعلق یا متوجه مردم به مثابه یک کلیت"، "در دسترس یا اشتراکی برای همه مردم"، "با آزادی موجود یا انجام شدنی"، و "ارایه شده یا مرتبط با دولت یا دولت محلی و مرکزی". فضای عمومی را "بستر مشترکی که مردم فعالیت‌های کارکردی و مراسمی را که پیونددهنده اعضای جامعه است، در آن انجام می‌دهند" می‌دانند، چه این فعالیت‌ها روزمره و معمولی و چه جشنواره‌ای و دوره‌ای باشند. به عبارت دیگر فضای عمومی صحنه ایست که به روی آن نمایش زندگی اجتماعی، در معرض دید عموم، قرار می‌گیرد. فضایی ست برای سیاست، مذهب، داد و ستد و ورزش، همزیستی مسالمت آمیز و برخوردهای غیر شخصی. ویژگی اصلی فضای عمومی این است که زندگی جمعی، فرهنگ شهری و مباحث روزمره ما را بیان کرده و در ضمن بر آنها نیز تاثیر می‌گذارد. "فرانسیس تیبالدز" عرصه عمومی را چنین می‌داند: تمام بخش‌های بافت شهری که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند. بدین ترتیب خیابان‌ها، پارک‌ها و میادین شهرک یا شهر، به ساختمان‌هایی که محصورشان می‌کنند و محدوده‌شان را مشخص می‌کنند، گسترش می‌یابد. از منظر ایشان، عرصه‌های عمومی

مهم‌ترین بخش از ساختار شهرک‌ها و شهرهای ما هستند جایی که بیشترین میزان از تماس و تعامل انسان‌ها در آن روی می‌دهد.

از نگاهی دیگر فضاهای عمومی فضاهایی هستند که افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در آن سهیم‌اند، این فضاها محل تبادل افکار و اطلاعات و مکانی برای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی هستند. چنین فضاهایی بیش از آنکه تنها یک فضا باشند یک تجربه‌اند که نتیجه چنین تعامل و تجاربی در میان افراد و گروه‌های مختلف، دریافت حس هویت جمعی، احترام به خود (عزت نفس)، ارتقاء مهارت‌های جمعی و مشارکت اجتماعی خواهد بود. چنین تعبیر و تفسیری از فضاهای عمومی در رابطه با حباب اجتماعی انسان‌ها از ارسطو تاکنون همواره مورد توجه شهرسازان و نظریه پردازان شهری بوده و هست. فضاهای عمومی مشتمل بر فضاهای شهری گوناگونی چون: خیابان‌ها، معابر، میداين، پلازاها، پارک‌ها، زمینهای بازی، سیتی هالها، مال‌ها، سواحل و کناره‌ها و سایر فرمهای فضاهای تجمع می‌باشند و از نظر فعالیتی می‌توانند جهت تامین یک فعالیت ویژه طراحی و برنامه‌ریزی شوند و یا آنکه مانند میداين و پلازاها دارای تنوع کالبدی و فعالیتی و در نتیجه اجتماع‌پذیری بیشتر باشند.

ماهیت و کارکردهای فضاهای عمومی شهری:

یک فضای شهری می‌تواند متناسب با نیازهای زمانی و مکانی افراد جامعه، ویژگی مطلوب یا نامطلوب پیدا کند بسته به میزان همخوانی و هم‌نوایی کارکردی با اهداف مورد انتظار، مقیاس و حجم روابط، تطابق و تناسب با نیازهای روزمره گروه‌های اجتماعی و همخوانی با کلیت ساختار شهر، فضای شهری می‌تواند از وجوه برجسته‌تری از نظام مطلوب بهره‌گیرد. فضای شهری در عین دارا بودن ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت‌های شهری و ضرورت‌های مترتب بر آن نیز محسوب می‌گردد. این فعالیت‌ها در حالت کلی سه طیف متفاوت را شامل می‌شود. دسته اول فعالیت‌های ضروری و با اهمیت که تحت هر شرایطی اتفاق می‌افتند و ارتباط خاصی با ویژگی‌های منحصر به فرد اجتماعی

ندارند. فعالیت‌هایی نظیر رفتن به محل کار یا مدرسه، انجام خرید، انتظار در ایستگاه اتوبوس و سایر فعالیت‌های عمومی و روزمره در این دسته جای می‌گیرند. این طیف از فعالیت‌ها درجات متفاوت از مشارکت اجتماعی را می‌طلبد. دسته دوم از فعالیت‌هایی که در فضای شهری انجام می‌شوند را، فعالیت‌های گزینشی و انتخابی تشکیل می‌دهند که در شرایط مناسب و وضعیت دلخواه افراد ضرورت پیدا می‌کنند. قدم زدن در هوای آزاد، توقف و مکث در مکان‌های تفریحی، نشستن و استراحت در مکان‌های جذاب و دیدنی جزء فعالیت‌های انتخابی و موردی به شمار می‌روند. دسته سوم از فعالیت‌هایی که در فضای شهری رخ می‌دهند فعالیت‌های اجتماعی هستند که براساس ویژگی‌های فضای شهری طیف گسترده‌ای از روابط متقابل افراد را در بر می‌گیرد. این فعالیت‌ها به دلیل تاثیرپذیری از سایر فعالیت‌ها و فضای اجتماعی، فعالیت‌های نهایی نیز خوانده می‌شوند.



آلودگی هوا^۱

مقدمه

حجم بالایی از آلاینده‌های هوا در تهران مربوط به فعالیت کارخانه‌ها و سپس دود ناشی از خودروها بخصوص خودروهای دیزلی می‌باشد، اگرچه طی سال‌های اخیر آلاینده‌ی جدیدی به نام ریزگردها نیز به آلاینده‌های تهران اضافه شده است.

معرفی

آلودگی هوا تغییر در ویژگی‌های طبیعی جو بر اثر مواد شیمیایی، غباری یا عامل‌های زیست‌شناختی است. آلودگی هوا ممکن است طبیعی (مانند فعالیت آتش‌فشان‌ها)، یا مصنوعی باشند. جو یا اتمسفر سامانه‌ی گازی طبیعی پویا و پیچیده‌ای است که زندگانی در سیاره‌ی زمین به آن وابسته است. تحلیل رفتن لایه اوزون استراتوسفر به خاطر آلودگی هوا، دیرزمانی است که خطری برای تندرستی مردمان و نیز زیست‌بوم‌های زمین شناخته می‌شود. در نتیجه‌ی آلودگی هوا باران‌های اسیدی تولید خواهد شد که نه تنها روی انسان بلکه روی گیاهان و حیوانات نیز اثرات نامطلوبی خواهد داشت، از طرفی با حرکت این حجم هوای آلوده به سمت مناطق دیگر امکان بارش باران اسیدی در مناطقی که ظاهراً آلودگی ندارند

^۱ زهرا محمدخانی: کارشناس ارشد شیمی معدنی دانشگاه تربیت مدرس

نیز وجود دارد. از مهمترین اثرات آلودگی هوا، اثر آن بر روی سیستم تنفسی، قلب و اعصاب می باشد که خود شاهد بروز این عوارض در روزهای آلوده هستیم.

۱- آلودگی هوای شهر تهران

آلودگی های شهر های بزرگ از جمله تهران عمدتاً ناشی از فعالیت وسایل نقلیه و کارخانه ها هستند. تمرکز نیروگاه ها و کارخانجات در درون و اطراف تهران، تعداد فراوان خودرو در تهران، ریزگردهای برخاسته از بیابان های اطراف و حتی از مناطق دور دست همگی باعث آلودگی بیش از حد تهران شده اند.

۱-۲- بررسی علل آلاینده های نیروگاه ها و کارخانجات

حضور کارخانجات و نیروگاه های مختلف در داخل و حاشیه ی تهران مهم ترین عامل آلوده کننده ی شهر تهران محسوب می شود، چراکه سوخت اصلی این کارخانجات مازوت (نفت کوره) و گازوئیل پرگوگرد هست که سوختن این مواد تولید محصولات سمی می کنند. در حال حاضر حدود ۱۴۰ واحد نیروگاه در کشور وجود دارد که به جای اینکه از گاز طبیعی به عنوان سوخت استفاده کنند، از مازوت پرسولفور استفاده می کنند که نتیجه سوخت نفت کوره این است که به میزان بسیار بالایی که اصلاً قابل قیاس با بدترین نوع بنزین هم نیست، گوگرد وارد هوا می شود. در اطراف تهران و شهرهای بزرگ نیروگاه هایی داریم که به دلیل کمبود گاز طبیعی مجبورند از مازوت استفاده کنند و گوگرد سمی تولید کنند.

۱-۳- آلاینده های خودروهای دیزلی

گازوئیلی که خودروهای دیزلی می سوزانند نیز تاثیر شدید و بسیار گسترده تری از بنزین بر آلودگی هوای تهران و دیگر کلانشهرها دارد دیزل فقط یک پارامتر مهم دارد که فاصله زیادی با استاندارد جهانی دارد. محتوای گوگرد، دی گزئوئیل تولید داخل، بین چهار تا ۹ هزار قسمت در میلیون است. گوگرد هم به شدت در آلودگی هوا موثر است. درمقایسه با استاندارد جهانی که در آن باید میزان گوگرد زیر ۵۰ باشد البته به صورت محدود دیزل های باکیفیت هم تولید می شود اما عمده گازوئیل های تولیدی دارای این میزان گوگرد

است. بخش عمده ذرات معلق در هوای تهران از گوگرد تولیدی از دیزل‌ها ایجاد می‌شود، سازمان بهداشت جهانی هم دود دیزل را سرطان‌زا اعلام کرده است.

۴-۱- آلاینده‌های خودروهای بنزینی

در سال‌های اخیر و با ایجاد تحریم‌های جدید بر علیه کشورمان با کمبود واردات بنزین مواجه شدیم، در نتیجه دولت جهت پر کردن این خلاء به استفاده از بنزین پتروشیمی (ریفرمیت) روی آورد، در حقیقت در جهان چیزی به اسم بنزین پتروشیمی استفاده نمی‌شود چرا که در اصل بنزین نیست و مخلوطی از حلال‌های صنعتی و آروماتیک نظیر بنزن هست که بشدت سرطان‌زا می‌باشد و سازمان محیط زیست بارها خطرات ناشی از استفاده از این ماده را گوشزد کرده است.

۲- راهکارهای کاهش آلودگی هوا

جهت کاهش آلودگی هوا خصوصا در تهران راهکارهای موثری وجود دارند که البته بخش بزرگی از آن به همت دولت بستگی خواهد داشت. از آنچه تاکنون گفته شد این موضوع برداشت می‌شود که مهم‌ترین عامل تولید آلودگی هوا نیروگاه‌ها و کارخانجات می‌باشند.

۱-۲- کاهش آلودگی ناشی از کارخانجات

- ۱- خروج کارخانجات از داخل شهر و انتقال آن‌ها به فاصله‌ای دور از شهر
- ۲- استفاده از سوخت گاز طبیعی و جایگزینی آن با سوخت‌های گازوئیل پر گوگرد
- ۳- بکار بستن انرژی‌های نو همانند هسته‌ای جهت سوخت نیروگاه‌ها

۲-۲- جهت کاهش آلودگی ناشی از سوخت خودروهای بنزینی و

دیزلی

- ۱- حذف بنزین پتروشیمی و استفاده از بنزین‌های مطلوب داخلی یا وارداتی و جایگزینی بنزین با سوخت گاز طبیعی
- ۲- تولید خودروهای دیزلی با کیفیت بالا

۳- استفاده از کاتالیست‌هایی با کیفیت بالا در آگزوز خودروها و تصفیه‌ی گاز خروجی

آنها

۳- تولید و یا واردات ماشین‌های هیدروژنی که با استفاده از سوخت هیدروژن و تولید

محصول احتراق بی‌خطر آب

۴- تولید خودروهای برقی

۵- افزایش سیستم حمل و نقل عمومی و ایجاد طرح‌های ترافیکی گسترده در سرتاسر

تهران

۳-۲- رفع مشکل آلودگی ناشی از ریزگردها

۱- پاشیدن مالچ طبیعی بر روی مناطق بیابانی در داخل و کشورهای همسایه

۲- بیابان‌زدایی و کاشت گیاهان سازگار با مناطق بیابانی

۳- برخورد با چاه‌های عمیق حفر شده‌ی بدون مجوز که باعث کم‌آبی و در نتیجه

افزایش بیابان‌ها می‌شود

۴-۲- بکارگیری انرژی‌های نو در کاهش آلودگی هوا

راهکارهایی جهت کاهش آلودگی با بکارگیری علوم نوین محقق

خواهد شد که می‌توان چشم‌انداز جدیدی در کاهش آلودگی هوا و

در نتیجه بهبود کیفیت زندگی مردم داشت.

بعنوان مثال علم تازه ظهور نانو را می‌توان در این راستا بکار برد، از

مهم‌ترین کاربردهای زیست‌محیطی نانو تکنولوژی می‌توان به ساخت انواع

نانو حس‌گرها، نانو فیلترها، کاتالیست‌های زیست‌محیطی، نانو پلیمرها،

نانو ذرات، نانو زیست فن‌آوری (بیوتکنولوژی)، بهینه‌سازی انرژی‌های نو،

و هم‌چنین کاربرد آن در تصفیه آلاینده‌های زیست‌محیطی و ... اشاره

نمود. استفاده از این تکنولوژی (فن‌آوری سبز) باعث صرفه‌جویی

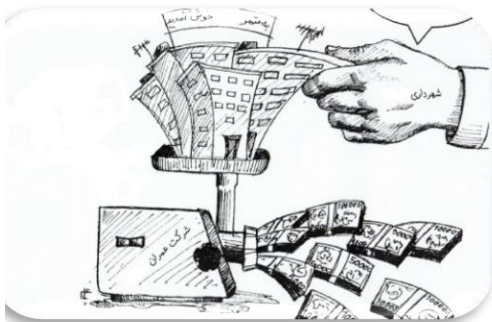
فوق‌العاده‌ای در مصرف هزینه، انرژی، حفاظت از کلیه منابع محیط زیست و پیشگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی می‌گردد.

استفاده از انرژی‌های خورشیدی جهت تولید انرژی پاک بسیار حائز اهمیت می‌باشد، هم‌اکنون مهار این انرژی سخت می‌باشد ولی می‌توان تا حدودی از این روش استفاده نمود، بسیاری از مناطق ایران دارای تابش آفتاب در اکثر فصول سال می‌باشد و می‌توان با استفاده از صفحات خورشیدی تابش خورشید را مهار کرده و نیروی برق و گرمای مورد نیاز صنایع کوچک و محل‌های مسکونی را فراهم نمود و در نتیجه انرژی‌های پاک مثل سوخت طبیعی را جهت صنایع بزرگ استفاده نمود.

استفاده از انرژی هسته‌ای که روشی بسیار پر بازده جهت تولید انرژی می‌باشد البته به دو دلیل ۱- جهت خطرناک بودن زباله‌های هسته‌ای و اثرات زیست‌محیطی دفن این زباله‌ها که در صورت بهبود شرایط دفن و بکارگیری این انرژی این مشکل رفع خواهد شد و ۲- نیاز به آب فراوان جهت خنک کردن تجهیزات رآکتورها به این معنی که باید حتماً این نیروگاه‌ها کنار دریاها احداث شوند که البته می‌توان با تاسیس این نیروگاه‌ها در جنوب ایران با این مشکل مقابله نمود.

نتیجه‌گیری

براساس مطالب گفته شده پدیده‌ی آلودگی، موضوع بسیار جدی و فرامنطقه‌ای هست به این معنی که آلودگی ایجاد شده در یک منطقه می‌تواند مناطق دیگر و حتی کشورهای دیگر را تحت تاثیر قرار دهد و زندگی بسیاری از انسان‌ها، گیاهان، جانوران و حتی بناها و ساختمان‌ها (در اثر ریزش باران‌های اسیدی) را به خطر می‌اندازد، بررسی علل بوجود آمدن آلودگی و راهکارهای مقابله با آن امری ضروری می‌باشد که با همکاری دولت و مردم رفع این مسئله تا حدودی محقق خواهد شد.



یکی از راههای جلوگیری از شهرفروشی

توسط شهرداری

برای تأمین بودجه‌ی شهرداری از طریق اخذ عوارض قانونی و در نتیجه جلوگیری از شهرفروشی بدون آنکه توسعه‌ی شهری زیر سؤال برود، دو مسیر زیر را همزمان باید پیش برد:

- جلوگیری از فساد، عقلانی کردن هزینه‌ها، ایجاد مشاغل شهری که با پرداخت مالیات به شهرداری به افزایش امکانات مالی شهرداری مدد رسانند،
- باید شهرداری‌ها بتوانند بر شیوه‌ی اخذ عوارض شهری، میزان آنها و وجوه به‌دست آمده نظارت مستقیم داشته باشند.

بخشی از قوانین ناظر بر شهرداری‌ها چنین اجازه‌ای را به شهرداری‌ها می‌دهد و موادی از قوانین، اخذ عوارض شهری را بر عهده شهرداری قرار داده است. از جمله بند ۲۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها که درباره وظایف شهردار است، پیشنهاد اخذ عوارض را بر عهده شهردار نهاده است. در این ماده چنین آمده است: "پیشنهاد برقراری یا الغای عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان عوارض اعم از کالاهای وارداتی و صادراتی کشور و محصولات داخلی و غیره و ارسال یک نسخه از تصویب‌نامه برای اطلاع وزارت کشور."

همچنین بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران تصویب این عوارض را بر عهده شورای اسلامی شهر قرار داده است:

"تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست‌های عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود".

فصل سیزدهم: نگاهی بر مطبوعات و رسانه های خبری

هر کوهنورد یک محیط بان^۱

در شرایط فعلی محیط زیست ایران و با توجه به وسعت این خاک زرخیز، کارشناسان اعتقاد دارند که حدود ۵ برابر این تعداد محیط بان به طور رسمی و حدود یکصد هزار نفر داوطلب محیط بانی (محیط بان افتخاری) لازم است تا شرایط زیست محیطی ایران حداقل در محیط طبیعی به طور نرمال و عادی روزگار بگذراند.

شرایط سخت اقتصادی دولت، محدودیت های استخدام محیط بان، بازنشستگی همین محیط بان موجود و دست اندازی های غیر قابل تصور زمین خواران و کشتار کنندگان حیات وحش و عدم شناخت مردم از محیط طبیعی خود و حفظ و حراست از موجودات زنده در آن از جمله گیاهان و جانوران بزرگترین آسیب های محیط طبیعی ایران اسلامی است. لذا مسئولین بایستی درصدد شناسایی راهکارهای متفاوت دیگری در دفاع از این مرز و بوم پر افتخار نیاکان خود باشند و ایده های نو و خلاقانه می تواند کمکی مؤثر در این چرخه باشد، حضور داوطلبانه مردم در قالب محیط بان افتخاری یکی از این راهکارها است. البته مردمی که به نوعی با طبیعت و محیط طبیعی ارتباط تنگاتنگی داشته و به ضرورت حفظ آن پی برده باشند.

یکی از این جوامع متخصص و علاقمند به طبیعت ایران، کوهنوردان کشور است. آیا می دانید از محدوده ارتفاعات منطقه ۵ تهران یعنی بند عیش تا ارتفاعات لواسان در یک روز تعطیل حدود ۵۸۰ هزار (نیم میلیون) نفر به کوهستان می روند؟! که از این تعداد حدود ۱۰٪ آن کوهنوردان حرفه ای هستند.

در روز جمعه ۹۵،۰۶،۲۶ که روز توجال نامیده می شد حدود ۷۰۰۰ نفر کوهنورد حرفه - ای در توجال گردهم آمدند که اگر این عدد را با کوهنوردان سراسر کشور و ارتفاعات

^۱ روزنامه قانون کد خبر: ۱۰۴۴۳ تاریخ ۹۵/۷/۱۲، سید احمد نبوی

مشرف به شهرهای بزرگ و کوچک در نظر بگیریم به یک عدد بسیار بزرگ که پتانسیل ویژه و خاصی برای محیط زیست ایران می تواند باشد، می رسم.

این ظرفیت عظیم و بی نظیر کارهای خلاقانه ای را برای پاکسازی محیط کوهستان بدون سازماندهی و آموزش در حال گسترش می باشد که این افراد سعی می کنند کوهنوردان و گردشگران غیرحرفه ای کوه را تحت تأثیر خود قرار دهند، اگر فقط در تهران و در یک روز تعطیل که نیم میلیون تهرانی به ارتفاعات پناه می برند هرکدام تنها نیم کیلو زباله تولید کنند، کوهستان های تهران با زباله ای معادل ۲۵۰ تن مواجه می شود که این در یک ماه (چهار روز تعطیل) عدد غیرقابل تصور ۱۰۰۰ تن زباله را پیش روی ما می گذارد و کوهنوردان حرفه ای تهران درصددند تا به نوعی جلوی این عدد وحشتناک را بگیرند.

حدود بیست سال پیش در فصل بهار، ارتفاعات تهران و دیگر شهرهای ایران گیاهانی ازجمله والک، سیرک، شنگ و ... را در دامان خود پرورش می داد ولی امروز نسل این گیاهان دارویی و پرخاضی در حال انقراض می باشد و دیگر در بهار اثری از آنان نمی یابیم. آتش زدن گونها نیز از جمله این معضلات کوهستان می باشد.

با این رویکرد که "هر کوهنورد یک محیط بان" می تواند آثار بسیار مثبتی در دفاع از طبیعت گرانقدر ایران داشته باشد، کوهنوردان قدیمی آمادگی دارند تا با مساعدت سازمان حفاظت محیط زیست و دریافت کارت های محیط بان افتخاری بصورت رایگان این هدف مقدس را عملی کنند.

مردم دیگر اشتباهات گذشته را تکرار نخواهند کرد^۱

به نظر می رسد در حال وقوع پدیده جدیدی در عرصه سیاسی کشور هستیم که در سه دهه گذشته نمونه ای از آن رانده ایم، اما در ادوار گذشته ی انتخابات ریاست جمهوری معمولاً اعضای اطاق فکر کاندیدای جدید با گفتمان سازی بر علیه رئیس جمهور مستقر یا جریان فکری مستقر در ریاست جمهوری به معرفی خود می پرداختند و عرصه سیاسی کشور را قبل از انتخابات وارد یک فضای دو قطبی و هیجانی می کردند و این فضا تا آستانه انتخابات چنان پیش می رفت که درگیری های احساسی و هیجانی و ایجاد امواج کاذب سیاسی در چند روز آخر انتخابات، نتیجه را به نفع جریان موج آفرین پشت پرده تغییر می داد. تقسیم بندی مردم به دو طبقه مخالف و موافق و طرح موضوعات سلبی به جای مطالب ایجابی و ...، نگاه جامعه به واقعیت ها را کاملاً بسته نگه می داشت و هر دو کاندیدای جناحین و دو قطب سیاسی، مردم و طرفدارانشان را به نگاهی غیر منطقی (صفر و صدی)، به رقیب و خود وا می داشتند، بطوری که کاندیدای مقابل هیچ نقطه مثبتی نداشته و هر شر و بدی که وجود دارد از او و طرفدارانش می باشد و بر عکس کاندیدای خودشان همه خوبیها و حسنات را در بر داشته و هرگز مرتکب اشتباهی نشده است و نتیجه این دیدگاه ها باعث می شد که انتخابات ریاست جمهوری جنگ بین خیر و شر باشد و طرفداران یک بخش از کاندیداها خود را خادم و انقلابی مطلق و رقیب و طرفدارانش را دشمن و خائن مطلق فرض و همه اعمال خود را براین اساس تنظیم می کردند و در پایان چون نتیجه رو شور و هیجان تعیین می کرد مردمی که در طیف برنده بودند پس از دو سال تازه متوجه می شدند که تا چه اندازه از واقعیات دور بوده اند و چگونه اسیر امواج احساسی رنگ و نماد گردیده و چه اندازه مشکلات و بی برنامه گی کاندیدای خود را ندیده اند و همچنین چه مقدار حسنات کاندیدای مقابل را پنهان کرده اند و از مجموعه این اشکالات احساس پشیمانی می کردند.

^۱ روزنامه قانون کد خبر: ۱۹۸۷۶ تاریخ ۹۵/۱۰/۲۷، سید احمد نبوی

اما این چرخه‌ی دعوای انتخابات دو قطبی در سی سال گذشته همچنان در حال تکرار بوده است و هر بار مردم ما برای ترس از حاکمیت رقیب به کاندیدایی که نمی‌شناختند رای داده‌اند که بعدها فهمیدند هم ترسشان و هم دفاع مطلقشان بیجا بوده است.

در انتخابات سال ۹۲ نیز چنین تکراری صورت گرفت، تشتت فراوان در میان اصولگرایان و اتحاد یکپارچه اصلاح طلبان و همچنین دیدگاه بخشی از افراد جامعه در نفی آقای جلیلی و قالیباف و... که شاید آنها را بدیلی برای آقای احمدی نژاد فرض می‌کردند، به سوی رقیب ایشان یعنی آقای روحانی تمایل نشان داده که البته هیچ شناختی نیز از ایشان نداشتند، رای دادند.

مردم بوضوح در مناظره‌های انتخاباتی، برخی از کاندیداها را صاحب برنامه، آشنای به اقتصاد و با اخلاق دریافتند ولی چون بر بستر موج هیجانات سه روزه‌ی آخر انتخابات وارد حوزه رای‌گیری گردیدند و به آقای روحانی رای دادند که نتیجه خوب یا بد آن امروزه در حال تحلیل توسط جامعه می‌باشد.

اما اینطور به نظر می‌رسد که در رفتار سیاسی مردم پس از سی سال، تغییری در حال وقوع است و حتی سیاسیون و رجال سیاسی کشور نیز این وضعیت را به درستی رصد کرده‌اند که دیگر با هیجانات کاذب وارد میدان نشوند. (گذشته از تدریجی‌های اصلاح طلب و اصولگرا که همیشه فضای هیجانی را می‌پسندند)

به راحتی می‌توان تشخیص داد که فضای انتخابات آتی ریاست جمهوری یک انتخابات دوقطبی نخواهد بود چرا که عناصر تند روی دو طرف این اقطاب سیاسی در عرصه حضور ندارند و عوامل آنها نیز توان ایجاد فضای احساسی و هیجانی را در خود نمی‌بینند، چرا که مردم دیگر اشتباهات گذشته را تکرار نخواهند کرد و این را می‌توان در نارضایتی روزمره مردم از جریان‌های سیاسی و نتایج فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و ... این دو قطب سیاسی مشاهده نمود.

لذا بنظر می‌رسد انتخابات آینده ریاست جمهوری رقابت دو جریان عقل‌گرای میانه جامعه سیاسی کشور باشد، یک جریان مسیر پیشرفت و توسعه را با نگاه به تعامل با دنیای بیرون خصوصا غرب و یک جریان با نگاه به داخل و ظرفیت‌های بی‌ظیر نیروی انسانی موجود در کشور فکر می‌کنند، جریان اول خون مورد نیاز رگهای اقتصادی کشور را سرمایه‌گذاری خارجی، واردات و صادرات، گفتگوی سیاسی و رفع سوء تفاهات بین‌المللی می‌داند و جریان دوم، نگاه به جوانان انقلابی، اقتصاد مقاومتی، تولید داخلی و ایجاد قدرت منطقه‌ای می‌داند، نگاه اول دریافت سهم خود را از گفتگوی بی‌واسطه با جهان از جمله آمریکا جستجو می‌کند و نگاه دوم اقتدار و توانایی داخلی نیروی انسانی را راه نجات می‌داند که لاجرم سهم خود را از جهان خواهد گرفت.

در جریان اول تکنوکراتها و مدیران با سابقه که تحصیلات خارج از کشور آنان، نشان از شناخت روحیات خارجی‌ها و تعیین‌کننده نوع تعامل با آنان می‌باشد و با مدیریت فروش نفت، گاز و... می‌تواند زمینه ورود شرکت‌های خارجی به داخل باشد که با آمدن آنها گمان می‌کنند که یقینا امنیت و اشتغال ایجاد می‌شود و در جریان دوم با نگاه به دوران دفاع مقدس و هوش و ذکاوت جوانان انقلابی ایران، سرمایه‌گذاری برای علوم و فنون منتشره از نخبگان و جوانان، همان اشخاصی که در دهه شصت یک جنگ بزرگ را با پیروزی مدیریت کردند و امروز صنعت دفاعی کشور حاصل و مرهون فداکاری آن جوانان است را معرفی می‌کند، اقتصاد و صنعت امروز را نیز می‌خواهد به آنان بسپارد و ظرفیت‌های داخل را شکوفا سازد و در این صورت است که می‌توان دنیا را به سمت تکنولوژی ایران کشاند و در آمد نفت و گاز را پشتوانه شکوفائی دانشمندان و مخترعان جوان داخلی قرار داد.

این دو جریان عقل‌گرا که در میانه و معدل اصلاح طلبی و اصولگرایی می‌باشد با دو نگاه متفاوت که هر دو قصد خدمت به نظام جمهوری اسلامی ایران را دارند وارد عرصه انتخابات خواهند شد و نفس این حرکت خود یک پیروزی برای ملت است که بتواند فضای ملتهب و مسموم سیاسی و دو قطبی شدن انتخابات را شکست دهد و در سایه تدبیر و

عقلانیت، انتخابی از نوع غیر احساسی و غیر هیجانی ایجاد نماید. در این نوع نگرش از جریان‌های تندروی طیف‌های سیاسی ایران که بر بستر امواج سیاسی سال‌های گذشته سوار می‌شدند و بزرگترین آسیب‌ها را به کشور و منافع ملی وارد می‌کردند خبری نخواهد بود. گر چنین اتفاق میمون و مبارکی حادث گردد کاندیداهای ریاست جمهوری باید گفتمان خود را معرفی کنند و مبنای اخلاق سیاسی را مد نظر قرار دهند، در آن صورت ۵۰ میلیون ایرانی با آرامش و از سر انتخاب هوشمندانه وارد عرصه انتخابات خواهند شد، ان‌شاءالله.

حفظ محیط زیست در گرو استفاده از انرژی های نو^۱

سیداحمد نبوی در گفت وگو با سبزینه، با بیان این که روند کنونی افزایش مصرف انرژی در جهان، بشر را با دو بحران بزرگ روبه رو کرده است، عنوان می کند: نخست آلودگی محیط زیست در اثر سوزاندن سوخت های فسیلی و دیگری شتاب فزاینده برای به پایان بردن این منابع. تأمین انرژی یکی از اساسی ترین پیش نیازهای توسعه اقتصادی و بهبود کیفی زندگی بشر است. روند صعودی مصرف انرژی در جهان که با وقوع انقلاب صنعتی در اواسط قرن هجدهم میلادی آغاز شد، همچنان ادامه دارد. در حال حاضر، مصرف انرژی جهان معادل ۱۰ میلیارد تن نفت در سال است. وی در ادامه می گوید: سرانه مصرف انرژی کشورهای پیشرفته صنعتی تقریباً ۲۰ برابر کشورهای در حال توسعه است (سرانه مصرف انرژی در کشور ما بالا و درخور تأمل است) در سوخت های فسیلی استفاده از چوب به عنوان سوخت زیان های فراوانی دارد. بهره وری چوب بسیار پایین تر از منابع دیگر انرژی است؛ به عنوان مثال یک کیلوگرم چوب تنها یک یک دهم یک کیلوگرم گاز حرارت ایجاد می کند. به علاوه استفاده از آن در محیط های در بسته مسکونی، می تواند به سلامت افراد لطمه جدی وارد کند.

جنگل زدایی، فرسایش خاک و کاهش قدرت باروری زمین از جمله پیامدهای منفی استفاده از چوب برای تولید انرژی است. نبوی در ادامه با تأکید بر مهم ترین محدودیت ها و معایب کاربرد سوخت های فسیلی با وجود نقش آن ها در رشد سریع اقتصادی می گوید: به طور کلی منابع انرژی دو نوع هستند: یک دسته مانند سوخت های گیاهی و فسیلی که تجدیدناپذیرند و استفاده از آن ها خطر تمام شدن این منابع با ارزش را در پی دارد. منابع شناخته شده نفت و گاز طبیعی جهان با توجه به میزان مصرف فعلی تا ۴۰ سال آینده کافی است. چنانچه رشد جمعیت و افزایش تقاضا نیز در محاسبات منظور شود، این ذخایر تنها

^۱ روزنامه سبزینه شماره ۲۰۴ صفحه ۴ مورخ ۹۵/۱۰/۲۰، سیداحمد نبوی

برای ۱۵ سال کفایت خواهند کرد. وی در ادامه می گوید: افزون بر این ها باید توجه داشت که این منابع محدود، به آیندگان نیز تعلق دارد و کاربرد بی رویه آن ها مجاز نیست. سوزاندن نفت بدترین نوع استفاده از این ماده حیاتی است. انواع مواد پلاستیکی، شیمیایی، کودهای کشاورزی، گازهای صنعتی و نظایر این ها نمونه هایی از مشتقات نفت هستند. استفاده از این ماده در صنایع دیگر مانند پتروشیمی ارزش افزوده بسیار بیش تری دارد. وی در ادامه می گوید: وسایل حمل و نقل، نیروگاه های برق، صنایع و واحدهای گرمایش خانگی و تجاری هر ساله مقادیر بسیاری گاز و ذرات زیان آور را در هوا رها می سازند. این آلاینده ها موجب بروز انواع بیماری ها و به مخاطره افکندن محیط زیست می شوند. برآورد شده است که هفتاد درصد آلودگی هوای شهر تهران ناشی از گازهای خروجی از لوله دودکش (اگزوز) خودروهاست. از همین رو استفاده از سوخت هایی که کم ترین آلودگی را تولید می کنند، باید در دستور کار قرار گیرد. نبوی معتقد است فناوری کنونی، میزان آلاینده ها را تا حدود ۹۰٪ کاهش داده است. اما با وجود همه این اصلاحات، میزان آلاینده های موجود در هوای بسیاری از شهرهای بزرگ، فراتر از حد مجاز است. گاز طبیعی که بیش تر از متان تشکیل شده است، در مقایسه با بنزین، کم تر مونوکسید کربن و هیدروکربن های زیان آور تولید می کند. علاوه بر آن، با استفاده از یک مبدل واسطه ای می توان به میزان قابل ملاحظه ای از انتشار هیدروکربن متان و آلودگی های غیر متان (در مقایسه با موتورهای بنزینی) کاست. اکسیدهای نیتروژن و دی اکسید گوگرد حاصل از سوزاندن سوخت های سنگ واره ای هنگامی که با آب موجود در هوا ترکیب می شوند، به اسید تبدیل شده و به صورت باران های اسیدی می بارند. وی در ادامه با اشاره به گرم شدن کره زمین می گوید: افزایش قابل ملاحظه دمای کره زمین در سال های اخیر، دانشمندان را به شدت نگران کرده است. برای میلیون ها سال اثر گلخانه ای طبیعی زمین، هوای آن را در دمای نسبتاً پایداری نگاه داشته بود و به جانداران اجازه رشد و ادامه حیات می داد. وی معتقد است: یکی از عوامل افزایش مصرف انرژی در کشورهای در حال توسعه، مصرف

غیرصحیح است. آمار نشان می دهد که در کشور ما مصرف انرژی از ۱۹۹/۷ میلیون بشکه معادل نفت خام در سال ۱۳۵۷ به ۵۸۴ میلیون بشکه معادل نفت خام در سال ۱۳۷۴ افزایش یافته است. از کل مصرف نهایی انرژی در سال ۱۳۷۴، حدود ۳۰٪ در بخش های صنعت و کشاورزی و ۶۰٪ آن در بخش خانگی، تجاری و بخش حمل و نقل استفاده شده است. این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته بیشترین سهم استفاده از انرژی متعلق به بخش صنعت یعنی بخش مولد است. نبوی در ادامه می گوید: از آنجا که مهم ترین خسارت ناشی از مصرف سوخت های سنگ واره ای، تمرکز دی اکسید کربن در جو است، نخستین گام برای جایگزینی منابع انرژی، استفاده از سوخت های فسیلی با کربن کم به جای سوخت هایی با کربن بالاست. در حال حاضر، انرژی هسته ای ۱۷ درصد نیروی برق جهان را تأمین می کند .

وی در ادامه می گوید: اگرچه انرژی هسته ای مزایایی دارد؛ اما استفاده از آن مخاطراتی را نیز به همراه دارد. در آغاز سده بیستم میلادی بازده تولید برق تنها ۵ درصد بود. در حال حاضر، متوسط جهانی بازده فرآیند تبدیل انرژی اولیه به انرژی ثانویه به حدود ۷۴٪ می رسد. اما متوسط جهانی بازده تبدیل انرژی ثانویه به انرژی مفید، یعنی بازده مربوط به محدوده مصرف کنندگان، از ۴۶٪ تجاوز نمی کند. بنابراین بازده کلی تبدیل انرژی به انرژی مفید تنها ۳۴٪ است. بدیهی است که تلاش برای افزایش بازده، موجب کاهش مصرف سوخت و انتشار آلاینده ها می گردد. وی در ادامه می گوید. امروزه بسیاری از کشورهای جهان با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی خود و پیشرفت فناوری در کاربرد انرژی های تجدیدپذیر، از آنها استفاده می کنند، انرژی خورشیدی، بادی، امواج، هیدروژن، جزر و مد دریاها از جمله انرژی های تجدیدپذیری هستند که در جهان مورد توجه بسیار قرار گرفته اند. وی با نتیجه گیری از بحث های مطرح شده، می گوید: ضرورت های زیست محیطی و محدودیت منابع فسیلی لزوم تغییر سیستم فعلی انرژی و جایگزینی سوخت های فسیلی را افزایش داده است. یک سیستم قابل قبول انرژی جایگزین باید مبتنی بر منابع انرژی تجدیدپذیر باشد. کشور ما با برخورداری از پتانسیل بسیار غنی در زمینه انرژی های تجدیدپذیر، موقعیت مناسبی برای

عرضه این گونه انرژی های در اختیار دارد. شایسته است که با استفاده بهینه از این نعمت های الهی، در برنامه ریزی انرژی کشور جایگاه مناسبی برای انرژی های نو در نظر گرفته شود .

عوامل طراحی، ساخت و آگیری سد گتوند محاکمه شوند^۱

سیداحمد نبوی در گفتگو با خبرنگار «انرژی امروز» گفت: ما در مدیریت و نظارت صحیح رودخانه های حفاظت شده مشکلات بسیاری داریم و حفاظت آب های سطحی ما پایبند هیچ اصولی نیست.

وی افزود: هیچگونه مدیریتی درستی در میزان مصرف آب در کشاورزی وجود ندارد و این میزان مصرف از آب های داخلی، ناشی از ضعف مدیریت یکپارچه است و بدین صورت آینده روشنی برای آب ایران متصور نخواهیم بود.

مشاور پیشین رییس سازمان حفاظت محیط زیست، تصریح کرد: مشکلاتی که در خصوص آب های بین المللی وجود دارد دلایل متعددی از جمله شرایط ویژه منطقه و خاورمیانه، درگیری های سخت با تکفیری ها در مرزها و دیگر عوامل داشته که باعث شده مدیریت و نظارت کاملی بر آب های مرزی صورت نگیرد. بازگشت به شرایط عادی در منطقه و تعامل با کشورهای دارای مرز مشترک می تواند در حل این مشکلات راهگشا باشد. او افزود: مدیریت آب های زاگرس که به سمت کشور عراق در جریان هستند، مدیریت رودهای دجله و فرات که به رودخانه کارون و بعد خلیج همیشه فارس منتهی می شود و موارد این چنینی می تواند در مدیریت جامع آب کشور در حوزه بین الملل کمک های شایانی نماید و مطمئناً تصمیم گیری های منطقه ای بر موارد اشاره شده تأثیرگذار خواهد بود.

نبوی گفت: نمونه ای از محاکمه قضایی که قوه قضائیه می تواند آن را بررسی کند و درس عبرتی برای تخریب کنندگان محیط زیست باشد رسیدگی به طراحی، ساخت و آگیری سد گتوند می باشد، میلیاردها مترمکعب آب شیرین از سرچشمه های زاگرس در پشت سد گتوند جمع شده و تبدیل به آب شور می شوند.

^۱ پایگاه اطلاع رسانی تازه های انرژی ایران بخش آب کدخبر: ۱۸۶۳، سید احمد نبوی

مدیر کل بازرسی پیشین سازمان حفاظت محیط زیست دلیل این امر را بی تدبیری مدیران وقت وزارت نیرو در شناسایی منطقه، طراحی و ساخت عنوان کرد و همچنین معجز ارزیابی زیست محیطی مدیران وقت سازمان حفاظت محیط زیست به این پروژه را عامل این جنایت بزرگ در حق مردم شریف ایران دانست.

او تصریح کرد: در این مورد چه کسانی باید محاکمه شوند؟ آیا این جنایت نیست این مقدار آب شیرین که می توانست بخش بزرگی از کشور ایران را پوشش دهد؛ اینگونه از بین برود؟

بحران آب، موضوعی ملی^۱

بحران آب از آن دست مشکلاتی است که گاهی تنها به عنوان سوژه سخنرانی ها و کنفرانس ها مطرح می شود و تنها حربه برای مسئولانی است که گاه و بیگاه باید دست آویزی داشته باشند تا اعلام کنند حرفی برای گفتن و مشکلی برای حل کردن دارند. اما اصل ماجرا این است که بحران آب تنها در یک یا چند جلسه و سمینار و کنفرانس حل نمی شود و نیاز به یک عزم ملی دارد، زیرا بحران آب موضوعی ملی است. دکتر سیداحمد نبوی، مشاور سابق رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، در گفت و گو با «سبزینه» می گوید: خداوند نعمتش را بر سر بندگانش فرو می ریزد و امیدواریم که مشیت خداوند بر افزایش این نعمت باشد. اما از این موضوع که بگذریم موضوع مدیریت منابع آب است که در کشور ما به شدت با مشکل روبه رو است و اگر مدیریتی جهادی بر این معضل بزرگ حاکم شود، کل ماجرا حل خواهد شد.

اگر طبق فرمایشات مقام معظم رهبری که مسأله اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند، به آب هم از منظر اقتصاد مقاومتی نگاه کنیم، خیلی از مشکلات برطرف خواهد شد و شهامت قبول اشتباه را پیدا خواهیم کرد و تمام فرمول های جهان در آن مستتر خواهد بود.

با ورود قوه قضائیه شاید مشکلات حل شود

وی در ادامه می گوید: در حوزه سدسازی روزی فکر می کردیم که هرچه سد بیش تری بسازیم بهتر است؛ اما وقتی در این حوزه به مشکل برخوردیم، باید جرأت این را داشته باشیم که رسماً از مردم عذرخواهی کنیم و جلوی ساخت سدهای جدید را بگیریم. مشاور سابق رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در ادامه می گوید: در بحث محیط زیست و صناعی که آب بر بوده اند هیچ وقت به فکر آینده آب نبودیم و مدام اشتباهات را تکرار کردیم و به صنایع آب بر مجوز داده و آب را بی دلیل هدر دادیم. در شیلات اشتباهات

^۱ روزنامه سبزینه شماره ۲۰۰ مورخ ۹۵/۱۰/۱۵، سید احمد نبوی

زیادی انجام دادیم و در کنار دریا استخرهایی زدیم که مشکل ساز شدند. این در حالی است که مدیران شیلات نیز باید در این زمینه عذرخواهی کنند و اشتباهاتشان را بپذیرند. یک جا باید جلوی این کارها گرفته شود و اگر قوه قضائیه نیز ورود پیدا کند، شاید در آینده جلوی این فجایع گرفته شود.

کمترین اشتباه قابل قبول نیست

وی در ادامه می گوید: مدیریت آب اهمیت فوق العاده ای دارد، زیرا منبع حیات این مملکت است و کوچک ترین اشتباه در این زمینه قابل جبران نیست.

نبوی در ادامه می گوید: تازه وقتی به این مرحله رسیدیم شروع کار است و از این جا به بعد وقتی مشکلات مشخص شد و مدیران مسئولیت پذیر شدند، باید از مردم کمک خواست و اگر مردم در مدیریت آب نباشند، نباید انتظار داشت کاری به نتیجه برسد. باید این موضوع برای همه جا بیفتد که اشتباه در هر حوزه ای به طور مستقیم بر روی مردم تأثیر می گذارد و این مردم هستند که از آن سود و زیان می بینند.

وی با اشاره به این که مدیریت آب باید در دست افرادی قرار بگیرد که راه گذشتگان را ادامه ندهند و از اشتباهات آنها درس بگیرند، می گوید: شاید ماجرای سد گتوند را آیندگان به جنایت تعبیر کنند؛ وقتی که آب شور را در پشت این سد جمع می کنیم و از راه انتقال آب به سفره های زیرزمینی، میلیون ها لیتر آب شیرین را از بین می بریم. نبوی با اشاره به کلیدواژه اقتصاد مقاومتی و استفاده از جوانان انقلابی در همه عرصه های علمی می گوید: شهید همت ها و باکری ها در این دوره هم حضور دارند و همه تلاششان را می کنند تا تغییر در وضع موجود ایجاد کنند و این وظیفه همه ماست که هر موضوعی را که می بینیم که می تواند به کشور ما و به منافع ملی آسیب بزند، جلویش را بگیریم.

آب نقطه آسیب کشور است

وی در ادامه می گوید: آب هم در واقع نقطه آسیب مملکت ما به حساب می آید و تا به حال جابه جایی مدیران و روسا نتوانسته تغییری در مسأله ایجاد کند؛ اما مطمئنم اگر مردم در

این بحث ورود پیدا کنند، شاید راه حل هایی ارائه دهند که بتوان در آن تغییراتی اساسی ایجاد کرد.

این کارشناس محیط زیست در ادامه می گوید: گاهی ۵۰ طرح ۲۰ ساله برای مقاوم سازی و سدسازی تدوین می شود که گاهی بیش تر آن ها نیمه کاره رها می شوند؛ اما حاضر نیستند به جوانان بها بدهند. گاهی برخی سیاست های غلط مشکلات زیادی ایجاد می کند و برخی ها حاضرند میلیاردها دلار برای خرید هواپیماهای گران قیمت برای قشر مرفه بدهند اما تلاشی برای حفظ آب نکنند. در حالی که قطره قطره آب می تواند در آینده باعث درگیری های قومی و قبیله ای شود. باید گفت اراده ای برای حفظ آب وجود ندارد. وی در ادامه می گوید: محیط زیست هم در بحث آب خیلی اهمیت دارد و در واقع ناظر قانون است؛ اما خودش در محافظت از آب و خاک در قسمت هایی کوتاهی کرده است. محیط زیست گاهی آسیب زنده شده است.

در ۱۴۰۰ باید به سمت نظام پارلمانی حرکت کنیم^۱

دبیرکل حزب همت: امروز باید یک نظام پارلمانی شکل بگیرد که حتی رهبری در صحبت‌های خود، در کردستان به این نکته اشاره کردند اما امدادگی آن وجود نداشت و مطرح نشد.

به گزارش خبرنگار تهران پرس، سید احمد نبوی، دبیرکل حزب همت در بازدید از خبرگزاری تهران درباره آینده کشور در انتخابات سال ۹۸ گفت: من معتقدم دو بخش پانزده و هفده ساله در تاریخ کشور داریم، اول سال ۴۲ تا ۵۶ و از ۵۶ تا سال ۶۸؛ این دو مقطع، مقاطع مهمی است. سال ۴۲ تا ۵۶ امام با کمک انقلابیون و علما و طلبه در دوی ۱۰۰متر امدادی چوب را برداشت و در ۵۶ تحویل مردم داد. یعنی تا وقتی مردم نیامده بودند کار به نتیجه نمی‌رسید. سال ۵۶ مردم این چوب را تحویل گرفتند و دوسال اول مقابله با ضد انقلاب بود، سپس وارد جنگ شدند، جنگ را مدیریت کردند؛ نهایتاً به جایی رساندند که گفته شد نظام شکل گرفته است، باید حکومت به دست نظام داده شود. قانون عوض شده و آقای هاشمی می‌خواهند رییس جمهور شود، نظم در حال شکل گیری است. مردم از اینجا چوب را تحویل دادند. از آن موقع تا به امروز مردم ۸ سال به ۸ سال آمده اند حکومت را از جناحی به جناح دیگر تغییر داده‌اند. این اتفاق یکروزه افتاده! یعنی حضور مردم فقط یکروز بوده! مردم وسط کار نبودند، چرا؟ چون نظام این را نخواست، منظور از نظام چیست؟ یعنی رییس جمهور، چون فکر می‌کردند به انتهای ماجرا رسیده اند و نظام دست آن هاست و انقلابی گری و جهاد سازندگی نیاز نداریم و بروید خانه هایتان.

مردم دیگر حاضر نیستند این چوب را در یک جمعه دیگر انتخاباتی تحویل جناح دیگری دهند و اعتقاد راسخ دارم، دو سال دیگر مردم، با کاندیداها به شرط و شروط رای

^۱ خبرگزاری تهران پرس، کد خبر: ۲۲۸۳۸۲ تاریخ انتشار: ۲۷/اسفند/۱۳۹۶، سید احمد نبوی

می دهند. حق و حقوق خود را مطالبه می کنند. برای مثال اینکه خانواده آن ها در حوزه انتخابیه زندگی کنند، هفته ای دوبار باید مراجعه کنند، مشاورین نماینده در همان شهر باشند و خیلی از شروط دیگر؛ طوری که دیگر به حزب بدهکار نباشید، به مردم بدهکار باشید. الان شما در تهران یک نظر سنجی بکنید، چند درصد از مردم تهران ۳۰ نماینده خود را می شناسند؟! دو سال گذشته اما ۱۰ درصد مردن تهران، ۱۰ درصد نماینده های خود را می شناسند. خب، پس دختر فلانی که در تهران نماینده شده به مردم بدهکار نیست، به حزب بدهکار است، به خاتمی بدهکار است، به اصلاحات بدهکار است! چون در لیست بوده نماینده شده است، پس به جای مردم، به حزب سرویس می دهد تا دفعه بعد هم در لیست باشد.

اما در انتخابات ۹۸ اینگونه نخواهد بود، سید خندان، سید گریان، به هر مدل و شیوه ای که بخواهند رای بگیرند موثر نیست. مردم انتخاب می کنند.

دیر کل حزب همت درباره پیش بینی چینش مجلس آینده ادامه داد: پیش بینی من این است که مجلس آینده، مستقل ترین مجلس تاریخ جمهوری اسلامی خواهد شد. امروز ما ۸۰ نماینده مستقل داریم در مجلس اما نتوانستند فراكسیون تشکیل دهند، علی مطهری می توانست این افراد را دور هم جمع کرده و تشکیل فراكسیون دهد اما اینکار را نکرد. چرا؟ چون خواسته یا ناخواسته در جریان اصلاحات قرار گرفت. دوره بعد اینقدر فراكسیون مستقلین قوی خواهد بود که از میان خود انتخابات برگزار کرده و هیئت رییسه مجلس را تعیین خواهند کرد و فراكسیون اکثریت مجلس مستقل است. یعنی دیگر نیازی نیست کسی خود را منتسب به دو جناح کند تا رای بگیرد، تا جایی که باید قسم بخورم که نیستم، چون این دو حزب نتوانستند مردم را راضی نگه دارند. با این پیش فرض اعتقاد دارم آینده جمهوری اسلامی در سال ۹۷ به گونه ای رقم خواهد خورد که مستقلین اکثریت خواهند بود.

چرخش نظام پارلمانی باید صورت بگیرد:

نبوی درباره انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ اظهار داشت: من معتقدم در ۱۴۰۰ باید چرخش نظام پارلمانی صورت بگیرد. امروز باید یک نظام پارلمانی شکل بگیرد که حتی رهبری در صحبت های خود، در کردستان به این نکته اشاره کردند اما امدادی آن وجود نداشت و مطرح نشد. اگر اینگونه شود از دل مجلس رییس جمهوری در می آید که ما در خواب هم نخواهیم دید، چون به مردم بدهکار است، نه به حزب. امروز اصلاح طلبان می گویند آقای روحانی به ما بدهکار است، در این بدهکاری معاون اول را گذاشتی، فلان وزیر را هم بگذار. سهمش را می خواهد! آن یکی هم از رییس جمهور خودش سهم می خواهد. اما از نظر من در انتخابات ۱۴۰۰ به کسی سهم داده نخواهد شد. سهم، سهم مردم خواهد شد.

وی درباره عدم اقتدار مجلس عنوان کرد: نزدیک به دو سوم از نماینده های ما از کلانشهرها می آیند. این دو سوم مدیریت مجلس می کنند. مثلاً آقای زاکانی [که دوست بنده هستند] نماینده می شوند، و تا قبل از آن هم هیچ سابقه ای ندارند، اما وقتی به مجلس می رسند شاخص می شوند، قد پیدا می کنند. ممکن است آن دکتري که از جیرفت نماینده می شود از ایشان قد بلندتری داشته باشد، اما چون ایشان برای کلانشهر نیست، کمتر دیده می شود. یکی از دلایل عدم اقتدار مجلس وابستگی آن به نمایندگان کلانشهرها و جناح های سیاسی است، و دلیل دیگر آن سهم شورای نگهبان است. شورا باید یک جایی از این مقدار کنترل و نظارت دست بردارد. به نظر من شورای نگهبان باید من کاندیدا را صدا کند و بگوید من پای نظام می ایستم، اگر شما نایستید وسط کار هم برکنار می شوید. اکنون هم بحث نظارت استصوابی دارند و تا وسط راه هستند. حرف شورای نگهبان این است که می ترسم به کسی صلاحیت بدهم که بیاید و بر علیه نظام کار کند. من کاندیدا قبل از انتخابات تعهد می دهم که من ضد نظام هرگز نخواهم شد، اما متقدم! اجازه نقد دارم!؟

